دانشگاه الزهرا(س)

دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

رساله دکتری

رشته جامعه‌شناسی گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران

عنوان

حافظه، تاریخ و هویت:

مطالعه تقویم‌های رسمی و غیررسمی ۵۰ سال اخیر ایران

دانشجو

زهره سروش‌فر

اساتید راهنما:

دکتر سوسن باستانی

دکتر مرضیه موسوی

تاریخ دفاع: اسفند ۱۳۹۷

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

Title:	
Surname: soroushfar	**Name**: zohre
First Supervisor: Dr. Susan Bastani **Affiliation**: Department of sociology, Faculty of Social and Economic sciences, Alzahra University, Tehran, Iran.	**Second Supervisor**: Dr. Marzie Mousavi **Affiliation**: Department of sociology, Faculty of Social and Economic sciences, Alzahra University, Tehran, Iran.
First Advisor:Dr. Sara Shariati **Affiliation**: Department of sociology, Faculty of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.	**Second Advisor**: **Affiliation**: Department of ...., Faculty of ....,.... (University)...., ...(city), ...(country)...
Degree: Phd **Department**: Sociology **Faculty**: Faculty of Social and Economic sciences **Alzahra university**	
Subject: Memory, History and Identity: The Study of Formal and Informal Calendars of last ۵۰ years of Iran	**Field**: Collective Memory

Abstract:

The present study examines the relationship between the three concepts of memory, history and identity through a review of the formal and informal calendars of the last ۵۰ years in Iran. Formal calendars are calendars that are published with the permission of the government and reflect only occasions for political power. Informal calendars, which themselves have two types, allowed and not allowed, are calendars published by various social groups that include occasions other than formal occasion.

Political power has always paid special attention to the calendar. For example, kings chose the type of calendar that governs the calendar of each historical period, and they commented on issues such as leaps and astronomical issues of the calendar. But the question of who is responsible for extracting and publishing the calendar began gradually during the Qajar period, resulting in what became known as the "formal calendar." This trend became much more prominent in the years after the Islamic Revolution, and separate institutions were identified to extract the astronomical calendar and determine its occasions. The formal calendar has no place for the publication of occasions considered by other social groups, especially those that have been rejected and marginalized by political power for any reason. These groups are also excluded from the calendar and therefore seek a place to record their collective memory in the form of occasions. Hence, informal calendars are formed. Of course, it

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

should be noted that not all informal calendars belong to such groups, but some of these calendars are allowed for publication, and only some groups want other occasions in addition to the formal calendar occasions.

Informal calendars are a place to record "collective memory" and tell different social groups about their history and past and that of society. In contrast, the formal calendar tells the story of political power from history. In fact, "history" is recorded in the formal calendar and "alternative memories" are recorded in the informal calendars. Formal history removes and suppresses the narrative of many groups. History and collective memory both play a role in defining the identity of a group or society, meaning that such narratives are used to construct a particular identity that is intended by political power or different groups. The theoretical issues raised in the second chapter discuss history, identity, and collective memory, as well as alternative memory. In this regard, various theories such as the theory of Maurice Halbwachs, Eric Hobsbawm, Michael Foucault and other thinkers have been used.

This research has studied the formal calendar and more than ۲۷۰ informal calendars collected by the researcher with a qualitative approach and using the case study method. The findings of the study indicate the removal of occasions related to some groups such as women, students, teachers, workers, children, etc. from the formal calendar. The findings also show that some historical periods such as the first Pahlavi era and Dr. Mossadegh era have been removed from the formal calendar. In fact, there are significant differences between the formal calendar and some informal calendars in terms of the type of occasion in question, the historical periods emphasized, and the approach to a common occasion.

The results show that the monopolistic and policy-making approach to the formal calendar has fueled identity conflicts within the community because other existing groups did not find their history in the calendar. Thus, in response to this approach of political power to the calendar, Iranian society faced an explosion of informal calendars, especially in the post-revolutionary years. These calendars show the gaps between different social groups with political power and the gaps between the social groups themselves.

Keywords: collective memory, history, identity, informal calendar,formal calendar

دسترسی به این مدرک بر پایۀ آیین‌نامۀ ثبت و اشاعۀ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارۀ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایۀ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عنوان: حافظه، تاریخ و هویت: مطالعه تقویم‌های رسمی و غیررسمی ۵۰ سال اخیر ایران	
نام‌خانوادگی: سروش‌فر	**نام:** زهره
استاد راهنمای اول: دکتر سوسن باستانی **وابستگی سازمانی:** گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.	**استاد راهنمای دوم:** دکتر مرضیه موسوی **وابستگی سازمانی:** گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.
استاد مشاور اول: دکتر سارا شریعتی **وابستگی سازمانی:** گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران	**استاد مشاور دوم:** **وابستگی سازمانی:** گروه......، دانشکده.......، ....(دانشگاه)....، ...(شهر)....، .....(کشور).....
مقطع: دکتری **گروه:** جامعه‌شناسی **دانشکده:** علوم اجتماعی و اقتصادی **دانشگاه الزهرا(س)**	
رشته/ گرایش: جامعه‌شناسی/ بررسی مسائل اجتماعی ایران	**زمینه پژوهش:** حافظه جمعی

چکیده:

پژوهش حاضر به بررسی رابطه میان سه مفهوم حافظه، تاریخ و هویت از خلال بررسی تقویم‌های رسمی و غیررسمی ۵۰ سال اخیر ایران می‌پردازد. منظور از تقویم رسمی تقویم‌هایی هستند که با مجوز حکومت منتشر شده و در آنها فقط مناسبت‌های مدنظر قدرت سیاسی منعکس می‌شوند. تقویم-های غیررسمی که خود دارای دو نوع بامجوز و بدون مجوز هستند، تقویم‌هایی هستند که توسط گروه‌های گوناگون اجتماعی منتشر شده و در آنها مناسبت‌هایی غیر از مناسبت‌های رسمی نیز وارد می‌شوند.

قدرت سیاسی همواره به تقویم توجه خاص داشته است. برای مثال انتخاب نوع گاه‌شماری حاکم بر تقویم هر دوره تاریخی توسط پادشاهان صورت می‌گرفته است و آنها در خصوص موضوعاتی مانند کبیسه‌گیری و مسائل نجومی تقویم نظر می‌داده‌اند. اما این مسأله که چه کسی مسئول استخراج و انتشار تقویم است، از دوره قاجار به تدریج آغاز شد و در نتیجه چیزی به عنوان «تقویم رسمی» شکل گرفت. این روند در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بسیار برجسته‌تر شد و نهادهایی جداگانه برای استخراج نجومی تقویم و تعیین مناسبت‌های آن مشخص شدند. تقویم رسمی جایی برای انتشار مناسبت‌های

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است. استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و

مدنظر دیگر گروه‌های اجتماعی و به ویژه گروه‌هایی که به هر دلیلی از سوی قدرت سیاسی طرد و حاشیه‌ای شده‌اند، ندارند. این گروه‌ها از تقویم نیز طرد می‌شوند و به همین دلیل به دنبال جایی برای ثبت حافظه جمعی خود در قالب مناسبت‌ها هستند. از همین‌رو تقویم‌های غیررسمی شکل می‌گیرد. البته باید به این مسأله نیز اذعان نمود که همه تقویم‌های غیررسمی مختص چنین گروه‌هایی نیستند بلکه برخی از این تقویم‌ها مجوز انتشار دارند و فقط برخی گروه‌ها می‌خواهند علاوه بر مناسبت‌های تقویم رسمی مناسبت‌هایی دیگر را نیز به تقویم خود اضافه کنند.

تقویم‌های غیررسمی مکانی برای ثبت «حافظه جمعی» و روایت گروه‌های مختلف اجتماعی از تاریخ و گذشته خود و جامعه هستند. در مقابل تقویم رسمی روایت قدرت سیاسی را از تاریخ بیان می‌کند. در واقع در تقویم رسمی «تاریخ» و در تقویم‌های غیررسمی «حافظه‌های بدیل» این تاریخ به ثبت می‌رسند. تاریخ رسمی روایت بسیاری از گروه‌ها را از خود حذف می‌کند و آنها را سرکوب می‌نماید. تاریخ و حافظه جمعی هر دو در ارتباط با تعریف هویت یک گروه یا جامعه نقش ایفا می‌کنند بدین معنا که از چنین روایت‌هایی برای ساخت هویتی خاص که مدنظر قدرت سیاسی و یا گروه‌های مختلف است استفاده می‌شود. مباحث نظری مطرح شده در فصل دوم به بحث تاریخ، هویت و حافظه جمعی و نیز بحث حافظه بدیل می‌پردازد و در این زمینه نظریات مختلفی همچون نظریه موریس هالبواکس، اریک هابزبام، میشل فوکو و دیگر متفکران مورد استفاده قرار گرفته است.

این پژوهش با رویکرد کیفی و استفاده از روش مطالعه موردی به مطالعه تقویم رسمی و بیش از ۲۷۰ تقویم غیررسمی گردآوری شده توسط محقق پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از حذف مناسبت‌های مربوط به برخی از گروه‌ها مانند زنان، دانشجویان، معلمان، کارگران، کودکان و ... از تقویم رسمی است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که برخی برهه‌های تاریخی مانند دوران پهلوی اول و دکتر مصدق از تقویم رسمی حذف شده‌اند . در واقع میان تقویم رسمی و برخی از تقویم‌های غیررسمی از نظر نوع مناسبت‌های مدنظر، دوره‌های تاریخی مورد تأکید و رویکرد به یک مناسبت مشترک تفاوت‌های برجسته‌ای وجود دارد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد انحصاری و سیاست‌گذارانه نسبت به تقویم رسمی به مناقشات هویتی در درون جامعه دامن زده است زیرا دیگر گروه‌های موجود، تاریخ خود را در تقویم نمی‌یافتند. بدین ترتیب در واکنش به این رویکرد قدرت سیاسی نسبت به تقویم، جامعه ایران با انفجار تقویم‌های غیررسمی به ویژه در سال‌های پس از انقلاب مواجه شد. این تقویم‌ها نشان دهنده شکاف‌های موجود در میان گروه‌های مختلف اجتماعی با قدرت سیاسی و شکاف میان خود گروه‌های اجتماعی با یکدیگر است.

کلیدواژه: حافظه جمعی، تاریخ، هویت، تقویم غیررسمی، تقویم رسمی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بسم الله الرحمن الرحیم

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دانشگاه الزهرا(س)

دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

رساله دکتری

رشته جامعه‌شناسی گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران

عنوان

حافظه، تاریخ و هویت:

مطالعه تقویم‌های رسمی و غیررسمی ۵۰ سال اخیر ایران

دانشجو

زهره سروش‌فر

اساتید راهنما:

دکتر سوسن باستانی

دکتر مرضیه موسوی

تاریخ دفاع: اسفند ۱۳۹۷

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

باسمه‌تعالی

تعهد اصالت اثر دانشگاه الزهرا(س)	دانشگاه الزهرا تحصیلات تکمیلی

اینجانب زهره سروش‌فر دانش‌آموخته مقطع دکتری در رشته جامعه‌شناسی گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران که در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۹ از پایان‌نامه/ رساله خود تحت عنوان:

حافظه، تاریخ و هویت: مطالعه تقویم‌های رسمی و غیررسمی ۵۰ سال اخیر ایران

با کسب درجه الف دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم:

۱. این پایان‌نامه/ رساله دستاورد پژوهش اینجانب بوده و محتوای آن از درستی و اصالت برخوردار است.
۲. این پایان‌نامه/ رساله و محتوای آن تاکنون توسط اینجانب یا فرد دیگری برای دریافت مدرک یا امتیاز در هیچ کجا ارائه نشده است.
۳. مقالات مستخرج از این پایان‌نامه/ رساله کاملاً منطبق بر آن بوده و از هرگونه جعلِ‌داده و یا تغییر اطلاعات پرهیز خواهم نمود.
۴. در همهٔ آثار مستخرج از این پایان‌نامه/ رساله، نام استاد(ان) راهنما و درصورت تشخیص استاد راهنمای نخست، نام استاد(ان) مشاور و نشانی رایانامهٔ سازمانی آنان را درج خواهم کرد.
۵. حق نشر، تکثیر و درآمدهای حاصل از این پایان‌نامه/ رساله مطابق آیین‌نامه مالکیت فکری و تجاری‌سازی دانشگاه‌الزهرا مصوب هیات امنا دانشگاه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ متعلق به دانشگاه است و هرگونه بهره‌مندی و یا نشر دستاوردهای حاصل از این تحقیق اعم از چاپ کتاب، مقاله و ...، چه در زمان دانشجویی و یا بعد از فراغت از تحصیل، با کسب اجازه از معاونت پژوهشی دانشگاه مجاز می‌باشد و چنانچه تدوین پایان‌نامه/ رساله منجر به اختراع و یا دستیابی به دانش فنی جدید شود، مشمول احکام مرتبط با اختراع اثر و یا نوآوری، مندرج در آیین‌نامه فوق خواهد بود.
۶. حقوق معنوی همهٔ کسانی را که در به‌دست آمدن نتایج اصلی پایان‌نامه/ رساله تاثیرگذار بوده‌اند، رعایت کرده و هنگام به کار بردن دستاورد پژوهش‌های دیگران در آن، با دقت و به درستی به آن‌ها استناد نموده‌ام، درغیراین‌صورت برابر قوانین و مقررات مسئول بوده و دانشگاه در این خصوص مسئولیتی ندارد.
۷. در صورت اثبات تقلب در تهیه پایان نامه/ رساله، برابر قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در وزارت علوم با دانشجو رفتار خواهد شد.

نام و نام خانوادگی دانشجو:

تاریخ و امضا

زهره سروش‌فر

۱۴۰۱/۰۱/۲۷

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیداوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

این پایان‌نامه/ رساله با حمایت مالی .... انجام رسیده است.

(ویژه پایان‌نامه/ رساله‌هایی که موافقت معاونت پژوهشی دانشگاه الزهرا و سازمان حمایت کننده را دارند.)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بسمه تعالی

دانشگاه الزهرا

گزارش جلسه دفاع نهایی از رساله دکتری

شماره : ....

تاریخ : ....

نام و نام خانوادگی : زهره سروش فر **شماره دانشجویی :۹۱۲۲۳۱۰۰۵**

رشته و گرایش تحصیلی : جامعه شناسی- بررسی مسائل اجتماعی ایران

دانشکده: علوم اجتماعی واقتصاد

نوع پذیرش :آزاد / بورسیه)

تاریخ تصویب پیشنهادی رساله : ۱۳۹۵/۰۶/۱۵ **تاریخ دفاع نهایی۱۹/ ۱۲/ ۱۳۹۷**

عنوان رساله : حافظه، تاریخ و هویت: مطالعه [illegible] ایران

نتیجه دفاعیه :

رساله به عنوان فوق مورد تایید کمیته داوران قرار گرفت

میانگین نمرات هیات داوران: ۱۹/۱

هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
استاد راهنمای اول	خانم دکتر سوسن باستانی		[امضا]
استاد راهنمای دوم	خانم دکتر مرضیه موسوی		[امضا]
استاد مشاور اول	خانم دکتر سارا شریعتی مزینانی		[امضا]
استاد مشاور دوم	----------------		
داور داخلی	خانم دکتر منصوره اعظم آزاده		[امضا]
داور داخلی	خانم دکتر افسانه کمالی		[امضا]
داور خارجی	آقای دکتر غلامرضا کاشی		[امضا]

گزارش نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه :

جلسه رأس ساعت با حضور تمامی اعضای کمیته برگزار گردید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

نام و امضاء نماینده :

•لطفا این فرم در ۳ نسخه اصل تهیه شود.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

چکیده:

پژوهش حاضر به بررسی رابطه میان سه مفهوم حافظه، تاریخ و هویت از خلال بررسی تقویم‌های رسمی و غیررسمی ۵۰ سال اخیر ایران می‌پردازد. منظور از تقویم رسمی تقویم‌هایی هستند که با مجوز حکومت منتشر شده و در آنها فقط مناسبت‌های مدنظر قدرت سیاسی منعکس می‌شوند. تقویم‌های غیررسمی که خود دارای دو نوع بامجوز و بدون مجوز هستند، تقویم‌هایی هستند که توسط گروه‌های گوناگون اجتماعی منتشر شده و در آنها مناسبت‌هایی غیر از مناسبت‌های رسمی نیز وارد می‌شوند.

قدرت سیاسی همواره به تقویم توجه خاص داشته است. برای مثال انتخاب نوع گاه‌شماری حاکم بر تقویم هر دوره تاریخی توسط پادشاهان صورت می‌گرفته است و آنها در خصوص موضوعاتی مانند کبیسه‌گیری و مسائل نجومی تقویم نظر می‌داده‌اند. اما این مسأله که چه کسی مسئول استخراج و انتشار تقویم است، از دوره قاجار به تدریج آغاز شد و در نتیجه چیزی به عنوان «تقویم رسمی» شکل گرفت. این روند در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بسیار برجسته‌تر شد و نهادهایی جداگانه برای استخراج نجومی تقویم و تعیین مناسبت‌های آن مشخص شدند. تقویم رسمی جایی برای انتشار مناسبت‌های مدنظر دیگر گروه‌های اجتماعی و به ویژه گروه‌هایی که به هر دلیلی از سوی قدرت سیاسی طرد و حاشیه‌ای شده‌اند، ندارند. این گروه‌ها از تقویم نیز طرد می‌شوند و به همین دلیل به دنبال جایی برای ثبت حافظه جمعی خود در قالب مناسبت‌ها هستند. از همین‌رو تقویم‌های غیررسمی شکل می‌گیرد. البته باید به این مسأله نیز اذعان نمود که همه تقویم‌های غیررسمی مختص چنین گروه‌هایی نیستند بلکه برخی از این تقویم‌ها مجوز انتشار دارند و فقط برخی گروه‌ها می‌خواهند علاوه بر مناسبت‌های تقویم رسمی مناسبت‌هایی دیگر را نیز به تقویم خود اضافه کنند.

تقویم‌های غیررسمی مکانی برای ثبت «حافظه جمعی» و روایت گروه‌های مختلف اجتماعی از تاریخ و گذشته خود و جامعه هستند. در مقابل تقویم رسمی روایت قدرت سیاسی را از تاریخ بیان می‌کند. در واقع در تقویم رسمی «تاریخ» و در تقویم‌های غیررسمی «حافظه‌های بدیل» این تاریخ به ثبت می‌رسند. تاریخ رسمی روایت بسیاری از گروه‌ها را از خود حذف می‌کند و آنها را سرکوب می‌نماید. تاریخ و حافظه جمعی هر دو در ارتباط با تعریف هویت یک گروه یا جامعه نقش ایفا می‌کنند بدین معنا که از چنین روایت‌هایی برای ساخت هویتی خاص که مدنظر قدرت سیاسی و یا گروه‌های مختلف است استفاده می‌شود. مباحث نظری مطرح شده در فصل

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دوم به بحث تاریخ، هویت و حافظه جمعی و نیز بحث حافظه بدیل می‌پردازد و در این زمینه نظریات مختلفی همچون نظریه موریس هالبواکس، اریک هابزبام، میشل فوکو و دیگر متفکران مورد استفاده قرار گرفته است.

این پژوهش با رویکرد کیفی و استفاده از روش مطالعه موردی به مطالعه تقویم رسمی و بیش از ۲۷۰ تقویم غیررسمی گردآوری شده توسط محقق پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از حذف مناسبت‌های مربوط به برخی از گروه‌ها مانند زنان، دانشجویان، معلمان، کارگران، کودکان و ... از تقویم رسمی است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که برخی برهه‌های تاریخی مانند دوران پهلوی اول و دکتر مصدق از تقویم رسمی حذف شده‌اند . در واقع میان تقویم رسمی و برخی از تقویم‌های غیررسمی از نظر نوع مناسبت‌های مدنظر، دوره‌های تاریخی مورد تأکید و رویکرد به یک مناسبت مشترک تفاوت‌های برجسته‌ای وجود دارد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد انحصاری و سیاست‌گذارانه نسبت به تقویم رسمی به مناقشات هویتی در درون جامعه دامن زده است زیرا دیگر گروه‌های موجود، تاریخ خود را در تقویم نمی‌یافتند. بدین ترتیب در واکنش به این رویکرد قدرت سیاسی نسبت به تقویم، جامعه ایران با انفجار تقویم‌های غیررسمی به ویژه در سال‌های پس از انقلاب مواجه شد. این تقویم‌ها نشان دهنده شکاف‌های موجود در میان گروه‌های مختلف اجتماعی با قدرت سیاسی و شکاف میان خود گروه‌های اجتماعی با یکدیگر است.

کلیدواژه‌ها: حافظه جمعی، تاریخ، هویت، تقویم غیررسمی، تقویم رسمی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست مطالب:

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست جداول:

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست تصاویر:

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل اول: کلیات

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیداوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱ـ۱ـ مسأله چیست: تکثری خنثی یا ویرانگر؟

کدام مناسبت‌ها را با جدیت بیشتری برگزار می‌کنیم؟ کدام یک برای ما اهمیت بیشتری دارد و کدام را مورد بی‌توجهی قرار می‌دهیم؟ در تقویم رسمی‌ای که در سال‌های پس از انقلاب در ایران منتشر می‌شود، تعداد مناسبت‌های زیادی ثبت شده است اما تمامی این مناسبت‌ها برای همه اعضای جامعه به یک میزان اهمیت ندارند و افراد بر اساس فرهنگ، سابقه خانوادگی، پیشینه تاریخی اجتماع‌شان، نحله سیاسی‌ای که به آن تعلق دارند و عوامل بسیار دیگری نسبت به مناسبت‌های گوناگون واکنش نشان می‌دهند. اما تقویم رسمی تنها منعکس کننده مناسبت‌های مدنظر حاکمیت است و آن مناسبت‌هایی که برای دیگر گروه‌های اجتماعی مهم است، را باز نمی‌نمایاند. اما از سوی دیگر تقویم‌هایی هر سال در میان برخی از اعضای جامعه دست به دست می‌شود که توسط گروه‌هایی خاص منتشر می‌شوند؛ از جمله می‌توان از تقویم‌های زنان، تقویم کارگران، تقویم محیط زیستی، تقویم سینماگران، تقویم معماران و موارد بسیار دیگری از این دست نام برد. می‌توان این تقویم‌ها را در مقابل تقویم رسمی، تقویم‌های غیررسمی نامید؛ البته باید اذعان کرد که غیررسمی بودن الزاما به معنای ممنوعه بودن نیست بلکه صرفا به این موضوع اشاره دارد که چنین تقویم‌هایی از سوی مراجع رسمی درون حکومت منتشر و توزیع نمی‌شوند. برخی از این تقویم‌ها را که دارای مجوز هستند، می‌توان به راحتی در بازار یافت اما برخی دیگر که مجوز انتشار ندارند، معمولا میان اعضای همان گروه یا جمع پخش می‌شود. این تقویم‌ها از نظر شمار و تنوع در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته‌اند.

تقابل در مورد برخی مناسبت‌ها میان حاکمیت و بخش‌هایی از مردم در سال‌های اخیر شکل آشکاری پیدا کرده است. این تقابل‌ها اگرچه قبلا هم سابقه داشته و از سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب و حتی پیش از آن از زمان پهلوی اول (به ویژه با تصویب تقویم شاهنشاهی به عنوان تقویم رسمی) شکل گرفته بود. در دوران پیش از انقلاب مخالفت علنی و شدید مردم با تقویم شاهنشاهی موجب شکست آن پس از دو سال شد اما پس از انقلاب مواجهه بر سر مناسبت‌های تقویم میان قدرت سیاسی و مردم کمتر صورت آشکاری به خود گرفته بود. نمونه آن را می‌توان در درگیری‌های میان نیروهای نظامی با مردمی که در «روز کوروش» بر سر مزار او حضور می‌یابند، مشاهده کرد. همچنین تقابل‌هایی که در خصوص برگزاری «روز ولنتاین» میان مردم و قدرت سیاسی صورت می‌گیرد، از جمله دیگر مواردی است که می‌توان نام برد. این‌ها شواهدی است که نشان می‌دهد تقویم می‌تواند عامل چالش‌هایی جدی در سطح جامعه شود. روز کوروش و ولنتاین مناسبت‌هایی هستند که در تقویم رسمی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جایی ندارند اما بخش‌هایی از جامعه خواهان برگزاری آنها هستند. به نظر می‌رسد هر قدر قدرت سیاسی بیشتر در خصوص این مناسبت‌ها حساسیت نشان می‌دهد، حساسیت در بخش‌هایی از جامعه که آنها را برگزار می‌کنند، نیز بیشتر می‌شود و حتی افراد بیشتری به آنها می‌پیوندند.

تقویم‌ها می‌توانند نقش آرشیو را برای حکومت‌ها ایفا کنند. آرشیو به معنای محل نگهداری یک چیز، در تقویم خود را در ثبت رویدادهایی که حکومت خواستار حفظ و نگهداری آنها و ممانعت از نابودی‌شان است، بروز می‌دهد. آرشیو حکومت‌ها تاریخ آنها را می‌سازند و حفظ می‌کنند. آنچه در آرشیو می‌ماند و آنچه کنار گذاشته می‌شود، تاریخی را نشان می‌دهد که روایت می‌گردد. بدین ترتیب در تقویم رسمی نیز «تاریخ» از خلال نقش آرشیوی آن روایت شده است. اهمیت تقویم برای قدرت سیاسی ناشی از همین نقش آن در برساخت تاریخ است؛ روایتی از تاریخ که مدنظر حاکمان است. چنین تاریخی در جهت ایجاد مشروعیت برای حکومت و حفظ هژمونی آن در عرصه جامعه عمل می‌کند. روایتی است که اعضای جامعه را ترغیب می‌کند از خلال آن به خود، گذشته، حال و آینده‌شان بنگرند و بدین ترتیب سلطه قدرت سیاسی را تثبیت می‌نماید. همین امر موجب شده است که تقویم‌ها برای حکومت‌های انقلابی اهمیتی دوچندان پیدا کنند. تاریخ، تقویم رسمی را به عنوان یکی از محمل‌های خود برای بازگویی روایتش می‌یابد. روایت مسلط از خلال تقویم رسمی خود را تکرار می‌کند و تلاش می‌کند تاریخش را به عنوان تنها روایت موجود از گذشته جا بیندازد. اما همین امکان در اختیار گروه‌های اجتماعی دیگر هم قرار دارد. آنها هم می‌توانند حافظه خود را در قالب مناسبت‌های ثبت شده در تقویم بسازند. مناسبت‌ها اعم از مذهبی و غیرمذهبی، تقویم‌ها را نشانه‌گذاری می‌کنند؛ نشانه‌هایی که یادآوری کننده هستند. تقویم‌ها آنچه را که بر یک جامعه رفته است، بازمی‌گویند و طنین صداهای مسلط یا فریاد صداهای فروخفته و خاموش شده می‌شوند.

پس از پیروزی انقلاب، تقویم همواره جایگاه خاصی در میان سیاست‌گذاران داشته است. در این دوران بیشترین میزان توجه حکومت معطوف به مناسبت‌های ثبت شده در تقویم شد به گونه‌ای که تعداد مناسبت‌های مذهبی و سیاسی به یکباره افزایش یافت و در مجموع مناسبت‌های تقویم دچار تحولات دائمی شد. تأسیس «شورای تقویم» در موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران (جهت استخراج تقویم) و «کمیسیون نام‌گذاری ایام خاص» در شورای فرهنگ عمومی (جهت تعیین و نظارت بر درج مناسبت‌ها در تقویم) تحولات جدی در دوران پس از انقلاب جهت نظارت بر تقویم توسط حکومت بود. افزایش ناگهانی و تورم مناسبت‌ها در تقویم و تحولاتی که هر سال در آن رخ می‌دهد، نشان می‌دهد که تقویم مسأله‌ای جدی برای حکومت است. نظارت بر تقویم در جهت ثبت

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

روایت مدنظر قدرت سیاسی از تاریخ است و ارائه یک روایت خاص، حذف دیگر روایت‌های موجود را در پی دارد. گروه‌های مختلف درون جامعه که با تمام یا بخش‌هایی از روایت رسمی موافق نیستند و روایت‌های دیگری از تاریخ دارند، خواهان آن هستند که رویدادهایی که برای‌شان مهم است در تقویم وارد شود.

انتشار تقویم در سال‌های پس از انقلاب به دو صورت است: تقویم‌هایی که دارای مجوز انتشار هستند و تقویم‌های بدون مجوز انتشار و توزیع. مجوز انتشار تقویم را شورای فرهنگ عمومی می‌دهد و این مجوز تنها در صورتی ارائه می‌شود که نهاد، فرد یا گروه منتشر کننده از چند ماه قبل از پایان سال به این شورا مراجعه نموده و درخواست خود را برای مجوز ارائه دهد، مناسبت‌های تصویب شده برای درج در تقویم سال بعد را دریافت کند و تعهد بدهد که این مناسبت‌ها بی‌کم و کاست در تقویم آنها در کنار دیگر مناسبت‌هایی که ممکن است خودشان در آن بیاورند، ثبت شود. در غیر این صورت آنها مجاز به انتشار تقویم نیستند و با پیگردهای قانونی ناشی از این امر مواجه خواهند شد. بدین ترتیب در کنار تقویم رسمی ما دو نوع تقویم غیررسمی داریم: تقویم‌های غیررسمی دارای مجوز و تقویم‌های غیررسمی بدون مجوز. برای مثال اگر نگاهی به تقویم‌های منتشر شده توسط انتشارات راستی (انتشارات زرتشتیان) بیندازیم خواهیم دید که در کنار مناسبت‌های زرتشتیان تمامی مناسبت‌های مصوب جمهوری اسلامی را هم آورده است. ناگفته پیداست که این شیوه نظارتی امکان درج هر نوع مناسبتی را به هر گروهی نخواهد داد و نیاز به کسب مجوز از شورای فرهنگ عمومی و نظارت این شورا بر تقویم‌های منتشر شده در کشور، خود عاملی است که بسیاری از گروه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که حکومت آنها را به رسمیت نمی‌شناسد یا خود خواهان چنین رسمیتی نیستند و در مقابل آن موضع‌گیری دارند، مجوز انتشار و فروش تقویم به صورت عمومی را نخواهند داشت. گروه‌هایی مانند جنبش زنان ایران، جنبش کارگری، جنبش دانشجویی، قومیت‌هایی مانند کردها و ترک‌ها، گروه‌های سیاسی‌ای مانند چپ‌ها و امثال آنها تقویم‌های خود را به صورت بدون مجوز منتشر می‌کنند. در نتیجه این تقویم‌ها بیشتر بین افراد شناخته شده و اعضای شبکه‌های اجتماعی مرتبط با این گروه‌ها پخش می‌شوند و کمتر در معرض دسترس عموم مردم قرار می‌گیرند.

در مقابل تقویم رسمی، انتشار تقویم یکی از راه‌های گروه‌های مختلف اجتماعی (مانند تقویم‌های جنبش زنان، تقویم‌های هنرمندان، تقویم گروه‌های سیاسی مختلف) جهت ایجاد و احیای حافظه جمعی‌شان است. این گروه‌ها در تقویم روایت خود را از گذشته بیان می‌کنند. می‌توان گفت وقتی که یک گروه یا ساختار اجتماعی یا سیاسی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تلاش می کند حافظه‌ای را فعال کند، این عمل برای فعال نمودن هویت اعضای آن گروه است. بدین معنا که هر جامعه‌ای گذشته‌ای دارد که در تاریخ مکتوب آن بازگو و حفظ می‌شود. در مورد گروه‌های اجتماعی نیز می‌توان این‌گونه عنوان نمود که این گروه‌ها هم گذشته‌ای مختص به خود دارند یا در واقع می‌توانند روایت خود را از گذشته داشته باشند اما در بسیاری موارد مشاهده می‌شود که گروه از وجود چنین گذشته‌ای آگاه نیست یا برایش اهمیت چندانی قائل نیست که علت آن عدم احساس نیاز به بازگویی روایت خود از تاریخ است. آنچه معمولا موجب جلب توجه یک جمع یا گروه نسبت به گذشته‌اش می‌شود، حضور هویتی دیگر است که این گروه را نادیده می گیرد، سرکوب می‌نماید یا به دلیل قدرت و سیطره‌اش موجب کمرنگ شدن این گروه می‌شود. یکی دیگر از عوامل مهم می‌تواند منافعی باشد که اقتضا می کند این گروه در برابر گروه دیگر ابراز وجود نماید؛ حال این منافع می‌تواند در تمایز یافتن از گروه دیگر یا مخالفت و مقاومت در مقابل یا حتی اعلام همراهی با آن اما با هویتی متمایز باشد.

تقویم‌های رسمی نشان از تلاش حکومت‌ها برای هویت‌سازی دارند. این تلاش معطوف به برساخت هویت ملی و ایجاد وحدت و همبستگی اجتماعی میان اعضا و گروه‌های جامعه است. یکی از مهم‌ترین دلایل مداخله اغلب حکومت‌ها در ثبت یا عدم ثبت وقایع در تقویم نیاز به ایجاد هویتی ملی است که همبستگی و انسجام اجتماعی را در درون مرزهای یک کشور رقم می‌زند. دولت-ملت‌های مدرن بیش از هر چیز نیازمند برساخت هویتی مشترک و منسجم تحت عنوان ملت هستند که در درون مرزهای معین می‌زیند و از ویژگی‌های مشترکی مانند تاریخ، زبان و ارزش‌ها برخوردارند. دورکیم[۱] اهمیت گذشته را در ارتباط با نقش آن در هویت جمعی و همبستگی جامعه می‌داند. به نظر او نیاز به تداوم تاریخی منجر به دوره‌های یادآوری می شود که به جامعه اجازه می‌دهند تا احساسی را که از خود و وحدتش دارد، تجدید نماید. (میژال[۲]،۲۰۰۳). در هنگام انقلاب‌ها یا تحولات عمیق در حکومت‌ها مسأله ایجاد و تثبیت هویتی ملی و همبستگی اجتماعی بیش از هر دوره دیگری تشدید می‌شود زیرا انقلاب شرایط پیشین را از بین می‌برد و در وضعیتی که پیوندهای قدیمی گسسته شده است و گروه‌های مختلف اجتماعی در نسبت با انقلاب و تغییر حکومت به عنوان موافق، مخالف و یا خنثی شکل گرفته‌اند، این هویت‌های نوپا هر یک جامعه را به سویی می برند و خواهان حاکم شدن خود و ارزش‌های‌شان هستند. در این میان گروهی که در نهایت بر دیگران به طرق مختلف از سرکوب گرفته تا برگزاری انتخابات غلبه می کند، دغدغه اصلی‌اش تعریف یک

---
۱ Emil Durkheim
۲ Misztal Barbara A

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هویت مشترک است تا همه اعضای جامعه ذیل آن منسجم شوند. در اینجا توجه به تاریخ و گذشته به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع هویت اهمیت می‌یابد.

از همان ابتدای انقلاب اسلامی مشخص شد که انسجام و یکپارچگی جمعی ذیل عنوان «ایرانیان مسلمان شیعه» امری دست نیافتنی است. شکاف‌ها با درگیری برای در دست گرفتن قدرت و حاکمیت میان حکومت انقلابی و گروه‌های مختلف آغاز شد و هویت‌هایی سربرآوردند که در برابر هویت مسلط یک دست مدنظر آن، خود را به گونه‌ای دیگر معرفی می‌کردند.چنین شرایطی تا به امروز به اشکال و دلایل مختلف ادامه یافته است. درحالی‌که پس از پیروزی انقلاب گروه‌های سیاسی مدعی در دست گرفتن حکومت با یکدیگر و با گروه حاکم مبارزه می‌کردند، در دوره‌های بعد گروه‌های مذهبی، قومی، طبقاتی، جنبشی، صنفی، دانشجویی و دیگر گروه‌ها بر سر منافع خویش و برای کسب آزادی عقیده و عمل و حضور در جامعه تلاش کرده‌اند. بدین ترتیب تقویم تبدیل به یکی از مکان‌هایی شد که گروه‌های مذکور حضور خود را از طریق آن اعلام می‌کنند و تلاش می‌نمایند هویت خود را حفظ و احیا کنند. آنها تلاش می‌کنند از این طریق حافظه‌ای مشترک بسازند که به آنها هویت می‌بخشد حال هر چقدر هم که دامنه تأثیرگذاری این هویت‌سازی اندک باشد یا تأثیر مورد خواست آنها را نداشته باشد. البته باید توجه داشت که تقویم الزاما تنها راه یا مهم‌ترین راه برای رسیدن به این هدف نیست اما یکی از شیوه‌ها و راه‌های آن است که به نظر می رسد روز به روز و به ویژه با دسترسی به رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

می‌توان سه علت را برای انتشار تقویم‌های غیررسمی توسط گروه‌های اجتماعی برشمرد: هویت بخشی به اعضای گروه از درون و ایجاد انسجام گروهی، به رسمیت شناخته شدن گروه از سوی دیگران خارج از گروه، ارائه یک بدیل برای هویت مسلط و مقاومت در برابر آن. «هویت گروه محصول تعریف درونی جمعی است. در روابط ما با دیگران مهم، ما از تعیین هویت‌ها تشابه و اختلاف برداشت می‌کنیم و در این فرایند، هویت‌های گروه را می‌آفرینیم. در عین حال، عضویت‌های گروهی خودآگاه ما دیگران را مشخص و روابطی را با آن‌ها خلق می‌کند.» (جنکینز، ۱۳۹۶: ۱۲۹) مورد دوم معطوف به بیرون از گروه است و موجب به رسمیت شناخته شدن گروه می‌شود. برخی اوقات چنین تقویم‌هایی صرفا در جهت بازشناسی نوعی ارتباط در میان اعضای یک گروه و مرتبط کردن آنها به یکدیگر در جهت ساخت یک هویت مشخص عمل می‌نماید اما در بعضی مواقع به منظور اعلام موجودیت و به رسمیت شناخته شدن توسط افراد خارج از گروه. در نهایت به نظر می‌رسد برخی گروه‌ها از انتشار تقویم برای مقاومت در برابر هویت مسلط و نوعی مبارزه با آن سود می‌برند. ذکر این نکته هم ضروری

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

است که گاه دو علت همزمان موجب انتشار تقویم توسط این گروه‌ها می‌شود و در برخی موارد هر سه علت به همراه یکدیگر عمل می‌کنند.

وقتی گروهی تقویمی منتشر می‌کند در اولین گام در واقع خود را مرئی می‌سازد و اعلام حضور می‌کند. حال اینکه چه نوع مناسبت‌هایی در تقویم این گروه‌ها ثبت شود یا از چه نشانه‌ها، مطالب یا تصاویری در تقویم‌شان استفاده کنند، به ماهیت خود این گروه‌ها (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...)، موقعیت‌شان در ارتباط با گروه مسلط و دیگر گروه‌ها مرتبط است. پرداختن به تقویم گروه‌های اجتماعی تکثر هویتی موجود در جامعه را برملا می‌سازد و نشان می‌دهد که این گروه‌ها چه روایتی از گذشته جمعی این جامعه ارائه می‌کنند؛ همچنین مشخص خواهد شد که نقاط اشتراک و افتراق روایت مطرح شده با روایت مسلط و نیز دیگر روایت‌های موجود در جامعه در کجاست و آیا اصلا نقطه اشتراکی وجود دارد یا خیر.

همان‌طور که اشاره شد یک‌دست سازی تقویم توسط قدرت سیاسی به انتشار تقویم‌های غیررسمی توسط گروه-های گوناگون اجتماعی منجر شد تا از طریق آن بتوانند حافظه خود را احیا کنند و هویت‌شان را بازنمایانند. سکوت در مورد مناسبت‌هایی که برای دیگر گروه‌ها اهمیت دارد یا حذف آنها، به انتشار تقویم‌های غیررسمی دامن می‌زند و آنها را بر آن می‌دارد که خود را ابراز کنند. حال مسأله این است که این تکثر حافظه‌ها به کجا می‌انجامد و چه نتایجی را برای جامعه در پی دارد؟

۱ـ۱ـ۱ چرا تقویم در ایران پروبلماتیک است؟

مجموعه‌ای از شرایط موجب شده است که وضعیت تقویم در ایران وضعیتی خارج از قاعده و استثنایی شود که اگرچه نمی‌توان با اطمینان آن را موردی تکین و بی‌مانند تلقی نمود اما می‌توان گفت تقویم در سال‌های پس از انقلاب راهی را طی کرده است که آن را از قاعده جاری انتشار تقویم در اغلب کشورها مستثنی کرده است. برای این ادعا دلایلی را می‌توان ذکر کرد. دلیل اول سیاست‌گذاری افراطی تقویم در دوران پس از انقلاب است که موجب شکل‌گیری دو نهاد نظارتی و قوانین و آیین‌نامه‌های بسیار شده است. دلیل دوم تغییرات بسیار در تقویم در هر سال است به طوری که هر سال تعدادی مناسبت حذف و تعدادی دیگر اضافه می‌شوند. شکل‌گیری یک بازار تقویم دلیل دیگری است که وضعیت خاص جامعه ایران را در قبال انتشار تقویم‌ها نشان می‌دهد. در روزهای پایانی سال اگر به کتاب‌فروشی‌ها مراجعه کنید، با تقویم‌های گوناگونی مواجه می‌شوید که در اشکال

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مختلف و با مطالب متفاوتی که در صفحات‌شان آمده است از یکدیگر متمایز می‌شوند؛ از تقویم‌هایی که در صفحات آنها تصاویری از شهدای انقلاب و جنگ و مدافع حرم آمده است تا تقویم‌هایی که صفحات‌شان با مطالب روان‌شناسانه پر شده است؛ تقویم‌های مذهبی، تقویم‌های باستانی، تقویم‌های مربوط به سبک زندگی و دیگر انواع تقویم در این زمان بازار پررونقی دارند. مورد دیگری که به عنوان دلیل قابل ذکر است، مقایسه میان کشورهای دیگر با ایران در خصوص تقویم رسمی و تقویم‌های غیررسمی است. دلیل دیگر را می‌توان از طریق بررسی تقویم کشورهای دیگر دریافت. بررسی تقویم بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که در تقویم رسمی آنها تعداد بسیار کمتری مناسبت ثبت شده است و این مناسبت‌ها سال‌هاست که ثابت هستند و مانند تقویم رسمی ایران هر سال دچار تغییر و تحول نمی‌شوند. این موضوع در گزارش‌هایی که توسط شورای فرهنگ عمومی و شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص ساماندهی تعطیلات کشور و وضعیت مناسبت‌ها در تقویم ایران تهیه شده‌اند، آمده است. در گزارش «بررسی وضعیت روزها و مناسبت‌های ثبت شده در تقویم رسمی کشور و مقایسه آن با سایر کشورها» که در سال ۱۳۸۱ در شورای فرهنگ عمومی تهیه شده است، به مقایسه میزان مناسبت‌های ایران با تعداد زیادی از کشورها از قاره‌های مختلف پرداخته شده و مشخص شده است که تعداد مناسبت‌های ایران از این کشورها بسیار بیشتر است. در مورد تقویم‌های غیررسمی هم به نظر می‌رسد تفاوت قابل توجهی میان ایران با بسیاری از این کشورها وجود دارد. تقویم‌های غیررسمی عموما در ارتباط با تقویم رسمی شکل می‌گیرند و تحول می‌یابند. توجه خاص حکومت به تقویم رسمی در ایران و تلاش در جهت مدیریت و نظارت بر آن موجب شکل‌گیری تعداد بسیار زیادی از تقویم‌های غیررسمی شده است. همچنین من از خلال مصاحبه با برخی از افرادی که چندین سال را در کشورهای دیگر زندگی کرده‌اند، با این پاسخ مواجه شدم که کمتر پیش آمده با تقویم‌هایی که یک گروه اجتماعی خاص آن را منتشر می‌کنند، برخورد کرده باشند. برای مثال در مورد کشور فرانسه گفته شد که به جز دو گروه که دارای سابقه طولانی مبارزات مدنی هستند، گروه دیگری به انتشار تقویم مبادرت نمی‌کند؛ فمینیست‌ها و کارگران گروه‌هایی هستند که تقویم‌هایی را هر سال منتشر و توزیع می‌کنند. البته از آن جایی که آنان مانند برخی از گروه‌ها در ایران با ممنوعیت انتشار و توزیع این تقویم‌ها مواجه نیستند، در نتیجه با رویکردی متفاوت به این کار می‌پردازند و به نظر می‌رسد می‌خواهند از این طریق اعضای جامعه را نسبت به موضوعات مدنظر خود و همچنین تاریخ فعالیت‌های زنان و کارگران در فرانسه و در سطح جهانی آگاه سازند. در نتیجه این تقویم‌ها کارکرد هویتی ندارد و برای ایجاد انسجام در میان اعضای یک گروه منتشر نمی‌شوند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در کنار مواردی که ذکر شد خود رخداد انقلاب ارتباط جدی‌ای با پروبلماتیک کردن تقویم دارد. تغییرات شدید و وسیع سیاسی همواره موجب تحولات بسیاری در تقویم‌ها می‌شود. «اورت سی. هیوز می‌گوید: «جنبش‌های انقلابی دشمنان تقویم‌های موجود هستند به این دلیل مشخص که تقویم حافظه اجتماعی را تجسم می‌بخشد.» (زروباول، ۱۹۸۲: ۲۸۸) «برای مثال در لیبی پس از به قدرت رسیدن معمر قذافی در سال ۱۳۴۷ شمسی نوعی گاه‌شماری شمسی با مبدأ وفات پیامبر و نه مبدأ هجرت طراحی شد و رسمیت یافت. طول سال و آرایه اجرای کبیسه در این گاه‌شماری همچون گاه‌شماری میلادی بوده و دولت لیبی نام‌های جدید برای ماه‌های سال وضع کرد. در مصر پس از تشکیل جمهوری، نوعی گاه‌شماری شمسی با عنوان «تاریخ جمهوری مصر» وضع شد که مبدأ آن ۱۸ ژوئن ۱۹۵۳/ ۷ شوال ۱۳۷۲، روز اعلام تشکیل جمهوری مصر بود. در این گاه‌شماری طول سال با گاه‌شماری میلادی برابر بود و ماه‌ها هم به ترتیب سی روزه و ۳۱ روزه بودند، به جز ماه دوازدهم که تنها در سال‌های کبیسه ۳۱ روزه بودند. همچنین نام‌ها متفاوتی برای ماه‌های سال وضع شد.»[۱] در ایران نیز شاه پس از اجرای انقلاب سفید، تقویم را تغییر داد و به جای هجری شمسی، تقویم شاهنشاهی را ارائه کرد. این تحول جدی هم مبدأ تقویم برای سال‌شماری را نشانه گرفته بود و هم مناسبت‌های بسیاری در ارتباط با تاریخ شاهنشاهی و به ویژه دوران سلطنت پهلوی و خاندان آنها به آن وارد کرد (مانند زمان تاج‌گذاری محمدرضا پهلوی، روزهای تولد اعضای خاندان پهلوی، روزهای مرتبط با فعالیت‌های مهم اعضای خاندان سلطنتی و ...)؛ اما طولی نینجامید که با اعتراضات گسترده مردم تقویم شاهنشاهی مجددا جای خود را به تقویم هجری شمسی داد. مثال دیگر انقلاب اسلامی است که بلافاصله پس از آن تمامی مناسبت‌های تقویم گذشته پاک شد و مناسبت‌های جدیدی وارد آن شد.

خاص و استثنایی بودن شرایط انتشار تقویم در ایران، آن را پروبلماتیک نموده است. به همین سبب در این پژوهش ضمن مطالعه تحولات تقویم رسمی در پنجاه سال اخیر، به بررسی تقویم‌هایی که توسط گروه‌های متفاوت ایجاد می‌شوند و شیوه‌هایی که هر یک در این زمینه به کار می‌گیرند، خواهیم پرداخت. بدین منظور تقویم‌هایی که توسط برخی از گروه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، صنفی و شغلی و ... در این دوران در جامعه ایجاد شده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

---

[۱] برگرفته از دانشنامه جهان اسلام به آدرس ذیل:

http://rch.ac.ir/article/Details?id=۱۱۰۸۴

دسترسی به این مدرک بر پایۀ آیین‌نامۀ ثبت و اشاعۀ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارۀ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایۀ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سوالات پژوهش:

۱. در جامعه ایران برساخت حافظه‌ها از خلال تقویم توسط گروه‌های مختلف اجتماعی به چه منظور صورت می‌گیرد؟

۲. تحولات تقویم رسمی منتشر شده توسط جمهوری اسلامی در سال‌های پس از انقلاب، در راستای کدام سیاست است؟ آیا در اینجا با مدیریت حافظه جمعی و برساخت هویتی مسلط از خلال آن مواجه هستیم؟

۳. ایجاد حافظه جمعی و هویت بخشی در تقویم غیررسمی در تقابل با حافظه رسمی و هویت مسلط است یا همسو با آن و یا بی‌تفاوت نسبت به آن؟

۴. تکثر حافظه‌هایی که خود را در تقویم نشان می‌دهند، چه نتیجه‌ای در ارتباط با وضعیت هویت در جامعه ایران در پی خواهند داشت؟

۲ـ۱ اهمیت و ضرورت:

دنیای مدرن جهان را به کشورهایی با مرزهای جغرافیایی مشخص و غیرقابل نفوذ تبدیل کرد. سرزمین‌های درون این مرزها با همه تکثر و تمایزهای درونی‌شان ذیل هویت‌های یکپارچه ملی تعریف شدند. شکل‌گیری این هویت‌ها همان‌گونه که هزر رائه[1] نویسنده کتاب «هویت‌های دولتی و همگن‌سازی مردم» در این اثر گفته است، با خشونت و سرکوب و بیرون راندن برخی از گروه‌های اجتماعی از درون یک سرزمین همراه بوده است. (رائه، ۲۰۰۲) «هویت ملی» به عنوان بزرگ‌ترین و فراگیرترین هویت موجود در ابتدای دوران مدرن موجب طرد و حاشیه‌ای شدن گستره بزرگی از گروه‌ها در جوامع گوناگون گردید. از همان ابتدا بحثی پردامنه میان اندیشمندان در خصوص واقعی یا ساختگی بودن «هویت ملی» درگرفت؛ بندیکت اندرسن یکی از مشهورترین نظریه‌پردازان این حوزه ملت را پدیده‌ای ساختگی می‌داند. «ملت یک جماعت سیاسی تصوری است؛ تصوری هم به دلیل محدودیت و حد و مرزهای ذاتی‌اش و هم به دلیل بی‌چون و چرایی و قدرت مطلقی که به آن ربط داده می‌شود.» (اندرسن، ۱۳۹۳: ۳۴) آنچه گروه‌های مختلف با باورها، دیدگاه‌ها و حتی زبان‌های متفاوت را در درون مرزهایی خاص محصور نموده و نام یک ملت را بر آنها می‌گذارد، بیشتر نوعی تصمیم سیاسی به نظر می‌رسد تا عنصری برگرفته از واقعیت. ابتنای این هویت بر ادعای یکپارچگی و خلوص موجب مستثنی کردن هویت‌های دیگری

---

[1] Rae Heather, **State Identities and the Homogenisation of Peoples**, Cambridge university press, ۲۰۰۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شد که در قالب آن تعریف نمی‌گنجیدند. «بدین ترتیب در تاریخ مدرن، فرهنگ‌های ملی بر تجدد مسلط شدند و منابع خاص‌گرایانه‌تر هویت‌یابی فرهنگی را کم کم از صحنه بیرون راندند. این فرهنگ‌ها که در یک فرایند سرکوب خشونت‌بار تفاوت فرهنگی شکل گرفته‌اند، هرگز بستری مناسب برای همزیستی و آمیزش فرهنگی مسالمت آمیز فراهم نکرده‌اند، بلکه همیشه تفاوت را چونان وحدت عرضه کرده، روش وحدت بخشی به تفاوت-ها را در پیش گرفته‌اند. ناتوانی فرهنگ ملی از فراهم کردن بستری مناسب برای تکثر و همزیستی فرهنگی در درجه نخست از ذات باوری و درون‌گرایی آن ناشی می‌شود. هر فرهنگ ملی خود را در عالی‌ترین مرتبه سلسله مراتب فرهنگ‌ها قرار می‌دهد و همه فضایل را به خود منتسب می‌کند. روی دیگر سکه هم جایگاه فروتر قائل شدن برای فرهنگ‌های دیگر و نسبت دادن ویژگی‌های منفی به آنهاست. به همین دلیل معمولا فرهنگ و هویت ملی بر اسطوره‌های بسیار قدیمی مربوط به دوره افسانه‌ای و یک ملت پاک‌نژاد استوار می‌شود (هال، ۱۹۹۶: ۲۹۴-۹۵).» (گل محمدی، ۱۳۹۶: ۱۳۴)

یکپارچگی مطلق در درون مرزهای یک کشور رویایی است که از ابتدای تشکیل «ملت» به معنای مدرن آن همواره وجود داشته است و دولت‌های ملی به شیوه‌های گوناگون تلاش کرده‌اند به این رویا دست یابند یا دست کم وانمود کنند که به آن دست یافته‌اند. تلاش برای رسیدن به این خواسته یا وانمود کردن دست‌یابی به آن هر دو به ضرر گروه‌هایی تمام شد که در درون هویت یکپارچه ملی نمی‌گنجیدند و به همین علت تبدیل به گروه‌های حاشیه‌ای شدند که دائم مورد سرکوب هستند و گروه‌هایی محروم شده‌اند. اینکه کدام گروه‌ها در درون هویت مسلط ادغام شوند و کدام‌ها تبدیل به هویت‌های حاشیه‌ای گردند، بستگی به تعاریفی داشت که دولت ملی از هویت مسلط و عناصری که آن را تشکیل می‌دهند، ارائه می‌کرد؛ برای مثال اینکه آیا یک زبان مشخص، یک قومیت خاص، یک دین ویژه به عنوان عناصر هویت غالب تعریف شده‌اند هر یک بخش‌هایی از جامعه را مستثنا می‌نمود. شکل‌گیری هویت‌های حاشیه‌ای که اغلب در قالب هویت‌های مقاومت نقش ایفا می‌کنند، نتیجه اجتناب‌ناپذیر شرایط ذکر شده است. برای چنین گروه‌هایی از یک سو ساخت یک هویت مشخص و منسجم و از سوی دیگر مواجهه با هویت مسلط اهمیتی ویژه دارد. ثبت حافظه و یادآوری دائمی آن برای اعضای گروه، یکی از مهم‌ترین راه‌های دست‌یابی به چنین خواستی برای این گروه‌هاست و از این‌رو تقویم می‌تواند نقش مهمی را در زندگی اجتماعی آنها ایفا نماید.

مدرنیته در این زمینه با تناقضی درونی دست به گریبان شده است. زیرا با سست کردن بسیاری از بنیان‌هایی که جهان سنتی بر آنها بنا شده بودند، امکانی را برای سربرآوردن هویت‌های جدید هموار نمود. در عصر کنونی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تحولات مدرنیته موجب حمایت از تکثر در زمینه‌های مختلف و از جمله تکثر هویت‌ها شده است. «در بستر تکثر ارزشی، چندفرهنگی، گفتمان پسااستعماری و پسا هولوکاست، «دورنمای هر گفتمان عام هویتی به شدت زیر سوال است» (دلانتی، ۲۰۰۰: ۳)، بنابراین تکثر روایت‌ها و حافظه‌ها و بر اساس آنها ادعاهای برای بازشناسی و بازتوزیع شکل می‌گیرد.» (میژال، ۲۰۰۴: ۷۶) بدین‌ترتیب شرایط برای بروز چالشی گسترده میان هویت‌های ملی که خواهان ایجاد جامعه‌ای همسبته و یکپارچه هستند با هویت‌های خرد درون این هویت‌های فراگیر ایجاد شده است. این وضعیت امروزه بیش از هر نقطه جهان گریبانگیر ساکنان خاورمیانه شده است که از یک‌سو در آنها فرایند مدرن شدن و شکل‌گیری دولت ـ ملت‌های مدرن با تأخیری حدود یک قرن اتفاق افتاده و به همین دلیل همچنان تنش‌هایش را از سر نگذرانده است و از سوی دیگر تنوعات قومی، مذهبی و تقاطع این تنوعات با یکدیگر و با شرایط خاص اجتماعی، تاریخی و جغرافیایی این منطقه وضعیتی ویژه را به وجود آورده است.

تلاش در جهت ایجاد هویتی یکپارچه و ملی در دوران پهلوی دوم که تحت تأثیر فرایندهای مدرن شدن بود، سر از تاریخ ایران باستان درآورد و ثبات و تداوم جامعه ایرانی از خلال تداوم سلطنت پادشاهان تعریف شد. این رویکرد به هویت ملی که در آن زمان نگاهی جدید بود تبدیل به یکی از تعاریف هویت ایرانی در سال‌های پس از انقلاب گردید. در دوران پس از انقلاب شکل‌گیری گفتمان‌های هویتی گوناگون وضعیت پیچیده و بغرنجی را در جامعه رقم زده است. از یک‌سو حکومت انقلابی نیاز مبرم‌تر و ضروری‌تری به ایجاد هویتی ملی احساس می‌کرد تا در شرایط آشفته پس از انقلاب که تمامی ابعاد جامعه دستخوش تغییر شده است، این همبستگی، از به هم ریختن و از هم پاشیدگی جامعه جلوگیری نماید. از سوی دیگر اهمیت وجه اسلامی حکومت انقلابی موجب شد که هویتی جمعی تحت عنوان هویت اسلامی خلق شود که دوشادوش هویت ملی قرار گیرد و این در شرایطی است که همان‌طور که گفته شد هویت ملی، خود محل چالش‌های بسیار و دارای تعاریف متعدد است. هویت‌های خرد گوناگونی که در درون هویت‌های مسلط شکل گرفته و می‌گیرد، ابعاد دیگری از مسائل هویتی جامعه ایران را بازمی‌نمایاند. وجود گروه‌های مختلف هویتی در درون هویت مسلط الزاما به معنای وجود یک مسأله جدی در درون جامعه نیست زیرا ممکن است هویت‌های گوناگون در کنار یکدیگر و با هویت مسلط همزیستی سالمت-آمیزی داشته باشند و حضور هویت‌های گوناگون الزاما به ظهور بحران نینجامد. همزیستی مسالمت آمیز هویت-های گوناگون در درون یک جامعه با یکدیگر و با هویت مسلط در صورتی رقم می‌خورد که هویت مسلط تلاشی دائمی در جهت محدود و منکوب کردن دیگر هویت‌ها نداشته باشد. همان‌طور که فوکو می‌گوید هر جا قدرت هست مقاومت هم هست (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹)؛ بدین ترتیب به هر میزان قدرت سیاسی اصرار بیشتری بر

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اعمال سلطه خود بر ابعاد گوناگون زیست اجتماعی جامعه داشته باشد، مقاومت شکل گرفته و مواجهه اعضای جامعه نیز با آن بیشتر خواهد شد. بخشی از این مقاومت خود را در قالب هویت‌گرایی نشان می‌دهد و هر امر ممنوعی را تبدیل به یک نشان هویتی می‌نماید. برای مثال در جامعه امروز ایران برای زنان، برداشتن حجاب تبدیل به یک نماد هویتی و یک نشان مقاومت در برابر هویت مسلط شده است. حضور در تخت جمشید، پاسارگاد و بر سر مزار کوروش در روز ۷ آبان که «روز کوروش» نام گرفته است، در سال‌های اخیر همین کارکرد را ایفا می‌کند زیرا تبدیل به نوعی نشان مقابله با اسلام گرایی قدرت سیاسی شده و در مقابل هویت اسلامی بر هویت ایرانی با رویکردی خاص پافشاری می‌نماید. تأکید بر برخی مناسبت‌ها نیز همین کارکرد را برای گروه‌های گوناگون ایفا می‌کنند. برای مثال پیش از آنکه نسبت به برگزاری روز ولنتاین در ایران حساسیت ایجاد شود و محدودیت‌هایی برای آن اعمال گردد، برگزاری این روز و استفاده از نشانه‌های آن مانند گل سرخ، قلب، شکلات و مواردی از این قبیل معنای مقاومت نداشتند.

پاسخ به پرسش‌های بالا نیازمند بررسی و تحقیق در این زمینه است که تا چه میزان هویت‌های خرد در جامعه شکل گرفته‌اند و ارتباط آنها با هویت ادعایی حکومت چگونه است بدین معنا که نقاط اشتراک و افتراق یا تضاد چیست و کدام وزن بیشتری دارد. پژوهش پیش رو تلاشی است در همین مورد که قصد دارد حضور هویت‌های گوناگون در درون جامعه و ارتباط آنها را با یکدیگر از خلال توجه به تقویم رسمی و تقویم‌های غیررسمی بررسی نماید. یکی از مهم‌ترین راه‌های هویت‌یابی رجوع به گذشته است که در قالب حافظه جمعی تجلی یافته و بازیابی می‌شود. بدین ترتیب مبارزه میان جوامع و گروه‌های مختلف، بر سر تصاحب گذشته در تلاش برای برساخت یک حافظه جمعی و یادآوری دائمی آن است. تقویم به عنوان یکی از مکان‌هایی که حافظه جمعی در آن ثبت می‌شود و به ویژه همواره موردنظر حکومت‌های انقلابی بوده است، در این پژوهش موردتوجه قرار گرفته است.

۳ـ۱ـ پیشینه تجربی:

رابطه میان سه مفهوم تاریخ، حافظه و هویت موضوع پژوهش‌های بسیاری در دیگر کشورها بوده و هست. اما تعداد مواردی که در آنها این موضوع از خلال تقویم بررسی شده باشد به آن اندازه گسترده و زیاد نیست. در اینجا برای نمونه به چند مورد از آنها که نزدیکی بیشتری با کار من دارند، اشاره می‌کنم.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱ـ در مقاله‌ای با عنوان «تقویم‌های بدیل و کار حافظه در صربستان: کنش ضد جنگ بعد از میلوشویچ[۱]» که توسط اورلی فریدمن[۲] نگاشته شده است، وی به فعالیت گروه‌های ضدجنگ در صربستان پس از میلوشویچ و در دهه‌ها ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ می‌پردازد. فریدمن بر اساس نظریه اویاتار زروباول که تقویم‌ها را به عنوان مکان‌های سازماندهی اجتماعی حافظه ملی می‌داند، به پژوهش در خصوص تقویم مدنی بدیل در صربستان پرداخته است. او به طور خاص بر یک مناسبت تمرکز کرده است که روز ۱۰ جولای به عنوان یادبود قربانیان سربرنیتسا[3]است که دو دهه قبل در مرکز شهر بلگراد رخ داد.

در صربستان در حال حاضر فعالان با مسأله مبارزه برای شکل‌دهی به جامعه‌ای دموکراتیک، باز و عادلانه مواجهند. این مبارزات دیدگاه‌های متعارض در مورد آینده کشور و سیستم سیاسی آن، هویت‌های ملی‌گرا و ارزش‌های ملی و نوع مواجهه با تفاوت‌ها و اشکال دیگری بودن، می‌شود. این رویکردها در حال حاضر در قالب تقویم‌های بدیل خود را بروز می‌دهد. مناسبت‌های تقویم‌های بدیل تبدیل به امکانی برای دور هم جمع شدن فمینیست‌ها، ضد جنگ‌ها، ضد ملی‌گرایی‌ها و فعالانی مانند آنها حول یک رویکرد مشترک گرد هم می‌آیند. همچنین این مناسبت‌ها پلی میان نسل‌هایی که در زمان جنگ فعال بودند و آنهایی که در آن زمان کودک بودند، می‌زنند. برای مثال ۸ مارس از جمله مناسبت‌هایی است که فعالان را گرد هم می‌آورد. (فریدمن، ۲۰۱۵)

۲ـ«مدیریت تنش در مورد یک گذشته مورد چالش: تقویم ملی صربستان[۴]» عنوان مقاله دیگری است که لئا دیوید[۵] آن را در خصوص تقویم دولتی صربستان نگاشته است. او در این مقاله سعی دارد نشان دهد که چطور نخبگان سیاسی صربستان از خلال برخی اعمال فرهنگی تلاش دارند تا گذشته پرچالش این کشور را بپوشانند. آنها این کار از طریق ایجاد دو کارکرد متفاوت برای تقویم صربستان انجام می‌دهند: از یک سو سعی می‌کنند برای حضور صربستان در اتحادیه اروپا و میان کشورهای اروپایی، آن را کشوری دموکراتیک و پایبند به ارزش‌های مدنظر این اتحادیه نشان دهند و از سوی دیگر کارکردی محلی برای تقویم قائلند و با آوردن برخی رویدادها در تقویم، صربستان را کشوری قربانی در جنگ نشان می دهند و احساسات مردم خود را تحریک می‌کنند. (دیوید، ۲۰۱۴)

یکی از سیاست‌های دولت صربستان بعد از کنار رفتن میلوشوچ، تغییر قانون تعطیلات بود. آنها با این کار تلاش کردند که همه رویکردها و مذاهب و قومیت‌ها را در نظر بگیرند و تعطیلاتی را به همه اختصاص دهند. سیاست

---

[۱] Alternative Calendars and Memory Work in Serbia: Anti-War Activism after Milosevic, Memory studies
[۲] Orli Fridman
[۳] Srebrenica
[٤] Impression Management of a Contested Past: Serbia’s Evolving National Calendar, Memory Studies
[٥] Lea David

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دوم نوشتن برنامه‌ای برای یادبود رویدادهای تاریخی مربوط به جنگ‌های آزادی‌خواهانه صرب‌ها بود که از خلال حذف تقریبا تمامی جنگ‌های دهه ۱۹۹۰ (که افکار عمومی به شدت با آنها مخالف و به آنها معترض بود) و روی آوردن به جنگ‌های تاریخی صربستان از گذشته تا اواسط قرن بیستم برای اثبات دموکراتیک بودن این کشور و نیز قربانی بودنش در تمامی جنگ‌ها انجام شد.

۳ـ اویاتار زوروباول[۱] جزو مطرح‌ترین اندیشمندانی است که در مورد رویکرد اجتماعی به تقویم پژوهش کرده است و کتاب‌ها و مقالات متعددی در این زمینه نگاشته است. وی در مقاله‌ای با عنوان «عید پاک و عید فصح: در مورد تقویم‌ها و هویت گروهی[۲]» به تلاش کلیسا برای جدا کردن مسیحیان از یهودی‌ها از خلال جدا کردن تقویم‌های‌شان می‌پردازد. زروباول تأکید می‌کند که تقویم به عنوان یک نظام نمادین موجب ایجاد شباهت اعضای درون گروه و مستحکم نمودن احساسات درون گروهی‌شان و نیز استقرار مرزها میان اعضای گروه با برون گروهی‌ها می‌شود. او می‌گوید گروه‌ها تلاش می‌کنند از طریق نظم‌بخشی به زندگی اجتماعی به وسیله تبعیت از ترتیبات تقویمی خاص، خودشان را موجوداتی کاملا متمایز از دیگر گروه‌های اطراف‌شان نشان دهند. زروباول بررسی اصلاحات تقویمی را راه خوبی برای درک بهتری تأثیر تقویم بر جدایی اجتماعی گروه‌ها و هویت‌یابی آنها می‌داند. او برای نمونه به اصلاح گریگوریانی تقویم جولیانی در سال ۱۵۸۲ اشاره می‌کند که موجب تشدید شکاف میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها شد درحالی‌که اصلاح تقویمی جمهوری فرانسه در سال ۱۷۹۳ منجر به انزوا و جدایی فرانسه از بقیه کشورهای دنیا شد.همچنین او دلیل وجودی اصلاحات تقویمی را ارائه نشانه‌گذاری‌های اجتماعی می‌داند؛ برای مثال استالین در سال‌های ۴۰-۱۹۲۹ با مطرح کردن هفته‌های پنج و شش روزه به دنبال تخریب اعمال حضور کلیسا بود.

کلیسای مسیحی به اشکال مختلف سعی کرد روز easter را که عیدی مسیحی است از روز Passover که یک مناسبت یهودی است جدا کند (این دو مناسبت هر دو در یک روز برگزار می‌شدند) تا جدایی این دو دین را مورد تأکید قرار دهد. مسأله به قدری جدی بود که کلیسا هر کس را که در همان روز عید فصح، عید پاک را برگزار می‌کرد یک غیرمسیحی می‌شناخت. اصرار بر این جدایی باعث شده است که کلیسا هر سال تاریخ عید پاک را تغییر می‌دهد زیرا مبنای تقویم یهودی قمری است و تاریخ عید فصح هر سال تغییر می‌کند. این‌گونه است که زروباول استدلال می‌کند که تضادهای تقویم بازتاب نمادینی از تضادهای اجتماعی هستند. (زروباول، ۱۹۸۲)

---

[۱] Eviatar Zerubavel

[۲] Easter and Passover: On Calendars and Group Identity

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۴ـ «تقویم جمهوری فرانسه: مطالعه موردی در جامعه‌شناسی زمان[1]» مقاله دیگری است که اویاتار زروباول در خصوص جامعه‌شناسی زمان از طریق بررسی تقویم نگاشته است. در این مقاله او به این مسأله اشاره می‌کند که چطور حکومت انقلابی از خلال ایجاد تغییرات گسترده در تقویم به دنبال ایجاد هویتی برای خود بود. انقلاب فرانسه از یک سو به دنبال سکولار کردن تقویم و حذف نشانه‌های دینی از آن بود و از سوی دیگر به نوعی عقلانی کردن و نیز طبیعی کردن آن را پیگیری می‌کرد. برای حذف مسیحیت از تقویم، انقلابیون هفته هفت روزه را تبدیل به هفته ده روزه کردند تا روز یکشنبه را به عنوان روز تعطیل و عبادت حذف کنند. همچنین آنها مبدأ تقویم را از میلاد مسیح به روز شروع جمهوری فرانسه در سال ۱۷۹۲ تغییر دادند و به جای اول ژانویه روز ۲۲ سپتامبر را تبدیل به روز شروع سال جدید کردند. نام‌گذاری روزها و ماه‌ها بر اساس طبیعت موجب حذف نام همه قدیسان از تقویم و طبیعی سازی تقویم شد. عقلانی کردن تقویم هم از طریق استفاده از سیستم متریک دهدهی در آن رخ داد. تقویم قبلی فرانسه را کشیشان تنظیم کرده بودند اما تقویم جدید را ریاضیدانان و منجمان نوشتند. بدین ترتیب تقویم جدید، رویکرد انقلابیون نسبت به زیست اجتماعی را نشان می‌داد.

موارد بالا تأثیر تقویم را بر شکل‌گیری هویت‌های جمعی نشان می‌دهد و مشخص می‌نماید که چطور قدرت‌های سیاسی و نیروهای مخالف آنها از تقویم برای ساخت هویت مدنظرشان سود می‌برند. مواردی که این مطالعات مورد بحث قرار داده‌اند، بسیار به روشن‌تر شدن مسأله این پژوهش و تحلیل آن یاری می‌رساند. برای مثال مسأله جداسازی گروه‌های اجتماعی از خلال جدا کردن مناسبت‌های تقویمی آنها یا پیوند میان گروه‌های مختلف مخالف حکومت حول و حوش برخی مناسبت‌ها با یکدیگر یا تلاش حکومت انقلابی فرانسه برای ایجاد تحولات رادیکال در تقویم قدیمی جهت ایجاد تمایز میان خود و حکومت پیشین از جمله مواردی است که در پژوهش پیش رو بسیار کمک خواهد کرد.

کمبودی که در این تحققیات به چشم می‌آید، آن است که هیچ کدام از این موارد به بررسی تقویم‌های گروه‌های اجتماعی به صورت مبسوط نپرداخته‌اند. در دو سه موردی هم که بحث حافظه‌های بدیل از خلال تقویم مطرح شده است، موضوع حول یک تقویم یا حتی صرفا یک مناسبت خاص بحث شده است و این ممکن است به دلیل عدم وجود تعداد زیادی از تقویم‌های مربوط به گروه‌های مختلف اجتماعی در این جوامع باشد که خود یافته مهمی برای تحقیق پیش‌رو است و اگر هم چنین تقویم‌هایی به همین گستردگی که در ایران هست، در برخی از کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز وجود دارد، عدم وجود پژوهشی در خصوص این تقویم‌ها و بررسی ارتباط آنها با یکدیگر و با حافظه رسمی نقصانی است که باید برطرف شود. (زروباول، ۱۹۷۷)

---

[1] The French Republican Calendar: A Case Study in the Sociology of Time

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل دوم: چارچوب مفهومی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در این فصل به سه مفهوم حافظه، تاریخ و هویت پرداخته‌ام اما تأکید اصلی در پژوهش حاضر بر مفهوم حافظه است و دو مفهوم دیگر از خلال رابطه‌شان با مفهوم حافظه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در نهایت رابطه میان تقویم را با سه مفهوم ذکر شده مورد توجه قرار داده‌ام.

۱-۲ـ حافظه جمعی

گذشته، از ارکان انکارناپذیر بازشناسی هر فرد یا جمع توسط خود یا دیگری است. دوران مدرن با ایجاد گسستی در زمان موجب مواجهه‌ای متفاوت با گذشته جوامع شد و «تاریخ» و «تاریخ‌نگاری» معنایی تازه یافت. در این دوران است که همه لحظات زمان مانند یکدیگر و تهی از هر نوع معنای از پیش تعیین شده گردید و تاریخ سکولار جایگزین تاریخ قدسی شد. «زمان‌بندی جهانی ... به طور روزافزون ضروری می‌ساخت که مسائل اجتماعی همچون اموری کاملا این‌جهانی با قواعد علت و معلولی فهمیده شود؛ .. بنابراین درک‌پذیر است که کمتر از دو دهه بعد از اینکه مجمع ملی فرانسه سال یک را اعلام کرد، اولین کرسی‌های دانشگاهی تاریخ تأسیس می‌شود.» (اندرسن، **۱۳۹۳: ۳۳۵**)

تاریخ علمی مشروعیتی تمام برای ارائه خوانشی در مورد گذشته یافت و سال‌ها بدیلی برای خود نمی‌دید. در دهه ۱۹۲۰ موریس هالبواکس متفکر فرانسوی مفهوم «حافظه جمعی» را مطرح نمود که مواجهه‌ای متفاوت با گذشته جوامع را نشان می‌داد. بدین ترتیب مطالعات حافظه دیگر متکی بر بررسی‌های روان‌شناختی و فرد محور نبود بلکه عامل اجتماعی نیز به چنین مطالعاتی وارد شد. اما مطالعات حافظه جمعی چندین سال در حاشیه علوم اجتماعی قرار گرفت و مجددا در دهه ۱۹۸۰ جایگاهی مرکزی در مطالعات علوم انسانی و به ویژه جامعه‌شناسی یافت. فروپاشی کمونیسم، ظهور چندفرهنگ‌گرایی[۱]، پست مدرنیسم و ... را علت توجه مجدد به بحث حافظه می دانند. چندفرهنگ‌گرایان نقش تاریخ نگاری در شکل‌گیری سلطه و به چالش کشیدن روایت‌های تاریخی مسلط به نام گروه‌های تحت ستم را مطرح نمودند؛ پست مدرن‌ها تاریخ خطی، حقیقت و هویت را به چالش کشیده و ارتباط تاریخ، حافظه و قدرت را طرح کردند. نظریه‌پردازان هژمونی از نظریه حافظه مبتنی بر طبقه، تنش‌های حافظه‌ها و استفاده ابزاری از گذشته سخن می گویند. برخی مانند فوکو و هابزبام هم به تقدس‌زدایی از گذشته پرداختند. در این میان موریس هالبواکس به دلیل رویکرد حال محوری که اتخاذ نمود، خود به عنوان آغازگر بحث‌های کسانی چون هابزبام یا پست مدرن‌ها مطرح است. (اولیک و رابینز[۲]، ۱۹۹۸)

---

[۱] multiculturalism
[۲] Jeffrey K. Olick and Joyce Robbins

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

حافظه همچون امری زنده نگریسته می‌شود که در هر لحظه از حیات اجتماعی احیا و بازتولید می‌شود و در جهت نیازها و منافع جمعی به کار گرفته می‌شود. موریس هالبواکس که اولین نظریه‌پرداز «حافظه جمعی» است، حافظه را برساخته گروه‌های اجتماعی بر اساس نیازها و منافع زمان حال آنها می‌داند. (هالبواکس، ۱۹۹۲) «هالبواکس تاکید دارد که افراد، به یاد می‌آورند، اما این به یاد آوردی، فقط بر حسب ظرفیت اعضای گروه انجام می‌شود زیرا پیوستگیِ گروه است که انتخاب علایق/ارزش‌های حافظه‌های شخصیِ آن گروه را معین می‌کند: فرد با اتکا به چارچوب‌های حافظه‌ی اجتماعی، یادآوری را به ذهن خود فرا می‌خواند» و بنابراین، «تصویری از گذشته [تولید می‌کند] که مطابق به افکارِ غالبِ آن گروه است» (۱۹۹۲ [۱۹۹۵]: ۵۲). (رایان[۱]، ۲۰۱۰: ۱۵۵) این رویکرد را که با هالبواکس به علوم اجتماعی معرفی شد، «حال‌گرایی[۲]» نامیده می‌شود و در سال‌های بعد متفکران دیگری از جمله پست مدرنیست‌ها هم این رویکرد را در تحلیل‌های‌شان به کار گرفتند. به نظر می‌رسد حال‌گرایی عاملی است که نظریه هالبواکس را در خصوص حافظه جمعی در جامعه‌شناسی امروز همچنان زنده و مورد استفاده نگه داشته است. «زمان حافظه، به قول والتر بنیامین[۳]، «زمانِ مملو از حضورِ اکنون» است؛ زمانی است که «از پیوستارِ تاریخ، بیرون کشیده شده است» (بنیامین، ۱۹۸۶: ۳-۲۵۲). برای حافظه، هر رویداد فقط زمانی گذشته است که مسئولیت‌های مرتبط با آن، به انجام رسیده باشند. گذشته کردن هر رویداد، همواره یک پروژه [ی در حال انجام] است که هرگز به پایان نمی‌رسد.» (پول[۴]، ۲۰۰۸: ۱۶۰)

حفظ و احیای «همبستگی اجتماعی» و شکل‌دهی به «هویت جمعی» مهم‌ترین پیامدهای حافظه جمعی برای هر جامعه است. برای امیل دورکیم مفهوم «همبستگی اجتماعی» در مرکز بسیاری از تحلیل‌ها و نظریه‌پردازی‌هایش قرار دارد و زمانی که وی به بررسی ارتباط جوامع با گذشته خویش می‌پردازد نیز بر اهمیت میراث گذشته برای شکل‌گیری و تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی تأکید می‌کند. «در مرکز آنچه که جامعه به عنوان امر قدسی به آن اعتقاد دارد این عناصر قرار گرفته‌اند: گذشته جمعی متصور یا گذشته اسطوره‌ای گروه که به «باورهای مشترک» بازمی‌گردد، سنت مشترک آنها، حافظه‌ای در مورد نیاکان بزرگ آنها، آرمان جمعی‌ای که آنها نمونه مجسمش هستند (۳۴۸:[۱۹۱۲] ۱۹۷۱).» (میژال، ۲۰۰۳: ۱۲۵) همچنین در این سنت حافظه نقش دیگری نیز ایفا

---
۱ Lorrain Ryan
۲ Presentism
۳ Walter Benjamin
۴ Ross Pool

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌کند که همان تبدیل گذشته به منبع قابل اتکای هویت برای زمان حال است. هالبواکس یکی از متفکرانی است که در سنت دورکیمی می‌اندیشد و او نیز قائل به وجود چنین کارکردهایی برای حافظه جمعی است.

در مقاله‌ای با عنوان «حافظه اجتماعی و هویت» نویسنده مدلی مفید در خصوص عملکرد حافظه جمعی ارائه می‌دهد؛ این حافظه در مورد آن است که چه کسی چه چیزی را برای چه کسی و در چه زمانی یادآوری می‌کند. «در این اصل، عبارات «چه کسی»، «برای چه کسی»، و «چه زمانی» اشاره به موقعیت‌مندی کنش یادآوری اجتماعی دارند. ... پس پیش‌فرض مدل مذکور این است که حافظه‌ی اجتماعی، در اکثر موارد، ریشه در تنازع و بازی متقابلِ منافع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد (تیلِن، در اولیک و روبینز: ۱۲۷).» (فن اک[۱]، ۲۰۱۱: ۲۰۴)

از جمله عواملی که از دهه ۸۰ مجددا موجب توجه به مفهوم حافظه و مباحث مرتبط با آن شد، توجه به گروه‌های حاشیه‌ای و سرکوب شده در جوامع مختلف و شکل‌گیری هویت‌های خرد بود که اغلب در تضاد با گفتمان هویتی مسلط قرار داشتند. «حافظه‌ی جمعی توجه عموم را به مسایل مربوطه‌ی خاصی معطوف می‌سازد که در تقابل با مسایلِ دیگر هستند؛ که این مسایل دیگر، اگرچه از همان میزان تاثیر برخوردارند، اما از نظر سیاسی، نامناسب تشخیص داده می‌شوند. در واقع، رویدادها و چهره‌های تاریخی‌ای که از نظر تاریخی بی‌اهمیت هستند، در اکثر موارد، بیشترین تهدید را برای نظمِ استقراریافته دارند.» (رایان، ۲۰۱۰: ۱۵۸) هویت ملی در عصر مدرن تبدیل به یکی از مهم‌ترین هویت‌های مسلط شد و بسیاری از هویت‌های خرد مانند هویت‌های قومیتی را برای رسیدن به وحدت و انسجام سرکوب کرد. این هویت‌های خرد و تحت سلطه از خلال بازخوانی حافظه‌های سرکوب شده‌شان در تلاش برای ایجاد و تقویت هویت خود و مبارزه با هویت مسلط هستند.

در مباحث پیش رو ابتدا به چند نظریه‌پرداز مهم حافظه جمعی و نظریات آنها خواهیم پرداخت و سپس رابطه حافظه و تاریخ و نیز ارتباط میان حافظه‌های مسلط و حافظه‌های تحت سلطه را مورد بررسی بیشتر قرار می‌دهیم.

۲-۱-۱- موریس هالبواکس: حافظه جمعی

موریس هالبواکس[۲] با طرح مفهوم «حافظه جمعی» برای اولین بار مفهوم حافظه را از حیطه بررسی‌های روان‌شناختی بیرون آورد و آن را از مفهومی صرفا فردی به مفهومی اجتماعی تبدیل کرد. وی دو اثر مهم در خصوص حافظه جمعی نگاشت و اساس پژوهش در این حیطه را در این دو کتاب بنا کرد به گونه‌ای که تا امروز بسیاری از نظریات

[۱] Ernest Van Eck
[۲] Maurice Halbwachs

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وی همچنان مورد استفاده متفکران و پژوهشگران این حوزه است و بر رویکردهای گوناگونی که در حوزه مبحث حافظه جمعی شکل گرفته، تأثیر گذاشته است.

یکی از دو اثر هالبواکس در این زمینه «درباره حافظه جمعی» نام دارد. در این کتاب وی می گوید «در جامعه است که افراد به طور عادی، حافظه‌هایشان را به دست می‌آورند. همچنین در جامعه است که افراد حافظه‌هایشان را به یاد می‌آورند، تشخیص می‌دهند و مکان‌یابی می کنند.» (هالبواکس، ۱۹۹۲: ۳۸) از نظر او افراد حافظه‌شان را در جامعه کسب می کنند. در درون جامعه است که فرد می‌آموزد که کدام بخش از گذشته را به یاد آورد و کدام بخش را به فراموشی بسپارد. از نظر هالبواکس، این مساله که چه کسی به یاد می‌آورد و چگونه به یاد می‌آورد، مساله‌ای محوری است. «یادآوری، متکی به پویایی‌های گروه‌هایی چون خانواده‌ها، طبقات اجتماعی، و اجتماعات مذهبی است. تعاملات اجتماعی فرد با اعضای گروه خود، تعیین می کند که وی چگونه تجارب گذشته را به یاد آورد و چه چیزهایی را به یاد آورد. .... طبق نظر هالبواکس، گروه‌ها، تجربه‌های گذشته‌ی خود را به صورت جمعی بازسازی می کنند و بنابراین، اگرچه هر فرد، دیدگاهی خاص درباب نحوه‌ی بازسازی گذشته توسط گروه خود دارد، اما خودش هیچ حافظه‌ی مستقلی از گذشته ندارد. (راسل[۱]، ۲۰۰۶: ۷۹۶)

هالبواکس تحت تأثیر دو متفکر فرانسوی پیش از خود قرار داشت و مفهوم حافظه جمعی را بر اساس نظریات آنها مطرح نمود. هانری برگسون[۲] فیلسوف فرانسوی است که درکی تازه از مفاهیم زمان و حافظه ارائه داد. برگسون برداشت عینی‌گرایانه در مورد زمان و فضا را رد کرد و آنها را ناشی از احوال درونی افراد دانست و مشخص نمودن قبل و بعد و جدا کردن لحظات مختلف زمان از یکدیگر را ناشی از نوعی بیرونی کردن امور درونی معرفی می کند. . «دیرند[۳] محض شکلی است که توالی احوال خودآگاه ما به خود می گیرد در هنگامی که نفس ما خود را به حال خود وامی گذارد، یعنی هنگامی که از جدا کردن احوال کنونی خود از حالات پیشین احتراز می کند.» (برگسون، ۱۳۵۴: ۹) او معتقد است که «حافظه بازتولید عینی گذشته نیست بلکه حافظه، سیال است و همیشه در حال تغییر. دورکیم نیز مانند برگسون، درک عینیت‌گرایانه از زمان و فضا را رد کرد، اما تفاوت او با برگسون در این بود که وی، درک ذهنی از زمان را نه در تجربه‌ی فردی، بلکه در روش تولید مفاهیم مختلف زمان در جوامع مختلف قرار داد: «انسان بودن یعنی اجتماعی بودن، و اجتماعی بودن، بیش از همه، یعنی عضوی از یک گروه

---

۱ Nicholas Russel
۲ Henry Bergson
۳duration

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بودن، عضوی از جامعه بودن» (دورکیم، در آگوئیلار[۱]: ۶۱). هالبواکس به پشتوانه‌ی کارهای برگسون و دورکیم، بیان کرد که حافظه، در وهله‌ی اول، در گذشته و در حال شکل می‌گیرد، و بنابراین، بیش از آن که ثابت باشد متغیر است. ثانیاً حافظه امری اجتماعی است. در جامعه است که مردم به طور طبیعی، حافظه ها خود را به دست می‌آورند، به یاد می‌آورند، بازمی‌شناسند، و بومی می‌کنند. از نظر هالبواکس، حافظه، انعکاس فلسفی ویژگی‌های منسجم ذهن نبود؛ در حافظه، بحث بر سر این است که ذهن‌ها در جامعه چگونه با هم عمل می‌کنند، چگونه نظم‌های اجتماعی، میانجیِ عملیات‌های ذهن‌ها نیستند بلکه عملیات‌های ذهن‌ها با نظم‌های اجتماعی ساخته می‌شوند (اولیک و رابینز: ۱۰۹)» (فن اک، ۲۰۱۱: ۲۰۲)

دورکیم در صور بنیانی حیات دینی از چگونگی شکل‌گیری زمان اجتماعی صحبت می‌کند و تفاوت میان زمان قدسی و زمان عرفی را عامل مهمی در تمایز یابی زمان ذکر می‌کند. منظور وی از زمان قدسی زمان‌هایی است که در آن زیست روزمره به حالت تعلیق درمی‌آید و اعضای جامعه به برگزاری مناسک و آیین‌ها مشغول می‌شوند. در چنین شرایطی بر اثر گرد هم آمدن این افراد همبستگی اجتماعی تقویت می‌شود. اما پرسشی که هالبواکس تلاش کرد به آن پاسخ دهد این بود که در زمانی که اعضای جامعه مشغول زیست روزمره خود هستند، چگونه همبستگی اجتماعی حفظ می‌شود و جامعه از هم نمی‌پاشد؟ «چه چیزی افراد را در دوره‌های آرامش به یکدیگر پیوند می‌زند، وقتی‌که رفتار عادی قاعده روزانه است. دورکیم اثاثیه فیزیکی را نام می‌برد، چه کارهای هنری باشند یا اشکال توتمی، که می‌توانند تداوم میان مراحل فعال و منفعل زندگی جمعی را تضمین کنند ـ همان طور که قبلا کرده‌اند ـ را ذکر می‌کند. با این حال در بسیاری موارد چنین اشیای فیزیکی مرجعی به نظر غایب می‌رسند. ... این‌گونه نیست که فقط برگزاری مراسم آن طور که دورکیم می‌گوید به یادآوری رویدادهای بزرگ گذشته که اجتماع را دورهم نگه می‌دارند، کمک کند. این حافظه جمعی است که به عنوان یک متغیر واسط، هم رویدادها را از خلال جشن‌های تقویمی یادآوری می‌کند و هم از طریق آنها تقویت می شود.» (هالبواکس، ۱۹۹۲: ۲۵) از دیگر تفاوت‌های رویکرد دورکیمی و هالبواکسی این است که دورکیم حافظه را به عنوان راهی برای نگهداری حافظه‌ای قدسی از سرچشمه‌ها و ریشه‌ها در جوامع سنتی مدنظر قرار می‌دهد ولی هالبواکس آن را به همه جوامع نسبت می‌دهد. «جوامع مدرن ممکن است ترجیح دهندگذشته‌شان را به منظور کمک به پیشبرد برخی اهداف سیاسی زمان حال بازسازی کنند» (میژال، ۲۰۰۳: ۵۱)

[۱] Aguilar

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در بیان تفاوت میان تاریخ و حافظه جمعی هالبواکس حافظه را به عنوان «تجربه زیسته شده» می‌خواند و تاریخ را تجربه‌ای که مکتوب شده است. در واقع تاریخ آن بخشی از گذشته است که دیگر توسط هیچ گروهی به یاد آورده نمی‌شود و نقشی در زیست حال جامعه ندارد. «وقتی چنین اتفاقی می‌افتد، تنها وسیله‌ی حفظ آن یادآوری‌ها آن است که آن‌ها را در قالب روایتی منسجم، مکتوب کنیم زیرا چیزهای مکتوب، باقی می‌مانند اما افکار و واژه‌های به زبان آمده باقی نخواهند ماند. ... تاریخ عمومی فقط زمانی آغاز می‌شود که سنت، به پایان می‌رسد و حافظه‌ی اجتماعی محو یا مختل می‌شود. هر چقدر که یک یادآوری، به حیات خود ادامه دهد، مکتوب کردن آن و الحاقش به حافظه، کاری بی‌فایده خواهد بود. به همین نحو، نیاز به نوشتن تاریخِ یک دوره، جامعه یا حتا یک شخص، فقط زمانی احساس می‌شود که موضوع آن نگارش، آن‌قدر از نظر زمانی از ما دور شده باشد که به ما امکان دهد از شهادت کسانی که برخی از حافظه ها آن را حفظ کرده‌اند استفاده کنیم.» (هالبواکس، ۱۹۸۰: ۷۸) این گونه است که او حافظه را امری پویا و در حال تغییر می‌داند در حالی که تاریخ مکتوب ثابت مانده و دیگر با تحولات اجتماعی تغییر نمی‌کند. «تاریخِ زیسته‌شده، آشکارا متفاوت از تاریخ مکتوب است: این تاریخ، هر آن چه برای شکل‌دهی به یک چارچوب طبیعی و زنده لازم است تا تفکر ما بتواند با اتکا به آن، تصویر گذشته‌اش را حفظ و احیا نماید در اختیار دارد.» (همان: ۶۹)

برای اینکه حافظه‌ای شکل بگیرد باید گروهی وجود داشته باشد که بر اساس نیازها و منافع زمان حال خود به گذشته رجوع کند و مشخص کند که چه چیزی و چگونه باید به یاد آورده شود. وجود یک گروه و داشتن خواسته‌های مشخص به معنای آن است که این گروه دارای هویت مشخصی است و بر مبنای آن به گذشته رجوع می‌کند. متفکران و منتقدانی که نظریات هالبواکس را مدنظر قرار داده‌اند، همگی بر اینکه وی بر وجود رابطه میان حافظه و هویت تأکید کرده است، اتفاق نظر دارند اما در خصوص اینکه از نظر وی ابتدا هویتی ثابت و مشخص وجود داشته و گروه بر اساس آن به برساخت حافظه خویش پرداخته است و یا بر اساس رجوع به گذشته و ساخت حافظه بوده است که هویت گروهی شکل گرفته است، با یکدیگر اختلاف دارند. برای مثال می‌توان به دو نقل قول از دو اندیشمند متفاوت ارجاع داد که به طور مشخص بر پیشینی یا پسینی بودن هویت در اندیشه هالبواکس اشاره کرده‌اند. «اساساً مدل هالبواکسی، معتقد است که حافظه، با هویتی (خواه جمعی و خواه فردی) تعیین می‌شود که از قبل تثبیت شده است. کار هالبواکس درباب حافظه (هم شرح کلی او از حافظه، و هم نگاه او به حافظه‌ی تاریخی)، عمدتاً حول ساخت حافظه با هویت‌ها بنا شده است. شرح او از حافظه‌ی تاریخی، به این موضوع می‌پردازد که چگونه هویت (که فرض می‌کنیم در لحظه‌ای خاص، دارای یکپارچگی است)، سعی در ساختن

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

گذشته‌ای دارد که خود، با هویت، تعیین و منطبق می‌شود. نکته‌ی اساسی در این جا آن است که از نظر هالبواکس، هویت‌های اجتماعیِ مورد نظر، قبل از آن که حافظه‌های جمعی‌ای که آن گروه در هر لحظه می‌سازد، وجودی قطعی و قاطع داشته‌اند. تردیدی نیست که هر هویت در طول زمان، با حافظه‌های جمعی‌ای که ساخته است از نو شکل می گیرد، اما اساساً هویت مقدم و مسبوق بر حافظه است. (مگیل[1]، ۱۹۹۸: ۴۴) و راسل در مقاله‌ای که تحت عنوان «حافظه جمعی، پیش و پس از هالبواکس» نگاشته است، این گونه می گوید: «طبق نظر هالبواکس، هر گروه، با آگاهی از گذشته‌ی خویش است که نسبت به هویت خود، به خودآگاهی می‌رسد. وجود و هویت هر گروه، به این حافظه‌ی جمعی گروه از گذشته‌ی خویش بستگی دارد: هر گاه ماهیت حافظه‌ی جمعی گروه تغییر یابد، حیاتِ خود گروه نیز به پایان خواهد رسید و اعضای آن گروه، گروهی جدید با هویتی جدید را شکل خواهند داد.» (راسل، ۲۰۰۶: ۷۹۷) مانند دیگر تفاوت رویکردها نسبت به اندیشه نظریه‌پردازان بزرگ، در اینجا نیز این تفاوت‌ها به نفع هیچ‌یک از دو سو مرتفع نشده و همچنان وجود دارد.

حافظه‌ها زمانی می‌میرند که صورتی برای نمود خارجی یافتن نیابند. هالبواکس می گوید که همه تجربه گذشته الزاما همواره برای ما حاضر نیست و همیشه در دسترس گروه‌ها قرار ندارد. او می گوید که گاه حافظه بر اثر از بین رفتن گروه به یاد آورنده از دست می‌رود و گاه فراموشی عامل از میان رفتن بخشی از حافظه است. اما وی برخلاف رویکردهای رایج، فراموشی را ناشی از یک مشکل فردی و روان‌شناختی نمی‌داند بلکه به فراموشی نیز مانند یادآوری نگاه اجتماعی دارد. از نظر او «فراموشی الزاما اشتباه فردی نیست، بلکه بیشتر ازشکل‌افتادگی یادآوری برحسب «تأثیرات مبهم و تکه‌تکه و به یاد آوردن فرایند هماهنگ کردن آنها با یکدیگر تحت محرک-های مناسب است.» (میژال، ۲۰۰۳: ۱۱۳)

۲-۱-۲ـ پیر نورا: مکان حافظه

پیر نورا[2] را با اثر هفت جلدی‌اش «مکان‌های حافظه[3]» می‌شناسند. این اندیشمند فرانسوی تحت تأثیر موریس هالبواکس به نظریه‌پردازی در خصوص حافظه جمعی پرداخت. « نورا به دنبال بررسی این بود که چگونه بعضی مکان‌ها (با قابلیت تحریک احساسات هیجانی) باعث می‌شوند حافظه‌ها و دیدگاه‌های مشخصی از ملت، تجسم یافته و القا شوند. ادعا می‌شد که این مکان‌های حافظه‌ای خودانعکاسی[4]، درحالی که حافظه را تجسم می‌بخشند،

---

[1] Allan megill
[2] Pierre Nora
[3] Sites of Memory (Les Lieux de Memoire)
[4] self-reflexively memorial sites

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ضروری هستند زیرا حافظه واقعی، در جامعه‌ی مدرن رو به زوال رفته بود. به ادعای نورا «آن‌چه به نظرمان شعله‌ور شدن ناگهانی حافظه می‌رسد، در واقع چیزی نیست جز کورسوهای آخرین شعله‌های تاریخ» (۱۹۸۹: ۱۳).» (لگ[۱]، ۲۰۰۴: ۴۸۲)

نورا روی آوردن مجدد به حافظه را حاصل شرایط جدید می‌داند. «نورا می گوید که ما بسیار از حافظه حرف می زنیم چون دیگر چیز زیادی از آن باقی نمانده است.» (اولیک و رابینز، ۱۹۹۸: ۱۲۱) او معتقد است که تغییراتی که در دنیای مدرن رخ داد به تدریج اثری از حافظه جمعی باقی نگذاشت و همین امر موجب شد که در یک لحظه تاریخی «یعنی نقطه عطفی که آگاهی از گسست با گذشته ظهور می‌یابد همراه با این احساس که حافظه از هم گسسته است ـ اما به گونه‌ای از هم گسسته است که مسأله تجسم یافتن حافظه در برخی مکان‌ها را مطرح می کند؛ مکان‌هایی که در آنها بر احساسی از تداوم تاریخی تأکید می‌شود. مکان‌های حافظه وجود دارند زیرا دیگر محیط-های حقیقی حافظه وجود ندارند.» (نورا، ۱۹۸۹: ۷)

در واقع نورا اذعان می کند که امروز جوامع ناگزیرند به صورت آگاهانه حافظه‌ها را ایجاد و نگهداری کنند در حالی‌که در گذشته چنین نبود و افراد ارتباطی ناگسستنی با حافظه خود داشتند. مکان‌های حافظه همین نقش را ایفا می‌نمایند. این مکان‌ها، جایگاه‌هایی هستند که در آنها معانی نمادین به گذشته داده می‌شود و به گونه‌ای جامعه را با گذشته خود مرتبط می کنند. «مکان های حافظه با این احساس که هیچ حافظه خودمختار و خودبه‌خودی‌ای وجود ندارد و ما باید آگاهانه آرشیوها را ایجاد کنیم، سالگردها را حفظ کنیم، جشن ها را سازماندهی کنیم، ستایش و مدیحه‌سرایی کنیم و سندها را محضری کنیم زیرا چنین فعالیت‌هایی دیگر به طور طبیعی رخ نمی‌دهد. ... حافظه مدرن فراتر از همه‌چیز، آرشیوی است. این حافظه کاملا بر مادیت اثرات باقی‌مانده از گذشته، بی-واسطگی ضبط و ثبت، رویت‌پذیری تصویر متکی است. هرچه حافظه کمتر از درون تجربه شود، بیشتر فقط از خلال نشانه‌های بیرونی وجود دارد ـ از این‌رو مشغولیت با آرشیوها که مشخصه عصر ماست، تلاش دارد درحالی-که زمان حال را به طور کامل حفاظت کند، گذشته را نیز به طور کامل حفظ کند. ترس از ناپدید شدن سریع و نهایی گذشته همراه با نگرانی در مورد معنای زمان حال و عدم اطمینان در مورد آینده مخلوط می شود تا حتی به فروتنانه‌ترین گواهی و پیش‌پاافتاده‌ترین رد و نشان‌ها، اعتبار و شأن بالقوه امر فراموش نشدنی را بدهند.» (همان:

[۱] Stephen Legg

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱۲ و ۱۳) مکان‌های حافظه برای متوقف کردن زمان و جلوگیری از فراموشی شکل گرفتند. این مکان‌ها با کمترین نشانه‌ها می‌خواستند بیشترین معنای ممکن را به جامعه منتقل کنند.

در کارهای بعدی نورا از دو نوع مکان حافظه تحت عنوان «مکان ساخته شده» و «مکان تحمیل شده» سخن می‌گوید و بدین ترتیب مسأله ساخت حافظه توسط گروه‌های حاشیه‌ای را مطرح می‌نماید. او می‌گوید چنین گروه‌هایی به واسطه ملت سازی سرکوب شده‌اند و نتوانسته‌اند حافظه‌های خود را بسازند یا بروز دهند اما امروزه آنها نیز می‌توانند مکان‌های حافظه بدیل خود را ایجاد کنند. حافظه‌های بدیل مانند مکان‌های حافظه، به صورت آگاهانه، اما بر بستر یک روایت تاریخ بدیل خلق می‌شوند. ... «مکان‌های غالب»[۱] اگرچه تحمیلی و سردند، اما «مکان‌های مغلوب»[۲]، «مکان‌های پناه بردن‌اند، پناهگاه‌های ایثارهای خودانگیخته و زیارت‌های ساکت، که می‌توان در آن‌ها قلب زنده و تپنده‌ی حافظه را یافت» (۱۹۸۹: ۲۳).» (لگ، ۲۰۰۵: ۴۹۵ و ۴۹۶)

مکان حافظه مکانی است که «حافظه منجمد می‌شود و خود را پنهان می‌کند، جایی‌که سرمایه استفاده شده در حافظه جمعی متراکم می‌شودو بیان می‌گردد» (نورا، ذکر شده در الیه مونتانو، ۲۰۰۸: ۸۷). (گوگلیلموچی و اسکارافونی ریبیرو، ۲۰۱۵: ۹) نورا می‌افزاید آنچه یک مکان (place) را تبدیل به مکان حافظه می‌کند (site) بازی میان حافظه و تاریخ است ـ به عبارت دیگر تعامل میان آنها که اجازه تعین دوسویه را می‌دهد ـ و اینکه همواره به اراده‌ای جهت به یاد آوردن نیاز است. (گوگلیلموچی و اسکارافونی ریبیرو[۳]، ۲۰۱۵: ۹)

۳-۱-۲ـ اریک هابزبام[۴]: آیا «قدمت» حاصل «تازگی» است؟

آیا می‌توان سنت‌ها را نیز ساخت؟ سنت را امری مربوط به گذشته دور و لایتغیر معرفی می‌کنند اما اریک هابزبام در نظریه خود تحت عنوان «ابداع سنت[۵]» برای اولین بار به این موضوع اشاره می‌کند که سنت‌ها نیز در برخی دوره‌های تاریخی ابداع می‌شوند. به ویژه دوران مدرن دوران ابداع سنت است. سرعت و میزان تغییراتی که در این دوران روی می‌دهد موجب می‌شود بسیاری از سنت‌های قدیمی از بین بروند و فرصتی برای شکل‌گیری تدریجی سنت‌های تازه نباشد. همچنین بسیاری از نهادها، ساختارها و الگوها آنقدر جدید هستند که هیچ گذشته و سابقه تاریخی‌ای ندارند. «آشکار است که تعداد زیادی از نهادهای سیاسی، جنبش‌ها و گروه‌های ایدئولوژیک

---

۱ dominant lieux
۲ dominated lieux
۳ Ana Guglielmucci and Luciana Scarrafuni Ribeiro
۴ Eric Hobsbawm
۵ The Invention of Tradition

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ـ دست کم در ناسیونالیسم ـ آنقدر بی‌سابقه و بدون گذشته[1] هستند که حتی تداوم تاریخی باید اختراع شود، برای مثال از طریق خلق گذشته‌ای دور ورای تداوم تاریخی موثر، یا از طریق نیمه افسانه‌ها...یا از طریق سندسازی و جعل...» (هابزبام و رنجر، ۲۰۰۰: ۷)

تا وقتی که شیوه‌های قدیمی زنده و پویا و پاسخگوی نیازهای جامعه هستند، نیازی به ابداع سنت‌های جدید نیست «اما درجایی که نیاز به فراهم کردن چارچوبی برای عمل باشد که تاحد زیادی غیرقابل پرسش است یا نیاز به توجیهی برای قدرت باشد، سنت‌ها ساخته می‌شوند (هابزبام، ۱۹۸۳: ۸) طبق نظر هابزبام و رنجر[2] (۱۹۸۳) سنت‌های ابداع شده به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت برای مستقر کردن یا مشروعیت بخشیدن به نهادها، نمادسازی انسجام اجتماعی و اجتماعی کردن افراد نسبت به نظم موجود، به کار می‌روند.» (میژال، ۲۰۰۳: ۵۷)

برساخت سنت‌ها رابطه‌ای چاره ناپذیر با قدرت دارد. در واقع این قدرت‌های سیاسی هستند که برای ادعای وجود تداوم تاریخی و ساخت گذشته‌ای که در جهت منافع شان است، دست به ساخت سنت‌ها می‌زنند. واژه سنت در اینجا به معنای «مجموعه‌ای از اعمال که معمولاً از طریق قواعد علنا یا تلویحا پذیرفته شده و دارای ماهیت نمادین یا مناسکی هدایت می‌شوند، است که تلاش می‌کند ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری خاصی را از طریق تکرار که به طور خودکار بر تداوم با گذشته دلالت دارد، القا نماید.» (هابزبام، ۱۹۸۳: ۱)»(همان) هابزبام نظریه خود را تحت تأثیر موریس هالبواکس و رویکرد «حال‌گرایی» وی مطرح کرد یعنی او نیز مانند هالبواکس به برساخت گذشته بر اساس منافع زمان حال تکیه کرد اما با این تفاوت که هابزبام بیشتر بر روی ساخت سنت‌ها توسط قدرت‌های سیاسی و در جهت منافع آنها تأکید نمود اما هالبواکس برساخت حافظه را توسط گروه‌های اجتماعی مدنظر قرار داده بود. «درحالی‌که سنت دورکیمی مطرح می‌کند که ما به طور جمعی و انتخابی به یاد می‌آوریم، رویکرد ابداع سنت به شکل مستقیم‌تری بیان می‌کند که چه کسی مسوول انتخابی بودن حافظه است و علل این انتخابی بودن را خاطرنشان می‌سازد.» (همان: ۵۶) بدین ترتیب مبدعین حافظه به افزایش و حفظ قدرت حاکمان و منافعشان یاری می‌رسانند.

سنت‌ها در قالب مناسک، آیین‌ها، نمادها و الگوهای رفتار ساخته می‌شوند و عرضه می‌گردند. همانند حافظه که ساختش ارتباط مستقیمی با فراموش کردن برخی رویدادهای گذشته دارد، در ساخت سنت‌ها نیز سانسور نقش

[1] unprecedented
[2] Terence Ranger

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.
استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیداوران و تنها برای هدف‌های علمی

مهمی ایفا می‌نماید. یعنی مناسک و سانسور هر دو سنت‌ها به صورت ایجابی و سلبی در ساخت سنت‌ها دست اندرکارند. یکی از موضوعاتی که هابزبام و رنجر هم در «ابداع سنت» به آن اشاره می‌کنند، استفاده از قربانیان و خسارات جنگ در جهت استقرار انسجام اجتماعی و مشروعیت بخشی به اقتدار توسط قدرت‌های سیاسی است. نمادسازی از شهدا و قربانیان به همان میزان در انقلاب‌ها دیده می‌شود. هابزبام حکومت‌های انقلابی را یکی از حاضران اصلی عرصه برساخت سنت‌ها می‌داند. انقلاب‌هایی که تمامی سعی‌شان پاک کردن گذشته در تمامی ابعاد آن است به جز آن ابعادی که به ساخت تاریخی برای انقلاب یاری می‌رساند یا ارزش‌هایی که انقلاب را پشتیبانی کرده است.

تاریخ گذشته‌ای است که قدرت مسلط آن را می‌سازد و ترویج می‌کند. رویکرد ابداع سنت چنین نگاهی به تاریخ دارد و تاریخ‌نگاران را آگاه یا ناآگاه همراه و همدست چنین عملکردی معرفی می‌کند. «همه تاریخ‌نگاران، هدف-شان هرچیز دیگری که باشد، در این فرایند درگیر می‌شوند تا جایی که آنها آگاهانه یا ناآگاهانه در خلق کردن، برچیدن و ساختاردهی مجدد تصاویر گذشته‌ای که نه تنها به دنیای تفحص متخصص بلکه به عرصه عمومی انسان به عنوان یک هستی سیاسی[۱] تعلق دارد، مشارکت می‌نمایند.» (هابزبام و رنجر، ۲۰۰۰: ۱۲و ۱۳) سنت‌های اختراع شده همگی از تاریخ به عنوان مشروعیت‌بخش به عمل‌شان و سیمان همبستگی استفاده می‌کنند و همین امر موجب می‌گردد تاریخ به عرصه چالش و نزاع میان گروه‌ها مختلف تبدیل شود. مسأله درگیری بر سر تفسیر و بازسازی گذشته مهم‌ترین کارکرد ابداع سنت، را که همانا ایجاد و حفظ هویت است، نشان می‌دهد. «به نظر می‌رسد جنبه هویتی سنت دارای اهمیت زیادی است زیرا سنت‌ها به عنوان شیوه‌ای برای ایجاد احساس تعلق و قدرتمند کردن هویت‌های گروهی مورداستفاده قرار می‌گیرند. این گفته هالبواکس موضوع را تأیید می‌کند که حتی گروه‌های نسبتا کوچک خودشان را تا حدی در ارتباط با حافظه‌هایی تعریف می‌کنند که در آن مشترک هستند که این حافظه‌ها رابطه‌ای را میان حافظه جمعی و سنت از یک سو و صورتبندی هویت از سوی دیگر مستقر می‌نمایند.» (میژال، ۲۰۰۳: ۹۶)

در نهایت واضعین نظریه «ابداع سنت» این رویکرد را «به عنوان فراهم‌آورنده چارچوب نظری مرتبط برای جستجوی مناسک و یادبودهای تحمیل شده توسط رژیم‌های اقتدارطلب» (همان: ۱۲۷) معرفی می‌کنند. مشخص

[۱] Political being

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کردن رویدادهای مهم در تقویم و برساخت مناسک، آیین‌ها و نمادهایی برای آن از جمله مهم‌ترین شیوه‌ها برای ساخت سنت است.

۴-۱-۲- حافظه مسلط ـ حافظه تحت سلطه

در دوران مدرن از یک‌سو هویت‌های فراگیری چون «ملت» خلق شد که با نادیده گرفتن تفاوت‌ها همه آنها را در درون یک هویت بزرگ‌تر گرد هم می‌آورد و از سوی دیگر در این دوران به تدریج با کاهش اقتدار سنت‌های پیشین و تحولات ساختارها و الگوهای اجتماعی جوامع با تکثر هویت‌ها، رویکردها، عقاید و سبک زندگی‌ها مواجه شدند. «در زمینه نیاز فزاینده برای هویت جمعی و کاهش حافظه فراگیر، پراکندگی حافظه‌های کوچک مبتنی بر گروه‌ها ایجاد می‌شود.» (میژال، ۲۰۰۴: ۷۴) حافظه‌ها از خلال به چالش کشیده شدن هویت‌های تثبیت شده و نیز با زیر سوال رفتن سنت‌ها و باورهای مستحکم و پردوام پیشین بیش از پیش به عنصر برسازنده هویت تبدیل می‌شوند. وقتی هویت‌های فردی و جمعی بدیهی و واضح هستند، گذشته مسأله نیست اما با تضعیف اهمیت نظری و عملی باورهای دینی و ملی به عنوان منابع ثابت هویت، حافظه اهمیتی بسیار زیادی می‌یابد.»(همان)

حافظه‌های فراگیر به نوعی حافظه‌هایی هستند که با گروه‌های قدرتمند مرتبط هستند و توسط آنها شکل می‌گیرند و حمایت می‌شوند. «ایروین ـ زارکا می‌نویسد «درگیری برای تصاحب و تفسیر حافظه در مبارزه میان منافع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ریشه دارد.» (اولیک و رابینز: ۱۹۹۸: ۱۲۷) فوکو که به عنوان واضع مفهوم «حافظه بدیل[1]» شناخته می‌شود حافظه بدیل را به عنوان نیروی سیاسی افرادی که از طریق گفتمان‌های عام حاشیه‌ای شده‌اند، تعریف می‌کند که در سلسله مراتب در جایگاهی پایین قرار دارند. وی «به منظور مقاومت در برابر قدرت انتظام بخش تاریخ نگاری ملی مفهوم «حافظه بدیل» را مفصل بندی کرد که به حافظه‌هایی ارجاع می‌دهد که متفاوت از گفتمان‌های مسلط و اغلب در چالش با آنهاست.» (همان) روایت غالب از گذشته، خود را به عنوان تنها روایت موجود می‌نمایاند تا حدی که اعضای جامعه آن روایت را به عنوان «تاریخ» خود می‌پذیرند و بر اساس آن به خود می‌اندیشند و خود را قضاوت می‌کنند. برای چنین روایتی حضور روایت‌های بدیل بسیار خطرناک است زیرا هژمونی آن را زیر سوال می‌برد و همراه با آن هویت گروه مسلط دچار تزلزل می‌شود و ثبات و دوامش را از دست می‌دهد[2]. سرکوب و خاموش کردن صداهای دیگر جز روایت مسلط تنها چاره‌ای است که در نظام‌های

---

[1] Counter-memory

[2] برای مثال می‌توان به برجسته شدن روایت باستان‌گرایانه از تاریخ ایران در دهه اخیر اشاره کرد که روایتی را که تاریخ ایران را از زمان ورود اسلام مطرح می‌کرد و آن را از زاویه ایران به عنوان یک کشور مسلمان می‌خواند، به چالش کشیده است و روایتی کاملا متفاوت ارائه داده است که هویت اسلامی مورد ادعای حکومت را هم تضعیف نموده است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

غیردموکراتیک از آن استفاده می‌شود. «تفسیرهای آلترناتیو از گذشته، گاه به حاشیه رانده می‌شوند زیرا حافظه‌ی رویدادی که گروه غالب آن را تجربه کرده، در تلاش برای حفظ قدرت، بسیار اهمیت دارد.» (رایان: ۲۰۱۰: ۱۵۸)

در بسیاری مواقع حافظه‌های سرکوب شده خاموش می‌مانند تا موقعی که بر اثر تحولات رخ داده، شرایط برای حضورشان فراهم شود. «این حافظه‌های سرکوب شده که خوانشِ مغلوب و تحت انقیاد زمان حال هستند، پنهان می‌مانند تا وقتی که توجه عمومی، معطوف به گذشته شود.» (همان: ۱۵۹) در نتیجه اغلب قدرت سیاسی تصور می‌کند که چنین حافظه‌هایی دیگر وجود ندارند و از بین رفته‌اند اما به محض آنکه تغییراتی رخ می‌دهد که فشار از سوی قدرت سیاسی بر جامعه افزایش می‌کند، مشخص خواهد شد چه حافظه‌هایی در سکوت زیست کرده‌اند و همچنان هویت خود را حفظ کرده‌اند. «سیاست تاریخ و حافظه در هر جامعه، با روابط نیروهایی[۱] مشخص می‌شود که بین کلان روایت‌های هژمونیک[۲]، ضدحافظه‌های مبارز[۳]، و اقلیت‌های ساکتی که تجربه‌ی تاریخی‌شان به ندرت در عرصه‌ی عمومی بیان می‌شود جریان دارد. ... از آن‌جا که روابط نیروها، نه همیشگی است و نه ثابت، کنشگران قدرتمند ممکن است زمینه و نفوذ خود در تفسیر تاریخ را از دست بدهند و گروه‌های صاحب‌تجربه‌ای که قبلا ساکت بوده‌اند، «به ناگهان» کلان‌روایت‌های حاکم را به چالش بکشند. با این حال، کسانی که نه سعی در تقویت تفسیر غالب دارند و نه منکر آن هستند نیز هنوز بخشی از همبستگی نیروها در میدان سیاسی تفسیر تاریخی هستند: آن‌ها مصرف‌کنندگان یا نادیده‌گیرندگان سیاست‌های خاص تاریخ‌اند، آن‌ها به کارگیرندگان بالقوه، و مهم‌تر از آن، حاملان روایت بدیل هستند، هرچند هنوز روایت‌های خود از تاریخ را بیان نکرده‌اند.» (مولدن[۴]، ۲۰۱۶: ۱۲۵ و ۱۳۵)

حافظه‌های بدیل تلاش دارند سکوت‌ها را تبدیل به صدا کنند و این در حالیست که تاریخ‌های رسمی، وحدت و استمرار یک پیکره سیاسی را با تحمیل یک تفسیر خاص از گذشته مشترک، ایجاد و حفظ می‌نمایند. حافظه‌های بدیل در مقابل وحدت و استمرار ذکر شده می‌ایستند و آن را ویران می‌کنند.(مدینا[۵]، ۲۰۱۱) از بین بردن وحدت ناشی از حافظه رسمی و شکل‌گیری حافظه‌های بدیل متعدد در مقابل آن این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که آیا این وضعیت به نوعی گسست و شکاف اجتماعی و عدم شکل‌گیری وحدت فراگیر نمی‌انجامد؟ فوکو معتقد است که بر اثر شکل‌گیری حافظه‌های بدیل نوعی عدم وحدت و گسستگی شکل خواهد گرفت؛ «در وهله اول،

---

۱ relations of forces
۲ hegemonic master narratives
۳ defiant counter-memories
٤ Berthold Molden
٥ Jose medina

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هر حافظه بدیل با تثبیت خود در مقابل یک تاریخ رسمی، باعث ایجاد و بیان تفرقه[1] می‌شود.تاریخ بدیل (که خود احیا کننده حافظه بدیل است)، با برجسته کردن تقابل‌ها و انشعابات پیکره سیاسی، کارکرد وحدت‌بخش تاریخ رسمی را متوقف می‌سازد. این همان چیزی است که فوکو اصل عدم تجانس می‌نامد. این اصل، هدایت‌گر تاریخ بدیل است و این تأثیر را از خود به جای می‌گذارد: تاریخ برخی، تاریخ برخی دیگر نیست. آن‌چه از منظر قدرت، حق، قانون یا تعهد به حساب می‌آید، وقتی از منظر گفتمان جدید به آن نگاه کنیم، سوءاستفاده از قدرت، خشونت و مطالبه[2] به حساب خواهد آمد. (مدینا: ۲۰۱۱: ۱۴)

مسأله عدم شکل‌گیری وحدت و همبستگی اجتماعی بسیار مهم است زیرا می‌تواند جامعه را با مسائل حادی چون تضادهای درونی مواجه کند که می‌تواند در نهایت حتی به جنگ داخلی یا سرکوب‌های شدیدتر توسط قدرت مسلط و خشونت فزاینده منجر شود. باید قدرت سیاسی به این موضوع توجه داشته باشد که «سکوت ممکن است توسط شرایط ترس و عدم امنیت عمومیت یافته تحمیل شود. برخی نویسندگان معتقدند که ممانعت از به اشتراک گذاری اجتماعی، تمایزات میان خود و دیگری‌ها را برجسته می‌نماید و از خلال آن همبستگی میان گروه‌ها را تخریب می‌کند.» (بریستین، پائز و گونزالز[3]، ۲۰۰۰: ۱۱۹) و در اینجا برای بسیاری از اندیشمندان این پرسش مطرح است که آیا اصلا می‌توان یک«چندصداییِ متعادل و متقارن (یعنی یک فرهنگ حافظه‌ی واقعا ناهمگن، یک چندفرهنگیِ حافظه)» (مولدن، ۲۰۱۶ : ۱۳۱) داشت و وضعیت در جامعه به گونه‌ای سازمان یابد که حضور حافظه-های متکثر در کنار یکدیگر به عدم ارتباط میان آنها و شکاف اجتماعی نینجامد. به نظر می‌رسد این موضوع را باید با توجه به شرایط هر جامعه از خلال پژوهش در خصوص برساخت حافظه و هویت‌های خرد در آن بررسی کرد اما آنچه می‌توان در یک تحلیل کلی از وضعیت جوامع امروز در سطح جهان بیان کرد، این است که در صورت وجود عرصه عمومی باز به روی همه گروه‌ها جهت ارائه تفاسیر خود از گذشته یک جامعه و ایجاد امکان گفتگو میان روایت‌های گوناگون با یکدیگر و نیز روایت رسمی، این حافظه‌های متکثر به سوی مقاومت و مواجهه خشونت آمیز با قدرت سیاسی و دیگر گروه‌ها فراخوانده نمی‌شوند و یک همزیستی مسالمت آمیز شکل خواهد گرفت.

---

[1] disunity
[2] exaction
[3] Carlos Marin Beristain, Dario Paez & Jose Liz Gonzalez

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

با مفاهیم نورایی می‌توان در خصوص مکان‌های حافظه بدیل نیز سخن گفت. مکان های حافظه بدیل زمان ها و مکان‌هایی را نشان می‌گذارد که در آنها افراد از فراموشی امتناع می‌کنند. آنها می‌توانند طرح حافظه یک طبقه، نژاد، کاست یا ملت مسلط را پس زده و شکل بدیلی از یادآوری و هویت را ایجاد می‌کنند. (گوگلیلموچی و اسکارافونی ریبیرو، ۲۰۱۵؛ لگ، ۲۰۰۵) مبارزه با فراموشی بخشی مهم از مبارزات گروه‌های حاشیه‌ای است. حفظ حافظه این گروه‌ها و احیای دائمی آن نیاز به وجود مکان‌ها یا زمان‌هایی دارد که با رویدادهای مرتبط با آن گروه نشانه‌گذاری شده باشد و اعضای گروه را گرد هم آورد. همان‌طور که نورا خود تقویم را یکی از مکان‌های حافظه معرفی کرده است، می‌توان آن را یکی از مکان‌های حافظه بدیل هم به حساب آورد که از خلال مناسبت‌هایش روایت این گروه‌ها را از گذشته‌شان حفظ می‌کند و در اختیار همه اعضای گروه قرار می‌دهد.

یک نکته مهم دیگر در خصوص حافظه‌های بدیل آن است که چنین حافظه‌هایی معمولا بر شکست‌ها و رنج‌های گروه‌های حاشیه‌ای تکیه دارند. «تاریخ بدیل، تاریخ فتوحات و پیروزی‌ها نیست؛ تاریخ شکست‌ها است. به قول فوکو، تاریخ با آن «صورت‌های حماسی، مذهبی یا اسطوره‌ای [پیوند می‌خورد و] شرح بدبختی‌های اجداد، تبعیدها و بردگی‌ها را به تصویر می‌کشد». ... در حالی که تاریخ رسمی، کل گروه‌های مردم و زندگی‌ها و تجربه‌های آنان را در تاریکی و سکوت نگه می‌دارد، «ضدتاریخ دقیقا به ما می‌آموزد که چگونه به آن لحظاتِ ساکت و تاریک، گوش فرا دهیم». (مدینا: ۲۰۱۱: ۱۵) بدین ترتیب حافظه‌های بدیل را می‌توان در اغلب موارد حافظه‌های تروماتیک نامید. صحبت از درد و رنج‌های گروه‌های سرکوب شده تا اواسط قرن بیستم میسر نشد و در این دوران به دلیل تحولات اجتماعی گوناگونی که در جوامع اروپایی از ابتدای قرن بیستم رخ داده بود و نیز رویدادهای نیمه دوم این قرن در کنار نظریات جدیدی که از سوی اندیشمندان گوناگون در جهت ادراک رویدادهای این دوران مطرح شد، امکان اعلام وجود گروه‌های حاشیه‌ای و برخاستن صدای آنها را داد. بدین ترتیب آنها امکان بیان تجربیات رنج آلود خود در گذشته را یافتند. «تروما که بیانگر حدهای نهایی تجربه انسانی است، وضعیتی است که در آن هویت‌های جمعی بیشترین درگیری را دارند. ... حافظه‌های تروماتیک توسط سیاست جنبش‌های هویتی به عنوان منبع تقویت قدرت گروه و به عنوان وسیله‌ای برای ادعا در مقابل گذشته و وسیله‌ای برای اشاره مجدد به بی‌عدالتی‌های گذشته به کار می‌روند. ... از خلال قرار دادن تروما در قلب حافظه بدیل، آنچه به یاد آورده می‌شودوزنی اخلاقی پیدا می‌کند زیرا به منظور حفظ نظم اخلاقی به یاد آوردن وحشت‌های گذشته تبدیل به وظیفه می‌شود. وظیفه به یاد آوردن نه تنها شامل «توجه عمیق نسبت به گذشته می‌شود بلکه شامل انتقال معنای رویدادهای گذشته به نسل بعدی نیز می‌شود (ریکور، ۱۹۹۹: ۹).» (میژال، ۲۰۰۴ :۷۴ و ۷۵) بدین ترتیب عاملان اجتماعی «تصمیم می‌گیرند» که رنجی اجتماعی را به عنوان تهدیدی بنیادین برای احساس‌شان در مورد اینکه

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کیستند، از کجا آمده‌اند و به کجا می‌خواهند بروند، بازنمایی کنند.» (الکساندر، ۲۰۱۲) برای آنکه گروهی گذشته‌اش را به عنوان گذشته‌ای تروماتیک تعریف کند نیازمند آن است که سه عنصر اساسی را مشخص کند: ۱. قربانی کیست؟ ۲. ستمکار یا دشمن کیست؟ ۳. ماهیت رویداد رنج‌آور چیست؟ (روایت رویدادها) این‌گونه است که یک گروه می‌تواند ادعایش را در مورد آنکه اتفاقاتی در گذشته آن چنین ماهیتی داشته است، عینی نماید. گروه‌هایی که خود را در طول تاریخ یا در یک دوره‌ای از آن تحت ستم گروه دیگری می‌دانند از خلال روایتی که در آن عناصر ذکر شده آمده‌اند، حافظه‌ای را فعال می‌کنند که هم اعضای گروه و هم دیگران را با آن آشنا و درگیر می‌کنند.

در عصر حاضر حافظه ملی یکی از مهم‌ترین حافظه‌های مسلط است که بسیاری از رویدادهای دهه‌های اخیر که در قالب تروریسم، جنگ و قتل عام‌های بی‌رحمانه رخ داده است، حاصل برخاستن گروه‌های حاشیه‌ای، تلاش‌شان برای بروز هویت خویش و سرکوب‌های خشونت آمیز آنها از جانب دولت‌های ملی بوده است. «برعکس کلان روایت‌ها (ی ملی)، «روایت‌های دیگری نیز هستند که خواه به صورت داستان‌های شفاهی و خواه به صورت کاربست‌های مقاومت علیه قدرت)، معناها و روایت‌های بدیلیاز گذشته ارایه می‌کنند که اجماع تحمیل‌شده ملی را تهدید می‌نمایند» (مولدن، ۲۰۱۶: ۱۳۵)

۵-۱-۲- فراموشی

به همان میزان که حافظه امری فردی و روان‌شناختی دانسته می‌شد، فراموشی نیز حاصل یک اشتباه یا لغزش فردی یا فرایند پیچیده روان‌شناختی معرفی می‌شد. هالبواکس فراموشی را نیز همچون حافظه به پدیده‌ای اجتماعی بدل کرد که نوعی از شکل افتادن یادآوری تحت تأثیرات مبهم گروه و تحولات آن است.

یکی از بحث‌های بسیار مهم و پردامنه در خصوص فراموشی، صحبت از مثبت یا منفی بودن پیامدهای آن است؛ پرسش از اینکه آیا جوامع باید فراموش کنند و آیا فراموشی می‌تواند نتایج خوبی برای جوامع به بار آورد و یا اینکه فراموشی ممکن است یک جامعه را دچار زیان نموده و مثلا موجب تکرار تجربیات اشتباه گذشته شود. وجدان معذب یک جامعه می‌خواهد فراموش کند تا به آرامش برسد؛ تا کجا باید به یاد آورد؟ چه چیز را و چه زمانی باید فراموش کرد؟ « وظیفه‌ی به یاد آوردن، با عزم یا میلِ به فراموش کردن مواجه شد، و این [عزم و میل

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

به فراموشی]، معمولاً چنین توجیه می‌شد که باید به پیش رفت و گذاشت که هر جامعه، در سکوت و فراموشی، به صلح و آرامش برسد.» (آیمارد[1]، ۲۰۰۴: ۸)

بسیاری از مطالبی که در خصوص فراموشی در دهه‌های اخیر نگاشته شده است، در مورد جنایت‌های نازی‌ها در دوران جنگ‌های جهانی است؛ آیا افرادی که در آن کشتار بی‌رحمانه به هر طریقی شرکت داشتند باید آن را فراموش کنند تا بتوانند به راحتی به زندگی خویش ادامه دهند؟ آیا جامعه آلمان و دیگر کشورهای همراه آن در جنایات آن زمان می‌توانند با فراموش کردن خود را از وجدان معذب‌شان خلاص کنند؟ اگر این مردم بخواهند همواره با این وجدان معذب بزیند چه روی خواهد داد؟

فارغ از رویدادهای مرتبط با جنگ جهانی، یکی از مهم‌ترین عوامل نسل‌کشی‌ها و آزارهایی که برخی گروه‌ها در دوران معاصر با آن مواجه شده‌اند، ملت سازی بوده است. ساخت یک ملت نیاز به حذف ناهمگن‌ها و سرکوب آنها داشت بدین ترتیب گروه‌های بسیاری در سراسر جهان از صحنه محو شده‌اند و در سایه قرار گرفتند. در نیمه دوم قرن بیستم به تدریج موضوع توجه به گروه‌های حاشیه‌ای مطرح شد و در نتیجه فراموشی جنایت‌های صورت گرفته در خصوص گروه‌های ذکر شده و دیگر گروه‌های سرکوب شده در مرکز توجه قرار گرفت. «مورخان فراخوانده شدند تا بی‌طرفی متعصبانه[2] خود را کنار بگذارند و اجازه ندهند که این گذشته طردشده یا سرکوب‌شده، به ورطه نسیان[3] در افتد، و به آسیب‌شناسی قتل‌عام‌هایی بپردازند که گاه به مثابه نسل‌کشی[4] بود، و مسئولین آن جنایت‌ها را شناسایی کرده و خود، در مقام متخصص، به عدالت خدمت کنند. ... جنگ‌های نیمه‌ی اول قرن بیستم (و یادبود جنگ‌ها)، جنبش‌های مقاومت یا استقلال‌طلبی ملی، انقلاب‌ها و شورش‌های مختلف (خواه پیروز و خواه ناکام)، مورخان را نسبت به قلمرو حافظه مشترک، عادت داده بودند؛ [و حال] آن‌ها باید یاد می‌گرفتند که وارد قلمرو خدعه‌آمیزتر حافظه‌ای شوند که بر سر آن، اشتراک و اتفاقی وجود ندارد.» (همان)

ماجرای فراموشی یک روی دیگر نیز دارد و بسیاری از محققان بر این امر تأکید کرده‌اند که فراموشی امری ضروری برای زیست جوامع است. هر یادآوری‌ای فراموشی را نیز با خود دارد. انتخاب رویدادهایی برای به یاد آوردن، در واقع همزمان انتخاب برخی رویدادها برای فراموش کردن است. «فراموشی شرط قاطع به یاد آوردن است. تنها با فراموشی بیشتر گذشته، با پاک کردن و مخلوط کردن تجربیات گذشته، ما می‌توانیم خودمان را به

[1] Maurice Aymard
[2] vaunted neutrality
[3] oblivion
[4] genocide

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آینده معطوف کنیم. (لوونتال، ۱۹۸۵: ۲۰۴-۵) ... فراموشی نه تنها برای آگاهی فردی لازم است همچنین شرط لازم حافظه اجتماعی است. تنها با بی‌اعتنایی و فراموشی جمعی بیشتر آنچه که اتفاق افتاده استاجتماعات و گروه-های اجتماعی می‌توانند تاریخ‌های‌شان را بسازند. از خلال فراموشی، گروه‌ها، سازمان‌ها یا جوامع گذشته‌شان را «نشانه‌گذاری می‌کنند» و حافظه‌های‌شان را سازمان می‌دهند. از خلال ایجاد و سازماندهی حافظه اجتماعی، گروه‌ها درحالی‌که مرزها را مستقر می‌کنند، وحدت را می‌سازند، حفظ می‌کنند و افزایش می‌دهند.» (ون اش، پاتریک دولیگر،پتروتا تیمپاو و گرت ورشراگن[۱]، ۲۰۰۹: ۲۱۱ و ۲۱۲)

ویژگی سازمان‌دهندگی فراموشی به هویت و مرزهای هویتی یک گروه اجتماعی است که موجب شده است برای ساخت ملت‌ها فراموشی تبدیل به یک عنصر مهم و ضروری گردد. «فراموش کردن، عاملی کلیدی در ایجاد یک ملت جدید بود، و به همین دلیل است که پیشرفت مطالعات تاریخی، معمولا برای [اصل] ملیت، خطرناک است. در واقع، پژوه‌های تاریخی، خشونت‌هایی را پیش چشم می‌آورد که در منشأ همه شکل‌گیری‌های سیاسی (حتا در آن‌هایی که نتیجه‌شان سودمند بوده است) اتفاق افتاده است. وحدت، همیشه تحت تاثیر توحش قرار می‌گیرد. ... با این حال، جوهره هر ملت، این است که افراد، اشتراکات فراوانی با هم دارند، و چیزهای فراوانی را فراموش کرده‌اند. (رنان در هومی بابا[۲]، ۱۹۹۰: ۱۱)

۲-۲ـ تاریخ

مهم‌ترین مفهومی که حافظه با آن خوانده و فهمیده می‌شود «تاریخ» است. همه متفکرانی که در خصوص حافظه جمعی نظریه‌پردازی کرده‌اند، ارتباط میان این دو مفهوم را برای درک معنای حافظه جمعی مدنظر قرار داده و به آن پرداخته‌اند. همانند تاریخ، حافظه جمعی نیز به گذشته جوامع ارجاع می‌دهد و تلاش می‌کند آن را به زمان حال بیاورد. ارتباط میان مفهوم حافظه و تاریخ خود امری تاریخمند است و با تغییرات جوامع طی زمان دچار تحول شده است. همچنین متفکران نظریات گوناگونی در خصوص ارتباط این دو با یکدیگر دارند؛ برخی حافظه و تاریخ را در تضاد با یکدیگر می‌دانند و برخی از همسانی آنها سخن می‌گویند؛ از نظر برخی متفکران هم این

[۱] Kristof Van Assche, Patrick Devlieger, Petruta teampau & Gert Verschraegen
[۲] Homi Bhabha

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دو مفهوم با تحولات دهه‌های اخیر روز به روز به یکدیگر نزدیک‌تر شده‌اند و کمتر می‌توان تفاوتی میان آنها تشخیص داد.

موریس هالبواکس به عنوان واضع نظریه «حافظه جمعی» در اثر خود «حافظه جمعی» به تفصیل به دو مفهوم تاریخ و حافظه پرداخته است. «حافظه‌ی جمعی حداقل دو تفاوت عمده با تاریخ دارد: حافظه‌ی جمعی، جریانی از تفکر مستمر است که استمرارش به هیچ وجه مصنوعی نیست زیرا فقط چیزی از گذشته باقی می‌ماند که هنوز زندگی می‌کند یا ظرفیت آن را دارد که در خودآگاه گروه‌هایی که آن حافظه را زنده نگه می‌دارند، زندگی کند. ... تاریخ، زنجیره قرن‌ها را در قالب دوره‌های مختلف تقسیم‌بندی می‌کند، همان‌طور که محتوای یک تراژدی، به بازی‌های مختلف بازیگرانش تقسیم می‌شود. ... . زمان حال (که گسترش دوره‌ی خاصی از زمان به حساب می‌آید که مورد علاقه‌ی جامعه‌ی معاصر است) به گونه‌ای با گذشته در تقابل نیست که بتوان گفت مثل دو دوره‌ی تاریخی همجوار، بتوان از هم متمایزشان ساخت، بلکه باید گفت که گذشته دیگر وجود ندارد. این در حالی است که برای مورخان، هر دو دوره به یک اندازه واقعیت دارند. ... حافظه‌های جمعی متعددی وجود دارند. همین تعدد، دومین وجه تمایز حافظه‌ی جمعی از تاریخ است. تاریخ، یکسان است و می‌توان گفت که فقط یک تاریخ وجود دارد. » (هالبواکس، ۱۹۸۰: ۸۰ و ۸۲ و ۸۳) علاوه بر موارد ذکر شده هالبواکس به بی‌طرفی تاریخ و تفاوتش در این زمینه با حافظه جمعی هم اشاره می‌کند. تاریخ می‌خواهد همه رویدادها را به صورت هم سطح در نظر بگیرد و یکی را بر دیگری برتری ندهد اما کار حافظه دقیقا عکس آن است. حافظه به دنبال انتخاب از میان بی‌شمار رویداد بر اساس رویکرد زمان حال است. هیچ واقعیتی بر واقعیت دیگر برتری ندارد زیرا هر واقعیت، تا جایی که به پیش برود و قابل ثبت باشد، به اندازه‌ی واقعیت‌های دیگر جذاب و مهم است. تاریخ‌نگار می‌تواند چنین قضاوتی داشته باشد زیرا او در جایگاه و دیدگاهِ هیچ گروه زنده‌ای در گذشته و حال قرار نگرفته است. اما این گروه‌های زنده، برعکس تاریخ‌نگار، برای‌شان مهم نیست که اهمیت یکسانی به رویدادها، مکان‌ها و دوره‌هایی بدهند که به یک اندازه بر آن‌ها تاثیر گذاشته‌اند. اما تاریخ‌نگار قطعا می‌خواهد کارش عینی و بی‌طرفانه باشد. (همان: ۸۳) تفاوت دیگری که هالبواکس بر آن تأکید می‌کند، آن است که تاریخ مبتنی بر تفاوت‌هاست زیرا می‌خواهد گذشته را دوره‌بندی کند پس باید بر تفاوت میان دوره‌ها و همچنین میان جوامع یا در گذشته یک جامعه تأکید کند. حافظه بر خلاف تاریخ بر شباهت متکی است زیرا بناست برای یک گروه هویتی بسازد و هویت مبتنی بر یکسان ماندن یک جمع از گذشته تا امروز است. البته هالبواکس می‌گوید که «نمی‌خواهم ادعا کنم که حافظه جمعی فقط متکی به شباهت‌ها است. برای آن‌که بتوانیم از حافظه سخن بگوییم،

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دوره‌هایی که حافظه توسعه می‌یابد باید متمایز از یکدیگر باشند. هر یک از گروه‌ها تاریخی برای خود دارد. اشخاص و رویدادها از هم متمایزند.» (همان: ۸۵) در نهایت وی تاریخ را به دلیل بررسی گروه‌ها از بیرون با حافظه که گروه‌ها را از درون می‌کاود، متفاوت می‌بیند. «تاریخ نوشتاری گروه‌ها را از بیرون مورد سنجش قرار می‌دهد، درحالی‌که حافظه جمعی که یک گروه از درون آن را می شناسد، «به گروه اجازه می‌دهد که خودش را از طریق توالی کامل تصویرها بشناسد» (هالبواکس، ۱۹۵۰: ۸۴). بنابراین گروه «به قوت احساس می‌کند که همان باقی مانده است و از هویت خودش در خلال زمان آگاه می‌شود» (۱۹۵۰:۸۴[۱۹۲۶]).» (میزال، ۲۰۰۳: ۱۰۲)

اگر قرار باشد مهم‌ترین تفاوت حافظه و تاریخ را از نظر هالبواکس بیان کنیم، آن است که او تاریخ را حافظه مرده می‌داند یعنی گذشته‌ای که در شرایط حال جامعه نقشی ندارد و زنده نیست. گذشته‌ای که هر لحظه به یاد آورده نمی‌شود و به زندگی امروز فراخوانده نمی‌شود. پیر نورا در این زمینه نظری موافق با هالبواکس دارد. «حافظه و تاریخ دور از مترادف بودن، امروزه به نظر می‌رسد که در تضادی بنیانی هستند. حافظه زندگی است، توسط جوامع درحال زیستن که در نامش بنیان نهاده شده‌اند، حمل می‌شود. حافظه در تکامل دائمی باقی می‌ماند، نسبت به دیالکتیک یادآوری و فراموشی گشوده است، نسبت به تغییرشکل‌های متوالی‌اش ناآگاه است، همواره در معرض دست‌کاری و تصرف است، مستعد است که برای مدتی طولانی نهفته و خاموش بماند و به طور دوره‌ای و متناوب احیا شود. ازسوی دیگر، تاریخ بازسازی همواره مسأله‌آفرین و ناکامل چیزی است که دیگر نیست. حافظه پدیده‌ای پیوسته واقعی است یعنی پیوندی که ما را به حال ابدی متصل می‌نماید؛ تاریخ بازنمایی گذشته است. ... ازآنجایی-که تاریخ محصولی عقلانی و سکولار است، نقد و تحلیل را ایجاب می‌نماید. حافظه یادآوری را در در ون امر قدسی مستقر می‌نماید؛ تاریخ که همواره بی‌روح و ملال‌آور است، مجددا آن را رها می‌کند. حافظه در امر انضمامی یعنی مکان، حالات بدنی، تصاویر واشیا ریشه دارد؛ تاریخ خود را به شکل مستحکمی به تداوم‌های زمانی یعنی به توالی و پیشروی و روابط میان چیزها متصل نموده است. حافظه مطلق است درحالی‌که تاریخ فقط می‌تواند امر نسبی را تصور کند. در مرکز تاریخ گفتمانی انتقادی است که نقطه مقابل حافظه خودبه‌خودی است. تاریخ پیوسته به حافظه مشکوک است و مأموریت واقعی‌اش این است که آن را سرکوب و تخریب کند. در افق جوامع تاریخی و با محدودیت‌های دنیای کاملا تاریخی شده، ممکن است سکولاریزاسیونی دائمی به وقوع بپیوندد.» (نورا، ۱۹۸۹: ۹)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خطوط تمایز تاریخ و حافظه که توسط پیر نورا ترسیم شده‌اند، بر سه تفاوت اصلی این دو مفهوم که توسط اندیشمندان زیادی مطرح شده‌اند، انگشت می‌گذارد. تفاوت‌ها عبارتند از: زنده و پویا بودن حافظه در برابر انفعال و دوری تاریخ، تلاش تاریخ برای عینی و علمی بودن در برابر غیرعلمی بودن حافظه، خدمت تاریخ به قدرتمندان در برابر یاری حافظه به گروه‌های بی‌قدرت و سرکوب شده.

نورا نیز مانند هالبواکس معتقدست که علت تبدیل حافظه به تاریخ فقدان رابطه زنده و پویا میان جوامع با گذشته خودشان است. تفاوت این دو متفکر در این است که نورا فرایند تبدیل حاظفه به تاریخ را بازگشت ناپذیرتر و سیاسی‌تر از هالبواکس می‌داند. (گنزبرگر[۱]، ۲۰۱۶) آنچه که حافظه را به عقب راند و تاریخ را جایگزین آن نمود عواملی همچون ظهور مدرنیسم و خصلت‌های جهانی سازی[۲]، رسانه‌ای سازی[۳]، دموکراتیزاسیون[۴] و توده‌ای سازی[۵] است که رسانه مدرن را جایگزین حافظه‌ی جمعی کرد. نورا تاریخ را دارای ظاهری علمی و دانشگاهی می‌داند. به عنوان یک رشته دانشگاهی تاریخ خود را بی‌طرف و به دنبال شواهد عینی معرفی می‌کند اما تاریخ وجه دیگری نیز دارد و در این کارکرد دیگر «در خدمت پروژه‌های مختلف دگرگونی یا حفظ درک ملت از خویش نیز می‌شود.» (پول، ۲۰۰۸: ۱۶۱)

مسأله علمی بودن تاریخ همواره ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. برخی از آنها تلاش کرده‌اند معیارهایی بیابند که بر اساس آنها تاریخ بتواند مانند هر رشته علمی دیگری، علم محسوب شود. اما پرسش این است که تا چه حد مورخ می‌تواند بی‌طرف باشد و همه رویدادها را همان‌طور که رخ داده و بی‌کم و کاست روایت کند؟ آیا در روایت گذشته ذهنیت‌ها و مسائل امروز هم دخیل می‌شوند یا می‌توان از آن اجتناب کرد؟ آیا آنچه نگاشته می‌شود، در نهایت به فرد یا گروهی بیش از دیگران سود می‌رساند یا خیر؟ آیا صاحبان قدرت این امکان را به مورخ می‌دهند که گذشته را «دقیقا آن‌طور که رخ داده است» روایت کند؟

«در قرن نوزدهم تاریخ‌نگاران تلاش کردند که تاریخ را به عنوان یک رشته علمی که دارای تحلیل‌های عینی است و ادعای «حقیقت» دارد، برقرار کنند. آنها برای انجام این کار از روش‌های علمی سود بردند و هر نوع رابطه‌ای را با حافظه رد کردند. «آنها تعریف دیرپای مرز میان تاریخ و حافظه را برقرار کردند که برمبنای آن حافظه به عنوان

---

[۱] Srah Gensburger
[۲] globalisation
[۳] mediatisation
[۴] democratisation
[۵] massification

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

امری «جزئی و سوبژکتیو» توسط تاریخ سازمان یافته است که بر اساس «زبان‌های برتر عینیت» قادر به مواجه نمودن «گزارش‌های افراد با حقیقت آرشیو» بود (الی: ۱۹۹۷). ... حافظه تمایل دارد که گذشته را اسطوره‌سازی کند برای جستجوی شباهت‌ها و نیز جهت جذاب بودن برای عواطف و احساسات و بنابراین به عنوان امری قصدمند، انتخابی، فاقد مشروعیت تاریخ و کاملا سوبژکتیو (ذهنی) درنظر گرفته می‌شود درحالی‌که تاریخ در جستجوی فاصله انتقادی و توضیح مستند شده است و در تضاد با زمانمندی غیرخطی حافظه و جدایی ناپذیری‌اش از تخیل است.» (میژال، ۲۰۰۳: ۹۹)

تاریخ در تلاش است خود را عینی و بیان کننده «حقیقت جهانشمول» بنمایاند و همین امر می‌تواند آن را دست‌مایه استفاده قدرت نماید. «اریک هابزبام[۱] (۱۹۹۴) می‌گوید تاریخ، بین دو چیز گرفتار شده است: از یک سو تعهد به امر جهان‌شمول (تعهدی که تا همین اواخر، جدای از جایگاه رشته‌ی تاریخ دانسته نمی‌شد) و از سوی دیگر، ادعاهایی که هویت‌های خاص مطرح می‌کنند. از آن‌جا که ادعاهای اخیر، معمولا در گفتمان حافظه بیان می‌شود، تنشی ویژه بین تاریخ و حافظه وجود دارد. از یک سو، «تاریخ»، گفتمانی شبه‌عینی[۲] به نظر می‌رسد که برتری مهلکی بر حافظه‌ها و هویت‌هایی دارد که مدعی واقعیت تجربه‌شده‌اند و ادعا دارند از اعتباری[۳] برخوردارند که تاریخ، فاقد آن است. از سوی دیگر، حافظه، گفتمانی غیرقابل سنجش است که در خدمت امیال قرار می‌گیرد و ادعای اعتباری را دارد که نمی‌توان آن ادعا را توجیه کرد.» (مگیل، ۱۹۹۸: ۳۸) جهانشمول بودن به معنای آن است که آنچه تاریخ در خصوص گذشته بیان می‌کند برای همه گروه‌های اجتماعی مصداق دارد و مبتنی بر یک رویکرد و زاویه دید خاص نیست. وقتی چیزی در جایگاه حقیقت قرار می‌گیرد، هر آنچه در مقابلش بایستد در جایگاه امر ناحقیقت یا باطل است و به همین علت سرکوب و حذفش توجیه می‌یابد. «تاریخ به تجربه‌های آن‌هایی که در موقعیت ارائه دادن شواهد اسنادی و ساکت کردن افراد دارای دسترسی به مطالب چاپ شده، هستند، امتیاز می‌دهد. با رد عینیت تاریخ و نیز حافظه، «به یاد آوردن گذشته و نوشتن در مورد آن دیگر فعالیتی بی‌طرفانه و خنثی که زمانی این‌گونه فرض می شدند، در نظر گرفته نمی‌شوند» (برک، ۱۹۸۹: ۹۸)....از دهه ۱۹۸۰ مطالعات حافظه، انحصار تاریخ را بر گذشته مورد چالش قرار داد.» (میژال، ۲۰۰۳: ۱۰۲ـ ۱۰۳) دورانی که تاریخ یگانه روایت صحیح و حقیقی در مورد گذشته قلمداد می‌شد، حافظه جایگاه چندانی نداشت اما به تدریج با مطرح شدن نظریات در خصوص گروه‌های حاشیه‌ای در جوامع مختلف، روایت آنها از همان گذشته مشترکی که تاکنون

[۱] Eric Hobsbawm
[۲] pseudo-objective
[۳] authenticity

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تاریخ روایت می‌کرد، ادعای حقیقت تاریخ را به چالش کشید و به همین علت به تدریج حافظه مجددا مطرح شد. در دوره‌ی روایت بزرگ، حضور تاریخ به معنای آن است که تاریخ همیشه می‌تواند بر حافظه غلبه یابد: «تاریخ همیشه پیروز بوده است. در دوره‌ی فروپاشی روایت بزرگ، چنین پیروزی‌ای وجود ندارد. بنابراین، نمی‌توان به راحتی فهمید که تنش بین امر تاریخی و حفظی چگونه قابل رفع است. تردیدی نیست که مجموعه حافظه‌ها، چیزی بر تاریخ نمی‌افزایند. به همین اندازه تردیدی نیست که تاریخ به خودی خود، آگاهی‌های جمعی و هویت را تولید نمی‌کند. بنابراین، بین تاریخ و حافظه مرزی باقی می‌ماند که می‌توان گاه به گاه از آن عبور کرد، اما نمی‌توان (و نباید) آن مرز را برداشت. شاید مشکل‌سازترین گرایش در دوره‌ی ما (که ریشه در ارزش‌گذاری‌های حافظه دارد)، حذف تاریخ به نفع حافظه، یا بدتر از آن، شناسایی تاریخ با توسل به حافظه باشد.»(مگیل، ۱۹۹۸: ۵۶-۵۵)

مواجهه دهه‌های اخیر با تاریخ و اهمیت یافتن مجدد حافظه موجب شده است که برخی متفکران در خصوص تاریخ‌نگاری بازاندیشی کنند. مکتب آنال از جمله مهم‌ترین مکاتبی بود که در مقابل تاریخ‌نگاری سنتی قد علم کرد و تاریخ‌نگاری جدیدی را پیش نهاد. در رویکرد آنها، تاریخ سیاسی جای خود را به تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داد. همچنین آنالی‌ها نوشتن تاریخ قدرتمندان و ثروتمندان را کنار گذاشتند و به نوشتن «تاریخ فرودست‌ها» روی آوردند؛ تاریخی که به آن «تاریخ‌نگاری از پایین» می‌گفتند. «در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ که تلاش‌های بسیار برای شنیدن صدای گروه‌ها و طبقات خاموش به عمل آمد و به تاریخ زندی مردمان فرودست توجه شد، تاریخ دیپلماتیک سنتی نیز محوریت خود را در تاریخ‌نگاری جدید از دست داد و جای خود را به تاریخ‌نگاری از پایین سپرد. در تاریخ‌نگاری از پایین به زندگی افراد، گروه‌ها و مناطقی پرداخته شد که پیش ترها از لحاظ تاریخی حائز اهمیت تلقی نمی‌شدند، از جمله زنان، بردگان، طبقات کارگری، مهاجران و مناطقی چون هند و آفریقا» (موسی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۴۵) تاریخ سنتی تاریخ قدرتمندان بود؛ تاریخی که آن را متعلق به «مردان بزرگ» می‌دانستند. تاریخ اجتماعی که آنال از آن سخن گفت با مردم کوچک سر و کار داشت؛ با آن کسانی که فرودست یا حاشیه‌ای نام می‌گرفتند و قبلا جایی در تاریخ نداشتند و نه خود راوی آن بودند و نه موضوعش. «فرودستان اجتماعی هستند که در مخمصه قدرتی گرفتارند که از طریق قدرت سوژه ساز خود بر آنان مستولی می‌شود.» (عبدالله، ۲۰۱۵: ۲۳) حاشیه‌ای شدن مردم ناشی از تمرکز قدرت در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و دور بودن آنها از مراکز قدرت است. تاریخ‌نگاری اجتماعی صرفا به نگارش تاریخ مردم نپرداخت بلکه به فرودستان در تاریخ عاملیت بخشید؛ آنها دیگر صرفا نظاره‌گران اعمال قدرتمندان

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در طول تاریخ نبودند بلکه کسانی بودند که در روند حرکت تاریخ حضور و تأثیر داشتند. (ذوالفقاری و نجومیان) آنال علاوه بر تغییر زاویه دید از قدرتمندان به سوی فرودستان جامعه، شیوه تحلیل خود را نیز تغییر داد و تحلیل مسأله محور را جایگزین شیوه سنتی روایت رویدادهای تاریخی کرد. بدین ترتیب تاریخ سیاسی به طور کامل از حذف نشد و تبدیل به یکی از عناصر قابل بررسی در تحلیل گردید. تاریخ تحلیلی مبتنی بر یک مسأله در این رویکرد جای تاریخ‌نگاری سنتی در خصوص رویدادها را گرفت. (برک، ۱۳۸۹) رویکردهای مشابه دیگری که نگارش تاریخ گروه‌های فرودست را موضوع کار خود قرار دادند، در دهه‌های اخیر شکل گرفت. «ادعای جهان‌شمول[۱] بودن تاریخ (حتا اگر این جهان‌شمولی صرفاً با دیدگاهی خاص یا درباره‌ی گروهی خاص باشد) از جانب این خیل کثیر تاریخ‌هایی که از دیدگاه‌های مختلف نوشته شده‌اند مورد انتقاد واقع می‌شود. برخی مشتاق چیز جهان‌شمول دیگری هستند، و برخی، نه تنها از خاص بودن [غیرجهان‌شمول بودنِ] خود خرسندند، بلکه حتا بر آن اصرار نیز می‌ورزند، و در عین حال، این [خاص بودن]، به طور فزاینده‌ای، قانوناً به مثابه یک حق، به رسمیت شناخته می‌شود: هر کسی حق دارد تاریخ خاص خود را داشته باشد، گو این که آن تاریخ، فقط یک تاریخ از میان تاریخ‌های متعدد دیگر است.» (آیمارد، ۲۰۰۴: ۱۱)

ساخت دولت ـ ملت‌ها یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوران مدرن بود در نتیجه هویت ملی بسیار اهمیت یافت و تاریخ در خدمت ساخت چنین هویتی قرار گرفت. بدین ترتیب هویت ملی تبدیل به هویت مسلط در این دوران گردید و بسیاری از هویت‌های خرد که با ساخت ملت‌ها همخوانی نداشتند، حاشیه‌ای و سرکوب شدند. در مقابل تاریخ رسمی به تدریج حافظه این گروه‌ها که روایت متفاوتی از گذشته ارائه می‌کردند سربرآوردند.

«همه فعالیت‌های سیاسی ذاتا فرایندی از بحث و تعریف تاریخی است»، و سلطه سیاسی شامل کنترل بر تعریف تاریخی می‌شود. بنابراین تاریخ یک ذی‌نفع در مبارزه دائمی برای هژمونی است.» (تلانتیر[۲]، ۲۰۰۱: ۲۰۰)

---

[۱] universal
[۲] Jenea Tallentire

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۳-۲- هویت

۱ـ۳-۲ـ حافظه و هویت

مهم‌ترین کارکرد حافظه جمعی، کمک به ساخت هویت است. «هویت (یعنی هویت گروه) با یادآوری (و بازگوییِ) روایت‌هایی از گذشته ساخته می‌شود، و زمان حال با گفتن (روایت کردن) از طریق یادآوری (حافظه) است که بازسازی می‌شود (هویت).» (فن اک، ۲۰۱۱: ۲۰۱) همان‌طور که هالبواکس گفت رجوع به گذشته توسط گروه‌های اجتماعی بر اساس نیازهای زمان حال صورت می‌گیرد. نیاز به بازگویی عناصری از گذشته که احساس هویت مشترک و همبستگی اجتماعی را میان اعضای گروه تشدید می‌کند، یکی از همین نیازهاست. «حافظه جمعی، منبع هویت گروه نیز هست: حافظه جمعی، شرحی از وجود گروه از گذشته تا حال را ارایه می‌کنند. حافظه جمعی، روایتی از نبردها و پیشرفت‌ها، و پیروزی‌ها و شکست‌ها عرضه می‌دارد که اعضای گروه می‌توانند بر مبنای آن‌ها، هویت زمان حال خود را پیدا کنند. (پول، ۲۰۰۸: ۱۵۸-۱۵۹)

برخی هویت را در نظریه هالبواکس امر ثابت و پیشینی می‌دانند و حافظه را چیزی شکل گرفته حول چنین هویتی در نظر می‌گیرند. برخی نیز معتقدند که باید گفت هویت خود برای شکل‌گیری و قوام نیاز به ساخت حافظه‌ای دارد که دستی برد به میان توده انبوه رویدادهای گذشته و آنچه را از آن میان بیرون بیاورد که قرار گرفتن‌شان در کنار هم یک گذشته خاص بسازد و هویتی خاص مبتنی بر آن گذشته مجسم کند. «کار هالبواکس درباب حافظه (هم شرح کلی او از حافظه، و هم نگاه او به حافظه‌ی تاریخی)، عمدتاً حول ساخت حافظه با هویت‌ها بنا شده است. شرح او از حافظه‌ی تاریخی، به این موضوع می‌پردازد که چگونه هویت (که فرض می‌کنیم در لحظه‌ای خاص، دارای یکپارچگی است)، سعی در ساختن گذشته‌ای دارد که خود، با هویت، تعیین و منطبق می‌شود. ... نکته‌ی اساسی در این جا آن است که از نظر هالبواکس، هویت‌های اجتماعیِ مورد نظر، قبل از حافظه‌های جمعی‌ای که آن گروه در هر لحظه می‌سازد، وجودی قطعی و قاطع داشته‌اند. تردیدی نیست که هر هویت در طول زمان، با حافظه‌های جمعی‌ای که ساخته است از نو شکل می‌گیرد، اما اساساً هویت مقدم و مسبوق بر حافظه است. ... برعکس، یکی از ویژگی‌های بارز صحنه‌ی معاصر، فقدان ثبات در سطح هویت است که منجر به پروژه‌ی ساختنِ حافظه با نگاهی به ساختن خود هویت می‌شود. مدل مناسب برای درک این بافت، نه مدل هالبواکس، بلکه بیش از آن، مدل بندیکت اندرسن[۱] است. طبق گفته‌ی اندرسن، این بحث، بحث «اجتماعاتِ تصورشده»

---

[۱] Benedict Anderson

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

است. شاید بتوان اجتماعات تصورشده را مانند هویت‌های تصورشده فرض کرد (اندرسن، ۱۹۹۱ [۱۹۸۳]). البته، هر اجتماعِ بزرگ‌تر از یک گروه کوچک، به یک معنا، اجتماعی «تصورشده» است. هر چه اجتماع، بزرگ‌تر تصور شود، «حافظه» (و «فراموشی» نیز برای آن اجتماع، به همان میزان، ضروری خواهد بود.» (مگیل: ۱۹۹۸: ۴۴) این تفاوت رویکرد را می‌توان تا اندازه‌ای حاصل تحولاتی دانست که از زمان هالبواکس تا امروز در جوامع رخ داده است. افزایش سرعت و شتاب تحولات اجتماعی موجب بی‌ثباتی هویت‌ها، تکثر هویتی و سرعت در مرگ و تولد هویت‌های جدید شده است و این مسأله در زمان هالبواکس هنوز به صورت امروز وجود نداشت و هویت‌ها بسیار باثبات و تغییرات بسیار کندتر بودند. «امروزه، جوامع به طور گسترده‌ای به سراغ حافظه می‌روند تا هویت را مشروعیت بخشد زیرا معنای مرکزی هر هویت فردی یا گروهی به عنوان چیزی که توسط یادآوری حفظ می‌شود، در نظر گرفته می‌شود. (میژال، ۲۰۰۳: ۱۳۳)

به همان میزان که تارخ ابزار دست قدرتمندان برای ساخت هویت مدنظر خود یا مشروعیت بخشی به آن است، حافظه چنین جایگاهی را در ارتباط با دیگر گروه‌های اجتماعی که در جایگاه قدرت نیستند، دارد. پل ریکور می‌گوید: «تاریخ با مسائل ساخت و بازسازی هویت‌های جمعی در سطح مکان و فضای اشتراکی، و لذا با مداخله قدرت در فرآیند ساخت حافظه جمعی، و همچنین با تعبیه حافظه در مکان‌ها پیوند می‌خورد.» (هدلی کلارک[1]، ۲۰۱۰: ۹) رابطه میان تاریخ، حافظه و هویت با قدرت موضوع محوری اغلب مطالعات اخیر در خصوص این ارتباط میان این سه مفهوم است. موضوع اصلی این است که چه کسی حق روایت کردن گذشته و تفسیر آن را دارد و چه کسی باید به این روایت گوش دهد و آن را با یادآوری در قالب‌های گوناگون همچون مناسک بازتولید کند. «حافظه جمعی مفهومی مرکزی در فهم جدال‌های سیاسی و ایدئولوژیک است. ... حافظه و هویت گروهی تا جایی با یکدیگر پیوند دارند که یک گذشته مشترک به تعریف مرزهای اجتماعی کمک می‌کند: هر کسی که بار تاریخ را بپذیرد به اجتماع تعلق دارد؛ هر کس دیگر یک خارجی تلقی می‌شود (ایروین ـ زارکا، ۱۹۹۴).» (گیبل[2]، ۲۰۱۳: ۲۵۱) رجوع به گذشته صرفا عامل مشروعیت بیشتر قدرتمندان و ضعف و سرکوب بی‌قدرت‌ها نیست بلکه برای افراد و گروه‌های اجتماعی بی‌قدرت نیز یکی از مهم‌ترین منابع کسب قدرت و بیان ادعاهای‌شان است. «حافظه اجتماعی صرفا یک معیار مفید برای هویت اجتماع و نگرش‌های افراد بیرونی نیست بلکه همچنین منبع بالقوه قدرت، مقاومت و باز خلق هویت برای خود اجتماع است.»(تلانتیر، ۲۰۰۱: ۱۹۹) حافظه از خلال پویایی، باز بودن و ابهامش امکان تفاسیر متعدد را فراهم می‌کند؛ در نتیجه آن تفسیری که قدرت ارائه می‌دهد، می‌تواند به

[1] Steve Hedley Clark
[2] Ines Gabel

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

چالش کشیده شود و بازتفسیر گردد. «حافظه، انعکاس‌دهنده و تقویت‌کننده‌ی قدرت غالب است، اما وابستگی‌اش به تفسیر، و شخصیت الزاماً مبهمش، به فرد و گروه سرکوب‌شده، این قدرت را می‌دهد که پیام مورد نظر را رد یا از نو تفسیر کنند. به قول میشل فوکو، چنین به نظر می‌رسد که «هر جا قدرت هست، مقاومت نیز هست» (۱۹۸۰: ۱۳۵)، مقاومتی که هم ویژگی‌های خودش و هم قدرت فرد در شکل‌گیری و پذیرش آن مقاومت، سبب تسهیلش می‌شود.» (رایان: ۲۰۱۰: ۱۶۵)

ساخت هویت ملی به عنوان فراگیرترین هویت مشترک در سطح یک سرزمین برای دولت‌های مدرن یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها بوده است و به همین علت تاریخ در دوران مدرن حول ساخت هویت ملی ساختار یافته است. تاریخ ملی برای ملت، وحدت کاذبی را ایجاد می‌کند. «حافظه ملی گسترده‌ترین و مورد مناقشه‌ترین شکل حافظه اجتماعی است. رتوریک سیاسی هویت ملی به گذشته به عنوان یک مشروعیت دهنده و منبع آرمان‌ها، موفقیت، شخصیت و مرزهای «ملت» بستگی دارد. این حافظه ممکن است خودجوش یا دست‌کاری شده، رو به مخاطب درونی یا بیرونی و مملو از تقسیمات درونی و تضادها باشد.» (تلانتیر، ۲۰۰۱: ۲۰۰) در مقابل هویت ملی هویت‌های دیگری همواره وجود داشته‌اند که به حاشیه رانده شده‌اند و از خلال برساخت حافظه و هویت بدیل تلاش در جهت ورود به صحنه و جلوگیری از حذف‌شان را دارند.

۲-۳-۲ هویت ملی

هویت ملی در عصر مدرن یکی از مهم‌ترین هویت‌های مسلط در نقاط مختلف دنیا و منبع چالش‌ها و مسائل بسیار بوده است. در بخش‌های پیشین به ارتباط میان هویت ملی با گذشته جوامع و نیز با دیگر هویت‌های درون یک جامعه پرداختیم. در این بخش به مهم‌ترین نظریات مطرح شده در خصوص هویت ملی و چگونگی شکل‌گیری آن می‌پردازیم. سه نظریه‌پرداز اصلی این بحث آنتونی اسمیت، ارنست رنان و بندیکت اندرسن هستند که به اختصار به بررسی نظریات‌شان و تمایزهای‌شان با یکدیگر می‌پردازیم.

۱-۲-۳-۲ـ آنتونی اسمیت: نظریه‌ای فرهنگی

آنتونی اسمیت[۱] از جمله مشهورترین نظریه‌پردازان در خصوص «هویت ملی» است. نظریه او به نظریه فرهنگی در خصوص هویت ملی شهرت دارد. آنچه موجب شده است نظریه او را فرهنگی بنامند، آن است که بر اهمیت اسطوره‌های اجدادی، حافظه‌های تاریخی مشترک و فرهنگ عمومی مشترک تکیه می‌کند. اسمیت این موارد را

[۱] Anthony D. Smith

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جزئی از اجتماعات قومی پیشامدرن می‌داند که هسته اصلی شکل‌گیری ملت‌های جدید هستند و معتقد است که بدون آنها یک ملت نمی‌تواند دوام بیاورد. همچنین او علت قدمت ملت‌های مدرن را در عامل دیگری نیز می‌داند که هم «مکان» است. در وهله‌ی اول، ملت، یک مفهوم عمدتاً فضامند[۱] یا معطوف به قلمرو[۲] است. طبق این دیدگاه، ملت‌ها باید صاحب قلمروهایی فشرده و تعریف‌شده باشند. مردم و قلمرو باید به یکدیگر تعلق داشته باشند. ... اما زمین مورد بحث، نمی‌تواند هیچ‌جایی باشد، چرا که پهنه‌ای از سرزمین[۳] نیست. این زمین، به‌واقع، باید سرزمینی «تاریخی»، «سرزمین مادری»[۴] و «مهد» مردمان باشد. ... «سرزمین تاریخی» جایی است که قلمرو و مردم، طی نسل‌های متمادی، تأثیری متقابل و سودمند بر آن گذاشته باشند. سرزمین مادری، تبدیل به منبع تداعی‌ها[۵] و حافظه-های تاریخی می‌شود، و مکانی است که حکما، قدیسان و قهرمانان ما در آن می‌زیسته‌اند، کار می‌کرده‌اند، به عبادت می‌پرداخته‌اند، و می‌جنگیده‌اند.» (اسمیت، ۱۹۹۱: ۹)

اسمیت ملت را این‌گونه تعریف می‌کند: «جمعیت مشخصی از انسان‌ها که قلمرو تاریخی مشترک، اسطوره‌ها و حافظه‌های تاریخی مشترک، فرهنگ توده و عمومی، اقتصاد مشترک، و حقوق و تعهدات قانونی مشترکی برای همه‌ی اعضا دارد.» (همان: ۱۳-۱۴) وی بدین ترتیب عناصر تشکیل دهنده یک ملت را به قرار زیر فهرست می‌کند:

«۱. قلمرو تاریخی یا سرزمین مادری؛

۲. اسطوره‌ها و حافظه های تاریخی مشترک؛

۳. فرهنگ توده و عمومیِ مشترک؛

۴. حقوق و وظایف مشترک برای همه‌ی اعضا؛ و

۵. اقتصادی مشترک با امکان حرکت و جابجایی اعضا در قلمرو.» (همان)

او میان دو مدل هویت ملی تمایز قائل می‌شود: مدل غربی و مدل غیرغربی. در مدل غربی هویت ملی، ملت‌ها به مثابه اجتماعاتی فرهنگی تلقی می‌شوند که اعضای‌شان به‌خاطر اسطوره‌ها، نمادها، سنت‌ها و حافظه ها تاریخی مشترک‌شان (اگر نه همگن، حداقل) با هم متحد هستند. «قلمرو تاریخی، اجتماع قانونی-سیاسی، برابری قانونی-

[۱] spatial
[۲] territorial
[۳] land
[۴] homeland
[۵] associations

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سیاسی اعضا، و ایدئولوژی و فرهنگ مدنیِ مشترک، مولفه‌های مدل استاندارد غربی ملت هستند. ... می‌توان مدل غیرغربی را یک برداشت «قومی»[1] از ملت دانست. وجه تمایز این مدل غیرغربی، تأکیدش بر فرهنگ بومی و اجتماع محل تولد[2] است. مفهوم غربی بیان می‌دارد که هر فرد باید متعلق به یک ملت باشد اما خودش می‌تواند انتخاب کند که به کدام ملت تعلق داشته باشد، اما مفهوم غیرغربی یا قومی، اجازه چنین انتخابی را نمی‌دهد. شما خواه در اجتماع خودتان بمانید و خواه به اجتماع دیگری مهاجرت کنید، ناگزیر و به صورت ارگانیک، عضوی از اجتماع محل تولد خود است و تا ابد، مهر آن بر پیشانی‌اش خواهد ماند. به بیان دیگر، ملت، در درجه اول و از همه مهم‌تر، اجتماعی است که اجداد مشترکی دارند. ... به همین نحو، جایگاهی که قانون در مدل مدنی غربی دارد، در مدل قومی، آن جایگاه را فرهنگ بومی، و عموماً زبان‌ها و رسم و رسومات می‌گیرند. ... تبارشناسی[3] و پیوندهای نژادی[4] مفروض، بسیج عمومی، زبان‌های بومی، رسم‌ها و سنت‌ها: این‌ها عناصر برداشت قومی و بدیل از ملت هستند، برداشتی که نشان‌دهنده مسیر کاملاً متفاوت «شکل‌گیری ملت»[5] در بسیاری از جوامع آسیا و اروپای شرقی است و زمینه‌ساز چالش سیاسی پویایی بوده است.... (همان: ۱۱-۱۲)

با وجود اینکه ملی‌گرایان و محققان قدیمی معتقدند که ملت‌ها همیشه وجود داشته‌اند و پرسش در مورد خاستگاه آنها معنا ندارد ولی اسمیت تأکید دارد که باید از خاستگاه ملت‌ها پرسید و در ضمن استدلال می‌کند که چرا تأکید بر وجود خاستگاهی قومی برای ملت‌ها بسیار مهم و ارزشمند است. او دلایل زیر را در اثر خود «هویت ملی»، آورده است:

«اول، از منظر تاریخی، ملت‌های اولیه (همان‌طور که در ادامه خواهیم دید) بر مبنای هسته‌های قومیِ پیشامدرن شکل گرفته‌اند؛ و پس از قدرت گرفتن و تاثیرگذاری فرهنگی، الگوهایی برای نمونه‌های بعدی شکل‌گیری ملت‌ها در بسیاری از نقاط جهان شده‌اند. دوم، مدل قومی ملت، روز به روز پرطرفدارتر و شایع‌تر می‌شود و دلیل این امر، فقط آن چیزی که در ابتدا ذکر کردم نیست بل بدان دلیل است که مدل قومی، مبتنی بر اجتماع پیشامدرن «مردمی»[6] است که در بسیاری از بخش‌های جهان توانسته تا دوران مدرن به بقای خود ادامه دهد؛ به بیان دیگر، مدل قومی،

[1] 'ethnic' conception
[2] community of birth
[3] genealogy
[4] descent ties
[5] nation-formation
[6] pre-modern 'demotic' kind of community

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

از منظر جامعه‌شناختی، مدلی زایا و بارور[1] بوده است. سوم، حتا در مواردی که «اجتماع در حال ملت‌شدن»[2]، به خود می‌بالیده که هیچ خاستگاه قومی مهمی ندارد، و هیچ پیوند قومی‌ای برای آن ملت برساخته نشده، باز هم نیاز داشته که مولفه‌هایی فرهنگی داشته باشد تا بتواند آن‌ها را دستمایه اسطوره‌شناسی و نمادگرایی اجتماع صاحب تاریخ و فرهنگ خود کند و از آن‌ها در همه‌جا به عنوان شرط وحدت و بقای ملی خود استفاده نماید. بدون این عقبه قومی، آن «اجتماع در حال ملت‌شدن» می‌تواند به راحتی تکه‌تکه شود.» (همان: ۴۱-۴۲)

در نقد رویکردهایی که ملت‌ها را حاصل دوران جدید و ابداع دولت‌های ملی و ملی‌گرایی می‌دانند، اسمیت می‌گوید که ملت‌های غربی اغلب حاصل یک تصادف بوده‌اند و پیش از شکل‌گیری ملی‌گرایی ایجاد شده بودند. ملی‌گرایی ایدئولوژی‌ای است که در قرن نوزدهم در اروپا ابداع شد. در واقع این ملی‌گرایی نبود که ملت‌های غربی را ساخت بلکه پس از شکل‌گیری آنها برای حفظ وحدت و هویت ملی و نیز برای ابداع ملت‌هایی که وجود نداشتند در دیگر نقاط دنیا به وجود آمد. «ملی‌گرایی، یک جنبش ایدئولوژیک برای تحقق و حفظ خودمختاری، وحدت و هویت یک ملت است. ... در واقع، ملی‌گرایی به خلق ملت‌هایی کمک می‌کند که بسیاری از آن‌ها «جدید» هستند. ... در دنیای بیرون از غرب، شکل‌گیری ملت‌ها به تبعِ ادغام ملی‌گرایی در مناطق مربوطه صورت گرفت. در خارج از جهان غرب، ملت‌ها عمدتاً حاصل اهداف و جنبش‌های ملی‌گرایانه بودند. غرب تقریباً به صورت تصادفی به ملت‌های خود دست یافته بود؛ اما در دیگر بخش‌های جهان، ملت‌ها با طرح قبلی ایجاد شدند. (همان: ۷۱ و ۷۴ و ۱۰۰) او در نهایت از ملی‌گرایی همچون مذهب جایگزینی سخن می‌گوید که احساس بیهودگی و عبثی ناشی از جدا شدن ناشی از مرگ را از خلال پیوندهای غیرقابل شکستن در زنجیره حافظه ها و هویت ها از بین می برد. (اولیک و رابینز، ۱۹۹۸)

۲-۲-۳-۲ـ ارنست رنان[3]: روح مشترک

رنان نظریه‌اش را در نقد نظریه آنتونی اسمیت و در مقابل آن مطرح می‌کند. وی معتقدست که «ملاحظات قوم-نگارانه هیچ نقشی در تشکیل دولت‌های مدرن نداشته‌اند. ... وابسته کردن سیاست به تحیل‌های قوم‌نگارانه، سپردن خود به دست اوهام و خیالات است.» (رنان در هومی بابا، ۲۰۰۰: ۱۴)

[1] sociologically fertile
[2] nation-to-be
[3] Ernest Renan

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

رنان ملت را زاییده هیچ اصل دودمانی و قومی، مذهب، نژاد یا زبانی نمی‌داند؛ او همچنین می‌گوید که منافع مشترک و حتی سرزمین هم برای ساخت یک ملت کافی نیستند. «هر اجتماع با منافع مشترک، یقیناً پیوندی قوی بین افرادش دارد. اما آیا منافع، برای ساختن یک ملت کافی است؟ من که چنین فکر نمی‌کنم. اجتماع برخوردار از منافع مشترک، می‌تواند توافق‌نامه‌های تجاری متعددی داشته باشد، اما ملیت، جنبه‌ای احساسی نیز دارد. ملیت، هم روح و هم پیکر را یکجا درگیر می‌سازد. ... جغرافیا، یا همان چیزی که به عنوان مرزهای طبیعی شناخته می‌شود، بی‌شک نقش مهمی در تقسیم‌بندی ملت‌ها بازی می‌کند. جغرافی، یکی از عوامل حیاتی در تاریخ است. .. نقشی که خاک در ساختن یک ملت دارد، بیش از نقش نژاد نیست. خاک، بستر و میدانی را برای تلاش و برای کار بشر پرورش می‌دهد، و بشر، روح را می‌پرورد. بشر، در شکل‌گیری این چیز مقدس، همان چیزی است که نامش را «مردم» می‌نهیم. هیچ چیز مادی‌ای برای ساختن آن چیز کفایت نمی‌کند. ملت، یک اصل معنوی است، برون‌داد پیچیدگی‌های عمیق تاریخ است. آن‌چه زمین تعیین می‌کند، یک خانواده‌ی معنوی است و نه یک گروه. (همان: ۱۸)

رنان ملت را یک اصل معنوی می‌داند؛ آن را دارای روح معرفی می‌کند. «دو چیز (که در حقیقت، یک چیز واحدند) این روح و اصل معنوی را شکل می‌دهند. یکی از این دو چیز در گذشته قرار دارد و دیگری در زمان حال. یکی، داشتن میراثی غنی از حافظه‌های مشترک است، و دیگری داشتن رضایت در زمان حال، یعنی میل به زندگی کردن با هم، و اراده‌ای برای ابدی ساختن ارزش میراثی که به صورت انفرادی به همه رسیده است. انسان آناً ساخته نمی‌شود. ملت نیز مانند هر فرد، حاصل گذشته‌ای طولانی از تلاش‌ها، ایثارها و تعلقات است.» (همان: ۱۹)

ملت‌ها بر یک اساس مشترک مربوط به زمان گذشته یا زمان آینده استوارند. در واقع یک دغدغه مشترک نیاز است، تا بتواند پیوندی مستحکم میان اعضای یک ملت برقرار کند. رنان می‌گوید که این دغدغه مشترک می‌تواند دردی مشترک، لذت مشترک یا آرزوهای مشترک باشد. «از «دردکشیدن‌های مشترک» سخن گفتم؛ این را نیز بگویم که درد کشیدن‌های مشترک، بیش از لذت‌های مشترک سبب اتحاد می‌شود. وقتی پای حافظه‌های ملی در میان باشد، اندوه‌ها ارزشی بیش از پیروزی‌ها دارند، زیرا اندوه‌ها تکالیفی بر دوش افراد می‌گذارند و نیازمند تلاشی مشترک‌اند. بنابراین، ملت، یک همبستگی در مقیاسی وسیع است که از احساس ایثارهایی که افراد در گذشته انجام داده‌اند و باید در آینده انجام دهند شکل می‌گیرد. ملت، یک گذشته را پیش‌فرض می‌گیرد، اما بر پایه‌ی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

واقعیتی ملموس، یعنی رضایتمندی (که بیانگر میل به تداوم زندگی مشترک است) در زمان حال خلاصه می‌شود. وجود یک ملت، به زبان استعاره، یک همه‌پرسی هرروزه[1] است زیرا وجود هر یک فرد، تاییدی همیشگی بر حیات آن ملت است. وجود ملت، بیش از آن‌که حقی الهی[2] باشد، حقی فراطبیعی[3] است، و بیش از آن‌که حقی (به‌اصطلاح) تاریخی باشد، حقی غریزی[4] است.» (همان)

این اندیشمند تأکید ویژه‌ای بر حافظه جمعی در خصوص ایجاد هویت ملی دارد و همان‌طور که ذکر شد آن را یکی از دو عنصر اصلی شکل‌گیری هویت ملی می‌داند. در این زمینه او بر قرن نوزدهم تکیه می‌کند تا نشان دهد چطور هویت‌های ملی با ترکیبی از یادآوری و فراموشی با تأکید بر فراموشی ایجاد می‌شوند؛ اعضای یک ملت فراموش می‌کنند که اجتناب ناپذیر نیستند و شکاف‌های داخلی‌شان به اندازه مرزهای بیرونی‌شان اهمیت دارد.(اولیک و رابینز، ۱۹۹۸)

۳-۲-۳-۲ـ بندیکت اندرسن[5]: جماعت تصوری

اندرسن رویکردی متفاوت نسبت به اسمیت و رنان در خصوص چگونگی شکل‌گیری هویت ملی ارائه می‌دهد. او ملت را نه حاصل یک اجتماع قومی پیشامدرن با عناصر فرهنگی و حافظه‌ای مشترک و نه نتیجه وجود یک دغدغه مشترک در گذشته یا آینده می‌داند. اسمیت و رنان قرار گرفتن اعضای یک ملت در کنار یکدیگر در درون مرزهای یک سرزمین و شناخت آنها از خود به عنوان اعضای یک ملت، را حاصل روندی طبیعی می‌شناسند اما ملت در نظر اندرسن پدیده‌ای برساختی است. همچنین ملت به نظر او پدیده‌ای مربوط به عصر مدرن است و ارتباطی با دوران پیشامدرن ندارد و تفکری که ملت را مرتبط با اجتماعات پیشین می‌داند، از نظر اندرسن خود حاصل شرایط جدید و شکل‌گیری ملت‌هاست.

بندیکت اندرسن ملت را «جماعت تصوری» می‌نامد و آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «ملت یک جماعت سیاسی تصوری است؛ تصوری هم به دلیل محدودیت و حد و مرزهای ذاتی‌اش و هم به دلیل بی‌چون و چرایی و قدرت مطلقی که به آن ربط داده می‌شود.» (اندرسن، ۱۳۹۳ :۳۴) برای تصوری بودن ملت اندرسن سه دلیل می‌آورد که عبارتند از:

---
[1] daily plebiscite
[2] divine right
[3] metaphysical
[4] brutal
[5] Benedict Anderson

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱ـ در تمامی جماعت‌هایی که از یک روستا بزرگ‌تر باشند، امکان شناخت رو در روی افراد وجود ندارد و در نتیجه اعضای جماعت‌هایی مانند یک ملت صرفا تصور می‌کنند که با یکدیگر آشنایی و اشتراک دارند.

۲ـ ملت به عنوان دارنده حق حاکمیت و خودفرمانی از آن رو تصوری است که این مفهوم زمانی ایجاد شد که جنبش روشنگری و انقلاب فرانسه مشروعیت نظام پادشاهی و حاکمیت دین را از بین بردند و در نتیجه اعضای ملت آزاد شدند و امکان داشتن دولت مستقل با حاکمیت خودمختار را پیدا کردند.

۳ـ همچنین ملت یک جماعت تصوری است زیرا ارتباط میان اعضای خود را ارتباطی افقی میان افراد همگون می داند در حالی که انواع نابرابری‌ها و استثمارها را نادیده می‌گیرد.

برای کشورهای گوناگون و مناطق مختلف جهان اندرسن راه‌های متفاوتی را در شکل‌گیری ملت برمی‌شمارد. در واقع او از دلایلی صحبت می‌کند که موجب شده است اعضای یک جامعه خود را به عنوان کسانی که با یکدیگر آشنا و دارای اشتراک هستند، در نظر بگیرند. برای مثال در برخی جوامع زبان عامل شکل‌گیری چنین آگاهی‌ای بوده است و در برخی کشورهای مستعمره، سفر افراد از کشور مستعمره به کشور استعمارگر و درک تفاوت خود با آنها را سرمنشأ ایجاد این آگاهی معرفی می‌کند. شکل‌گیری چاپ و سواد مربوط به آن از جمله مواردی است که در بسیاری جوامع به ایجاد چنین احساسی کمک کرد. روزنامه و رمان‌ها فرهنگ مشترکی را میان مردمی ایجاد می‌کردند که ممکن بود هرگز یکدیگر را نبینند.

اندرسن از دو نوع ملیت‌خواهی در اثرش «جماعت تصوری»، نام می‌برد: «اولی ملیت‌خواهی رسمی که در واقع توسط حکومت‌ها برای دست‌یابی به منافع‌شان شکل می‌گیرد و دومی ملیت‌خواهی توده‌ای و مردمی و خودجوش که مردم به آن شکل می‌دهند. «ملیت‌خواهی معاصر وارث دو سده تغییرات تاریخی است. همان‌گونه که ذکر شده است، «ملیت‌خواهی رسمی» از همان آغاز، سیاستی آگاهانه در جهت حفاظت از خود به حساب می‌آمد که عمیقا با صیانت از منافع مربوط به امپراتوری یا پادشاهی در ارتباط بوده است. ... یکی از وجوه پایدار این نوع ملیت‌خواهی، رسمی بودن آن بود. یعنی چیزی که از دولت نشأت می‌گیرد و قبل از هر چیزی در خدمت منافع دولتی است. بنابر الگو و نمونه فوق، ملیت‌خواهی رسمی بیش از هر چیزی خود را برای لحظه‌ای مناسب می‌بیند که انقلابیون با موفقیت، دولت را به دست می‌گیرند و اولین بار در موقعیتی قرار دارند که می‌توانند از قدرت دولتی برای پیگیری ذهنیات خود استفاده کنند.» (همان: ۲۸۰)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیداوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

حکومت‌های انقلابی به دلیل آنکه نیازمند ایجاد یک هویت ملی مشخص و مبتنی بر محوریت خود هستند، تلاش می‌کنند چنین هویتی را در کمترین زمان ممکن ایجاد کنند. هرج و مرج ناشی از انقلاب و شکاف‌هایی که در درون جامعه بر اثر آن شکل می‌گیرد برای استقرار حاکمیت آنها یک خطر بالقوه محسوب می‌شود. با وجود آنکه انقلاب‌ها ادعای ایجاد نظم جدیدی را دارند، اما به وجود هویت ملی‌ای که پیش از انقلاب وجود داشته است، نیاز دارند؛ «ملیت‌خواهی رسمی» به طور بسیار نامحسوس وارد شیوه‌های رهبری دوران پساانقلابی می‌شود یعنی چنین رهبری‌ها و مدیریت‌های انقلابی در وضعیتی قرار می‌گیرند که ملیت‌خواهی مفروض و مورد قبول پادشاهان و سلسله‌های قبل از انقلاب را به آسانی پذیرا می‌شوند. ... هر اندازه که عناصر دولت پادشاهی قدیمی بیشتر در خدمت شرایط جدید قرار گیرند، به همان اندازه جامه پر زرق و برق عهد قدیم به تن انقلابیون بهتر درمی‌آید. (همان)

به نظر اندرسن عامل تسری یافتن ایجاد هویت ملی به دیگر جوامع از اواخر قرن هجدهم، وجود اشکال بسیار متنوع و گوناگون شکل‌گیری ملت‌ها بوده است که الگوهای متفاوت و متعددی را در اختیار دیگر جوامع قرار داده است.

۳-۳-۲ هویت ایرانی در نگاه اندیشمندان معاصر

قرار گرفتن در محل تقاطع حرکت‌ها و رقابت‌ها از ایران سرزمینی ساخته است با تنوعی از فرهنگ‌ها و هویت‌ها؛ هویت‌های گوناگونی که از خلال سیر زمان یا حضور در مکان‌های مختلف شکل گرفته‌اند. زیستن هویت‌های مختلف در کنار یکدیگر به خودی خود یک مسأله نیست اما از آن‌جایی مسأله آفرین می‌شود که میان آنها تعارض‌ها یا تضادهایی بروز می‌کند. چنین شرایطی رویدادهایی را رقم می‌زند که بر همبستگی اعضای جامعه تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به گسستگی میان بخش‌های گوناگون جامعه از یک سو و میان این بخش‌ها با حکومت از سوی دیگر بینجامد.

چالش‌های هویتی ایرانیان از قرن‌ها پیش و بر اثر ارتباط آنها با سرزمین‌های همسایه آغاز شد. اغلب اندیشمندان ورود اسلام به ایران را که با حضور اعراب همراه بود از جمله اولین و مهم‌ترین عوامل شکل دهنده به بخشی از چالش‌های ذکر شده می‌دانند. تفاسیر گوناگونی در مورد ارتباط هویت دینی شکل گرفته در جامعه پس از این رویداد با هویت ملی ایرانیان توسط متفکران معاصر مطرح شده است. هویت ناشی از ارتباط با دنیای مدرن که

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بر پیچیدگی روابط میان هویت‌های موجود در جامعه ایران افزود، از نظر برخی از نظریه‌پردازان این حوزه دور نمانده است و در نظریات‌شان بر اهمیت این تحول فرهنگی تأکید کرده‌اند.

۱-۳-۳-۲ـ علی شریعتی: بازگشت به خویشتن و کدام خویشتن؟

بحث از تضاد و ناسازگاری میان دو هویت ملی و دینی و یا سازگاری و همراهی آنها از جمله پردامنه‌ترین مباحث در مورد هویت جامعه ایرانی است. اندیشمندان معاصر چه در ایران و چه در دیگر کشورهای خاورمیانه تحت تأثیر رویدادها و تحولات قرن اخیر و به ویژه ارتباط با جوامع مدرن به بحث‌های مفصلی در این زمینه پرداخته‌اند.

علی شریعتی در کتاب «بازشناسی هویت ایرانی ـ اسلامی» از هویت ایرانی‌ای سخن می‌گوید که در آن هویت ملی و هویت دینی در یکدیگر ممزوج شده‌اند و تفکیک آنها از یکدیگر کاری ناممکن است.کسانی که از هویت ایرانی خالص دفاع می‌کردند، تلاش‌شان زدودن اسلام و عناصر هویتی آن از هویت ملی ایرانیان بود و اسلام را عامل همه ضعف‌ها، عقب ماندگی‌ها و مشکلات ایرانیان در دنیای معاصر تلقی می‌کردند،اسلام را عنصری عربی می‌دانستند. در مواجهه با چنین رویکردی شریعتی نظریه‌ای را مطرح می‌کند بدین مضمون که ایرانیان در همان دو قرن ابتدایی ورود اسلام به ایران میان اسلام و عنصر عرب تمایز قائل شدند و این دو را از یکدیگر جدا کردند. اعراب با تکیه بر اسلام بر مردم ایران مسلط شدند و آنها را مورد تحقیر و سرکوب و هجوم خود قرار دادند. «بنابراین جدا کردن اسلام از عرب یعنی جدا کردن عرب از برنده‌ترین اسلحه‌ای که در دست دارد، یعنی جدا کردن از ایدئولوژی و ایمان بسیار نیرومند پیشرفت کننده‌اش. ... ایران در برابر عرب می‌ایستد و بزرگ‌ترین پیروزی که رهبران ایرانی به دست آورده‌اند، جدا کردن عنصر عرب (از لحاظ نژادی) از عنصر اسلام (از لحاظ اعتقادی) است.» (شریعتی، ۱۳۸۸: ۸۰ و ۸۱ و ۸۲) نژادپرستی اعراب، برتری دادن به عرب در برابر عجم و تلاش در جهت سلطه یافتن بر جامعه ایرانی به نام اسلام و در جهت منافع خود موجب مخالفت ایرانیان با خلفای اموی و پس از آن خلفای عباسی شد و به نهضت‌های بزرگ ایرانی انجامید.

اعراب حکومت‌های محلی را در نقاط مختلف ایران از بین می‌برند و همین امر به مقاومت و مبارزه روسای خانواده‌های محلی و اشراف در برابر مهاجمان انجامید و توده مردم هم بر طبق سنت خود به رهبران محلی خود پیوستند. در نقطه مقابل نیز اشراف عرب و تودهای پیروشان به میدان آمده بودند. این مبارزه بعد از مدتی با سازش رهبران اشرافیت ایرانی با خلیفه پایان یافت اما توده که سرخورده شده بودند جنگ خود را به نام تشیع، اسماعیلیه و .... ادامه داد. بدین ترتیب توده شکست خورده « شعار اسلام منهای عرب را در بهترین مکتبی که

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌جستند (تشیع) پیدا کردند. تشیع اسلامی است که ضد [تسلط] عرب است.» (همان: ۸۶) بدین ترتیب تشیع حاصل تلاقی اسلام با جامعه ایرانی و جزئی از فرهنگ ایرانی تلقی می‌گردد و در رویکرد شریعتی هویت دینی (اسلامی و به ویژه بخش شیعی آن) عنصری بیگانه با جامعه و فرهنگ ایرانی نیست. رویکرد ایرانیان در مواجهه با ورود اسلام رویکردی منفعل و صرفا پذیرنده نبود بلکه در برخوردی فعالانه به داد و ستد فرهنگی با آن پرداختند و آن را بخشی از فرهنگ خود کردند.

برخلاف رویکردهایی که با حضور ملیت‌ها و ملی‌گرایی مخالفند، شریعتی با درک خاصی که از ملیت دارد آن را مقوم رابطه مثبت میان ملل گوناگون و شناخت آنها از یکدیگر می‌داند. «شخصیت فرهنگی ـ که از آن به ملیت تعبیر می‌کنیم ـ مجموعه خصائلی است که در طول یک تاریخ مشترک، به گروهی از انسان‌ها، روح واحد و روحیه‌ای مشترک و وجدان جمعی مشخصی بخشیده است و از مجموعه افراد یک گروه، یک خود ساخته، بدان‌گونه که آنان یک واقعیت اجتماعی و احساس مشترک جمعی که از آن به ما (Le nous) تعبیر می‌شود در خود می‌یابند و آن را در برابر دیگری (L’autrui) می‌یابند و این یک اختلاف طبیعی و یک واقعیت اجتماعی در زندگی انسان‌ها است.» (همان: ۱۶۷)

در مورد رابطه میان ملیت و مذهب شریعتی از تعبیر رابطه میان شخصیت و عقیده سخن می‌گوید. «به طور کلی مذهب عقیده است و عواطف و اعمالی خاص که این عقیده را ایجاب می‌کند. اما ملیت شخصیت است و خصائص ممتازی که روح مشترک افرادی از انسان‌های هم سرنوشت را ایجاد می‌نماید.» (همان: ۱۹۰) ملیت و مذهب در رابطه با یکدیگر بر هم اثر گذاشته و از همدیگر تأثیر می‌پذیرند، «می‌بینیم که چگونه مذهب خود فرهنگ می‌زاید و چگونه خود به فرهنگ مبدل می‌شود و در این جاست که ملیت و مذهب چنان به هم عجین می‌شوند که جداسازی‌شان کاری است نه تنها غیرممکن، بلکه غیرمتصور. ... در تاریخ پس از اسلام، طی چهارده قرن همراهی تاریخی ایران و اسلام، فرهنگی غنی و گسترده پدید آمده است که در آن، هیچ‌یک را نمی‌توان از دیگری بازشناخت.» (همان: ۱۹۳)

اسلام در مورد رابطه میان ملت‌ها از اصل تسویه (برابری نژادی) در برابر اصل تفضیل (برتری نژادی) دفاع می‌کند. شریعتی تفضیل را ساخته دستگاه خلافت اموی می‌داند و تاریخ اسلام را نشان از مبارزه مسلمانان راستین در برابر امپریالیسم عرب قلمداد می‌نماید. اسلام وجود ملیت‌ها به عنوان واقعیت‌های مسلم طبیعی را می‌پذیرد همان‌طور که در قرآن هم آمده است: *یا ایها الناس، انا خلقناکم من ذکر و انثی، و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا، ان*

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اکرمکم عندالله اتقیکم. از آیه ذکر شده شریعتی به رویکرد اسلام در مورد رابطه ملت‌ها می‌رسد که همانا شناخت متقابل یکدیگر است. وی از آن به رابطه‌ای دیالکتیکی تعبیر می‌نماید بدین معنا که تنها در مواجهه با دیگری است که یک ملت می‌تواند حضور خود را درک کند و ویژگی‌هایش را متبلور نموده و بشناسد. این‌گونه است که ملیت ایران زمانی شکوفا می‌شود و به خود آگاهی می‌یابد که در مقابل خلافت عربی قرار می‌گیرد که به انکارش پرداخته است.

در یک تقسیم‌بندی تاریخی شریعتی تاریخ ایران را از ورود اسلام تاکنون به ۵ دوره تقسیم می‌کند:

۱ـ دوره فترت: دوران پس از حمله عرب است که کشور درگیر جنگ‌های سیاسی و نظامی است و یک آشوب فرهنگی حاکم است زیرا هنوز فرهنگ قبلی جای خود را به فرهنگ جدید نداده است.

۲ـ دوره ناسیونالیسم: «این دوره اولین دوره شکل گرفتن قوم ایرانی است؛ دوره‌ای است که تیپ تازه به وجود آمده. این تیپ تازه ایرانی مسلمان است ... یکی از وجوه مشخص این دوره احساس روح ناسیونالیستی ایران و ملیت ایرانی است که نه تنها از دوره پیش و دوره‌های بعدی بیشتر است بلکه از دوره قبل از اسلام نیز بیشتر است، زیرا ملیت ایرانی بیدار شده است و ملیت وقتی بیدار می‌شود که مورد حمله قرار گیرد.»

۳ـ دوره حکومت بیگانه: دوره‌ای است که با هجوم ترکان و حکومت آنان مشخص می‌شود و تا دوران صفویه ادامه دارد.

۴ـ دوره ناسیونالیسم: این دوره دوران حکومت صفویه است که در آن نهضت ملی تشیع شکل می‌گیرد. از آن جهت این نهضت ملی ـ مذهبی قلمداد می‌شود که در آن به هر دو عنصر ملیت ایرانی و مذهب تشیع توجه شده است و یکی به خاطر دیگری کنار گذاشته نمی‌شود. البته شریعتی معتقد است که نهضت شیعی ایرانی که رنگ صوفیانه دارد پیش از صفویه شکل گرفته و همین نهضت عامل پیروزی صفویان است و نه حضور صفویان عامل شکل‌گیری نهضت شیعی ایرانی.

۵ـ دوره جدید: دوره جدید دورانی است که در آن آثاری از تغییر دوران پدیدار می‌شود برای مثال بانک‌ها، چاپخانه‌ها، دانشگاه و دبیرستان ایجاد می‌شوند. «دوره‌ای که ما هستیم آغاز دوره جدید با روحیه اروپایی و از بین رفتن تشیع و ملیت است که در نهایت انحطاط است. قرون جدید در حال توسعه است.» (همان: ۱۰۸)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در دوران جدید تفکر اومانیستی اروپایی ملل دیگر را از آنچه خود هستند تهی کرده است و آنها را به الیناسیون فرهنگی دچار نموده است. هر ملتی به جای گسستن از تاریخ و فرهنگش و تبدیل شدن به شبحی از انسان آنطور که اومانیسم می‌خواهد باید به فرهنگ و ویژگی‌های وجودی خودش برگردد و از الینه شدن فرهنگی رهایی یابد. «بدین معنی است که دعوت به بازگشت به خویشتن بازگشت از اصالت انسان یا اومانیسم به بومی‌گری قومی و خودپرستی تنگ نظرانه و متعصبانه نژادی نیست بلکه صعود از از خودبیگانگی فرهنگی و بی‌معنایی وجودی و بی‌شخصیتی تاریخی است به مرحله متعالی خودزائی و خودآگاهی انسانی و در نهایت تحقق راستین اصالت انسان، سرمنزلی که نه با اسارت ملت‌ها که کار امپریالیسم و اسعتمار است و نه با محو ملیت‌ها که دست‌آورد انترناسیونالیسم مذهبی و طبقاتی است بلکه با شرکت فعال ملت‌های آزاد و خودآگاه و اصیل بر اساس تساوی و تعارف می‌توان بدان رسید.» (همان: ۱۷۲) ایرانیان از نظر شریعتی همواره در طول تاریخ خود با دوره‌های از خود بیگانگی مواجه بوده‌اند که حاصل ارتباط ایران با دیگر جوامع بوده است. این دوره‌ها با ظهور نهضت‌های آگاهی بخش پایان یافته و ایرانیان به خویش بازگشته‌اند.

۲-۳-۳-۲- عبدالکریم سروش: هویت‌های سه‌گانه

عبدالکریم سروش در کتاب «رازدانی، روشنفکری و دینداری» در نقد نظریه «بازگشت به خویش» علی شریعتی، از هویتی سخن می‌گوید که امری ثابت نیست و همواره در تغییر و حرکت است. سروش هویت‌ها را پدیده‌هایی کاملا سیال معرفی می‌کند که دائم در حال باز ساخته شدن هستند. او از این نقطه عزیمت به سوی مخالفت با اندیشه شریعتی در مورد «بازگشت به خویشتن» حرکت می‌کند. «مستحیل شدن در فرهنگ بیگانه یا تشبه به آن، و به رنگ قوم دیگر درآمدن و جامه فرهنگ دیگران را پوشیدن و به فرهنگ پیشین خود پشت کردن، ظاهرا دردی است که «بازگشت به خویش» می‌خواهد دوای آن باشد و باید پرسید مگر آموختن از دیگران، مطلقا قبیح یا بازگشت به گذشته مطلقا ممکن است؟ و مگر هر روآوردنی به غیر، ستاننده هویت و هر بازگشتی به گذشته، فراهم آورنده شخصیت است؟ مگر خویش و بیگانه، جای حق و باطل را در عرصه فرهنگ‌ها می‌گیرند؟ آیا اعراب که بر فرهنگ قومی و اجدادی خویش ـ بت پرستی ـ اصرار می‌ورزیدند و به دعوت توحیدی پیامبر بی‌اعتنایی می‌کردند، بر جاده صواب بودند؟ اگر ما ایرانیان هم اسلام پیامبر عرب را به دلیل تعلق به بیگانه طرد می‌کردیم، آیا خردمندانه بود؟ ... حق این است که تا ما هویت را ـ و از جمله هویت فرهنگی را ـ امری سیال و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

متحول ندانیم، پاسخ هیچ‌یک از آن سوالات را پیدا نخواهیم کرد. معادل آوردن هویت با رکود، همه آن اشکالات سرکش را پدید آورده است و در برابر آن معادله باید سرکشی کرد.» (سروش، ۱۳۷۷: ۷۷)

سروش به سه فرهنگ و به دنبال آن سه هویت در ایران امروز اشاره می‌کند که عبارتند از: فرهنگ ملی، فرهنگ غربی و فرهنگ اسلامی. وی سپس این پرسش را مطرح می‌کند که هویت ما در گرو کدام یک از این سه فرهنگ است و در این میان کدام اصیل‌تر و به هویت ما نزدیک‌ترند و ما باید به سوی کدام بازگردیم. پاسخ وی همان‌گونه که گفته شد تأکید بر سیالیت هویت است: «خود» ثابت قومی یا «خود» ثابت دینی ... نداریم. این هویت‌ها سیالند و لذا عرض عریضی دارند که با داشتن چشمی بیدار و دلی دلیر و دستی توانا، می‌توان آن‌ها را به هم پیوست و خندق موهوم ناسازگاری میان آنها را می‌توان پر کرد.» (همان: ۷۸) هویت را باید ساخت و آنرا اصلاح کرد و تغییر داد به جای آنکه یک «ما»ی مشخص را پیش روی خود قرار داده و تلاش کنیم تا به آن برسیم.

در مواجهه با فرهنگ بیگانه و مشخص کردن مرز خودی و بیگانه آن بخش‌هایی از فرهنگ دیگر که مقبول فرهنگ ما قرار می‌گیرد و به آن وارد می‌شود جزئی از فرهنگ خودی است و نباید آن را بیگانه دانسته و در پی بیرون راندنش باشیم. همه فرهنگ‌های ما اعم از ملی و دینی و غربی دچار عناصری هستند که باید کنار گذاشته شوند و از این جهت هیچ‌یک اصیل و برتر نیست.

در پایان سروش این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که «ما حامل و وارث سه فرهنگیم. مصلحانی که عزم خدمت به این کشور دارند، نباید از این مبدأ حرکت بکنند که آنچه در میان ما نروییده است، با ما بیگانه و بل دشمن است. این رأی، رأی ویران‌گری است. دوم اینکه در پی این نباشند که یک فرهنگ را به طور دربست، غلبه قطعی به فرهنگ‌های دیگر نبخشند. سوم اینکه ملاک خودی بودن، متعلق به سرمین ما بودن نیست. ملاک خودی بودن، حق بودن است و مقبول خودی‌ها افتادن. چهارم اینکه هر فرهنگ عناصری دارد که باید از آنها توبه کرد و عناصری هم دارد که باید با آنها آشتی کرد و به عبارت دیگر، از یک حیث ما متکی به فرهنگیم و از حیث دیگر، متکای آنیم. پنجم اینکه ارجی که به این فرهنگ‌ها نهاده می‌شود، کوششی است برای گشودن دریچه آنها به روی یکدیگر، آشناتر کردن آنها با یکدیگر، و شست‌وشوی مستمر این فرهنگ‌ها از خرافه‌ها و زوائد فرهنگ‌کش. ششم، داد و ستد عزت‌مندانه را با تقلید ذلیلانه و بی‌حجت و مرعوب شدن‌های ستم‌کشانه و زبونانه و جبونانه یکی نگرفتن. و هفتم، بر جبر عجزآفرین تاریخ و بر مروجان آن نفرین فرستادن و چالاک و توانا و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مختار، در عرصه مبادلات فرهنگی ایستادن و پاسبانی حق اختیار کردن و فرهنگ قومی و اسلامی خود را پایان یافته نشمردن.» (همان: ۸۵)

۳-۳-۳-۲ـ داریوش شایگان: چهل تکه هویت

داریوش شایگان با مطرح کردن نظریه هویت‌های چهل تکه در واقع در ادامه بحث هویت سیال سروش گام برداشته و آن را به شیوه‌ای دیگر مطرح کرده است. شایگان عصر حاضر را دوران افول هویت‌های یکدست و همگون و شکل‌گیری هویت‌های ترکیبی می‌داند. وی از زبان ادوارد گلیسان نقل می‌کند که: ««هر هویت یکدست ضرورتا مانع و نافی «دیگری» است. «چنین نگاهی به هویت در تقابل با هویتی قرار دارد که امروزه هویت «واقعی» فرهنگ‌های مرکب است. در این فرهنگ‌ها هویت عامل و نتیجه گونه‌ای آمیختگی زبانی و نژادی، یعنی ریزوم وار است.»» (شایگان، ۱۳۹۳: ۱۳۶)

زیستن در دنیای جدید افراد را با تکثری از زبان‌ها، نژادها، قومیت‌ها، ادیان، نقش‌ها، عضویت‌های گروهی و مواردی از این قبیل مواجه می‌کند که هر یک هویتی جداگانه می‌سازد و در میان این هویت‌های متفاوت و گاه متعارض، فرد دچار آشفتگی و سرگردانی می‌شود. راه حل شایگان برای مقابله با چنین شرایطی نه پناه بردن به دامان تحجر هویتی بلکه پذیرش همه هویت‌های ذکر شده در درون هویت فردی و جداسازی فضاهای آنها از یکدیگر جهت جلوگیری از ایجاد تعارض و تداخل است. «هویت همگون اولا به دلیل درهم پاشی جهان‌های پایه‌گذارش دیگر وجود خارجی ندارد و ثانیا هنگامی که در قید فرهنگی به اصطلاح ناب و خالص محبوس شود، اغلب به تحجر هویت منتهی می‌گردد.» (همان: ۱۵۲) درهم آمیختگی عناصر گوناگون هویتی ««قالب از هم گسیخته در عین حال دوباره ترکیب یافته‌ای است» که یک کلیت نو را منعکس می‌کند.» (همان: ۱۳۹)

همانند سروش، شایگان نیز به حضور همزمان سه فرهنگ در جامعه ایران امروز اشاره می‌کند که هر دم روابط‌شان با یکدیگر بغرنج‌تر می‌شود؛ «سه هویت ملی، دینی و مدرن هر یک در دل دیگری جای گرفته‌اند و بدین ترتیب مناطق تداخلی ایجاد کرده‌اند که هر دم پیچیده‌تر می‌شوند و قلمروهایی که هر یک در آنها دخل و تصرف می‌کنند و در غالب موارد با یکدیگر ناسازگارند. ...کشوری اسلامی همچون ایران، تصویر زنده این سه قلمرو هویت است. گذشته ماقبل اسلامی این کشور به قدمت عهد باستان است ... هویت اسلامی در مقایسه با گذشته چندین هزار ساله از قدمتی بسیار کمتر برخوردار است. ... البته در عرصه تاریخ ملی، منازعه‌ای کم و بیش مستور میان ایران شاهنشاهی که در شاهنامه متجسم است و ایران شیعی که از خون شهیدان شکوه گرفته، وجود دارد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اما در سطح معادشناسی و اعتقاد به ظهور منجی، این منازعات به طور قابل ملاحظه تخفیف می‌یابند.» (همان: ۱۶۳ و ۱۶۴) دو هویت ملی و دینی ایرانیان دست کم در سطح برخی اعتقادات و بنیان‌های متافیزیکی مانند مبارزه علیه ظلم و شر و اعتقاد به منجی با یکدیگر سازگاری دارند اما مسأله زمانی آغاز می‌شود که وارد عرصه تاریخ شده و با حافظه تاریخی آنها مواجه می‌شود. دریغ و افسوس ایرانیان از ویرانی‌ها و عقب ماندگی‌هایی که عاملش را ورود اسلام و اعراب به ایران می‌دانند موجب تعارض میان هویت دینی و ملی شده است؛ «این منازعات در عصر مدرن، به یمن دستاوردهای باستان‌شناسی و فقه‌اللغه که به ایرانیان امکان داد بقایای میراث باستانی خود را بشناسند، شدت یافت. ایرانیان در نگاه به گذشته از سطح اسطوره‌ای به سطح تاریخی و رخدادهای واقعی رسیدند. هرچه بیشتر عظمت گذشته تاریخی خود را کشف می کردند، بیشتر به گستردگی ویرانی‌ها پی می‌بردند و عمیق‌تر در حسرت و دریغ اعصار به سر آمده فرو می‌رفتند» (همان: ۱۶۶) این گسست زمانی عمیق‌تر شده است که مدرنیته از راه رسید و هویتی یکسره بیگانه (چه در سطح متافیزیکی و چه در عرصه تاریخ) به ارمغان آورد. سربرآوردن هویت مدرن نه تنها جوامع مسلمان را با مسأله رابطه این هویت با هویت‌های ملی و دینی‌شان مواجه نمود بلکه حتی پرسش از رابطه میان هویت ملی و هویت دینی را نیز از نو مطرح کرد.

۴-۳-۳-۲ـ حمید احمدی: ناسازگاری هویت دینی و هویت ملی: ذاتی یا تاریخی؟

حمید احمدی در مقاله «دین و ملیت در ایران: همیاری یا کشمکش» به تشریح رابطه میان هویت دینی و هویت ملی از سال‌های ابتدایی ورود اسلام به ایران تاکنون پرداخته است. او معتقدست که در تاریخ ایران از ابتدای ورود اسلام تا پنجاه سال اخیر، ما با مسأله تعارض هویت دینی و هویت ملی روبرو نبوده‌ایم. آغاز این تضاد در دهه ۱۳۴۰ و با یک رویداد مهم در تاریخ معاصر ایران همراه بوده است. سیاسی شدن مذهب و ورود چهره‌های مذهبی به عرصه سیاست ایران نقطه عطفی در تغییر موازنه در رابطه میان هویت دینی و هویت ملی بود.

تضاد دین و ملیت در ایران در سال‌های پس از پایان جنگ جهانی دوم و با سیاسی شدن مذهب و ورود چهره‌های سیاسی مذهبی به عرصه سیاست ایران برای اولین بار مطرح شد. درگیر شدن مذهب در سیاست‌های روز ایران زمینه تضاد جریان‌های مذهبی و ملی را فراهم کرد. البته در این زمینه ایران در بین دیگر کشورهای خاورمیانه یک استثنا بود زیرا در اغلب این کشورها این تضاد بسی پیش از این مورد بحث قرار گرفته بود. این جوامع در پی شکست از برخی کشورهای مدرن، شکل‌گیری اندیشه ناسیونالیستی در آن کشورها را عامل

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

موفقیت‌شان تلقی کردند؛ نتیجه این تأمل شکل‌گیری دولت‌های مدرن در این جوامع بود. با روی کار آمدن دولت‌های مدرن، روحانیون و نخبگان دینی که موقعیت خود را در خطر می‌دیدند، با ملی‌گرایی به مخالفت برخاستند که منجر به مطرح شدن تضاد هویت دینی و هویت ملی گردید.

در توجیه علل سازگاری هویت دینی و هویت ملی در میان ایرانیان احمدی چند عامل را برمی‌شمارد:

- ملیت عنصری دیرپا در میان ایرانیان است.

- حکومت‌های ایرانی برخلاف دیگر حکومت‌های خاورمیانه که در چارچوب خلافت اسلامی شکل گرفته و ماهیت دینی داشتند، بعد از اسلام معمولاً در مقابل خلافت بوده و از عناصر ملیت ایرانی برای مقابله استفاده می‌کردند.

- علما و فقهای ایرانی از پیشینه ملی آگاهی داشتند و همین امر موجب شده است که در سال‌های پس از ورود اسلام، میان عنصر ملی و دینی سازگاری وجود داشته باشد.

- مبارزه علیه کشورهایی همچون روسیه و انگلستان موجب تقویت رابطه روحانیون و افراد ناسیونالیست شد.

- در مبارزات مشروطه خواهی و دیگر مبارزات هم دو گروه روحانیون و علما و ناسیونالیست‌ها کنار هم قرار گرفتند.

سیاسی شدن عرصه دین در دهه ۴۰ با دو عامل دیگر همراه شد و تحولی بنیادین را در رابطه میان هویت ملی و هویت دینی رقم زد. رشد و گسترش اسلام سیاسی در خاورمیانه و ورود بحث‌های آنها (مانند سید قطب و مودودی) به ایران یکی از عوامل و گسترش تضاد میان اسلام و مارکسیسم در کل منطقه و ایران عامل دیگر بود. گسترش مارکسیسم در منطقه موجب تقویت این ادعای اسلام‌گرایان شد که تنها گفتمان اسلامی می تواند مارکسیسم را از صحنه به در کند. این امر به ایدئولوژیک شدن اسلام دامن زد.

نقطه عطف تضاد دین و ملیت در ایران پیروزی انقلاب اسلامی بود. این رویداد تعادل میان این دو را به نفع هویت دینی برهم زد. همچنین مفهوم «امت اسلامی» توسط حکومت انقلابی جایگزین مفهوم «ملت ایران» شد و انترناسیونالیسم اسلامی علاوه بر تضاد با هویت ملی، عامل رشد دشمنی دیگر کشورهای مسلمان با ایران شد. در این سال‌ها ناسیونالیسم برابر با غرب‌گرایی و استعمار و استبداد تلقی شد در حالی که ملی‌گرایی ایرانی همواره عنصری ضد استعماری بود. «در واقع در سال‌های پس از انقلاب ناآگاهی گسترده‌ای در محافل رسمی نسبت به

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اهمیت عنصر ملی هویت ایرانی پدیدار شد و همین ناآگاهی تاریخی باعث شد که هرگونه گرایش به ایرانیت و تأکید بر دوران باستانی تاریخ و تمدن ایرانی محصول دوران مدرن و استعمار و استبداد قلمداد شود.» (احمدی، ۱۳۸۶: ۸۷)

۵-۳-۳-۲ـ احمد اشرف: بحران هویت

اشرف نیز به وجود تضادهایی در درون هویت ایرانی در زمانه حاضر اذعان می‌کند ولی او این تضاد را صرفا میان هویت دینی و هویت ملی نمی‌بیند بلکه او معتقدست خود هویت ملی نیز در میان گروه‌های مختلف با رویکردهای متفاوت ادراک می‌شود و این رویکردها از یک‌سو با یکدیگر و از سوی دیگر با هویت مدرنی که حاصل عصر جدید است، در چالش است.طبقه روشنفکر ایرانی از اواسط قرن بیستم بر اساس دو هدف اصلی انقلاب مشروطه یعنی شکل دادن یک دولت ـ ملت و ایجاد جامعه مدنی با دادن حق مشارکت به مردم به چند دسته تقسیم شدند:

ـ روشنفکران طرفدار ایده ۲۵ قرن امپراتوری ایرانی به عنوان اساس هویت ملی ایرانی یا طرفداران ناسیونالیسم هخامنشی

ـ طرفداران ایجاد جامعه ملی بر اساس یک جامعه مدنی مانند جبهه ملی

ـ چپ‌ها که به جای ملت ایران از مردمان یا خلق‌های ایران حرف می‌زدند و می‌گفتند ایران متشکل از چندین ملیت یا اقلیت قومی است که باید حق همه را به رسمیت شناخت

ـ کسانی که رابطه نزدیکی بین ملیت و مذهب می‌دیدند مانند شریعتی، مطهری و بازرگان. «به پیروی از این خط مشی گمان بر آن است که در جریان چهارده قرن پیش، دو تاریخ اسلام و ایران آن‌چنان در هم ترکیب شده‌اند که جست‌وجوی یک هویت ایرانی بدون اسلام یا هویت اسلامی بدون حضور نیرومند ایران در درون آن امکان-پذیر نیست. از دیدگاه شریعتی این دو عنصر ایرانی ـ اسلامی، هویت ایرانی را به وجود می‌آورند. او بر آن است که ازخودبیگانگی فرهنگی و ملی را فقط می‌توان با تأکید بر ملت ایران و در عین حال حمایت از فرهنگ شیعه از میان برداشت.» (اشرف، ۱۳۹۵: ۲۱۸)

در کنار این رویکردها اشرف از رویکرد دو گروه دیگر هم نام می‌برد که یکی به دولت پهلوی و دیگری به حکومت جمهوری اسلامی و هواداران آن در سال‌های پس از انقلاب بازمی‌گردد:

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ـ رژیم پهلوی هویت ملی را همان هویت مردمی می‌دانست که تحت نظام شاهنشاهی و در قلمرو این پادشاهی زندگی می‌کنند و این همان ایده باستان گرایی‌ای است که پیش‌تر به آن اشاره شد.

ـ رویکردی که پس از انقلاب ایجاد شده است و هویت ملی را در هویت امت اسلامی ایران می‌بیند. در این دیدگاه همه حکومت‌های انسانی فاقد مشروعیت و ناتوان از حل مسایل انسان هستند و فقط حکومت الهی مشروعیت دارد؛در این حکومت ملت جایی نداشته و فقط امت معنا دارد که حق حاکمیت ندارد و نیازمند رهبری و ولایت است.

اشرف در نگاهی تاریخی به بررسی شکل‌گیری هویت ملی در ایران می‌پردازد.همانند احمدی وی نیز هویت ایرانی را پدیده‌ای دارای قدمت طولانی معرفی می‌کند. «مراحل عمده بازسازی و تحول هویت ایرانی از دوران ساسانی تا عصر حاضر را می‌توان در هفت دوره زیر مشخص کرد:

۱ـ مرحله بنیادین بازسازی هویت ایرانی به منزله نوعی هویت «ملی پیشامدرن» در عصر ساسانی که از گونه‌ای حس ناسیونالیسم قومی باستانی برخوردار بود و از نوع هویت‌های پیش از عصر جدید است.

۲ـ مرحله سکون و رکود هویت ایرانی در قرن نخستین اسلامی.

۳ـ مرحله تجدید حیات و بازسازی هویت فرهنگی ایران در عهد حکومت‌های محلی ایرانی در قرن‌های سوم تا پنجم هجری.

۴ـ مرحله پیچیده عصر سلاجقه با گسترش زبان فارسی به منزله زبان دیوانی از یک‌سو، و اندیشه امپراتوری فراگیر اسلامی در برابر احساسات قومی «ملیت‌ها» از سوی دیگر.

۵ـ مرحله بازسازی و احیای هویت ایرانی در عهد مغول و تیموریان.

۶ـ مرحله بازسازی و احیای هویت ایرانی ـ شیعی در عصر صفوی.

۷ـ مرحله بازسازی «هویت ملی ایرانی» در معنای امروزی آن در دو قرن اخیر.» (همان: ۴۵-۴۶)

اشرف بازسازی هویت ایرانی در دوران ساسانیان و دوره‌های پس از آنها را بیشتر از جنبه تاریخی و فرهنگی می‌داند و این همان تفاوتی است که این هویت با هویت ملی در عصر جدید دارد. هویت ملی در دوران مدرن مبتنی بر نوعی آگاهی سیاسی است که در دوره‌های پیشین غایب بوده است. وی نظریه خود را در چارچوب

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

رویکرد تاریخی نگر می‌گنجاند که آن را یکی از سه رویکرد موجود در مورد هویت ایرانی می‌شناسد. دو رویکرد دیگر روایت ملت‌گرا و روایت مدرن و پست مدرن از هویت ایرانی است.

روایت ملت‌گرا: این روایت ملت را پدیداری طبیعی در تاریخ بشر می‌داند که باید ریشه‌اش را در دوران پیش از تاریخ جست. در ایران از قرن ۱۹ با غلبه ناسیونالیسم رومانتیک این دیدگاه مطرح شد، با انقلاب مشروطه رشد کرد و در نهایت بنیان ایدئولوژیک دولت پهلوی شد و موجب شکل‌گیری دولت ـ ملت ایرانی در دوران پهلوی گردید. در این رویکرد بازسازی هویت ایرانی بر اساس دیدگاه‌های تخیلی و احساساتی ملت پرستانه انجام گرفت بدین صورت که به دنبال ریشه‌های ملیت ایرانی در گذشته، اساطیر و دین زرتشت بودند و ملیت را بر دین اسلام برتری می‌دادند.

روایت‌های مدرن و پست مدرن: این روایت‌ها دولت را از مفاهیم عصر جدید می‌دانند. این رویکردها به نفی و انکار گذشته تاریخی ملت‌ها می‌پردازند و ملت را مفهومی ساختگی می‌داند که یا «ابداع» شده یا از پدیدارهای «تصوری و تخیلی» نوظهور است.

روایت تاریخی‌نگر: اشرف هر دو رویکرد پیش گفته را نقد می‌کند؛ رویکرد اول هویت ملی ایرانی را دارای سابقه چند هزار ساله می‌داند که تا به امروز همه مردم ایران خود را به آن می‌شناخته و به آن آگاهی داشته‌اند. رویکرد دوم که توسط روشنفکرانی که از عواقب تعصب ملی و قومی می‌ترسیدند مطرح شده،هویت ایرانی را از ابداعات قرن حاضر و از ساخته‌های استعمارگران و شرق شناسان می‌داند. «بی‌شبهه مفهوم سیاسی ملت و هویت ملی را دولت‌ها ایجاد می‌کنند و برای آن قباله تاریخی تدارک می‌بینند و به گفته هابزبام دست به «ابداع سنت‌ها» می‌زنند. ... درباره ایران این کار را ساسانیان به انجام رساندند و همگام با تأسیس نوعی دولت «شبه ملی اولیه» به تنظیم و تدوین و بازسازی اساطیر اقوام ایرانی پرداختند و تاریخ اساطیری ایران را از نخستین انسان و نحستین پادشاه تا حمله اسکندر به ایران، و تاریخ واقعی را از دوران پارت‌ها تا آخر دوره ساسانیان برای نخستین بار در خدای نامک‌ها و شاهنامه‌ها به ثبت رساندند.» (همان: ۳۸) روایت تاریخی‌نگر راه میانه‌ای بین دو رویکرد قبل انتخاب کرد. از نظر اشرف هم باید میان «هویت ایرانی» و «هویت ملی ایرانی» تمایز گذاشت. روایت تاریخی‌نگر «درعین حال که «هویت ملی» را مقوله‌ای متعلق به عصر جدید می‌داند و «عطف به ماسبق» کردن آن را نمی‌پذیرد، «هویت فرهنگی ایرانی» را مقوله‌ای تاریخی می‌داند که از دوران پیش از اسلام تا به امروز به صور گوناگون بازسازی شده است. ...اگر به جای مفهوم «هویت ملی که مفهومی پیچیده است و هر کسی از منظر خود به آن

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌اندیشد، از مفهوم «هویت ایرانی» و تحولات تاریخی آن از زمان ساسانیان تا عصر مشروطه و از پیدایش «هویت ملی» و تحول آن در دو قرن گذشته سخن بگوییم مناسب‌تر به نظر می‌آید.» (همان: ۳۸ و ۳۹)

۶-۳-۳-۲ـ جمع‌بندی آرای متفکران در مورد هویت ایرانی:

در آرای این متفکران جامعه ایران در طول قرون گذشته با دو هویت ملی و مذهبی دست و پنجه نرم کرده است و در دوران اخیر هویت دیگری تحت تأثیر ورود زیست و اندیشه مدرن به زندگی مردم، سربرآورده است تحت عنوان هویت مدرن که ارتباطش با دو هویت دیگر شرایطی پیچیده و مبهم را ایجاد کرده است. ارتباط تعارض آمیز میان هویت‌های دوگانه (ملی و مذهبی) یا سه گانه (ملی، مذهبی و مدرن) را می‌توان در اندیشه اشرف و احمدی بیش از دیگران دید البته احمدی به نوعی دوره بندی تاریخی اشاره می‌کند که در رابطه میان دین و ملیت (یا هویت دینی و هویت ملی) وجود دارد: پس از ورود اسلام به ایران تا دهه ۱۳۴۰ مبتنی بر سازگاری این دو و از حدود دهه ۱۳۴۰ تا زمان حاضر دوران شکل‌گیری تضاد میان‌شان است که با گذر زمان دائما تشدید شده است. بدین ترتیب می‌توان گفت در مورد دوره ابتدایی این رابطه احمدی با شریعتی در این زمینه که تعارض و تضادی میان هویت ملی و هویت دینی در ایران پس از ورود اسلام وجود نداشته، هم‌نظر است. شاید بتوان گفت تجربه دوران پس از پیروزی انقلاب که تضاد این دو هویت را برجسته و آشکار کرد همان چیزی است که دیدگاه احمدی را از نظریه شریعتی دور می‌کند.

مقایسه‌ای میان مراحل هویتی‌ای که اشرف از آنها نام می‌برد با مراحل پنج‌گانه شریعتی، نوعی همخوانی را میان دیدگاه این دو متفکر نشان می‌دهد و تفاوت معناداری را در مواجهه این دو با مراحل تحول آگاهی ملی ایرانیان مشاهده نمی‌کنیم. شریعتی دوران میان دو ناسیونالیسم را که به حکومت ترکان و مغول‌ها اختصاص دارد دوران تضعیف هویت ملی معرفی می‌کند درحالی‌که اشرف قائل به نوعی احیای ملیت در حکومت مغول‌ها و تیموریان است اما این نیز تفاوت عمده‌ای میان این رویکردها محسوب نمی‌شود زیرا شریعتی هم شکل‌گیری نطفه هویت ملی ـ شیعی ایجاد شده در عصر صفویان را به پیش از آنها نسبت می‌دهد و در واقع به نظر او صفویه میوه‌ای را چیده است که در دوره قبل کشت و آبیاری شده بود.

سروش و شایگان رویکردی غیرتاریخی و فلسفی نسبت به ارتباط سه هویت در ایران اتخاذ کرده‌اند و در واقع می‌توان گفت آنها بیشتر بر «باید»ها تأکید دارند و چندان توصیف دقیق و مبتنی بر زمینه اجتماعی و تاریخی از

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وضعیت هویتی ایران در دوره‌های مختلف ارائه نمی‌دهند. این دو صرفا تلاش می‌کنند به نظریه‌پردازی در مورد هویت در دنیای امروز بپردازند و بر آن مبنا نشان دهند که تکثر هویتی مسلط بر جامعه ایرانی خودش یک مشکل نیست بلکه نوع رویکرد و برخورد اعضای جامعه و چه بسا اندیشمندان با آن است که موجب تبدیل شدنش به یک معضل شده است. این گونه است که سروش بدون ذکر جزئیات تاریخی و اشاره مشخصی به جایگاه هر یک از هویت‌ها در جامعه ایران امروز با نظریه شریعتی که مبتنی بر «بازگشت به خویشتن» است مخالفت می‌کند و آن را راه حل مشکل هویتی نمی‌داند زیرا از نظر او خویشتن ثابتی و مشخصی وجود ندارد که بتوان بدان بازگشت بلکه هویت هر لحظه در حال بازسازی و تغییر است پس ما می‌توانیم هویت‌مان را طوری بسازیم که عناصر گوناگون هویتی در آن در کنار یکدیگر قرار گیرند بدون آنکه با همدیگر دچار چالش و برخوردی شوند.

۴ـ۲ـ تقویم:

تقویم‌ها نقش مهمی در هماهنگ نمودن فعالیت‌های افراد در جوامع دارند. از طریق تقویم مشخص می‌شود که چه روزهایی را اعضای جامعه باید به فعالیت و کار بپردازند و چه روزهایی تعطیل هستند. همچنین روزهای جشن و عزا جهت تنظیم برگزاری آیین‌ها و مناسک فردی و جمعی در تقویم‌ها تعیین می‌شوند. «اولین نهاد عمده‌ای که بشر به‌منظور استقرار و حفظ قاعده‌مندی زمانی ابداع نمود، تقویم بود.» (زروباول، ۱۹۸۵: ۳۱)

علاوه بر تنظیم زندگی اعضای جامعه بر اساس طبیعت، تقویم‌ها با برخی نقاط مرجع نشانه‌گذاری شده‌اند. «یکی از ویژگی های اصلی هر تقویمی این است که جریان متداوم زمان را از طریق مطرح کردن برخی «تاریخ‌های ویژه»[۱] (هوبرت و موس، ۱۹۰۹: ۱۹۷–۲۰۸) منظما متوقف کند و رویدادهایی که این نقاط مرجع زمانی استاندارد را تشکیل می‌دهند، معمولاً معنای نمادین خاصی در درون جامعه دارند.» (زروباول، ۱۹۷۷: ۸۷۲) نقاط مرجع موجود در تقویم در اغلب موارد از زندگی اجتماعی گرفته شده‌اند و حاصل رویدادهای تاریخی‌ای هستند که برای یک جامعه یادآوری آنها مهم است. بدین ترتیب مناسبت‌ها، حافظه جمعی یک گروه را می‌سازند. «شیوه‌های زیادی وجود دارد که گروه‌ها از طریق آنها بر وحدت درون گروهی‌شان و تمایزشان از دیگر گروه‌ها می‌توانند تأکید کنند و این کار را می‌کنند. زبان، نشانه‌ها، لباس، قوانین تغذیه فقط تعداد اندکی از ویژگی‌های متفاوتی هستند که تقریبا در همه جا توسط گروه‌ها به کار می‌روند تا اعضای گروه را از «خارجی‌ها» جدا کنند. الگوهای

[۱] Critical dates

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

زمانیِ اجتماعی که از تقویم‌ها و برنامه‌های زمان‌بندی[1] اخذ می‌شوند، مشخصا یکی از این ویژگی‌ها هستند (زروباول، ۱۹۸۱: ۶۴–۸۱). برای مثال، از طریق نظم‌بخشی به زندگی اجتماعی به وسیله تبعیت از ترتیبات تقویمی خاص گروه‌ها تلاش می‌کنند که خودشان را موجوداتی کاملا متمایز از دیگر گروه‌های اطرافشان نشان دهند.» (زروباول، ۱۹۸۲: ۲۸۴)

تقویم‌ها چگونه در شکل‌دهی به هویت گروهی عمل می‌کنند؟ آیا می‌توان تقویم را در این زمینه دارای تأثیری قابل ملاحظه دانست؟ همان‌طور که ذکر شد تقویم‌ها علاوه بر کمک به برنامه‌ریزی زیست روزمره اجتماعی و ایجاد هماهنگی میان بخش‌های مختلف جامعه، به ثبت مناسبت‌هایی می‌پردازند که نقاط مهم تاریخ یک جامعه هستند. «تقویم‌ها عموما تمایل دارند هویت‌های جمعی کسانی را بازتاب دهند که آنها را استفاده می‌کنند. از خلال یادآوری تعطیلات رویدادهای خاص گذشته، گروه‌ها می‌توانند دیدگاه‌شان در مورد جوهر اجتماعی حال خودشان را مفصل‌بندی کنند (zerubavel,۲۰۰۳a:۳۱۹). تعطیلات یادآورانه ملی و تقویم‌های دولت ـ ملت‌ها بنابراین برای درک پویایی تغییر حافظه محوری هستند.» (فریدمن، ۲۰۱۵: ۵ ـ ۶) تقویم‌ها نقش مهمی در مشخص کردن اعضای درون گروهی از اعضای بیرون گروه دارند؛ آنهایی که عضو گروه هستند در حافظه مشترکی که از خلال مناسبت‌های تقویم بازتاب می‌یابد، شریکند. «ترتیبات زمانی به صورت تنگاتنگی در ارتباط با شکل‌دهی به گروه هستند زیرا یک نظم زمانی که در میان گروهی از افراد مشترک است و برای آنها منحصر به فرد و بی‌همتاست، هم به عنوان وحدت دهنده و هم جداکننده عمل می‌کند. از یک سو، در برجسته کردن شباهت میان اعضای گروه در مقابل دیگران، تقویم به تحکیم احساسات درون گروهی کمک می‌کند و بنابراین بنیانی قدرتمند برای همبستگی مکانیکی در درون گروه ایجاد می‌کند. در عین حال به استقرار محدوده های درون گروهی که درون گروهی‌ها را از بیرونی‌ها متمایز و جدا می‌کنند «زیرا همزیستی عملی دو گروه که تقویم‌های متفاوتی استفاده می کنند ناممکن است.»(Licht,۱۹۷۲:۵۲)» (زروباول، ۱۹۸۲: ۲۸۸)

وقتی تقویم بازتاب هویت یک گروه است و از خلال آن، خود و دیگری، اعضای درون گروه و افراد بیرون گروه مشخص می‌شوند، می‌تواند درگیری‌ها و کشمکش‌های میان هویت‌های مختلف را نیز نشان دهد. جدال میان روایت‌های از گذشته خود را در تقویم‌ها به روشنی نشان می‌دهند.«تضادهای تقویمی الزاما بازتاب نمادینی از تضادهای اجتماعی است و بنابراین نیاز گروه را به جدا کردن خودش از دیگر گروه‌ها بیان می‌کند و در اغلب

[1] schedule

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

موارد از آن گروهی که خودشان از آن بیرون آمده‌اند. در این زمینه اورت سی. هیوز می‌گوید: «جنبش‌های انقلابی دشمنان تقویم‌های موجود هستند به این دلیل مشخص که تقویم حافظه اجتماعی را تجسم می‌بخشد (۱۹۵۸:۱۸)» (همان)

چالش میان قدرتمندان و گروه‌های بی‌قدرت مانند دیگر کشمکش‌های هویتی در تقویم خود را نشان می‌دهد. اینکه کدام روایت از گذشته باید در تقویم بیاید، محل چالش است. قدرتمندان تلاش دارند مناسبت‌های مدنظر خود را در تقویم ثبت کنند و روایت‌های دیگر را سرکوب کنند. از آنجایی‌که در بسیاری از جوامع صاحبان قدرت امکان ورود روایت گروه‌های فاقد قدرت را به تقویم نمی‌دهند، در مقابل تقویم آنها تقویم‌های دیگری شکل می‌گیرند که حافظه‌ای بدیل را بازمی‌نمایانند. «تقویم‌های بدیل در واقع پیوندی میان رویدادهای (ساکت شده) و مسوولیت ایجاد می کنند و تفاسیر رسمی از گذشته و تلاش برای ساکت کردن یا انکار مسوولیت برای جنایات جنگی را به چالش می‌کشند.» (فریدمن، ۲۰۱۵: ۲۱۶) تقویم‌هایی که متعلق به گروه‌های قومی در درون یک دولت ـ ملت هستند و به دنبال برساخت هویتی مستقل از آن هستند، از جمله تقویم‌های بدیل به شمار می‌آیند؛ در واقع در مقابل حکومتی قرار می‌گیرند که سکوت را بر آنها تحمیل کرده است. «حکومت به عنوان یک عامل، نقشی محوری در ساختن حافظه ملی و مراسم های حول و حوش آن دارد. حکومت‌ها این قدرت را دارند که روایت مسلط را پیاده کنند و به عنوان بخشی از هویت ملی «حافظه تحت حمایت حکومت از گذشته ملی» یا «حافظه ملی» بسازند (young,۱۹۹۳). فعالیت‌های حکومت دارای قدرتی نمادین است که فعالیت‌های عمومی توسط عاملان غیرحکومتی فاقد آن است (Blustein,۲۰۱۲).» (۴۷۸) (دیوید، ۲۰۱۴: ۴۷۴-۴۷۵)

تقویم میانجی خوبی برای درک عمیق‌تر رابطه میان مفاهیم گسترده و کلی‌ای همچون حافظه، تاریخ و هویت است و مطالعه و مقایسه تقویم‌های رسمی و غیررسمی این امکان را فراهم می‌کند که چگونگی استفاده گروه‌های فرادست و فرودست از گذشته جامعه جهت برساخت هویت جمعی را روشن‌تر دریابیم.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل سوم: روش پژوهش

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱-۳ـ رویکرد کیفی

رویکرد روش‌شناختی پژوهش حاضر با توجه به ماهیت آن، رویکرد کیفی است، زیرا از یک سو نیازمند بررسی عمیق و چندوجهی موضوع مدنظر است و از سوی دیگر به دلیل ناشناخته بودن موضوع نیازمند آن است که از ابتدای پژوهش ارتباطی رفت و برگشتی میان مرحله جمع‌آوری داده‌ها و مطالعه مفاهیم و نظریات وجود داشته باشد تا از این طریق هم مشخص شود که چه مفاهیم و نظریاتی نیاز است و هم نوع مواجهه با تقویم‌ها و نیز تقویم‌هایی که باید یافته و بررسی شوند، تعیین گردد.

درحالی‌که پژوهش‌های کمی به دنبال آزمون فرضیات و تعمیم‌های کمی هستند، تحقیقاتی که رویکرد کیفی دارند، بر فهم ماهیت مسأله پژوهش استوار است و توجهی به کمیت ویژگی‌های مورد مطالعه ندارد.

علی‌رغم استفاده از رویکرد کیفی، این پژوهش ادعایی در مورد ساخت نظریات جدید آن‌گونه که در بسیاری از روش‌های کیفی مطرح است، ندارد بلکه در پی آن است که ابتدا توصیفی دقیق از تقویم رسمی و ساز و کارهای شکل‌گیری آن و نیز تقویم‌های غیررسمی به دست آمده ارائه دهد. سپس به مقایسه میان تقویم رسمی با تقویم‌های غیررسمی و میان خود تقویم‌های غیررسمی پرداخته و تلاش می نماید درکی عمیق‌تر از موضوع ارائه دهد. پس از ارائه توصیف، بر اساس گزاره‌های نظری موجود به تبیین رابطه میان تقویم‌ها، حافظه جمعی و هویت اعضای جامعه بپردازد. استفاده از نتایج مقایسه میان موردها در جهت رسیدن به تحلیل و درک پدیده اجتماعی یکی از مهم‌ترین شیوه‌های مورد استفاده در مطالعه موردی است و به همین علت این روش برای پژوهش حاضر روشی مطلوب به نظر می‌رسد.

۲-۳ـ روش: مطالعه موردی

مطالعه موردی از جمله روش‌هایی است که همواره در موردش چالش‌هایی بسیار وجود داشته است و بسیاری آن را به عنوان یک روش تحقیق معتبر نمی‌شناسند. همچنین آن را روشی می‌دانند که صرفا در مرحل اکتشافی پژوهش‌ها قابل استفاده است و کاربردی در پژوهش‌های توصیفی و تبیینی ندارد. اما رویکردهای جدید، مطالعه موردی را یک روش کاملا معتبر و ارزشمند می‌دانند که برای شناسایی عمیق و دقیق پدیده‌ها می‌توان از آن سود برد و در مورد برخی موضوعات برتری قابل توجهی نسبت به دیگر روش‌ها دارد.

استفاده از روش مطالعه موردی ناشی از تمایل به کسب شناخت و درکی عمیق از پدیده‌های پیچیده است. این روش به محققان کمک می‌کند که پدیده‌ها را در کلیت و پیچیدگی‌شان در نظر بگیرد. البته این تنها ویژگی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مطالعات موردی نیست؛ استیک معتقد است که تعداد و نوع مطالعات موردی به هدف پژوهش بستگی دارد: یک مطالعه موردی ابزاری برای ایجاد دیدی در مورد موضوع انجام می‌شود؛ یک مطالعه موردی ذاتی برای کسب درکی عمیق‌تر از مورد به کار می‌رود؛ و مطالعه موردی جمعی مطالعه تعدادی از موارد به منظور تحقیق در خصوص یک پدیده است.

تعاریف متعدد و گوناگونی از این روش ارائه شده است. یکی از شیوه‌های تعریف این روش، موضوعاتی است که دربرمی‌گیرد از جمله: «اساس مطالعه موردی آن است که این شیوه تلاش می‌کند یک تصمیم یا مجموعه‌ای از تصمیمات را روشن نماید؛ اینکه چرا این تصمیمات اخذ شده‌اند، چطور آنها انجام شده‌اند و چه نتیجه‌ای در برداشته‌اند. (شرام، ۱۹۷۱)» (یین، ۲۰۰۹) مشاهده می‌کنیم که در تعاریف دیگری در کنار تصمیم، موضوعاتی چون افراد، سازمان‌ها، فرایندها، برنامه‌ها، نهادها و رویدادها هم مطرح می‌شوند. اما چنین تعاریفی تنها تعریف‌های ممکن و کامل‌ترین آنها نیستند. پربسامدترین و پذیرفته شده‌ترین تعریف از مطالعه موردی آن مواردی است که بر چند ویژگی این روش تأکید می‌کند: «بررسی عمیق» در خصوص «یک پدیده پیچیده» در شرایطی که آن را در زمینه «زندگی واقعی» در نظر می‌گیرند. برای مثال می‌توان به تعریف سایمونز اشاره کرد: «مطالعه موردی بررسی عمیق از رویکردهای متعدد در خصوص پیچیدگی و تکین بودن یک پروژه، سیاست، نهاد، برنامه یا نظام در زمینه «زندگی واقعی» است.» (تامس، ۲۰۱۱: ۵۱۲) تامس در یک گزاره روشنگر که تفاوت میان مطالعه موردی و مطالعات کمی را بیان می‌کند به نوعی تعریف دیگری از این شیوه پژوهش ارائه می‌دهد؛ او می‌گوید که «بیش از نگاه کردن به تعداد محدودی از متغیرها در تعداد زیادی از موردها، پژوهشگر مطالعه موردی به تعامل میان عوامل بسیار در تعداد محدودی از موردها می‌پردازد.» (همان)

«مطالعه موردی: طرح و روش‌ها» کتابی است که توسط رابرت کی. یین[1] در سال ۲۰۰۹ نگاشته شده است و در حال حاضر به عنوان یک اثر مرجع در خصوص این روش مطرح است. وی شش مرحله را برای انجام مطالعه موردی برمی‌شمارد:

۱ـ نقشه کار[2]: در این بخش محقق پرسش‌های تحقیق و دیگر مسائلی را مطرح می‌کند و به بررسی نقاط قوت و محدودیت‌هایش می‌پردازد. یین معتقدست برای مشخص کردن نوع روش موردنیاز در هر تحقیق باید به سه پرسش پاسخ داد: ۱. نوع پرسش پژوهشی که مطرح شده است. ۲. میزانی از کنترل که محقق بر رویدادهای

[1] Robert K. Yin
[2] plan

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است. استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی

رفتاری واقعی دارد. ۳. میزان تمرکزی که تحقیق بر رویدادهای معاصر دارد در مقابل رویدادهای تاریخی. (یین، ۲۰۰۹) سپس در ادامه می‌گوید این روش در مواردی که پرسش تحقیق از نوع پرسش‌های چگونگی یا چرایی است بر دیگر روش‌ها ارجحیت دارد و بهتر به نتیجه می‌رسد. همچنین آن را بهتر است در شرایطی به کار برد که پژوهش در ارتباط با زمان معاصر است و از نوع پژوهش‌های تاریخی نیست؛ در ضمن وقتی که پژوهشگر کنترل اندکی بر رویدادها دارد، می‌تواند آن را به عنوان روش پژوهش انتخاب نماید (همان). در مواقعی که موضوع تحقیق به خوبی شناخته شده است یا موضوع ارتباطی با زمینه زیست واقعی ندارد، بهتر است از روش مطالعه موردی استفاده نشود.

در روش مطالعه موردی به جای تعمیم به جمعیت‌ها با تعمیم نظری مواجهیم. تکرار یک نتیجه را می‌توانیم به عنوان نشانه اعتبار آن نتیجه بدانیم زمانی‌که نتیجه حاصل از دو یا چند مورد همان نظریه مدنظر ما را تأیید کند و با آن مطابقت داشته باشد. یین ارتباط مهمی میان نظریات موجود و بررسی پیشینه نظری و مراحل گوناگون یک مطالعه موردی از جمله طرح پرسش‌ها و تحلیل داده‌ها می‌بیند. از نظر او بررسی نظریات موجود و استفاده از آنها در بسیاری از تحقیقات مبتنی بر روش مطالعه موردی یک بخش اساسی از فرایند پژوهش است. به ویژه پیش از مشخص کردن پرسش‌ها بهتر است مطالعاتی نظری صورت گیرد تا ابعاد مختلف موضوع بیشتر برای پژوهشگر روشن شود.

۲ـ طراحی[۱]: در این مرحله واحد تحلیل شناسایی می‌شود، نظریات یا گزاره‌های فرضی مشخص می‌گردد، نوع مطالعه موردی مدنظر و مواردی که کیفیت کار را حفظ می‌کند، مشخص می‌گردد. منظور از واحد تحلیل در این روش همان موردی است که پژوهش می‌شود. مشخص نمودن واحد تحلیل یک مسأله مهم و تأثیرگذار در مطالعات موردی است و کاملا مبتنی است بر نوع رویکرد و نگاهی که محقق به موضوع دارد و آنچه از انجام پژوهش مدنظرش است.

یین ۵ بخش یک طرح پژوهشی را برای مطالعه موردی شامل موارد زیر می‌داند:

ـ پرسش‌های پژوهش

ـ گزاره‌های فرضی، البته اگر موجود باشد

[۱] designing

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ـ واحدهای تحلیل

ـ منطقی که داده‌ها را به گزاره‌های فرضی ربط می‌دهد

ـ شاخص‌هایی برای تفسیر داده‌ها

مطالعه موردی می‌تواند یک روش کمی باشد یا کیفی؛ همچنین می‌توان از آن هم در مطالعات استنتاجی و هم استقرایی سود برد زیرا در این روش هم می‌توان نظریه‌آزمایی انجام داد و هم اصلاح و تعدیل نظریات موجود. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد در هر سه شکل تحقیقات اکتشافی، توصیفی و تبیینی می‌توان این روش را مورد استفاده قرار داد.

دو نوع مطالعه موردی داریم: مطالعه تک موردی و چندگانه. مطالعه تک موردی معمولا در جاهایی که با موردی خاص و بحرانی مواجه هستیم به کار می‌رود. اما در مطالعه موردی چندگانه به جای یک مورد، چندین مورد مطالعه می‌شوند تا بتوان از مقایسه آنها گزاره‌های نظری پیشین را اصلاح نموده یا بسط داد. (یین، ۲۰۰۹)

۳ـ آماده‌سازی[۱]: این مرحله به کسب مهارت‌های لازم توسط محقق برای انجام مطالعه موردی، آشنایی با مورد یا موردها، آماده کردن تیم تحقیق و مسائلی از این قبیل می‌پردازد.

۴ـ گردآوری[۲]: جمع‌آوری داده‌ها از منابع گوناگون، کسب داده‌ها مرتبط با موردهای تحقیق و ایجاد زنجیره‌ای از شواهد در این مرحله صورت می‌گیرد. در مطالعه موردی می‌توان از شیوه‌های گوناگون گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده کرد؛ در این زمینه محدودیتی وجود ندارد و مبتنی بر نوع تحقیق و موضوع آن است. برای مثال می‌توان از مشاهده مستقیم یا مشاهده مشارکتی، مصاحبه عمیق، مصاحبه گروهی، مطالعه اسناد و مدارک و ... برای دست یافتن به اطلاعات لازم سود برد.

۵ـ تحلیل[۳]: تحلیل بر اساس گزاره‌های نظری و دیگر استراتژی‌ها صورت می‌گیرد و از تکنیک‌های مختلف تحلیلی استفاده می‌شود. در مطالعه موردی «تحلیل یافته‌ها شامل بررسی، طبقه‌بندی، جدول‌بندی، آزمون یا در هر صورت بازترکیب شواهد برای رسیدن به نتایج مبتنی بر داده‌های تجربی می‌شود.» (همان: ۱۲۶) و این فرایند باید توسط نظریاتی که موجود هستند، هدایت شود. او در ادامه می‌گوید در تحلیل یافته‌ها دنبال کردن گزاره‌ها یا

[۱] preparation
[۲] collect
[۳] analysis

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فرضیات نظری که به این مطالعه موردی انجامیده‌اند، به ما کمک می‌کند. به بیان دیگر چنین گزاره‌هایی به ایجاد طرح تحلیلی کمک می‌کند و بر مرتبط‌ترین داده‌ها تمرکز می‌نماید، کل فرایند مطالعه موردی را سازمان می‌دهد و تبیین‌های جایگزین را معرفی می‌کند.» (باشکارادا، ۲۰۱۴: ۱۵)

یین پنج روش را برای تحلیل داده‌ها بیان کرده است که عبارتند از:

ـ انطباق الگو: الگوهای به دست آمده از مطالعات میدانی با الگوهای نظری موجود مقایسه می‌شود.

ـ ایجاد تبیین: در این شیوه نظریات یا گزاره‌هایی نظری در مقابله با داده‌های میدانی قرار گرفته و جرح و تعدیل می‌شوند.

ـ تحلیل سری‌های زمانی: در اینجا روند مشاهده شده در پژوهش با یک سری زمانی پیش بینی شده مقایسه می‌شود.

ـ مدل‌های منطقی: شامل زنجیره‌ای از رویدادهای مشاهده شده همراه با نتایج پیش‌بینی شده است.

ـ سنتز میان موردها: از مقایسه میان موردها و سنتز نتایج آنها با یکدیگر به دست می‌آید. (یین، ۲۰۰۹)

۶ـ به اشتراک گذاری[۱]: در این مرحله محقق از طریق ارائه شواهد نوشتاری، شنیداری یا دیداری‌اش و ارائه گزارش تحقیق مخاطب را در جریان مسأله تحقیق و نتایجش قرار می‌دهد.

دلایلی که در پژوهش پیش رو از مطالعه موردی استفاده شده است عبارتند از:

ـ از آن‌جایی که پژوهشی با رویکرد اجتماعی در خصوص تقویم‌ها در ایران سابقه چندانی ندارد، موضوع تقریبا ناشناخته است و به همین دلیل مطالعه موردی برای بررسی ابعاد مختلف موضوع و درک بهتر آن بر دیگر روش‌ها ترجیح دارد.

ـ این تحقیق خصلت اکتشافی و توصیفی برجسته‌ای دارد. پس از ارائه توصیف، بر اساس گزاره‌های نظری موجود به تبیین رابطه میان این تقویم‌ها، حافظه جمعی و هویت اعضای جامعه بپردازد. همان‌طور که در بالا ذکر شد، مطالعه موردی روشی است که از آن می‌توان در هر سه نوع پژوهش اکتشافی، توصیفی و تبیینی سود جست.

[۱] share

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ـ یین مطالعه موردی را روش مرجح می‌داند در مواردی که سوالات تحقیق از نوع پرسش‌های چگونگی یا چرایی است، پژوهشگر کنترل چندانی بر رویدادها ندارد و پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی نیست و بر زمان معاصر تکیه دارد؛ و از آن‌جایی که این تحقیق هر سه ویژگی ذکر شده را دارد، بهتر است این روش را انتخاب کند.

منظور از «مورد» در این پژوهش تقویم است. تقویم با مناسبت‌ها، تصاویر، مطالبی که در آن آمده به عنوان مورد برای بررسی در نظر گرفته شده است. با توجه به مفاهیم نظری مدنظر این کار از جمله ارتباط حافظه جمعی با هویت گروه‌های مختلف اجتماعی و چگونگی برساخت هویت آنها از خلال استفاده از حافظه و ارتباط میان این گروه‌ها با هویت مسلط از خلال برساخت حافظه‌های‌شان، تقویم‌ها انتخاب و تلاش شده است در این جستجو هم انواع موضوعات و هم گستره زمانی مورد توجه قرار گیرد.

این پژوهش قصد آزمون فرضیات از پیش مشخص را ندارد در نتیجه رابطه میان مفاهیم نظری و داده‌ها ارتباطی رفت و برگشتی بوده است.

۳ـ۳ـ شیوه گردآوری داده‌ها: فرایند دست یافتن به تقویم‌ها و اسناد رسمی و مشکلات آن

شیوه گردآوری داده‌ها در این پژوهش استفاده از اسناد و مدارک است. تقویم را می‌توان از جمله شواهد آثار مادی به شمار آورد زیرا در قالب سند و جهت نگهداری و آرشیو تولید نمی‌شود بلکه یکی از آثار مادی است که جهت استفاده در زندگی روزمره جامعه تولید شده و به کار گرفته می‌شود. همچنین علاوه بر تقویم‌ها، در تحقیق پیش رو از اسناد ثبت شده در شورای فرهنگ عمومی و نیز مدارک موجود در سایت این نهاد نیز استفاده شده است. منظور از اسناد موجود در شورای فرهنگ عمومی، صورتجلسات مربوط به جلسات کمیسیون نام‌گذاری ایام خاص در مورد تصمیم‌گیری برای ثبت یا عدم ثبت مناسبت‌ها در تقویم است. همچنین در سایت شورا، آیین‌نامه‌های نام‌گذاری روزهای خاص و نیز مناسبت‌های حذف یا اضافه شده به تقویم هر سال آمده است که کمک شایان توجهی به درک بهتر موضوع مدنظر پژوهش خواهد کرد. چگونگی گردآوری داده‌ها در زیر به تفصیل شرح داده شده است.

دسترسی به تقویم های رسمی و غیر رسمی با دشواری هایی همراه بود. تقویم رسمی تقویمی است که دارای مجوز چاپ است و تعداد بسیاری ناشر هر سال آن را در اشکال مختلف منتشر می‌کنند اما از همین تقویم هم آرشیو کامل و در دسترسی وجود ندارد و هیچ یک از نهادهای مسوول تقویم (موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و شورای فرهنگ عمومی) چنین آرشیوی را ندارند[1]. بدین ترتیب قطعا یافتن تقویم‌های غیررسمی که بسیاری از آنها بدون مجوز و در تعداد محدود منتشر می‌شوند و صرفا در میان اعضای یک گروه خاص دست به دست می‌گردند، بسیار دشوارتر بود.

مراحل و مکان‌هایی که بررسی‌ها برای دسترسی به تقویم های غیر رسمی مبتنی بر آنها شکل گرفت به شرح زیر است:

۱ـ مراجعه به فروشندگان کتاب‌های دست دوم و دستفروش‌ها:

ـ در جستجوی تقویم‌های غیررسمی چندین بار به میدان بهارستان، خیابان انقلاب و خیابان کریم خان زند و فروشندگان تقویم‌ها و سررسیدنامه‌های و فروشندگان کتاب های دست دوم و دست فروش ها مراجعه شد . هیچ کدام شناختی نداشتند، تنها دو سه مورد تقویم از این طریق به دست آمد.

در خصوص وجود آرشیوی از تقویم‌های منتشر شده توسط انتشارات اقبال نیز از مطلعین سوال شد که گفتند چنین آرشیوی هست اما در یک انبار است و امکان دسترسی به آن نیست.

ـ در پایان سال ۹۶ و ابتدای سال ۹۷ (به مدت سه ماه) به تمامی کتاب‌فروشی‌های موجود در خیابان انقلاب و نیز خیابان کریم‌خان زند مراجعه کردم و تقویم‌هایی را که برای فروش آورده بودند بررسی کردم و همچنین از آنها در خصوص چگونگی امکان تهیه تقویم‌های غیررسمی پرسیدم. آنها به من برخی کتاب‌فروشی‌ها را معرفی کردند که متاسفانه از طریق آنها هم چندان به نتیجه دلخواه نرسیدم

۲ـ آرشیوهای موجود:

ـ موزه زمان، کتابخانه مجلس و کتابخانه ملی از مکان‌هایی بودند که امکان پیدا کردن برخی از تقویم‌های غیررسمی در آنها وجود داشت. اغلب تقویم‌های موجود در انبار، قدیمی و مربوط به دوران پیش از انقلاب بود و در میان آنها تعدادی هم تقویم غیررسمی وجود داشت. برای استفاده از تقویم‌ها توافق‌نامه‌ای با موزه امضا شد.

---

[1] برای آشنایی با دشواری های دسترسی به تقویم رسمی رجوع شود به:
سروش‌فر زهره، «بررسی سیاست تقویم‌نگاری جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی تقویم سال ۱۳۹۰)»، به راهنمایی سارا شریعتی، ۱۳۹۱

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تعداد مواردی که برای کار مناسب بودند چندان زیاد نبود، اما به هر حال مواردی را که تناسبی داشتند، مورد بررسی قرار گرفت.

ـ در کتابخانه مجلس تقویم‌های کاغذی‌در جای مشخصی آرشیو نشده بودند. تقویم‌هایی که در کتابخانه مجلس بودند، تقویم‌های بسیار قدیمی بودند و در میان‌شان تقویم غیررسمی‌ای وجود نداشت.

ـ در کتابخانه ملی از طریق جستجو با کلیدواژه «تقویم» ۱۳۵۰ عنوان به دست آمد که در حدود ۱۰۰ مورد از آنها تقویم‌های غیررسمی بودند. اما متأسفانه تعداد زیادی از این تقویم‌ها به دلایل گوناگون در دسترس نبودند، از جمله ممنوعیت دسترسی به آنها به دلیل آنکه متعلق به رژیم گذشته و یا به گروه‌هایی مانند مجاهدین خلق، فدائیان خلق، حزب توده و دیگر گروه‌های مخالف حکومت بودند و این موضوع خود شاهد خوبی برای تأیید موضوع پژوهش حاضر است. دولت ـ ملت‌ها نه تنها از تاریخ برای اهداف خودشان استفاده می کنند بلکه تاریخ-نگاری را هم در اشتغالی ملی گرایانه به کار می گیرند. ویلسون و همکارانش می‌نویسند که «حکومت‌های ملی تلاش می کنند که همان منابع تاریخ نگاری حرفه‌ای را از طریق محدود کردن دسترسی به آرشیوهای دولتی کنترل کنند.» (اولیک و رابینز، ۱۹۹۸: ۱۲۷) در نهایت با اخذ مجوز از اداره کل اطلاع‌رسانی کتابخانه ملی و حضور در مخزن امکان جشتجوی تقویم ها فراهم شد. فرایند حضور در مخزن (که با محدودیت‌های خاص زمانی همراه بود) و بررسی تقویم‌ها با توجه به مجموعه محدودیت‌ها در حدود چهار ماه به طول انجامید.

۳ـ فضای مجازی:

ـ ایمیل زدن به دوستان و آشنایان و درخواست همکاری در یافتن تقویم‌های غیررسمی موردنیاز پژوهش از آنها از جمله فعالیت‌های دیگری بود که انجام شد.

ـ مهم‌ترین و موثرترین شیوه گردآوری داده‌ها در این پژوهش، استفاده از فضای تلگرام بود. از طریق کانال های تلگرامی دسترسی به تعدادی از تقویم ها امکان پذیر شد. پس از طرح درخواست همکاری برای یافتن تقویم‌های غیررسمی در تلگرام، بسیاری از کسانی که این پیام‌ها را دیده بودند، آن را برای کسان دیگر فرستاده بودند.

از دوستانی که در سازمان‌های مردم نهاد فعال بودند خواستم من را به گروه‌های مربوط به فعالیت این سازمان‌ها معرفی نمایند تا بتوانم از آنها بپرسم که کدام سازمان‌های مردم نهاد تقویم منتشر می کنند. در خصوص تقویم معلمان، فردی را معرفی کردند که خود معلم و در فضای مجازی فعال بود. او آدرس صفحات تلگرامی معلمان

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در تمامی شهرها را برایم فرستاد که درخواست همکاری برای همه آنها ارسال شد. از این طریق با برخی افراد که روی فرهنگ و قومیتی خاص سال‌ها تحقیق می کردند، آشنا شدم که توانستند برای پیدا کردن تقویم همکاری کنند.

برخی از کانال‌ها هم در ارتباط با موضوعات‌شان در ابتدای سال جدید تقویمی را گذاشته بودند که در مطالعه مورد استفاده قرار گرفت..

ـ درخواست همکاری جهت دریافت تقویم، برای سایت‌هایی که متعلق به اهالی شهرها و قومیت‌های گوناگون ساکن تهران بودند، هسن نیز ارسال شد، ولی متأسفانه هیچ‌یک پاسخگو نبودند.

ـ مراجعه به کانال تلگرامی یکی از دستفروشان کتاب و چند کتاب‌فروشی که کتاب‌ها و آثار مربوط به قومیت‌های ترک و کرد را می‌فروختند و در تلگرام معرفی شده بودند، نیز نتیجه قابل توجهی در پی نداشت.

۴ـ سایر:

ـ علاوه بر موارد فوق به برخی افراد صاحبنظر، برخی مراکز دینی (گلیسای ارامنه در خیابان کریم خان زند) و کمیسیون نامگذاری ایام خاص در شورای فرهنگ عمومی نیز مراجعه شد

صورتجلسات کمیسیون نام‌گذاری روزهای خاص در شورای فرهنگ عمومی دریافت و مطالعه شد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

این فصل شامل دو بخش اصلی است که در بخش اول به توصیف تقویم‌های رسمی و غیررسمی و صورتجلسات شورای فرهنگ عمومی که به تصمیم‌گیری در خصوص تقویم اختصاص دارند، پرداخته شده است و بخش دوم تحلیل نتایج به دست آمده از بخش اول را مدنظر قرار می‌دهد.

۴-۱- مطالعه توصیفی تقویم‌ها

بررسی دقیق‌تر تقویم‌های رسمی و غیررسمی از جوانب مختلف اعم از کاربرد آنها، اشکال انتشارشان، مناسبت‌های ثبت شده و گروه‌هایی که چنین تقویم‌هایی را منتشر کرده و به کار می‌برند، در کنار مطالعه صورتجلسات کمیسیون نام‌گذاری روزهای خاص می‌تواند به درکی عمیق‌تر از موضوع مورد مطالعه بینجامد. در این بخش تلاش کردم توصیف کاملی از این موارد ارائه دهم.

۴-۱-۱ـ انواع تقویم‌ها

تقویم ایران در حال حاضر بر اساس مرجعی که آن را منتشر می‌کند و کسب یا عدم کسب مجوز انتشار به دو دسته کلی تقسیم‌شود که عبارتند از: تقویم رسمی و تقویم غیررسمی. همچنین تقویم غیررسمی خود دو شکل دارد: تقویم غیررسمی دارای مجوز انتشار و تقویم غیررسمی بدون مجوز انتشار.

۴-۱-۱-۱ تقویم رسمی:

تقویمی که هرساله توسط شورای فرهنگ عمومی منتشر می‌شود را می‌توان «تقویم رسمی» نامید. رسمی یا غیررسمی بودن تقویم از آن جایی اهمیت می‌یابد که بدانیم تقویم‌ها در ایران از سوی مراجع متعددی استخراج و منتشر می‌شده و می‌شوند. متمرکز شدن مراکز تصمیم‌گیری در مورد تقویم و استخراج آن در سال‌های پس از انقلاب رخ داد و در نتیجه تفکیک مشخص میان تقویم رسمی و غیررسمی در این دوران معنای دقیق‌تری یافت.

در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب، نهادهای رسمی مشخصی برای سیاست‌گذاری تقویم وجود نداشت اما دربار در هر زمان یک منجم را به عنوان منجم معتمد حکومت انتخاب می‌کرد و استخراج تقویم را به وی می‌سپرد؛ ولی همواره تعداد دیگری منجم نیز حضور داشتند که به استخراج تقویم می‌پرداختند. در نتیجه حکومت نظارت چندان زیادی بر این فرایند نداشت. پس از ورود صنعت چاپ به ایران و با شکل‌گیری چاپخانه‌های دولتی به ویژه در دوران حکومت پهلوی، انتشار تقویم به میزان گسترده‌تر توسط برخی از این چاپخانه‌ها (از جمله چاپخانه بانک ملی) صورت می‌گرفت. تقویم‌هایی را که در این دوره‌های زمانی توسط منجمان مدنظر

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

قدرت سیاسی و در چاپخانه‌های دولتی منتشر می‌شد را می‌توان به نوعی تقویم رسمی نامید هرچند که هنوز ساز و کارهای سیاست‌گذاری و نظارتی سال‌های پس از انقلاب بر آنها حاکم نشده بود.

در دوران پس از انقلاب مانند تمامی تحولات انقلابی دیگر در سراسر جهان، تقویم از جمله مواردی بود که دچار تغییرات عمیق شد و مدنظر حکومت انقلابی قرار گرفت. بدین ترتیب تک تک مناسبت‌هایی که در تقویم ثبت می‌شد، مورد توجه قدرت سیاسی بود و در موردش تصمیم گرفته می‌شد پس دیگر تعدد مراجع استخراج و انتشار تقویم امری قابل قبول نبود یا دست کم باید مورد نظارت نهادی حکومتی واقع می‌شد. نتیجه شکل‌گیری دو نهاد بود که رسما مسوول تقویم ایرانی شدند: «موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران» جهت استخراج نجومی آن و «کمیسیون نام‌گذاری روزهای خاص» در شورای فرهنگ عمومی جهت تصمیم‌گیری در خصوص مناسبت‌ها و نظارت بر آن.

برخلاف مناسبت‌ها که در تقویم رسمی کاملا یکسان هستند و باید بدون کم و کاست منتشر شوند، این تقویم‌ها از نظر فرم و قالب انتشارشان هیچ محدودیتی ندارند و در اشکال گوناگون جیبی، سررسیدنامه، دیواری، رومیزی، دفترچه‌ای و ... در بازار به فروش می‌رسد.

۲-۱-۱-۴ تقویم غیررسمی:

تقویم‌هایی که نام «غیررسمی» را یدک می‌کشند تقویم‌هایی هستند که توسط گروه‌های گوناگون جامعه منتشر می‌شوند و معمولا در آنها مناسبت‌هایی به جز مناسبت‌های رسمی نیز ثبت می‌شود. همچنین در این تقویم‌ها که معمولا «موضوع محور» هستند بیش از تقویم‌های رسمی، از تصاویر، گفته‌ها، اشعار، داستان‌ها، احادیث و ... استفاده می‌شود. البته باید این مسأله را مدنظر داشت که ممکن است در این تقویم‌ها جز مناسبت‌های رسمی هیچ مناسبت دیگری درج نشود و صرفا با استفاده از تصاویر و گفتار و اشعار و ... خود را متمایز سازند.

شکل سنتی استخراج تقویم مبتنی بر حضور منجمانی بود که بسیاری از آنها این کار را به عنوان فعالیت موروثی انجام می‌دادند. در واقع معمولا استخراج تقویم فعالیتی بود که از پدران به فرزندان به ارث می‌رسد[۱]. دانش نجوم

---

[۱] یکی از این افراد میرزا عبدالوهاب منجم باشی است که بخش زیادی از دانش خود را نزد پدر آموخت و سپس به مدرسه دارالفنون رفت. این فرد منجم مهد علیا، مادر ناصرالدین شاه قاجار بود. برادر وی میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله نام داشت که همانند وی مقدمات علم نجوم را نزد پدر آموخت. او پس از مرگ برادر مسوول استخراج و طبع تقویم شد و ناصرالدین شاه دستور داد جز وی هیچ کس این کار را انجام ندهد.
برای اطلاعات بیشتر در این خصوص رجوع کنید به بانک اطلاعات رجال به آدرس:
http://rijaldb.com/fa/۹۲۶۲/%D۹٪۸۵٪DB٪۸C%D۸٪B۱٪D۸٪B۲٪D۸٪A۷+%D۸٪B۹٪D۸٪A۸٪D۸٪AF%D۸٪A۷٪D۹٪۸۴٪D۹٪۸۸٪D۹٪۸۷٪D۸٪A۷٪D۸٪A۸+%D۹٪۸۵٪D۹٪۸۶٪D۸٪AC%D۹٪۸۵+%D۸٪A۸٪D۸٪A۷٪D۸٪B۴٪DB٪۸C

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

یکی از قدیمی‌ترین دانش‌های بشر است و در نتیجه منجمان هم از جمله اولین دانشمندان محسوب می‌شوند و فعالیت‌شان در زمینه مسائل نجومی از جمله استخراج تقویم تاریخی طولانی دارد. منجم فردی است که به تنهایی و بر اساس دانشی که کسب کرده است (معمولا پیش از شکل‌گیری نهادهای مدرنی مانند مدارس و دانشگاه‌ها این دانش مانند دیگر دانش‌ها در مکان‌هایی مانند مکتب‌خانه، نزد اساتید یا نزد پدر آموزش داده می‌شد)، به کار استخراج تقویم می‌پردازد. در ایران نیز فعالیت منجمان تاریخچه‌ای طولانی دارد. در کنار منجمانی که در دربار فعالیت داشتند، برخی منجمان هم خارج از دربار به کسب دانش و استفاده از آن در زمینه‌های گوناگون از جمله استخراج تقویم همت می‌گماشتند. فعالیت منجمان الزاما به دربار یا فعالیت‌های شخصی آنها محدود نمی‌شد بلکه در برخی نهادهای دیگر نیز از این افراد در امور مرتبط به رصد آسمان‌ها، استخراج تقویم و مشخص کردن زمان‌های مساعد برای انجام اعمال گوناگون مانند مسافرت، ازدواج، معاملات و ... استفاده می‌شد. برای مثال از دیرباز آستان قدس رضوی دارای منجمانی مخصوص به خود بوده است که وظیفه‌شان استخراج تقویم و مشخص نمودن سعد و نحس ایام برای انجام امور گوناگون توسط تولیت یا نایب‌التولیه‌ها بوده است. در دوران صفوی با توجه به تعدد منجمان در آستان قدس رضوی، منصب منجم‌باشی ایجاد شد که بقیه منجمان زیر نظر او کار می‌کردند. در مجموع منجمان از خاندان‌های ابنفوذ و دارای پایگاه بالای اجتماعی بودند به گونه‌ای مشاهده می‌شود نسل‌های متوالی در امور مربوط به کشورداری دارای مشاغل و جایگاه‌های بالایی بوده‌اند[1].

تعدد مراجع استخراج تقویم در دوران پیش از انقلاب از این مسأله ناشی می‌شد هرچند که در دوران پهلوی چاپخانه‌های دولتی این امکان را فراهم کردند که قدرت سیاسی تقویم منتشر و نسبت به گذشته در سطحی وسیع پخش کند اما هنوز تقویم برای قدرت سیاسی تبدیل به یک «مسأله» نشده بود و نیازی جهت نظارت دقیق و متمرکز بر آن احساس نمی‌کرد.

تعدد مراجع انتشار تقویم دلیل مهم دیگری نیز دارد و آن خواست گروه‌های مختلف در درون جامعه برای تداوم خویش و شنیده شدن صدای‌شان است. بدین ترتیب آنچه در اینجا مهم است نه مسائل نجومی بلکه مناسبت‌هایی است که در تقویم ثبت می‌شود و همچون حافظه گروه عمل می‌کند. دسترسی به امکانات چاپ برای مردم که به تدریج در دوران پهلوی شکل گرفت، یکی از عواملی بود که به انتشار این تقویم‌ها کمک کرد که البته

---

[1] این اطلاعات برگفته از سایت زیر است:
https://haramweekly.aqr.ir/portal/home/?news/۱۸۰۲۷۳/۱۹۸۸۲۶/۶۴۷۸۰۹/%D۹٪۸۵٪D۹٪۸۶٪D۸٪AC%D۹٪۸۵٪E۲٪۸۰٪۸C%D۸٪A۸٪D۸٪A۷٪D۸٪B۴٪DB٪۸C

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مهم‌ترین دلیل آن هم نبوده و نیست. آنچه به تدریج موجب شکل‌گیری تقویم‌های غیررسمی به عنوان حافظه‌های گروه‌های اجتماعی شد، تحولات مهمی بود که به دنبال مدرن شدن جامعه در ابعاد گوناگون رخ داد از جمله تکثر گروه‌های اجتماعی، ایجاد آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی، ورود مفاهیم مدرن سیاسی و اجتماعی و موارد بسیار دیگر. تقویم‌هایی از این دست که در دوران پهلوی منتشر می‌شدند بیشتر رویکرد تبلیغاتی، اطلاع‌رسانی یا همراهی با رویکرد حکومتی داشتند.در سال‌های پس از انقلاب بر تعداد و کارکرد تقویم‌های غیررسمی افزوده شد.

پسرش (نمونه‌ای که نشان می‌دهد توجه به نجوم (و به دنبال آن استخراج تقویم) از پدر به پسر منتقل

ی، غیرت بهم رسانی و الاّ این جانها که من از برای تو کندم، و زحمت بی نهایت کشیدم، همه لغو خواهد
ت تو، در تصحیح کتب نجومی و سعی در منجم شدن و طالب علم شدنِ غیر علم نجوم نیز، و جان و عمر
، اگرچه خسر الاخره شدم، و دین خود را به جهت دنیای تو فروختم، نهایت مطلب، [هدف] من که منجم
ده شدن تو بود تا حال تحریر که پنجم شهر صفر سنه خمس و ثمانین و الف ۱۰۸۵ است حاصل نشد، و
هایت رنجش از تو بهم رسانیدم، و بعد از موت من خواه فاضل و منجم و معقول و صاحب غیرت شده باشد
خر نافهمیده مرا چه حاصل .
و تعالی ـ مواخذه و عذاب به جهت فروختن دین خود به دنیای تو نکردی، و همین [یعنی تنها] تأسف من
ود بودی.این چند کلمه به جهت آن قلمی شد که اگر بعد از موت من تو را ندامت از رنجانیدن من حاصل
نسبت به تو کردم، هرگز از هیچ پدری نسبت به هیچ پسر خود مثل این به عمل نیامده، بخاطرت رسد، به
بخری در تمامی عمر من، و نعش مرا به عتبات عالیات بفرستی، و به جهت من ردّ مظالم بدهی، و اگر نه
لمرء من اخیه و امه وابیه و صاحبته و بینه» خصمی خواهم کرد بتو... [دو کلمه محو شده]
د یا بشوید یا این ورق را از این کتاب بیرون کند، عمداً و سهواً به لعنت خدا و نفرین سید الانبیاء و ائمه
ه مقربین و باقی انبیاء مرسلین صلوات الله علیهم اجمعین گرفتار شود. کتبه محمد صادق

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱ـ۲ـ۱-۱-۴ تقویم دارای مجوز:

تقویم‌های غیررسمی بر اساس کسب یا عدم کسب مجوز انتشار خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. ارائه مجوز برای انتشار تقویم قدمت چندانی ندارد و به تأسیس «کمیسیون ایام خاص» در شورای فرهنگ عمومی بازمی‌گردد. این کمیسیون از سال ۱۳۷۲ مسوول تصمیم‌گیری در خصوص مناسبت‌های تقویم و نظارت بر انتشار آن شد. بدین ترتیب هر تقویم غیررسمی‌ای برای آنکه مجوز انتشار داشته باشد باید به این کمیسیون مراجعه و با قبول شرط انتشار تمامی مناسبت‌های مصوب آن، مجوز را کسب می‌کرد[1]. پیش از آن اگر چه تقویم مدنظر جمهوری اسلامی بود اما بر آن نظارت رسمی نداشت در نتیجه مجوز رسمی‌ای هم وجود نداشت البته این بدان معنا نیست که انتشار هیچ تقویمی ممنوع نبود و مورد پیگرد قدرت سیاسی قرار نمی‌گرفت. همواره روزهایی هست که قدرت سیاسی می‌خواهد هر چه زودتر فراموش شود و دیگر به یاد آورده نشود. این روزها، از دید قدرت سیاسی، تاریخی ناخوشایند را روایت می‌کنند که حضور، هویت و تداوم آن را تهدید می‌کنند. در نتیجه قدرت‌های سیاسی‌ای که برای حضور هویت‌های خرد امکانی در نظر نگرفته‌اند، هر گروهی این روزها را در قالب مناسبت‌ها در تقویم خود ثبت کند در واقع موجودیت‌شان را تهدید می‌نماید. بدین ترتیب چنین قدرت سیاسی‌ای انتشار این تقویم‌ها را برنمی‌تابد و با آن برخورد خواهد کرد حتی با اینکه از پیش در موردش قانون یا ساز و کار نظارتی‌ای وضع نکرده است. البته باید این نکته را هم در نظر داشت که تمامی تقویم‌های غیررسمی در چنین مواجهه‌ای با قدرت سیاسی قرار نمی‌گیرند و مناسبت‌هایی که در برخی از آنها ثبت می‌شود، برای قدرت سیاسی اهمیت چندانی ندارد.

۲-۲-۱-۱-۴ تقویم‌های بدون مجوز:

تقویم‌های غیررسمی‌ای که برای انتشار از کمیسیون مجوز کسب نمی‌کنند امکان انتشار و توزیع عمومی را ندارند و در صورتی که این کار را انجام دهند با آنها برخورد می‌شود. عدم کسب مجوز دلایل متعددی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها غیرمجاز بودن خود گروه (برای مثال گروه‌های چپ) یا موضوعی که تقویم در مورد آن منتشر می‌شود (مانند رویدادهای جنبش سبز) است. این تقویم‌ها با تیراژی محدود به چاپ می‌رسند و کارکردی درون گروهی (هویت بخشی و انسجام بخشی) دارند.

---

[1] این موضوع در مصاحبه با کارشناسان کمیسیون نام‌گذاری روزهای خاص مطرح شد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲-۱-۴ سیاست‌گذاری تقویم:

احساس نیاز به نظارت بر تقویم و ثبت مناسبت‌ها در آن و استفاده از آن در جهت اهداف و سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی موجب گردید از سال ۱۳۷۲ کمیسیونی به نام «کمیسیون نام‌گذاری ایام خاص» در این شورا تشکیل شود و مسوولیت سیاست‌گذاری در خصوص ثبت مناسبت‌ها در تقویم و نیز نظارت بر آن را به عهده گیرد. تأکید بر اهمیت در نظر گرفتن هویت ملی و اسلامی از جمله مواردی است که در هر دو آیین‌نامه این کمیسیون در خصوص نام‌گذاری روزها آمده است. همچنین موضوع ایجاد وحدت و همبستگی میان اعضای جامعه از جمله دیگر اهداف ثبت مناسبت‌ها ذکر شده است[1]. در مباحثی که در زیر آمده است دقیق‌تر به مباحث

---

[1] آیین‌نامه سال ۱۳۷۲ نام‌گذاری روزهای خاص:

ماده۱: هدف از نامگذاری روزها و هفته‌های خاص، بزرگداشت ارزشها و شناسایی پیوندهای دینی، ملی، فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در جامعه است که منجر به نوعی همکاری عمومی شود.

ماده۲: پیشنهاد وزارتخانه‌ها و مؤسسات وابسته به آنها با امضای وزیر و پیشنهاد نهادهای انقلاب اسلامی مستقل و سایر دستگاهها از طریق بالاترین مقام به شورای فرهنگ عمومی ارائه می‌شود.

تبصره- دستگاه پیشنهاددهنده پرسشنامه را جعبه نام‌گذاری شورای فرهنگ عمومی را تکمیل می‌کند و برای بررسی ارائه می‌دهد.

ماده۳: پیشنهاد نام‌گذاری روزها یا هفته‌ها در جهت اهداف مندرج در ماده یک و دارای یک یا چند مورد از خصوصیات زیر می‌باشد:

الف) تناسب با وظایف اصلی دستگاه پیشنهاددهنده

ب) اشاعه دهنده مبانی فکری انقلاب اسلامی

ج) تبلیغ منطقی و محققانه از دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور

د) برخورداری از مفهومی روشن و گویا

ه) موجب گسترش مبانی نظری و ارزش‌های اجتماعی و انسانی و رشد و شکوفایی استعدادهای کشور

و) موجب تقویت غرور و حمیت ملی و روح وطن‌دوستی و عدم ایجاد روحیه خودباختگی در برابر فرهنگ و تمدن بیگانگان

ز) عدم تشتت در افکار عمومی و وحدت ملی

ح) رعایت همزمانی از لحاظ هدف و محتوی و عدم مغایرت با یکدیگر

ماده۴: نحوه انتخاب و نام‌گذاری روزها یا هفته‌ها، از حیث مدت، تکرار و رعایت اولویت‌ها متناسب با اهمیت موضوع است.

ماده۵: به منظور رعایت تفاهم بین‌المللی در نام‌گذاری روزها و هفته‌ها، به نام‌گذاریهای اسلامی، بین‌المللی و منطقه‌ای توجه شود.

ماده۶: دستگاه پیشنهاد دهنده و دستگاه‌های تبلیغی کشور زمینه‌های مناسب تبلیغی و طرح‌ها و برنامه‌های لازم را برای معرفی روزها یا هفته‌های نام‌گذاری شده فراهم می‌کنند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مطرح شده در شورای فرهنگ عمومی در مورد نام‌گذاری تقویم، اهداف آن، چالش‌ها و کارکردهایش می‌پردازیم.

۱-۲-۱-۴چرا نام‌گذاری تقویم انجام می‌شود؟

آیین‌نامه‌های شورای فرهنگ عمومی بر اهمیت هویت ملی و هویت اسلامی تأکید دارند و مناسبت‌هایی را حائز امکان ثبت در تقویم می‌دانند که بتوانند به تقویت هویت‌های مذکور در جامعه کمک کنند. البته این موضوع در آیین‌نامه مصوب سال ۷۲ وضوح کمتری دارد اما آیین‌نامه سال ۸۸ آن را به طور مشخص بیان کرده و مورد تأکید قرار داده است. با وجود تأکید بر هویت‌های ملی و اسلامی، هر دو آیین‌نامه به نوعی بر این موضوع تأکید دارند که باید مناسبت‌ها برای همگان مهم باشد؛ این خود نوعی تناقض را در پی دارد زیرا هویت ملی و هویت

ماده۷: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند در هر مورد که لازم بداند گزارش عملکرد و هزینه‌های انجام شده برای برگزاری روزها یا هفته‌ها را از دستگاه‌های اجرایی درخواست و رسیدگی کند و در صورتی که آن را متناسب با اهداف این آیین‌نامه نداند، موضوع را برای تجدیدنظر روز یا هفته نام‌گذاری شده به شورای فرهنگ عمومی گزارش دهد.

آیین نامه سال ۱۳۸۸:

ماده۱:هدف از نام‌گذاری روزها و مناسبت‌های خاص، تقویت مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان و بزرگداشت شخصیت‌ها، ارزش‌ها و تحکیم پیوندهای دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی در جامعه است.

ماده۲: روزها و مناسبت‌های خاص به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) مناسبت‌های مندرج در «متن تقویم»(مناسبتهای ملی–اسلامی)

ب) مناسبت‌های مندرج در «ضمیمه تقویم»(مناسبتهای صنفی–اسلامی)

ماده۳: روزها و مناسبت‌های مندرج در متن تقویم به مناسبت‌هایی اطلاق می‌شود که دارای حداقل یکی از ویژگی‌های زیر باشد:

الف) برای قشرهای مختلف ملت مهم و تأثیرگذار بوده و از دیدگاه همه ملت ارزشمند و معتبر باشد.

ب) همه مناطق کشور، آن مناسبت را مرتبط با خود بدانند و اهمیت آن منحصر به یک منطقه جغرافیایی خاص نباشد.

ج) تقویت کننده حداقل یکی از «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» باشد.

ماده۴: روزها و مناسبت‌هایی که دارای ویژگیهای فوق نباشند، در ضمیمه تقویم آورده می‌شود.

ماده۵: پیشنهاد نام‌گذاری، کاهش، افزایش و یا هرگونه تغییر و اصلاح روزها و مناسبت‌های خاص از سوی اشخاص مختلف (اعم از حقیقی و حقوقی) به شورای فرهنگ عمومی ارایه می‌شود و پس از بررسی و تصویب در آن شورا به تأیید شورای فرهنگ عالی انقلاب فرهنگی رسیده و به عنوان روز و مناسبت خاص، حسب مورد در متن یا ضمیمه تقویم درج می‌شود.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اسلامی دربرگیرنده تمامی هویت‌های موجود در جامعه ایران نیست و بسیاری از هویت‌ها را مستثنی می‌کند. هویت‌های قومی، مذهبی، سیاسی مخالف قدرت سیاسی و ... را نمی‌توان جزئی از هویت‌های مسلط ملی و اسلامی قرار داد. در آیین‌نامه مصوب سال ۸۸ آمده است: «برای قشرهای مختلف ملت مهم و تأثیرگذار بوده و از دیدگاه همه ملت ارزشمند و معتبر باشد.» بدین ترتیب به نظر می‌رسد باید مناسبت‌هایی انتخاب و ثبت شوند که دربرگیرنده همه اعضای ملت باشند اما از آن‌جایی‌که چنین هویت فراگیری وجود ندارد، راه دیگر آن است که به همه این گروه‌ها امکان ثبت مهم‌ترین مناسبت‌های‌شان را در تقویم رسمی بدهیم یا اگر چنین چیزی ممکن نیست دست کم از ثبت مناسبت‌هایی که ممکن است موجب توهین به آنها شود، خودداری نماییم. شرط حفظ یک مناسبت در تقویم، آن است که دستگاه پیشنهاد دهنده هر سال برنامه‌های مشخصی را برای برگزاری آن روز و تبلیغات مناسب در خصوص موضوع آن مناسبت داشته باشد و گزارش آن را به صورت سالیانه در اختیار کمیسیون نام‌گذاری روزهای خاص قرار دهد. در غیر این صورت مناسبت مذکور از تقویم حذف خواهد شد.

موضوع تبلیغات در جلسات متعدد مورد تأکید قرار گرفته است برای مثال در جلسه مورخ ۷۵/۲/۳۱ که اعضا به جمع‌بندی مباحث در خصوص کاهش و حذف برخی ایام مصوب پرداختند، آمده است: «در واقع نام‌گذاری ایام و هفته‌ها یک نوع تبلیغ بوده است» همچنین در جای دیگری در همین صورتجلسه آمده است: «وقتی برای مسأله خاصی نام‌گذاری می‌شود باید یک نوع سازندگی و تبلیغ در فکر و حتی تغییری در روش زندگی افراد به وجود بیاید.» در جلسه مورخ ۷۴/۱۱/۱۶ این بحث مطرح شده است که «صدا و سیما و رسانه‌ها باید با همکاری و هماهنگی شورای فرهنگ عمومی در جهت هر چه بهتر برگزار کردن ایام مصوب کوشش کندو از برگزاری ایام غیرمصوب جدا خودداری شود.»

در جلسات گوناگون بر اهمیت جلب توجه اعضای جامعه نسبت به مناسبت‌ها و تلاش در جهت تأثیرگذاری محتوای آنها بر زیست جامعه تأکید شده است در نتیجه باید نسبت به تبلیغ کردن‌شان توجه ویژه داشت و این مورد در بسیاری از جلسات مکررا مورد توجه قرار گرفته است.

در مباحث کمیسیون نام‌گذاری روزهای خاص نیاز به ایجاد یک تفکیک طرح شد. در جلسات مورخ ۸۱/۲/۱۸ و ۸۱/۳/۵ این موضوع مطرح شد. «بعضی از موارد تقویم جنبه نام‌گذاری دارد و برخی جنبه اطلاع‌رسانی. باید تمایزی ایجاد نماییم تا فرق بین نام‌گذاری و اطلاع‌رسانی در تقویم‌ها لحاظ شود.»

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲-۲-۱-۴ افزایش مناسبت‌ها: ارزش یا ضد ارزش

در سال‌های پس از انقلاب، تعداد مناسبت‌های ثبت شده در تقویم بسیار بیش از سال‌های قبل از آن شد به گونه‌ای که اغلب روزها نامی را بر خود حمل می‌کنند و در بسیاری موارد در یک روز بیش از یک مناسبت ثبت شده است. این موضوع تبعات مختلفی دارد مانند آشفتگی و وقفه در زیست عادی و روزمره جامعه یا بی‌تفاوت شدن مردم نسبت به مناسبت‌ها. این مسأله توجه شورای عالی انقلاب فرهنگی را هم به خود جلب نمود به گونه‌ای که در سال ۷۴ نسبت به این موضوع واکنش نشان دادند و گفتند: «هفته‌ها و ایام زیادی به همراه یکدیگر و از نظر زمانی توام وجود دارد که هم وقت زیادی را از مسوولین می‌گیرد و هم ضعیف برگزار می‌شود. صدا و سیما و سایر رسانه‌ها هم با کثرت مناسبت‌ها نمی‌توانند به خوبی از عهده تبلیغات برآیند. مضافا بر اینکه بر اساس روحیه مسامحه در برخورد با امور قانونی برخی از وزارتخانه‌ها پیشنهادهای غیرمصوب را که تعداد آنها حتی از ایام مصوب هم بیشتر می‌باشد، برگزار می‌نمایند و تنها کاری که از شورای فرهنگ عمومی در این مورد ساخته است تذکر به این سازمان‌ها می‌باشد ... بحث اصلی که مطابق آیین‌نامه پیش‌بینی شده است ارزیابی عملکرد نحوه برگزاری ایام مصوب می‌باشد. این‌طور به نظر می‌رسد که هدف از نام‌گذاری را که رسیدن به یک وفاق در همکاری عمومی است تأمین نمی‌کند و در راستای اعتلای فرهنگ عمومی نمی‌باشد و تنها عاملی جهت تبلیغ هر دستگاه می‌باشد و متأسفانه ادله بسیاری نیز برای اثبات این قضیه وجود دارد.»

مطرح شدن این بحث به تصمیماتی از سوی شورای فرهنگ عمومی در جهت کاهش کمیت و افزایش کیفیت مناسبت‌ها انجامید. از جمله اینکه تصمیم گرفتند هفته‌ها را تبدیل به روز کنند و دیگر مناسبت‌ها را در قالب هفته تصویب نکنند. موافقان کاهش میزان مناسبت‌ها بر چند نکته تأکید می‌کنند از جمله مخالفت مردم با افزایش نام‌گذاری‌ها، هدر رفتن هزینه و نیرو بر اثر افزایش نام‌ها، تبدیل شدن نام‌گذاری‌ها به نوعی «خود نشان دادن» به جای کمک به ایجاد موج فرهنگی و سازندگی[1].

---

[1] «ـ وقتی برای مسأله خاصی نام‌گذاری می‌شود باید یک نوع سازندگی و تبلیغ در فکر و حتی تغییری در روش زندگی افراد به وجود بیاید که بعضی اوقات به شرایط اجتماعی جامعه مربوط می‌شود. کارهایی که در هفته و ایام خاص انجام می‌شود نوعی «خود نشان دادن» است که هزینه‌های سنگین دربردارد و اثرگذاری کمتری دارد.

ـ اگر از افکار عمومی نسبت به برگزاری ایام و هفته‌های خاص نظرسنجی شود، مردم دید خوبی نسبت به این قضیه ندارند چون هم تعداد این ایام زیاد شده و در افکار عمومی عادی و تبدیل به ضد ارزش شده و هم هزینه‌های زیادی خرج می‌شود.

ـ ضرورت کاهش و حذف ایام کاملا روشن است و فقط باید نکته‌ای به عنوان موارد استثنایی در نظر داشته باشیم که بعضی هفته‌ها باید حتما هفته یا دهه بماند مثل هفته جنگ و دهه فجر و ...

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بر مبنای گفته‌های اعضای کمیسیون، آنچه از نام‌گذاری‌ها در تقویم مدنظر است نوعی تأثیرگذاری عمیق فرهنگی است که حتی بر سبک زندگی و تفکر اعضای جامعه تأثیر بگذارد اما افزایش مناسبت‌ها نه تنها کمکی به این امر نکرده است بلکه خود به مانعی بر سر راه آن تبدیل شده است. در مورد عدم کارآیی افزایش بیش از حد مناسبت‌ها و بی‌تفاوت شدن جامعه نسبت به آن می‌توان با آنها هم‌داستان شد اما این پرسش مهم هم قابل طرح است که آیا واقعا می‌توان از این شیوه نام‌گذاری انتظار چنین تأثیراتی داشت؟ و اگر پاسخ منفی است باید به سوی طرح این پرسش رفت که چه شیوه‌ای امکان دست‌یابی به اهداف مدنظر شورا را پیش می‌نهد؟ در مواجهه با آنچه ذکر شد، برخی از اعضای کمیسیون به مخالفت با کاهش تعداد مناسبت‌ها پرداخته‌اند. مهم‌ترین بحث‌های آنها در این زمینه عبارتند از: اهمیت نام‌گذاری برای ارتقای فرهنگی و فرهنگ‌سازی، اهمیت تکرار و عادت در جهت جا افتادن یک فرهنگ، اهمیت مناسبت‌ها در مطرح کردن فعالیت‌های حکومت و ایجاد تحرک در جامعه[1].

ـ فلسفه وجودی نام‌گذاری ایام خاص ایجاد موج فرهنگی است که به دلیل عدم موفقیت باید ایام خاص بازنگری بشوند.

... ـ ما در مورد نام‌گذاری‌های فرهنگی کمبود داریم.

ـ در جریان برگزاری ایام و هفته‌ها تبلیغات به تشریفات تبدیل شده است. همچنین نیروی مدیریت دولتی از بین می‌رود و مردم به این برنامه‌ها توجهی ندارند و زمینه‌ساز اسراف است.

ـ مشکلی که در حال حاضر در مورد نام‌گذاری وجود دارد هدر رفتن نیروها و لوث شدن موضوع است.»

[1] «ـ ایامی که توسط شورای فرهنگ عمومی تصویب شده یک چهارم پیشنهادات رسیده بوده است یعنی ۷۵٪ تقریبا رد شده یا مسکوت مانده است.

ـ این مناسبت‌ها یک عامل تحرک و جوشش برای ارائه فعالیت‌ها و جلب توجه دیگران به همکاری می‌باشد چون دولت به تنهایی از عهده این وظیفه برنمی‌آید با یاری و کمک مردم این کار را انجام می‌دهد.

ـ برای فرهنگ‌سازی غیر از ایام مصوب نام‌گذاری شده ما هیچ فرصتی برای تبلیغ نداریم. چون در این ایام رسانه‌های گروهی، مطبوعات و صدا و سیما فعالیت می‌کنند.

ـ در مورد مسأله نام‌گذاری ایجاد تغییرات فرهنگی مدنظر است. ولی به طور کلی در مورد نام‌گذاری مشکلات زیادی وجود دارد که ما نباید به جای اصلاح روش، صورت مسأله را پاک کنیم، چون نام‌گذاری زمینه‌ساز تغییرات فرهنگی اساسی است. اگر در روش اولیای الهی دقت کنیم نام‌گذاری‌های مکرر درباره اعیاد، میلادها، شهادت‌ها و غیره برای پر کردن فضای فرهنگی با یاد اولیای الهی ولایت و برائت بوده است. می‌دانیم که در تغییر فرهنگ آموزش تنها کافی نیست بلکه تکرار و عادت تغییر فرهنگ را به وجود می‌آورد. بنابراین باید روش را اصلاح کنیم و خلأهای فرهنگی را که زمینه نفوذ تهاجم فرهنگی است پر کنیم.

ـ قانون اساسی در یکی از اصول خود تصریح دارد که کار و اشتغال نمی‌تواند جای ارتقای فرهنگی را بگیرد، کلیه سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌ها باید به نحوی باشد که فرصت کار فرهنگی و ارتقای کار فرهنگی را به مدیر بدهد. با توجه به اینکه نام‌گذاری‌ها فرصتی برای کار فرهنگی است باید به آن توجه خاص نمود.»

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آن‌گونه که از صحبت‌های مخالفان برمی‌آید، آنها مشکل را در تعداد مناسبت‌ها نمی‌دانند بلکه ناشی از ضعف در انجام کار فرهنگی در خصوص آنها و گذاشتن زمان بیشتر برای آنها می‌دانند به طوری‌که خواهان ایجاد زمان مشخصی برای انجام کارهای فرهنگی و تلاش در جهت جا انداختن این مفاهیم در جامعه هستند. در واقع نام-گذاری هر چه بیشتر روزها با مناسبت‌های مدنظر شورا و صرف هزینه‌های زمانی و مادی جهت برگزاری هر چه بهتر آنها به عنوان راه‌حل برای جلوگیری از بی‌توجهی مردم به مناسبت‌ها پیشنهاد شده است.

۴-۱-۲-۳ راه حل تورم مناسبت‌ها: تقویم‌های تخصصی

مسأله افزایش تعداد مناسبت‌ها که موجب تورم آنها در تقویم شده است، از سال‌های ابتدایی فعالیت کمیسیون این موضوع ذهن اعضا را به خود مشغول کرده بود در نتیجه راه‌حل‌های گوناگون در مقاطع مختلف مطرح شد؛ از جمله حذف تمامی هفته‌های نام‌گذاری شده به جز چند مورد خاص مانند هفته وحدت، هفته دولت و هفته دفاع مقدس. همچنین تصویب شد که دیگر هفته‌ای نام‌گذاری نشود. در جلسه شانزدهم مورخ ۱۳۷۵/۲/۲ این مسأله مطرح شد: «در مرحله اول بررسی مقرر شد کلیه هفته‌ها به ایام تبدیل گردد و نظر نهایی منوط به بررسی عملکرد دستگاه‌ها و در صورت لزوم حضور نماینده سازمان مربوط باشد.»

با وجود حذف نام‌گذاری هفته‌ها همچنان تقویم با تورم مناسبت‌ها مواجه بوده و هست. راه دیگری که در برخی جلسات مطرح شد و مورد بحث و بررسی قرار گرفت، تولید تقویم‌های موضوعی بود. در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۴ بحث در این خصوص میان مخالفان و موافقان به صورت زیر مطرح شد:

«آقای ... این‌گونه پیشنهاد داد: تقویم‌های موضوعی تدوین شود مانند تقویم مشاهیر، تقویم شعرا، تقویم پزشکی، تقویم ورزشی و ... . آقای ...: مخالفت با چاپ تقاویم تخصصی به دلیل تحت‌الشعاع قرار دادن تقویم رسمی کشور و عدم حذف مناسبت‌هایی که به نوعی یادآور روزهای انقلاب است و شخصیت‌هایی که در این رابطه مطرح هستند. ... می‌توان تقویم‌های مختلفی از جمله تقویم دانش‌آموزی، تقویم هنری و ... داشت ولی این کمیسیون با شورای فرهنگ عمومی بر چاپ آن نظارت داشته باشد.»

۴-۱-۲-۴ اختلاط تقویم میلادی و شمسی: مسأله ثبت روزهای جهانی

به دلیل آنکه هر چهار سال یک بار سال کبیسه است که یک روز به ایام سال اضافه می‌کند و سال‌های کبیسه شمسی و میلادی بر هم منطبق نیستند، روزهای جهانی ثبت شده در تقویم دچار جابه‌جایی‌های زمانی می‌شوند. این مسأله در کمیسیون نیز مطرح شد. «مهندس ...: باید تصمیمی دوگانه گرفت، به این ترتیب که روزهای جهانی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

که تایخ شمسی آنها دارای معروفیت است به صورت تاریخ شمسی در تقویم ذکر شود و روزهای جهانی که تاریخ میلادی آنها مشهور است به صورت تاریخ میلادی در تقویم قید شود. مثل «روز جهانی کار و کارگر» که کارگران روز ۱۱ اردیبهشت را به عنوان روز جهانی کار و کارگر می‌شناسند. حجت‌الاسلام ...: بهتر است برای ثبت روزهای جهانی از تاریخ هجری شمسی استفاده شود. آقای ...: بهتر است با توجه به اینکه هر چهار سال یک بار روزهای جهانی جابه‌جا می‌شوند در تقویم ایران هم تغییر یابند. حسن آن این است که در سطح جهان هماهنگ هستیم چون نیاز است که در سطح جهان هماهنگ باشیم. البته در این‌باره دریافت نظرات کارشناسی دستگاه‌های مربوط مفید می‌باشد. جناب دکتر ...: به منظور هماهنگی و اجرای برنامه‌های مربوط به روزهای جهانی بهتر است کلیه روزهای جهانی هر چهار سال یک بار با توجه به اینکه سال کبیسه می‌شود در تقویم ایران هم تغییر می‌نمایند و فقط «روز جهانی کار و کارگر» به صورت تاریخ هجری شمسی در تقویم ثبت شود. دکتر ...: تمام روزها و مناسبت‌های جهانی تغییر یابد و فقط ۱۱ اردیبهشت به عنوان «روز کار و کارگر» به صورت ثابت در نظر گرفته شود.»

۳-۱-۴ ویژگی تقویم‌های رسمی و غیررسمی:

تقویم رسمی و تقویم‌های غیررسمی در برخی ویژگی‌ها با یکدیگر اشتراک دارند و در برخی موارد دیگر متمایزند. در این بخش به این ویژگی‌ها پرداخته می‌شود تا درک بهتری از این دو نوع تقویم ایجاد شود.

۱-۳-۱-۴ ویژگی‌های تقویم رسمی:

بررسی و مقایسه تقویم رسمی در سال‌های قبل و پس از انقلاب، برای درک تحولاتی که در این دوران ایجاد شده و بر تقویم‌های غیررسمی نیز اثر گذاشته ضروری است. پیش از انقلاب تقویم از سوی یک نهاد مشخص منتشر نمی‌شد و چاپخانه‌های گوناگون و حتی افراد به صورت شخصی تقویم را منتشر می‌کردند؛ در حالی که از ابتدای دهه ۱۳۷۰ هر سال موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران تقویم رسمی را که استخراج نجومی این موسسه است و مناسبت‌هایش را شورای فرهنگ عمومی مشخص نموده است، منتشر می‌کند. برای مقایسه تقویم رسمی پیش و پس از انقلاب به مواردی چون میزان تعطیلاتو نوع روزهای تعطیل، تعداد مناسبت‌های مذهبی، مناسبت‌های اضافه شده طی یک دوره زمانی، مناسبت‌های حذف شده طی همان دوره زمانی و موارد مشترک می‌پردازیم.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۴-۱-۳-۱-۱ کاربردهای تقویم رسمی:

تقویم‌های رسمی دو کاربرد عمده دارند. از این تقویم‌ها برای برنامه‌ریزی استفاده می‌شود. حضور تقویم در زیست روزمره اعضای جامعه در کیف‌ها، بر روی میزها و بر دیوار اتاق‌ها ناشی از نیاز افراد برای استفاده از تقویم جهت برنامه‌ریزی است. حکومت‌ها از طریق ثبت روزهای تعطیل و مناسبت‌ها در تقویم میان اعضای جامعه و سازمان‌ها و نهادهای گوناگون هماهنگی و انسجام ایجاد می‌کنند و از ایجاد آشفتگی و سردرگمی در زیست روزمره جلوگیری می‌نمایند. در این تقویم مشخص می‌شود که روزهای کاری و تعطیل کدامند و در چه روزهایی مناسک و آیین‌های خاص جمعی برگزار می‌شود. چه روزهایی اعضای جامعه به جشن و شادی می‌پردازند و در چه روزهایی عزاداری برگزار می‌شود. بدین ترتیب اعضای جامعه زیست شخصی خود را با ضرباهنگ زندگی اجتماعی هماهنگ می‌نمایند.

سیاست‌گذاری زمان دومین کاربردی است که تقویم رسمی برای قدرت سیاسی دارد. ثبت مناسبت‌ها به قدرت سیاسی یاری می‌رساند که روایت خود را از گذشته ارائه دهد. روایت رسمی که «تاریخ» نامیده می‌شود، مشخص می‌کند که کدام بخش از گذشته باید به یاد آورده شود و کدام بخش‌ها باید به فراموشی سپرده شوند. همچنین تعیین می‌کند که برای کدام رویدادهای تاریخی باید آیین‌هایی جهت بزرگداشت و یادآوری برگزار شود.

۴-۱-۳-۱-۲ اشکال تقویم رسمی:

تقویم رسمی به اشکال گوناگونی اعم از جیبی، رومیزی، دیواری و سررسیدنامه منتشر می‌شود. نمی‌توان تفاوت بارزی میان این اشکال قائل شد و همه این اشکال تقریبا به یک میزان منتشر می‌شوند. تفاوت اصلی در اینجا بر اساس نهاد مسوول چاپ این تقویم‌هاست. برای مثال شرکت‌های تجاری، اداری، صنعتی و نهادها و سازمان‌های دولتی بیشتر اقدام به چاپ سررسیدنامه می‌کنند زیرا سررسیدنامه‌ها یک کاربرد تبلیغاتی دارند. همچنین کسانی که بخواهند در تقویم مطالب زیادی را منتشر کنند، نیز از شکل سررسیدنامه استفاده می‌کنند. البته باید این مسأله را هم در نظر داشت که چاپ سررسیدنامه‌ها هزینه بالاتری از دیگر اشکال دارد و به همین دلیل جایی که مسوول انتشار آن است باید توان مالی این کار را داشته باشد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۳-۱-۳-۱-۴ تعداد روزهای تعطیل:

دوره زمانی مدنظر این پژوهش را در چند مرحله مورد بررسی قرار می‌دهم تا تغییراتی که در دو دوره مدنظر صورت گرفته به وضوح درک شود. در اسفند سال ۱۳۴۶ تعطیلات رسمی کشور به صورت زیر در هیئت وزیران تصویب شد[1]:

عید نوروز (۱ و ۲ فروردین)، ۱۳ فروردین (سیزده به در)، عاشورا، درگذشت پیامبر و امام حسن مجتبی امام دوم شیعیان، جشن مشروطیت، زادروز محمدرضا پهلوی، مبعث پیامبر، زادروز حجت‌ابن الحسن امام دوازدهم شیعیان، درگذشت علی بن ابی‌طالب امام اول شیعیان، عید فطر، درگذشت جعفر بن محمد امام ششم شیعیان، زادروز علی بن موسی‌الرضا امام هشتم شیعیان، عید قربان، عید غدیر.طبق این مصوبه ۱۵ روز به عنوان تعطیلات رسمی مشخص شد که از این تعداد ده مورد مناسبت مذهبی، دو مورد سیاسی و سه مورد باستانی است.

در دوران پس از انقلاب اولین لایحه قانونی در مورد تعطیلات رسمی کشور مصوب ۱۳۵۹/۴/۸ است که تعطیلات را به این صورت مشخص نموده است:

۲۹ اسفند تا ۴ فروردین (۵ روز)، ۱۲ فروردین (روز جمهوری اسلامی)، ۱۳ فروردین، ۱۵ خرداد، ۲۲ بهمن (روز انقلاب)، عید مبعث، نیمه شعبان، ۲۱ رمضان (شهادت حضرت امیر)، عید فطر، تاسوعا، عاشورا، اربعین، ۲۸ صفر، میلاد حضرت رسول، عید قربان، عید غدیر، ولادت حضرت امیر (۱۳ رجب)، ولادت حضرت رضا (۱۱ ذیقعده)، وفات حضرت صادق (۲۵ شوال).در این مصوبه تعداد تعطیلات مجموعا به ۲۳ روز افزایش پیدا کرد[2]. از این تعداد ۱۴ مورد مناسبت مذهبی، ۴ مورد سیاسی و ۵ مورد باستانی است.

در تاریخ ۱۳۷۸/۵/۲۵ اصلاحیه‌ای بر مصوبه سال ۱۳۵۹ زده شد که در آن روز سوم جمادی‌الثانی که روز شهادت حضرت فاطمه است، به عنوان روز تعطیل اعلام شد[3]. به این تعطیلات از سال ۱۳۶۹ روز ۱۴ خرداد به عنوان روز وفات آیت‌الله خمینی افزوده شد. از سال ۱۳۹۰ بعد از چندین سال بحث و بررسی در زمینه افزایش تعطیلی روز

---

[1] برگرفته از سایت زیر:
https://fa.wikipedia.org/wiki/%D۸٪AA%D۸٪B۹٪D۸٪B۷٪DB٪۸C%D۹٪۸٤٪D۸٪A۷٪D۸٪AA_%D۸٪B۹٪D۹٪۸٥٪D۹٪۸۸٪D۹٪۸٥٪DB٪۸C_%D۸٪AF%D۸٪B۱_%D۸٪A۷٪DB٪۸C%D۸٪B۱٪D۸٪A۷٪D۹٪۸٦

[2] برگرفته از سایت زیر:
http://www.hvm.ir/LawDetailNews.aspx?id=۹۰۱۷&word=%D۸٪AA%D۸٪B۹٪DB٪۸C%DB٪۸C%D۹٪۸٦٪۲۰٪D۸٪AA%D۸٪B۹٪D۸٪B۷٪DB٪۸C%D۹٪۸٤٪D۸٪A۷٪D۸٪AA

[3] برگرفته از سایت زیر:
http://www.hvm.ir/LawDetailNews.aspx?id=۳۳٦۱&word=%D۸٪AA%D۸٪B۹٪DB٪۸C%DB٪۸C%D۹٪۸٦٪۲۰٪D۸٪AA%D۸٪B۹٪D۸٪B۷٪DB٪۸C%D۹٪۸٤٪D۸٪A۷٪D۸٪AA

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عید فطر برای هماهنگی با دیگر کشورهای مسلمان جهان، این تعطیلی به دو روز افزایش یافت. همچنین در سال ۱۳۹۵ تصویب شد که روز شهادت امام حسن عسگری و آغاز امامت حضرت ولی عصر تعطیل رسمی اعلام شد و از سال ۱۳۹۶ این مصوبه اعمال شد. بدین ترتیب در حال حاضر تقویم رسمی ۲۷ روز تعطیل دارد که از این تعداد ۱۷ مورد مناسبت مذهبی، ۵ مورد سیاسی و ۵ مورد باستانی است.

تعطیلی روز ولادت امام رضا از سال ۱۳۷۹ به روز شهادت ایشان منتقل شد. در آن زمان مجددا بحث ترجیح میان مناسبت‌های عزاداری یا شادی مطرح شد. در حال حاضر از ۲۷ تعطیلی تقویم ۱۷ مورد به مناسبت‌های شاد اختصاص یافته است و ۱۰ مورد مربوط به مناسبت‌های عزاداری است. البته در اینجا مناسبت‌های روز جمهوری اسلامی، پیروزی انقلاب و روز ملی شدن صنعت نفت هم جزو مناسبت‌های شاد قرار گرفته‌اند.

۴-۱-۳-۱-۱ عزاداری یا شادی؟

در سال‌های پس از انقلاب همواره موضوع ترجیح عزاداری بر شادی نزد حاکمان در جامعه مطرح بوده است و مهم‌ترین شاهد در خصوص این موضوع هم مناسبت‌هایی است که در تقویم به ثبت رسیده است. با احتساب تمامی مناسبت‌های سیاسی که دارای جشن هستند یا با عنوان شهادت نام‌گذاری شده‌اند، در تقویم سال ۱۳۹۷، ۴۸ مورد مناسبت عزاداری و ۳۰ مورد مناسبت شادی ثبت شده است. البته در اینجا یک مسأله دیگر هم وجود دارد و آن مناسبت‌هایی هستند که یک روزه نیستند و بزرگداشت آنها چندین روز به طول می‌انجامد. برای مثال برای شهادت حضرت فاطمه دو دهه عزاداری و برای شهادت امام حسین دو ماه عزاداری داریم؛ همچنین ایام شهادت حضرت علی که با شب‌های قدر مصادف شده است، یک هفته ادامه دارد. ایام عید نوروز و دهه فجر تنها مناسبت‌های شادی هستند که چندین روز طول می‌کشند. بدین ترتیب اعضای جامعه احساس می‌کنند که مناسبت‌های عزاداری بیش از شادی برای قدرت سیاسی اهمیت دارد.

۴-۱-۳-۱-۴ کدام مناسبت‌ها بیشترین تغییر را داشته‌اند:

در صورتی‌که مناسبت‌های تقویم را به صورت کلی به چهار دسته مذهبی، سیاسی ـ ملی، اجتماعی ـ فرهنگی و جهانی تقسیم کنیم، می‌توان گفت همه چهار نوع مناسبت تغییرات فاحشی را در دوران پس از انقلاب داشته‌اند. افزایش چندین برابری مناسبت‌ها در سال‌های پس از انقلاب نشانی از این تحولات بی‌شمار است. بررسی جزئی‌تر مشخص می‌نماید که شباهت اندک تقویم پیش و پس از انقلاب ناشی از تعدادی از مناسبت‌های مذهبی است که در هر دو هستند البته همان مناسبت‌ها هم دچار تحولاتی شده‌اند برای مثال برخی مناسبت‌ها که پیش از انقلاب

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیداوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

چند روایتی بوده‌اند پس از انقلاب تک روایتی شده‌اند و برخی پیش از انقلاب تحت عنوان «وفات» و پس از آن «شهادت» ثبت شده‌اند.

پس از انقلاب تقویم نه تنها نسبت به دوران پیش از آن دچار تحولات بسیار شد بلکه در مجموع هر سال نیز نسبت به سال گذشته تغییرات زیادی در آن ایجاد می‌شود. مقایسه تقویم سال‌های گوناگون در این دوران ۴۰ ساله مشخص می‌کند که همه انواع مناسبت‌ها در این سال‌ها در معرض تغییر بوده و مناسبتی نبوده است که در ۴۰ سال گذشته ثابت مانده باشد.

مناسبت‌های مذهبی دارای بیشترین قدمت در میان مناسبت‌های ثبت شده هستند و به همین علت انتظار می‌رود تغییری در آنها ایجاد نشود اما همان‌طور که پیش‌تر هم گفته شد این مناسبت‌ها هم در دوران پس از انقلاب دستخوش تغییرات گوناگون شده‌اند که شامل افزایش تعداد آنها، تغییر عنوان مناسبت‌ها از وفات به شهادت، تبدیل مناسبت‌های چندروایتی به تک روایتی و بالعکس و نیز تبدیل شدن مناسبت‌های یک روزه به چند روزه.

تقریبا همه مناسبت‌های سیاسی ـ ملی ثبت شده در تقویم متعلق به دوران پس از پیروزی انقلاب هستند در نتیجه تحولات اساسی در این مناسبت‌ها مسأله‌ای قابل پیش‌بینی است. انقلاب و جنگ موجب شد که دهه پس از اتقلاب دهه سیاست باشد و عرصه‌های دیگر در سایه قرار گیرند. دین نیز به دلیل پیوند ناگسستنی‌اش با سیاست در انقلاب ایران پابه پای عرصه سیاسی در جلوی صحنه حضور پررنگی داشت. پایان جنگ به تدریج عرصه- اجتماع و فرهنگ را هم به روی صحنه آورد. بدین ترتیب مشاهده می‌شود از اوایل دهه ۷۰ به تدریج مناسبت‌هایی مانند بزرگداشت مشاغل گوناگون (به جز مشاغل نظامی و سیاسی مرتبط با قدرت سیاسی که پیش‌تر هم در تقویم مورد توجه قرار گرفته بود)، بزرگداشت دانشمندان و شعرای ایرانی، مسائل اجتماعی و فرهنگی مانند بهداشت و سلامت، هنر، خانواده، اقشار گوناگون جامعه از جمله سالمندان و ... به تقویم راه یافتند. همچنین مناسبت‌های جهانی در سال‌های پس از انقلاب دچار نوسانات زیادی شده‌اند.

جداول زیر روند تحولات ذکر شده در ۵ دهه مدنظر این پژوهش را دقیق‌تر نشان می‌دهند. همان‌طور که مشاهده می‌شود این روند تقریبا در مورد همه مناسبت‌ها در سال‌های پس از انقلاب نسبت به دوران قبل از آن سیری صعودی داشته است. همچنین در سال‌های پس از پیروزی انقلاب تعداد اندک مناسبت‌های تقویم به یکباره دچار تحول می‌شود به گونه‌ای که هم اکنون این مناسبت‌ها بیش از نیمی از روزهای سال را دربرگرفته است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بر طبق جدول بیشترین میزان تحولات در دوران پس از انقلاب به مناسبت‌های سیاسی ـ ملی اختصاص دارد و پس از آن مناسبت‌های اجتماعی ـ فرهنگی قرار دارند. مناسبت‌های مذهبی هم در این سال‌ها تغییرات قابل توجهی داشته‌اند . در نهایت مناسبت‌های جهانی هستند که البته در دوران پس از انقلاب روند تحول یکسانی را سپری نکرده‌اند و در هر دوران بر اساس سیاست‌های دولت وقت مسیری متفاوت پیموده‌اند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

میزان تغییرات مناسبت‌های مذهبی در طول ۵ دهه (۱۳۴۷-۱۳۹۷)

جدول ۱ـ ۴نسبت تغییرات مناسبت‌های مذهبی طی ۵ دهه (۱۳۴۷-۱۳۹۷)

سال	حذف شده‌ها(نسبت به دهه قبل)	اضافه شده‌ها(نسبت به دهه قبل)	تعداد تغییرات	درصد تغییرات
۱۳۴۷	مولود امام حسین؛ ضربت خوردن حضرت امیر؛ تاسوعا؛ اربعین؛ میلاد حضرت امیر؛ میلاد پیامبر	رحلت امام جعفر صادق؛ میلاد امام رضا	۸ مورد در کل ۱۹ مناسبت ثبت شده در تقویم	۴۲ %
۱۳۵۷	مبعث پیامبر؛ میلاد حضرت قائم؛ شهادت حضرت امیرالمومنین؛ رحلت امام جعفر صادق؛ میلاد امام رضا؛ عید قربان؛ عید غدیر خم؛ عاشورا؛ رحلت حضرت رسول و شهادت امام حسن مجتبی	میلاد امام حسن عسگری؛ رحلت حضرت فاطمه ؛ ولادت حضرت فاطمه؛ رحلت حضرت امام علی‌النقی؛ میلاد حضرت امام محمدتقی؛ میلاد حضرت امیرالمومنین؛ رحلت امام موسی کاظم؛ میلاد حضرت امام حسین؛ میلاد حضرت امام زین‌العابدین؛ میلاد حضرت امام حسن مجتبی؛ ضربت خوردن حضرت امیرالمومنین؛ رحلت امام محمد تقی؛ روز عرفه؛ میلاد امام علی‌النقی؛ تاسوعا؛ رحلت امام زین‌العابدین؛ میلاد امام محمد باقر؛ میلاد امام موسی کاظم؛ اربعین؛ شهادت امام رضا؛ رحلت امام حسن عسگری؛ میلاد حضرت رسول و ولادت امام جعفر صادق	۳۳ مورد در کل ۱۱۸ مناسبت ثبت شده در تقویم	۲۷ %
۱۳۶۷ (نسبت به سال ۱۳۵۷)	ــــــــــ	ولادت حضرت ابوالفضل؛ وفات حضرت خدیجه؛ هجرت پیامبر از مکه به مدینه؛ ولادت حضرت زینب؛ ولادت حضرت علی؛ وفات حضرت زینب	۶ مورد در کل ۸۰ مناسبت ثبت شده	۷ %
۱۳۷۷	ــــــــــ	روز عرفه؛ میلاد پیامبر به روایت اهل سنت؛ شهادت حضرت فاطمه به قولی؛ شب قدر؛ ولادت حضرت معصومه	۵ مناسبت در کل ۱۶۰ مناسبت ثبت شده	۳ %
۱۳۸۷	ــــــــــ	وفات حضرت معصومه؛ سالروز ازدواج حضرت علی و حضرت فاطمه	۱۲ مورد در کل ۲۴۵ مناسبت ثبت شده	۴ %
۱۳۹۷	ــــــــــ	آغاز ایام‌البیض (اعتکاف)؛ تغییر قبله مسلمین از بیت‌المقدس به مکه؛ ولادت حضرت علی اکبر؛ روز بزرگداشت حضرت شاهچراغ؛ روز تجلیل از امامزادگان و بقاع متبرکه؛ روز جهانی مسجد؛ روز مباهله پیامبر؛ روز بزرگداشت سلمان فارسی؛ آغاز امامت امام زمان؛ سالروز وفات حضرت ام‌البنین	۱۰ مورد در کل ۲۴۵ مناسبت ثبت شده	۴ %

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

میزان تغییرات مناسبت‌های سیاسی و ملی در طول ۵ دهه (۱۳۴۷-۱۳۹۷)

جدول ۲ـ۴ نسبت تغییرات مناسبت‌های سیاسی و ملی طی ۵ دهه (۱۳۴۷-۱۳۹۷)

سال	حذف شده‌ها(نسبت به دهه قبل)	اضافه شده‌ها(نسبت به دهه قبل)	تعداد تغییرات	درصد تغییرات
۱۳۴۷	ــــــــــــــــ	روز خانه انصاف؛ میلاد علیا حضرت فرح پهلوی	۲ در ۱۹	٪۱۰
۱۳۵۷		روز کارگر؛ تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت	۳ در ۱۱۸	٪۲
۱۳۶۷ (نسبت به سال ۱۳۵۷)	زادرروز شاهدخت لیلا پهلوی؛ روز تجلیل از شجاعان شهید؛ آغاز هفته ارزشیابی پیشاهنگی؛ سالروز تاجگذاری اعلیحضرت رضا شاه کبیر؛ زادروز علیا حضرت ملکه پهلوی؛ زادروز والا حضرت شاپور علیرضا پهلوی؛ آغاز هفته ایران باستان؛ روز دوستی جوانان شیر و خورشید سرخ ایران؛ زادروز والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی؛ روز لژیون خدمتگزاران بشر؛ سالروز درگذشت اعلیحضرت رضاشاه کبیر؛ روز نفت (۹ مرداد)؛ آغاز یازدهمین جشن هنر؛ سالروز رستاخیز ملی؛ پایان یازدهمین جشن هنر؛ سالروز صدور فرمان انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستایی؛ آغاز سی و هفتمین سال سلطنت شاهنشاه آریامهر؛ زادروز والاحضرت شاهپور احمدرضا پهلوی؛ روز سروش آریامهر؛ زادروز والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی؛ سالروز جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران؛ روز خانه انصاف؛ زادروز علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران؛ آغاز جشن فرهنگ و هنر؛ زادروز والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی؛ سالروز تاجگذاری شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانوی ایران؛ زادروز والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی؛ زادروز والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی؛ زادروز والا حضرت شاهدخت فاطمه پهلوی؛ سالروز تولد والاحضرت همایون ولیعهد؛ سالروز تأسیس نیروی دریایی ایران (۱۴ آبان)؛ روز ارتش (۲۶ ابان)؛ آغاز هفته کار نیک پیش آهنگی؛ روز حقوق بشر (۱۹ آذر)؛ روز نجات آذربایجان؛ روز بهداشت جوانان شیر و خورشید سرخ ایران؛ سالروز ازدواج فرخنده شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران؛ سالروز اعطای حقوق اجتماعی به زنان ایران؛ سالروز تصویب قانون اصلاحات ارضی؛ سالروز تصویب قانون سپاه ترویج و آبادانی؛ سالروز انقلاب شاه و ملت؛ سالروز استقلال دانشگاه تهران و روز شکرگذاری؛ روز خدمت جوانان شیر و خورشید سرخ ایران؛ روز دفاع غیرنظامی؛ آغاز هفته کار پیش آهنگی (روز ژاندارمری)؛ روز رضاشاه کبیر (کودتای سوم اسفند ۲۴۷۹)؛ اعطای حقوق سیاسی به زنان ایران؛ زادروز والاحضرت شاهدخت فرحناز پهلوی؛ زادروز اعلیحضرت رضاشاه کبیر ـ روز پدر	روز جمهوری اسلامی ؛ روز پاسدار؛ روز مستضعفین؛ روز پلیس قضائی؛ شهادت استاد مطهری؛ آغاز هفته کمک به محرومان و مستضعفان؛ روز جهانی قدس؛ قیام خونین ۱۵ خرداد، قیام امت؛ شهادت دکتر چمران؛ شهادت دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یاران ایشان؛ شهادت رجائی و باهنر؛ روز شهدا ؛ آغاز تجاوز رژیم بعثی صهیونیستی به میهن اسلامی؛ تأسیس ستاد پشتیبانی و امداد امام؛ روز دانش‌آموز ـ تسخیر لانه جاسوسی؛ آغاز هفته وحدت؛ روز دانشجو؛ روز وحدت روحانی و دانشجو؛ تحصن روحانیان مبارز جهت بازگشت امام به ایران در دانشگاه تهران؛ ورورد امام به ایران و آغاز دهه فجر؛ پیروزی انقلاب اسلامی؛ تأسیس کمیته امداد امام خمینی؛ تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی	۵۹ در ۸۰	۷۳ %
۱۳۷۷	تحصن روحانیون مبارز جهت بازگشت امام به ایران در دانشگاه تهران؛ تأسیس کمیته امداد امام خمینی؛ روز پلیس قضائی؛ هفته کمک به محروملن و مستضعفان؛ روز شهدا؛ تأسیس ستاد پشتیبانی و امداد امام؛ روز ملل متحد؛ تحصن روحانیان مبارز جهت بازگشت امام به ایران در دانشگاه تهران؛ تأسیس کمیته امداد امام خمینی	آغاز عملیات فتح‌المبین؛ شهادت آیت‌الله سید محمدباقر صدر و خواهرش بنت‌الهدی توسط رژیم بعث عراق؛ تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ سالروز اعلام انقلاب فرهنگی؛ شکست حمله نظامی آمریکا به ایران در طبس؛ آغاز عملیات بیت‌المقدس؛ انفجار حرم امام رضا توسط ایادی آمریکا؛ لغو امتیاز تنباکو به فتوای آیت‌الله میرزای شیرازی؛ فتح خرمشهر در عملیات بیت‌المقدس؛ رحلت امام خمینی بنیانگذار انقلاب و انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری؛ شهادت آیت‌الله سعیدی توسط رژیم ستم شاهی پهلوی؛ شهادت سربازان دلیر اسلام بخارائی، امانی، صفار هرندی و نیک‌نژاد؛ تشکیل جهاد سازندگی به فرمان امام خمینی؛ درگذشت دکتر علی شریعتی؛ شهادت آیت‌الله صدوقی چهارمین شهید محراب توسط منافقین؛ سقوط هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران توسط ناوگان آمریکای جنایتکار؛ هفته وحدت؛ گشایش مجلس خبرگان رهبری؛ پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی ایران؛ عملیات مرصاد؛ شهادت شیخ فضل الله نوری؛ سالگرد نهضت مشروطیت؛		

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

		ورود اولین آزادگان به میهن اسلامی؛ کودتای آمریکا برای بازگرداندن شاه؛ حمله به مسجد گوهرشاد و کشتار مردم توسط رضاخان؛ هفته دولت؛ شهادت آیت‌الله قدوسی و سرتیپ وحید دستگردی؛ قیام ۱۷ شهریور و کشتار جمعی مردم توسط رژیم ستم شاهی؛ شهادت دومین شهید محراب آیت الله مدنی توسط منافقین؛ هفته دفاع مقدس؛ شکست حصر آبادان در عملیات ثامن الائمه علیهم السلام؛ شهادت سرداران اسلام: فلاحی، فکوری، نامجو، کلاهدوز و جهان آراء؛ هجرت حضرت امام خمینی (ره) از عراق به پاریس تولد؛ حضرت امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی؛ شهادت پنجمین شهید محراب آیت ا... اشرفی اصفهانی توسط منافقین؛ شهادت آیت ا... حاج سید مصطفی خمینی؛ اعتراض و افشاگری حضرت امام خمینی (ره) علیه پذیرش کاپیتولاسیون؛ شهادت محمد حسین فهمیده (بسیجی ۱۳ ساله)؛ شهادت آیت ا... قاضی طباطبائی، اولین شهید محراب توسط منافقین؛ تبعید حضرت امام خمینی (ره) از ایران به ترکیه (۱۳۴۳ هـ‌ش)؛ روزمبارزه با استکبار جهانی؛ روز جانباز؛ روز بسیج مستضعفین (تشکیل بسیج مستضعفین بهفرمان امام خمینی) (ره)؛ شهادت آیت ا... سید حسن مدرس (۱۳۱۶ هـ‌ش)؛ روز مجلس؛ روز جهانیمستضعفان؛ معرفی عراق به عنوان مسئول و آغازگر جنگ از سوی سازمان ملل؛ تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ شهادت آیت ا... دستغیب سومین شهید محراب توسطمنافقین؛ شهادت آیت ا... حسین غفاری توسط رژیمستم شاهی پهلوی؛ ابلاغ پیام تاریخی حضرت امام خمینی (ره) به گورباچفرهبر شوری سابق (۱۳۶۷ هـ‌ش)؛ اجرای طرح استعماری حذف حجابتوسط رضا خان (۳۱۴ هـ‌ش)؛ قیام خونین مردم قم (۱۳۵۶ هـ ش)؛ شهادت سید علی اندرزگو توسط رژیم ستم شاهی پهلوی؛ تشکیل شورای انقلاب به فرمان حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۵۷ ه.ش.)؛ فرار شاه معدوم (۱۳۵۷ هـ‌ش)؛ شهادت نواب صفوی ـ طهماسبی ـ برادران واحدی ـذوالقدر از فدائیان اسلام(۱۳۳۴ هـ ش)؛ شکسته شدن حکومت نظامی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۵۷هـ ش)؛ بمباران شیمیایی حلبچه توسط رژیم بعث عراق (۱۳۶۶ هـ‌ق)	۶۸ در ۱۶۰	٪۴۲
۱۳۸۷	گشایش مجلس خبرگان رهبری؛ شهادت شیخ فضل الله نوری؛ حمله به مسجد گوهرشاد و کشتار مردم توسط رضاخان؛ شهادت آیت ا... حاج سید مصطفی خمینی؛ شهادت آیت ا... حسین غفاری توسط رژیم شاهی پهلوی؛ ابلاغ پیام تاریخی حضرت امام خمینی (ره) به گورباچفرهبر شوری سابق (۱۳۶۷ هـ‌ش)؛ اجرای طرح استعماری حذف حجابتوسط رضاخان (۱۳۱۴ هـ‌ش)؛ شکسته شدن حکومت نظامی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۵۷هـ ش)	روز ملی فناوری هسته‌ای؛ روز شوراها؛ روز ملی خلیج فارس روز تبلیغ و اطلاع‌رسانی دینی (سالروز صدور فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی ـ ۱۳۶۰ ه.ش.)؛ روز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی؛ وفات آیت‌الله سید محمود طالقانی اولین امام جمعه تهران (۱۳۵۸ ه.ش.)؛ روز گفت‌وگوی تمدن‌ها؛ روز بزرگداشت آیت‌الله علامه سید محمدحسین طباطبایی (۱۳۶۰ ه.ش.)؛ تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸ ه.ش.)؛ شهادت مظلومانه زائران خانه خدا به دستور آمریکا به دست مأموران آل سعود (۱۳۶۶ ه.ش. برابر با ۶ ذی‌الحجه ۱۴۰۷ ه.ق.)؛ سالروز تشکیل نهضت سوادآموزی به فرمان امام خمینی (۱۳۵۸)؛ شهادت آیت‌الله حسین غفاری به دست مأموران ستم شاهی (۱۳۵۳ ه.ش.)؛ شهادت میرزا تقی خان امیرکبیر (۱۲۳۰ ه.ش.)؛ قیام مردم تبریز به مناسبت چهلمین روز شهادت شهدای قم (۱۳۵۶ ه.ش.)	۲۲ در ۲۴۵	۸ %
۱۳۹۷	شهادت آیت‌الله سید محمدباقر صدر و خواهرش بنت‌الهدی توسط رژیم بعث عراق (۱۳۵۱ ه.ش.)؛ آغاز عملیات بیت-المقدس (۱۳۶۱ ه.ش.)؛ شهادت آیت‌الله سعیدی توسط رژیم ستم شاهی پهلوی (۱۳۴۲ ه.ش.)؛ انفجار حرم امام رضا توسط ایادی آمریکا (۱۳۷۳ ه.ش.)؛ اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی ایران (۱۳۶۷ ه.ش.)؛ روز مقاومت اسلامی (پیروزی مقاومت اسلامی مردم لبنان بر رژیم صهیونیستی) ؛ روز بانکداری اسلامی (سالروز تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (۱۳۶۲ ه.ش.))؛ روز گفت‌وگوی تمدن‌ها؛ معرفی عراق به عنوان مسئول و آغازگر جنگ از سوی سازمان ملل (۱۳۷۰ ه.ش.)؛ بمباران شیمیایی حلبچه توسط رژیم بعث عراق (۱۳۶۶ هـ‌ق)	روز هنر انقلاب اسلامی (سالروز شهادت سید مرتضی آوینی (۱۳۷۲ ه.ش.))؛ روز ملی خلیج فارس؛ روز افشای حقوق بشر آمریکایی؛ روز عفاف و حجاب؛ روز گفت‌وگو و تعامل سازنده با جهان؛ سالروز تأسیس نهاد شورای نگهبان؛ روز حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی؛ شهادت سید علی اندرزگو (۱۹ رمضان ـ ۱۳۵۷ ه.ش.)؛ روز بزرگداشت فرماندهان شهید دفاع مقدس؛ روز جهان عاری از خشونت و افراطی گری؛ روز بصیرت و میثاق امت با ولایت؛ روز غزه؛ سالروز حماسه مردم آمل؛ روز فناوری فضایی؛ روز اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی؛ روز بزرگداشت سیدجمال‌الدین اسدآبادی	۲۷ در ۲۴۵	٪۱۱

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

میزان تغییرات مناسبت‌های اجتماعی و فرهنگی در طول ۵ دهه (۱۳۴۷-۱۳۹۷)

جدول ۳ـ۴ نسبت تغییرات مناسبت‌های اجتماعی و فرهنگی طی ۵ دهه (۱۳۴۷-۱۳۹۷)

سال	حذف شده‌ها(نسبت به دهه قبل)	اضافه شده‌ها(نسبت به دهه قبل)	تعداد تغییرات	درصد تغییرات
۱۳۴۷	————	روز مادر	۱ در ۱۹	۵ %
۱۳۵۷	————	سالروز تأسیس رادیو ایران؛ روز تعاون ایران؛ آغاز هفته مبارزه با سرطان؛ آغاز جشن مهرگان؛ روز راه‌آهن؛ آغاز هفته کودک و فستیوال بین‌المللی فیلم‌های کودکان؛ آغاز هفته روشندلان؛ آغاز هفته بهداشت و تنظیم خانواده؛ روز دندان‌پزشکی؛ روز پرستار؛ روز درختکاری؛ روز ذوب آهن ایران؛ روز پدر	۱۳ در ۱۱۸	۱۱ %
۱۳۶۷ (نسبت به سال ۱۳۵۷)	سالروز تأسیس رادیو ایران؛ روز تعاون ایران؛ روز دهقان؛ آغاز هفته مبارزه با سرطان؛ روز پلیس؛ آغاز جشن مهرگان؛ روز راه‌آهن؛ آغاز هفته کودک و فستیوال بین‌المللی فیلم‌های کودکان؛ روز بیمه؛ آغاز هفته روشندلان؛ آغاز هفته بهداشت و تنظیم خانواده؛ روز ذوب آهن ایران	روز معلم؛ روز زن	۱۴ در ۸۰	۱۷ %
۱۳۷۷	————	روزخانواده؛ روز جوان؛ روزاسناد ملی؛ روز بهره‌برداری؛ روز قوه قضائیه؛ روز صنعت؛ روز بهزیستی و تأمین اجتماعی؛ روزنیروی‌انتظامی؛ روز اهدای خون؛ روز کارمند؛ روز پرستار و بهورز؛ روز ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی؛ روز پیوند اولیاء و مربیان؛ روز برنامه‌ریزی و آمار؛ روز نوجوان؛ روز کتاب و کتابخانی؛ روز جانباز؛ روز پژوهش؛ روز حمل و نقل؛ روز نیروی هوائی؛ روز امور تربیتی و تربیت اسلامی؛روز احسان نیکوکاری	۲۲ در ۱۶۰	۱۳ %
۱۳۸۷	روز خانواده؛ روز بهره‌برداری	روز اخلاق و مهرورزی؛ روز بزرگداشت عطار نیشابوری؛ روز سلامتی (روز جهانی بهداشت)؛ روز بزرگداشت سعدی؛ روز زمین پاک؛ روز بزرگداشت شیخ بهایی؛ روز ملی کارآفرینی؛ روز بزرگداشت شیخ صدوق؛ روز بزرگداشت شیخ کلینی؛ روز بزرگداشت فردوسی؛ روز ارتباطات و روابط عمومی؛ روز بزرگداشت حکیم عمر خیام؛ روز بهره‌وری و بهینه‌سازی مصرف؛ روز بزرگداشت ملاصدرا (صدرالمتألهین)؛ روز گل و گیاه؛ روز اصناف؛ روز قلم؛ روز مالیات؛ روز ترویج آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛ روز بزرگداشت شیخ شهاب‌الدین سهروردی (شیخ اشراق؛ روز خبرنگار؛ روز بزرگداشت علامه مجلسی؛ روز پزشک؛ روز بزرگداشت؛ ابوعلی سینا؛ روز داروسازی؛ روز بزرگداشت محمدبن زکریای رازی؛ روز صنعت چاپ؛ روز سینما؛ روز اکرام؛ روز شعر و ادب فارسی روز بزرگداشت استاد محمدحسین شهریار؛ روز گفت‌وگوی تمدن‌ها؛ روز آتش‌نشانی و ایمنی؛ روز بزرگداشت مولوی؛ روز دامپزشکی؛ روز بزرگداشت حافظ؛ روز اسکان معلولان و سالمندان؛ روز تربیت بدنی و ورزش؛ روز صادرات؛ روز دختران؛ روز فرهنگ عمومی؛ روز ملی کیفیت؛ روز بزرگداشت شیخ مفید؛ روز بیمه؛ روز خانواده و تکریم بازنشستگان؛ روز ملی ایمنی در برابر زلزله؛ روز؛ بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی؛ روز مهندسی؛ روز ملی حمایت از حقوق مصرف کنندگان؛ روز درختکاری؛ روز بزرگداشت پروین اعتصامی؛ روز بزرگداشت سید جمال‌الدین اسدآبادی؛ روز نیروی دریایی	۵۵ در ۲۴۵	۲۲ %

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱۳۹۷	روز زمین پاک؛ روز ملی کارآفرینی؛ روزاسناد ملی؛ روز ارتباطات و روابط عمومی؛ روز گل و گیاه؛ روز مالیات؛ روز صنعت چاپ؛ روز گفت‌وگوی تمدن‌ها؛ روز آتش‌نشانی و ایمنی؛ روز ملی کیفیت؛ روز حمل و نقل؛ روز پیوند اولیاء و مربیان؛ روز برنامه‌ریزی و آمار؛ روز امور تربیتی و تربیت اسلامی؛ روز ملی حمایت از حقوق مصرف کنندگان؛ روز ترویج آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛ روز بزرگداشت شیخ شهاب‌الدین سهروردی (شیخ اشراق)؛ روزنیروی‌انتظامی	روز هنرهای نمایشی؛ روز ایمنی حمل و نقل؛ روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت فردوسی؛ روز بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج؛ روز ملی جمعیت؛ روز اهدای عضو، اهدای زندگی؛ روز بزرگداشت شمس؛ روز ملی پارالمپیک؛ روز بزرگداشت سلمان فارسی؛ روز صنایع دستی؛ روز جهانی علم در خدمت صلح و توسعه؛ روز فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای؛ روز ادبیات کودکان و نوجوانان؛ روز حمایت از صنایع کوچک؛ روز تشکل‌ها و مشارکت‌های اجتماعی؛ روز کشتی؛ روز تعاون؛ روز بزرگداشت ابوریحان بیرونی؛ روز تربیت بدنی و ورزش	۳۸ در ۲۴۵	۱۵ %

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

میزان تغییرات مناسبت‌های جهانی در طول ۵ دهه (۱۳۴۷-۱۳۹۷)

جدول ۴ـ۴ نسبت تغییرات مناسبت‌های جهانی طی ۵ دهه (۱۳۴۷-۱۳۹۷)

سال	حذف شده‌ها(نسبت به دهه قبل)	اضافه شده‌ها(نسبت به دهه قبل)	تعداد تغییرات	درصد تغییرات
۱۳۴۷	ــــــــــ	ــــــــــ		
۱۳۵۷	ــــــــــ	روز جهانی هواشناسی؛ روز بین‌المللی مبارزه با تبعیض نژادی؛ روز بین‌المللی کتاب کودک؛ روز بهداشت جهانی؛ روز کارگر؛ روز جهانی ارتباطات؛ روز جهانی محیط زیست؛ روز پیکار جهانی با بی‌سوادی؛ روز جهانی پست؛ روز ملل متحد؛ روز جهانی اطلاعات درباره توسعه اقتصادی	۱۱ در ۱۱۸	۹ %
۱۳۶۷ (نسبت به سال ۱۳۵۷)	روز جهانی هواشناسی؛ روز جهانی محیط زیست؛ روز ملل متحد؛ روز جهانی اطلاعات درباره توسعه اقتصادی	روز جهانی صلح	۵ در ۸۰	۶ %
۱۳۷۷	روز جهانی مبارزه با تبعیض نژادی؛ روز جهانی کمک به جذامیان؛ روز جهانی مبارزه با بی‌سوادی؛ روز جهانی صلح؛ روز جهانی بهداشت؛ روز جهانی کتاب کودک	روز جهانی گنجینه و میراث فرهنگی؛ روز جهانی دخانیات؛ روز جهانی محیط زیست؛ روز جهانی صنایع دستی؛ روز جهانی بیابان زدایی؛ روز جهانی مبارزه با مواد مخدر	۱۲ در ۱۶۰	۷ %
۱۳۸۷	روز جهانی کودک؛ روز جهانی پست؛ روز جهانی دخانیات	روز جهانی بهداشت؛ روز جهانی صلیب سرخ و هلال احمر؛ روز جهانی جهانگردی؛ روز جهانی ناشنوایان؛ روز جهانی سالمندان؛ روز جهانی استاندارد؛ روز جهانی نابینایان (عصای سفید)؛ روز جهانی معلولان	۱۱ در ۲۴۵	۴ %
۱۳۹۷	ــــــــــ	ــــــــــ		

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۵-۱-۳-۱-۴ تبدیل رویداد تاریخی خاص به یک مناسبت کلی:

در سال‌های پس از انقلاب شاهد روندی در تقویم هستیم که می‌توان از آن به «روند تبدیل مناسبت‌های خاص به مناسبت‌هایی کلی» نام برد. برخی مناسبت‌ها ابتدا به عنوان رویداد تاریخی مشخصی به ثبت می‌رسند اما پس از مدتی یک عنوان کلی مرتبط با آن مناسبت در کنار آن مناسبت ثبت می‌شود به گونه‌ای که مناسبت اصلی در واقع همان عنوان کلی خواهد بود و رویداد تاریخی مرتبط با آن در پرانتز می‌آید. در برخی موارد مشاهده می‌شود که به تدریج رویداد تاریخی حذف می‌شود و صرفا همان نام کلی در تقویم می‌آید. برای مثال می‌توان به روز جهانی مسجد اشاره کرد که در ابتدا مناسبتی تحت عنوان «حمله به مسجد گوهرشاد و کشتار مردم توسط رضاخان (۱۳۱۴ ه.ش.)» در این روز ثبت شده بود و طی روندی که گفته شد، این مناسبت تبدیل به روز جهانی مسجد شد. در حال حاضر موارد بسیاری در تقویم هستند که از یک رویداد مشخص تبدیل به یک عنوان کلی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: روز تبلیغ و اطلاع‌رسانی دینی (سالروز صدور فرمان امام خمینی مبنی بر تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی)، روز مبارزه با تروریسم (انفجار دفتر نخست‌وزیری به دست منافقین و شهادت مظلومانه شهیدان رجائی و باهنر (۱۳۶۰ ه.ش.))، روز بانکداری اسلامی (سالروز تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (۱۳۶۲ ه.ش.))، شهادت محمدحسین فهمیده (روز نوجوان)، روز بسیج مستضعفین (تشکیل بسیج مستضعفین به فرمان حضرت امام خمینی (۱۳۵۸)، روز بزرگداشت شهدا (سالروز صدور فرمان حضرت امام خمینی مبنی بر تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی)، روز هنر انقلاب اسلامی (سالروز شهادت سید مرتضی آوینی (۱۳۷۲ ه.ش.))، روز جهاد کشاورزی (تشکیل جهاد سازندگی به فرمان حضرت امام خمینی (۱۳۵۸ ه.ش.))، روز قانون اساسی جمهوری اسلامی (تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸ ه.ش.))، روز ازدواج (ازدواج حضرت علی و حضرت فاطمه).

به نظر می‌رسد چنین تغییری در مناسبت‌ها به آن دلیل رخ می‌دهد که برخی رویدادهای تاریخی که زمانی برای قدرت سیاسی اهمیت داشته‌اند به دلایلی به تدریج اهمیت خود را از دست می‌دهند اما مفهوم کلی‌ای که از آنها مستفاد می‌شود، به دلیل اهمیتی که می‌تواند برای زندگی اجتماعی داشته باشد، باقی می‌ماند. در واقع دیگر مهم نیست که مفهومی همچون روز ازدواج یا روز جهانی مسجد یا مواردی این چنین از کجا آمده‌اند بلکه آنچه بیشتر اهمیت دارد، معنای خود این مفاهیم برای زندگی اجتماعی است.

برخی از این مناسبت‌های کلی، بر یک مناسبت شادی مبتنی هستند و برخی بر یک مناسبت اندوه. تعداد مناسبت-های شادی و اندوهی که برسازنده چنین مفاهیمی هستند، تقریبا با یکدیگر برابر است و تفاوت معناداری ندارد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

برای مثال روز ولادت حضرت معصومه به عنوان روز دختر و وفات حضرت ام‌البنین را روز تکریم مادران و همسران شهدا نام‌گذاری شده است. در ضمن از میان انواع مناسبت‌های موجود در تقویم این نوع نام‌گذاری در خصوص مناسبت‌های مذهبی و سیاسی استفاده شده است.

۶-۱-۳-۱-۴ تغییر تاریخ یک مناسبت مذهبی: وجود روایت‌های متفاوت

اشتباه در خصوص تاریخ برخی رویدادها در تقویم امری نامعمول نیست به گونه‌ای که جلسه سی و هفتم کمیسیون نام‌گذاری ایام خاص مورخ ۸۱/۱۲/۱۸ به بررسی این اشتباهات و اصلاح آنها اختصاص یافت. اما در خصوص مناسبت‌های مذهبی به دلیل اهمیت آنها و جایگاهی که در جامعه دارند کمتر احتمال چنین اشتباهاتی وجود دارد. در جدول زیر با یکی دو مورد مواجه می‌شویم که تاریخ یک مناسبت مذهبی تغییر کرده است. در خصوص ولادت امام محمد باقر دو روایت وجود دارد: اول رجب و سوم صفر. تفاوت روزهای ثبت شده در تقویم سال‌های گوناگون در مورد ولادت امام محمدباقر به همین علت است.

در این میان ولادت امام موسی کاظم به ویژه در سال‌های اخیر بسیار بحث برانگیز شده است. برای این مناسبت دو تاریخ ذکر شده است: ۷ صفر و ذی‌الحجه. البته گفته می‌شود که تاریخ ۷ صفر معتبرتر است. موضوع این مناسبت موجب ایجاد اختلاف نظرهایی میان بیوت برخی مراجع و علما در قم با قدرت سیاسی شد زیرا در تقویم رسمی تاریخ ۷ صفر از ابتدای انقلاب ثبت شده است و نهادهای حکومتی مانند صدا و سیما در این روز به جشن می‌پردازند. درحالی‌که برخی علما به دلیل آنکه یکی از روایات شهادت امام حسن مجتبی در این روز است، آن را روز برگزاری عزاداری می‌دانند و نسبت به برگزاری جشن انتقاد می‌کردند. «در این میان دو دیدگاه وجود داشت. اول اینکه: روز هفتم صفر و لادت امام کاظم (ع) نیست؛ اشتهار آن به این مناسبت کار ناصرالدین شاه است و باید این اشتباه اصلاح شود. دوم اینکه: اگرچه هفتم صفر ولادت امام هفتم است، از آنجا که جنبه عزا بر شادی مقدم است باید در این روز مراسم عزا برپا شود. قائلان به این دیدگاه سیره مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری «موسس حوزه علمیه قم» را نیز در این باره مورد توجه قرار می‌دهند.[۱]» همان‌طور که گفته شده یک روایت این است که با وجود آنکه ولادت امام موسی کاظم در روز هفتم صفر است اما به دلیل آنکه ماه صفر ماه عزاداری است و به ویژه از این جهت که در یکی از روایات شهادت امام حسن در روز ۷ صفر است، برخی

[۱] www.shia-news.com/fa/news/۹۷۷٦٦/چرا-تاریخ-ولادت-امام-هفتم-در-تقویم-امسال-تغییر-یافت

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

علما خواهان عدم ثبت ولادت در این روز یا دست کم عدم برگزاری مراسم جشن و شادی هستند. مهدی مسائلی طلبه و پژوهشگر حوزوی معتقد است: «در عصر حاضر برای بعضی از شیعیان ماهیت دینداری تنها در مناسک سوگواری خلاصه می‌شود و ارزش عزاداری از هر امر دینی دیگری مهمتر است. این موضوع گسترش روزافزون ایام سوگواری را موجب شده است. در این میان قواعد و ملاحظات جدیدی نیز برای ایام سوگواری تعیین شده است. مثلا باید کل محرم و صفر یکپارچه عزاداری و مصیبت باشد و کسی حق ندارد روزی را در این دو ماه به عنوان میلاد ائمه در نظر بگیرد. ... نمونه آن میلاد امام موسی کاظم (ع) که در کتاب‌های روایی و تاریخی شیعه (همچون اعلام الوری شیخ طبرسی، ارشاد شیخ مفید، الدروس شهید اول، مناقب ابن شهرآشوب، روضه‌الواعظین و...) در هفتم صفر تعیین شده و هیچ تاریخ مشخص دیگری برای آن نقل نشده است. اما از آن‌جا که بعضی از شیعیان می‌خواهند روز هفتم صفر را به شهادت امام حسن مجتبی (ع) اختصاص دهند لاجرم باید تاریخ ولادت امام موسی کاظم (ع) به روز دیگری انتقال پیدا کند.[1]»

در یکی از کانال‌های تلگرامی تحت عنوان تقویم شیعه که منتسب به آیت‌الله سید صادق شیرازی است نیز این موضوع به این ترتیب آمده است: «در مورد ولادت این بزرگوار اقوال مختلفی مطرح شده است که یکی از این قول‌ها هفتم صفر می‌باشد که در کتاب تقویم‌الشیعه هم ذکر شده و تا چند سال پیش در تقویم رسمی کشور هم هفتم صفر ثبت شده بو ولی چون ماه صفر ماه حزن و اندوه اهل بیت و بنا به قولی نیز شهادت امام حسن مجتبی هست بیوت علما اکثرا در این روز به عزاداری می‌پرداختند و اختلاف در بین بیوت علما و تقویم رسمی کشور و صدا و سیما دیده می‌شد برای همین چند سالی هست بنا به ملاحظات و حفظ حرمت ایام عزادای و دوری از دودستگی و اختلاف بنا بر قولی به استحسان ولادت امام کاظم (ع) آخر ذی‌الحجه در تقویم رسمی ثبت شد.» ابتدا در سال ۱۳۹۴ تاریخ ۱۴ ذی‌الحجه ثبت شد که باز هم برخی نسبت به آن ابراز نارضایتی و تردید کردند و نهایتا ۲۰ ذی‌الحجه ثبت گردید.

[1] www.parsnews.com/fa/tiny/news-٤٦٣٥١٤

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ۰۵-۴ تاریخ مناسبت‌های مذهبی

مناسبت	سال ۹۷	سال ۸۷	سال ۷۷	سال ۶۷	سال ۵۷	سال ۴۷
ولادت امام محمد باقر (۵۷ ق)	۱ رجب	۳ صفر	۳ صفر و ۱ رجب	۱ رجب و ۳ صفر	۳ صفر	۳ صفر
شهادت امام علی-النقی (۲۵۴ ق)	۳ رجب	۳ رجب	۳ رجب	۳ رجب	۳ رجب	۳ رجب
ولادت امام محمدتقی (۱۹۵ ق)	۱۰ رجب	۱۰ رجب	۱۰ رجب	۱۰ رجب	۱۰ رجب	۱۰ رجب
ولادت حضرت علی (۲۳ سال قبل از هجرت)	۱۳ رجب	۱۳ رجب	۱۳ رجب	۱۳ رجب	۱۳ رجب	۱۳ رجب
وفات حضرت زینب (۶۳ ق)	۱۵ رجب	۱۵ رجب	۱۵ رجب	۱۵ رجب	۱۵ رجب	۱۵ رجب
تغییر قبله مسلمین (۲ ق)	۱۵ رجب	نیامده است	نیامده است	نیامده است	نیامده است	نیامده است
شهادت امام موسی کاظم (۱۸۳ ق)	۲۵ رجب	۲۵ رجب	۲۵ رجب	۲۵ رجب	۲۵ رجب	۲۵ رجب
مبعث حضرت رسول (۱۳ سال قبل از هجرت)	۲۷ رجب	۲۷ رجب	۲۷ رجب	۲۷ رجب	۲۷ رجب	۲۷ رجب
ولادت امام حسین (۴ ق)	۳ شعبان	۳ شعبان	۳ شعبان	۳ شعبان	۳ شعبان	۳ شعبان
ولادت حضرت ابوالفضل (۲۶ ق)	۴ شعبان	۴ شعبان	۴ شعبان	۴ شعبان	۴ شعبان	۴ شعبان
ولادت حضرت زین‌العابدین (۳۸ ق)	۵ شعبان	۵ شعبان	۵ شعبان	۵ شعبان	۵ شعبان	۵ شعبان
ولادت حضرت علی اکبر (۳۳ ق)	۱۱ شعبان	۱۱ شعبان	نیامده است	نیامده است	نیامده است	نیامده است
ولادت حضرت مهدی (۲۵۵ ق)	۱۵ شعبان	۱۵ شعبان	۱۵ شعبان	۱۵ شعبان	۱۵ شعبان	۱۵ شعبان

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وفات حضرت خدیجه (۳ سال قبل از هجرت)	۱۰ رمضان	۱۰ رمضان	۱۰ رمضان	۱۰ رمضان	۱۰ رمضان	۱۰ رمضان
ولادت حضرت امام حسن عسگری (۵۳ ق)	۱۵ رمضان	۱۵ رمضان	۱۵ رمضان	۱۵ رمضان	۱۵ رمضان	۱۵ رمضان
شب قدر	۱۸ رمضان	۱۸ رمضان	۱۸ رمضان	۱۸ رمضان	۱۸ رمضان	۱۸ رمضان
ضربت خوردن حضرت علی (۴۰ ق)	۱۹ رمضان	۱۹ رمضان	۱۹ رمضان	۱۹ رمضان	۱۹ رمضان	۱۹ رمضان
شب قدر	۲۰ رمضان	۲۰ رمضان	۲۰ رمضان	۲۰ رمضان	۲۰ رمضان	۲۰ رمضان
شهادت حضرت علی (۵۴ ق)	۲۱ رمضان	۲۱ رمضان	۲۱ رمضان	۲۱ رمضان	۲۱ رمضان	۲۱ رمضان
شب قدر	۲۲ رمضان	۲۲ رمضان	۲۲ رمضان	۲۲ رمضان	۲۲ رمضان	۲۲ رمضان
عید فطر	۱ شوال	۱ شوال	۱ شوال	۱ شوال	۱ شوال	۱ شوال
شهادت امام جعفر صادق (۱۴۸ ق)	۲۵ شوال	۲۵ شوال	۲۵ شوال	۲۵ شوال	۲۵ شوال	۲۵ شوال
ولادت حضرت معصومه (۱۷۳ ق)	۱ ذی‌القعده	۱ ذی‌القعده	۱ ذی‌القعده	۱ ذی‌القعده	۱ ذی‌القعده	۱ ذی‌القعده
روز بزرگداشت حضرت شاهچراغ	۶ ذی‌القعده	نیامده است	نیامده است	نیامده است	نیامده است	نیامده است
ولادت حضرت امام رضا (۱۴۸ ق)	۱۱ ذی‌القعده	۱۱ ذی‌القعده	۱۱ ذی‌القعده	۱۱ ذی‌القعده	۱۱ ذی‌القعده	۱۱ ذی‌القعده
شهادت امام محمدتقی (۲۲۰ ق)	۲۹ ذی‌القعده	۲۹ ذی‌القعده	۲۹ ذی‌القعده	۲۹ ذی‌القعده	۲۹ ذی‌القعده	۲۹ ذی‌القعده
ازدواج حضرت علی و حضرت فاطمه (۵۲ ق)	۱ ذی‌الحجه	۱ ذی‌الحجه	نیامده است	نیامده است	نیامده است	نیامده است
شهادت امام محمدباقر (۱۱۴ ق)	۷ ذی‌الحجه	۷ ذی‌الحجه	۷ ذی‌الحجه	۷ ذی‌الحجه	۷ ذی‌الحجه	۷ ذی‌الحجه
روز عرفه	۹ ذی‌الحجه	۹ ذی‌الحجه	۹ ذی‌الحجه	نیامده است	نیامده است	نیامده است
عید قربان	۱۰ ذی‌الحجه	۱۰ ذی‌الحجه	۱۰ ذی‌الحجه	۱۰ ذی‌الحجه	۱۰ ذی‌الحجه	۱۰ ذی‌الحجه
ولادت امام علی-النقی (۲۱۲ ق)	۱۵ ذی‌الحجه	۱۵ ذی‌الحجه	۱۵ ذی‌الحجه	۱۵ ذی‌الحجه	۱۵ ذی‌الحجه	۱۵ ذی‌الحجه

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عید غدیر (۱۰ ق)	۱۸ ذی‌الحجه	۱۸ ذی‌الحجه	۱۸ ذی‌الحجه	۱۸ ذی‌الحجه	۱۸ ذی‌الحجه	۱۸ ذی‌الحجه
ولادت امام موسی کاظم (۱۲۸ ق)	۲۰ ذی‌الحجه	۷ صفر	۷ صفر	۷ صفر	۷ صفر	۷ صفر
روز مباهله پیامبر (۱۰ ق)	۲۴ ذی‌الحجه	۲۴ ذی‌الحجه	نیامده است	نیامده است	نیامده است	نیامده است
تاسوعا	۹ محرم	۹ محرم	۹ محرم	۹ محرم	۹ محرم	۹ محرم
عاشورا	۱۰ محرم	۱۰ محرم	۱۰ محرم	۱۰ محرم	۱۰ محرم	۱۰ محرم
شهادت امام زین-العابدین (۹۵ ق)	۱۲ محرم	۱۲ محرم	۱۲ محرم	۱۲ محرم	۱۲ محرم	۱۲ محرم
شهادت امام زین-العابدین (۹۵ ق) به روایتی	۲۵ محرم	۲۵ محرم	۲۵ محرم	نیامده است	نیامده است	نیامده است
شهادت امام حسن مجتبی (۵۰ ق) به روایتی	۷ صفر	نیامده است	نیامده است	نیامده است	نیامده است	نیامده است
اربعین	۲۰ صفر	۲۰ صفر	۲۰ صفر	۲۰ صفر	۲۰ صفر	۲۰ صفر
رحلت حضرت رسول اکرم (۱۱ ق)	۲۸ صفر	۲۸ صفر	۲۸ صفر	۲۸ صفر	۲۸ صفر	۲۸ صفر
شهادت امام حسن (۵۰ ق)	۲۸ صفر	۲۸ صفر	۲۸ صفر	۲۸ صفر	۲۸ صفر	۲۸ صفر
شهادت امام رضا (۲۰۳ ق)	۲۹ صفر	۳۰ صفر	۳۰ صفر	۳۰ صفر	۳۰ صفر	۳۰ صفر
هجرت پیامبر	۱ ربیع‌الاول	۱ ربیع‌الاول	۱ ربیع‌الاول	۱ ربیع‌الاول	۱ ربیع‌الاول	۱ ربیع‌الاول
شهادت امام حسن عسگری (۲۶۰ ق) و آغاز امامت امام زمان	۸ ربیع‌الاول	۸ ربیع‌الاول	۸ ربیع‌الاول	۸ ربیع‌الاول	۸ ربیع‌الاول	۸ ربیع‌الاول
ولادت حضرت رسول (۵۳ سال قبل از هجرت) به روایت اهل سنت	۱۲ ربیع‌الاول	۱۲ ربیع‌الاول	۱۲ ربیع‌الاول	۱۲ ربیع‌الاول	۱۲ ربیع‌الاول	۱۲ ربیع‌الاول
ولادت حضرت رسول و ولادت امام جعفر صادق (۸۳ ق)	۱۷ ربیع‌الاول	۱۷ ربیع‌الاول	۱۷ ربیع‌الاول	۱۷ ربیع‌الاول	۱۷ ربیع‌الاول	۱۷ ربیع‌الاول

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ولادت امام حسن عسگری (۲۲۲ ق)	۸ ربیع‌الثانی	۸ ربیع‌الثانی	۷ ربیع‌الثانی (۲۳۲ ق)	۸ ربیع‌الثانی	۸ ربیع‌الثانی	۸ ربیع‌الثانی
وفات حضرت معصومه (۲۰۱ ق)	۱۰ ربیع‌الثانی	۱۰ ربیع‌الثانی	نیامده است	نیامده است	نیامده است	نیامده است
ولادت حضرت زینب (۵ ق)	۵ جمادی‌الاولی	۵ جمادی‌الاولی	۵ جمادی‌الاولی	۵ جمادی‌الاولی	۵ جمادی‌الاولی	۵ جمادی‌الاولی
شهادت حضرت فاطمه (۱۱ ق) به روایتی	۱۳ جمادی-الاولی	۱۳ جمادی-الاولی	۱۳ جمادی-الاولی	۱۳ جمادی-الاولی	۱۳ جمادی-الاولی	۱۳ جمادی-الاولی
شهادت حضرت فاطمه (۱۱ ق)	۳ جمادی‌الثانی	۳ جمادی‌الثانی	۳ جمادی‌الثانی	نیامده است	نیامده است	نیامده است
سالروز وفات حضرت ام‌البنین	۱۳ جمادی‌الثانی	نیامده است	نیامده است	نیامده است	نیامده است	نیامده است
ولادت حضرت فاطمه (هشتم قبل از هجرت)	۲۰ جمادی‌الثانی	۲۰ جمادی‌الثانی	۲۰ جمادی‌الثانی	۲۰ جمادی‌الثانی	۲۰ جمادی‌الثانی	۲۰ جمادی‌الثانی

۴-۱-۴ ویژگی‌های تقویم غیررسمی

۴-۱-۴-۱ کاربرد تقویم‌ها:

تقویم‌هایی که گروه‌های مختلف منتشر می‌کنند دارای کاربری‌های متفاوتی هستند. مطالبی که در این تقویم‌ها نگاشته شده است، به منظور آموزش یک موضوع خاص به کار رفته است؛ برای مثال تقویمی که به عنوان «تقویم اجرایی سالیانه برنامه‌های رده مقاومت بسیج محلات» منتشر شده است در جهت آموزش فعالیت‌های بسیج‌های محلات و چگونگی انجام آنها، رده‌بندی درون سازمان بسیج، قوانین حامی بسیجیان، زمان‌بندی فعالیت‌ها و مواردی از این دست عمل می‌کند. تقویم دیگری که نامش «کتاب سال تبلیغ» است دارای بی‌شمار مطلب در زمینه‌های گوناگون است برای اینکه افراد در هنگام وعظ و تبلیغ بتوانند از آنها استفاده کنند. آموزش مطالب مذهبی در تعداد زیادی از تقویم‌های مذهبی از جمله آموزش نمازهای مستحبی، ادعیه، احادیث، زندگی روزمره از نگاه دین و مواردی از این قبیل دیده می‌شود. البته این ویژگی بیشتر در تقویم‌های غیررسمی دارای مجوز دیده می‌شود و در تقویم‌های بدون مجوز موضوع آموزش کمتر مدنظر است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تقویم‌هایی که جهت برنامه‌ریزی و مدیریت زمان استفاده می‌شوند. «سررسید مدیریتی صفا» تقویمی است که واحد تبلیغات بسیج مسجد صفا آن را منتشر می‌کند و در آن در خصوص چگونگی مدیریت امور روزانه، فعالیت‌ها و مسوولیت‌ها مطالبی ذکر شده و در صفحات مختلف جداول و چارت‌هایی برای برنامه‌ریزی روزانه، هفتگی و ماهیانه بسیجیان آمده است. «کتاب همراه مدیران فردا» یکی دیگر از این نوع تقویم‌هاست. در این تقویم آموزش‌های بسیاری در خصوص مدیریت زمان آمده است و صفحاتی به جداول برنامه‌ریزی و صورتجلسات اختصاص یافته است. این تقویم از سوی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان و برای دانش‌آموزان تدارک دیده شده است.

اطلاع‌رسانی یکی دیگر از اهدافی است که تقویم برای آن منتشر شده است. «تقویم هیئت چهارده معصوم شهرری» از جمله چنین تقویم‌هایی است. در این تقویم جلوی هر مناسبت مذهبی مکان برگزاری هیئت نگاشته شده است. «سالنامه سلامت» و «سالنامه درد» تقویم‌هایی هستند که در آنها اطلاعاتی در مورد بیماری‌ها، علل و راه‌های درمان‌شان آمده است.

مهم‌ترین کاربرد و کارکرد تقویم‌ها، حفظ تاریخچه و حافظه‌ای جمعی است. اغلب تقویم‌ها برای این منظور منتشر می‌شوند اما شکل برساخت حافظه در آنها با یکدیگر متفاوت است؛ مهم‌ترین شیوه ثبت حافظه در قالب مناسبت‌های تقویم است. هر گروه تاریخ خود یا تاریخ مدنظر خود را به صورت مناسبت‌ها ثبت و ضبط می‌کند. شیوه دوم نگارش روایت تاریخی در ابتدا، انتها یا میانه صفحات تقویم است. ثبت نام اعضای قدیمی گروه یا اعضای موسس آن راه سومی است که تاریخچه گروه را می‌نمایاند؛ گاه این تاریخچه در قالب تصویر بازگو شده است.

۲-۴-۱-۴ اشکال تقویم‌ها:

تقویم‌ها در اشکال مختلفی مانند جیبی، دیواری و سررسیدنامه منتشر می‌شوند. با وجود آنکه هر تقویمی را می‌توان در تمامی اشکال تولید کرد اما بررسی تقویم‌هایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد که برخی از انواع تقویم بیشتر در اشکال خاصی منتشر می‌شوند. برای مثال تقویم گروه‌های سیاسی (ناهمسو با قدرت سیاسی) معمولا در قالب‌های جیبی و دیواری تولید می‌شود. علت این امر را می توان در عدم

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

امکان انتشار آنها در چاپخانه‌های رسمی، بودجه محدود جهت انتشارشان و نیز سهولت دسترسی (در خصوص تقویم‌های جیبی) و در معرض دید بودن (در مورد تقویم دیواری) دانست.

انتشار سررسیدنامه‌ها در دو دهه اخیر رشد شتابانی داشته است زیرا به تدریج انتشار و هدیه دادن سررسیدنامه‌ها به مناسبت شروع سال جدید تبدیل به امری رایج در سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی شده است. بدین ترتیب سررسیدنامه‌ها را بیشتر برای امور تجاری و شغلی تولید می‌نمایند اما در میان تقویم‌های موجود در این پژوهش مشاهده می‌شود که تعداد قابل ملاحظه‌ای برای مقاصدی جز امور ذکر شده به کار گرفته شده‌اند. تمایز دیگر میان تقویم‌هایی است که دارای مجوز چاپ هستند با آن مواردی که به صورت ممنوعه منتشر می‌شوند. تقویم‌های ممنوعه معمولاً کمتر این امکان را دارند که در قالبی همچون سررسیدنامه منتشر شوند زیرا نمی‌توان آنها را در چاپخانه‌های مجاز منتشر کرد و در ضمن هزینه انتشار سررسیدنامه نسبت به دیگر اشکال تقویم بیشتر است. در میان تقویم‌های جمع‌آوری شده از فرم سررسیدنامه بیشتر برای تقویم‌های مذهبی استفاده شده است. همچنین سررسیدنامه‌ها که بیشتر برای انتشار تقویم‌های دارای مجوز به کار رفته‌اند معمولاً در مواردی که علاوه بر مناسبت‌ها، حجم زیادی مطلب و تصویر به تقویم افزوده شده است، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

جدول ۶ـ ۴ اشکال مختلف تقویم

نوع تقویم	شکل تقویم	تعداد
تقویم غیررسمی دارای مجوز	جیبی	۴۷
	دیواری	۱۸
	رومیزی	۴
	سررسیدنامه	۸۴
	مجازی	۷[1]
	سایر	۲۸

---

[1] نکته مهم در خصوص تقویم‌های مجازی عدم نیاز آنها به مجوز است. با وجود چنین تقویم‌هایی کمیسیون نامگذاری روزهای خاص یکی از مهم‌ترین کارکردهای خود را که نظارت بر انتشار تقویم‌هاست از دست می‌دهد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تقویم غیررسمی بدون مجوز	جیبی	۱۸
	دیواری	۲۵[1]
	رومیزی	۶
	سررسیدنامه	۱۴
	مجازی	۷
	سایر	۱۸

۳-۴-۱-۴ استفاده از تصاویر، اشعار، احادیث و ... در تقویم‌ها:

تقویم‌ها علاوه بر ثبت مناسبت‌ها خواست خود را از طرق دیگری مانند استفاده از تصاویر، اشعار، احادیث، شعار، حافظه ها، یادداشت‌ها و نوشتارهای گوناگون پی می‌گیرند. در برخی از تقویم‌ها صرفا مناسبت‌های مصوب به ثبت رسیده است و دیگر مقاصد منتشر کنندگان تقویم از طریق واسطه‌های دیگری که نام برده شد، برآورده شده است. برخی از این تقویم‌ها به سبب آنکه می‌خواهند امکان کسب مجوز انتشار و توزیع را داشته باشند، فقط مناسبت‌های مصوب را می‌آورند.

تصاویر به کار رفته در تقویم‌ها بیش از هر چیز شامل تصویر افراد است از تصویر شهدا در تقویم‌های دفاع مقدس تا تصویر شعرا، موسیقیدانان و هنرمندان در تقویم‌های مربوط به آنها و تصویر بزرگان دین و سیاست در تقویم-های مذهبی و سیاسی. تصویر مکان‌ها در تقویم‌هایی مانند تقویم اقوام به ساخت هویت آنها کمک شایانی می‌نماید. تصاویری از اشیای قدیمی ساخته شده در ایران همین وظیفه را در تقویم‌های باستان‌گرایانه بر عهده دارند.

استفاده از نوشتار راه دیگر هویت‌یابی از خلال تقویم است. در تقویم‌های گروه‌های سیاسی مخالف قدرت سیاسی با بیانیه‌ها و معرفی گروه خود، شعارهای کوتاه، سخنانی از رهبران و اشعار سیاسی مواجه می‌شویم در حالی‌که تقویم‌های دفاع مقدس از ارائه حافظه ها، وصیت‌نامه‌های شهدا، اطلاعات عملیات‌های مختلف در جنگ

[1] شش مورد از موارد ذکر شده در دوران ابتدای انقلاب توسط گروه‌هایی مانند مجاهدین خلق، پیکار و دیگر گروه‌های مبارز منتشر شده‌اند که در آن زمان هنوز به عنوان گروه‌های مخالف حکومت شناخته نمی‌شدند و از سوی دیگر عدم استقرار کامل حکومت و نیز عدم تشکیل کمیسیون نام گذاری روزهای خاص به صورت رسمی، دارای مجوز نیستند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و در مجموع تاریخچه این رویداد در این جهت استفاده می‌نمایند. برخی گروه‌ها مانند خیریه‌ها، گروه‌های مذهبی کوچک و امثال آنها برای حفظ تایخچه خود آن را در تقویم خود منتشر می کنند.

۴-۴-۱-۴ انواع تقویم غیررسمی:

تقویم‌های غیررسمی خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: تقویم‌های دارای مجوز و بدون مجوز.برای درک بهتر آنچه در خصوص این تقویم‌ها می گذرد، به ارائه دسته‌بندی‌هایی از آنها به صورت‌های متفاوت می‌پردازیم تا آنها را با جزئیات بیشتر دریابیم.

۱-۴-۴-۱-۴ دسته‌بندی کلی:

در یک دسته‌بندی کلی تقویم‌های غیررسمی را بر اساس موضوع‌شان می‌توان به صورت جدول زیر تقسیم کرد. همان‌طور که در جدول هم مشخص است، تقویم‌های سیاسی بیشترین تعداد از مجموع کل تقویم‌هایی را تشکیل می‌دهند که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تقویم‌های اجتماعی ـ فرهنگی که بخشی از آنها به مسائل مربوط به سبک زندگی مانند سلامت، تغذیه، ورزش، ارتباط با همسر و ... می‌پردازند هم تقریبا به همان اندازه اهمیت دارند. تقویم‌های مذهبی نیز حجم زیادی از این تقویم‌ها را به خود اختصاص داده‌اند هرچند که اغلب آنها جزو تقویم‌های غیررسمی دارای مجوز چاپ و انتشار هستند. مناسبت‌های مرتبط با دفاع مقدس حضور پررنگی در بسیاری از تقویم‌های غیررسمی منتشر شده دارند اما در این میان تقویم‌هایی هستند که به طور مشخص صرفا به موضوع دفاع مقدس پرداخته‌اند و حتی قابل شمول در تقویم‌های سیاسی نیستند به همین علت مقوله «دفاع مقدس» خود به عنوان یک دسته‌بندی جدا مطرح شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود قومیت‌ها نیز تعداد قابل توجهی تقویم در این سال‌ها منتشر کرده‌اند و اتباع افغانستانی هم با توجه به عدم ارتباط موضوع تقویم‌های‌شان با هیچ‌یک از تقویم‌های داخلی به صورت یک رده جداگانه در نظر گرفته‌شده‌اند. قابل ذکر است که تقویم‌های اتباع افغانستانی در دو رده سیاسی و فرهنگی قابل دسته‌بندی است زیرا برخی از آنها توسط «سازمان نصر افغانستان» و «حزب اسلامی افغانستان» منتشر شده‌اند و برخی دیگر توسط سازمان‌هایی مانند «خیریه امام جواد» و «نشریه کودکان آفتاب» چاپ و توزیع می‌شوند.

جدول ۴ـ۷ دسته‌بندی شش گانه تقویم‌های غیررسمی

نوع تقویم	تعداد	درصد
مذهبی	۶۲	٪ ۲۳

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سیاسی	۸۶	٪ ۳۱
اجتماعی ـ فرهنگی	۸۳	٪ ۳۰
دفاع مقدس	۱۷	٪ ۶
قومیتی	۲۱	٪ ۸
اتباع	۵	٪ ۲
کل	۲۷۴	۱۰۰

۲-۴-۴-۱-۴ تنوع گروه‌های اجتماعی دارای تقویم:

با وجود آنکه تقویم‌های شمارش شده در جدول زیر تمامی تقویم‌های بررسی شده در این پژوهش را شامل نمی‌شود اما در صورتی که بخواهیم تقویم‌ها را به گروه‌های اجتماعی مشخصی نسبت دهیم و دسته‌بندی جزئی‌تری ارائه کنیم تا اطلاعات بیشتری در مورد آنها به دست آوریم می‌توان این گروه‌ها را به عنوان گروه‌هایی که بیشتر تقویم‌های غیررسمی را در ۵۰ سال اخیر در ایران منتشر کرده‌اند نام برد.

جدول ۸ـ۴ تفکیک گروه‌های دارای تقویم

نوع گروه	تعداد	درصد از کل
قومیتی	۲۱	۸٪
زنان	۹	۳٪
کارگران	۲	۰٪
هنرمندان و تقویم‌های مرتبط با هنر	۲۰	۷٪
اقلیت‌های مذهبی	۱۲	۴٪
دفاع مقدس	۱۷	۶٪
گروه‌های مذهبی	۳۳	۱۲٪
گروه‌های سیاسی و ایدئولوژیک	۲۴	۵٪

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اتباع	۵	۲٪

۱-۲-۴-۴-۱-۴ تقویم‌های قومیتی: یک وضعیت ویژه

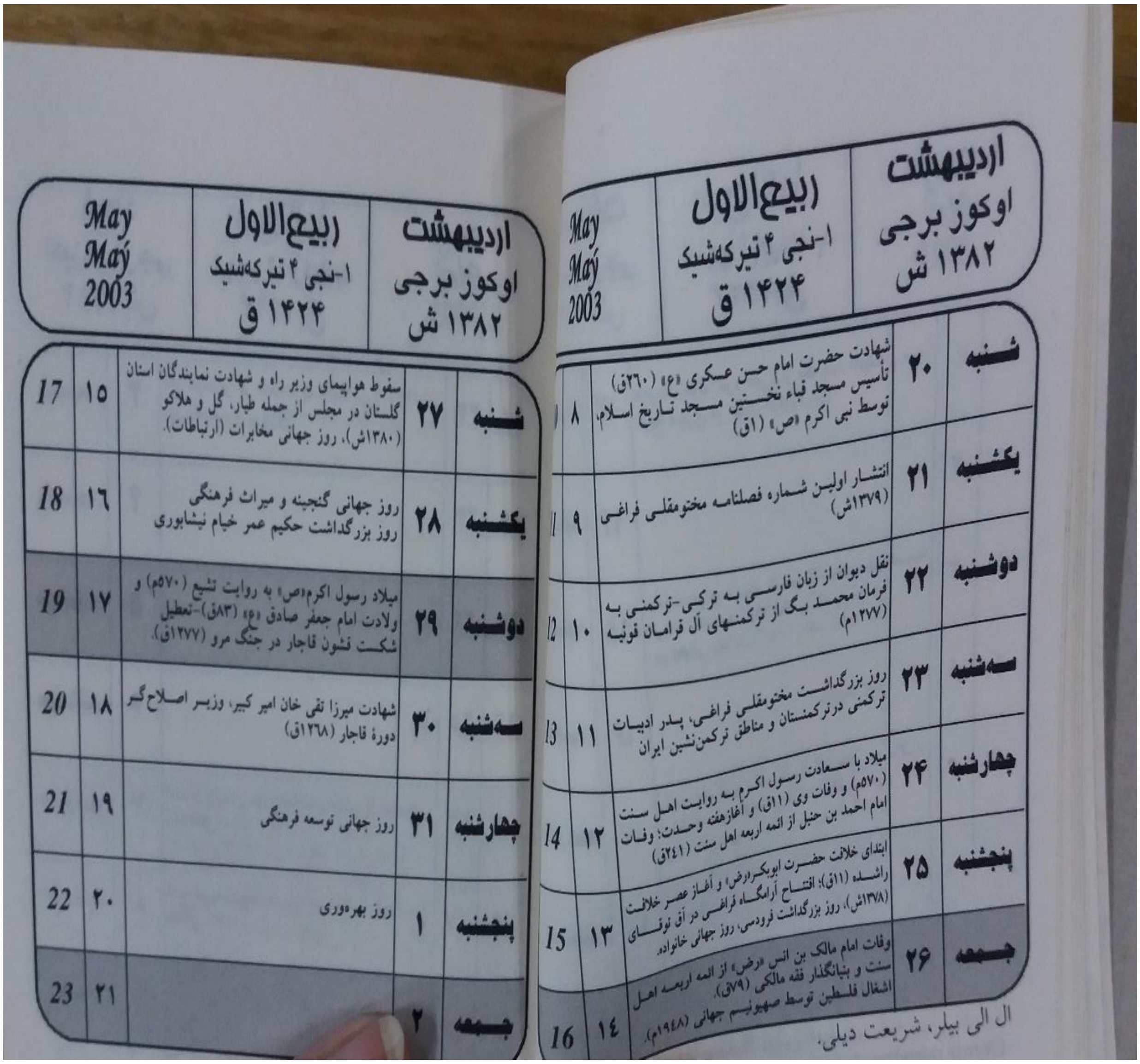
با اینکه میزان انتشار تقویم‌های قومیتی در مقایسه با دیگر انواع تقویم قابل توجه است اما باید اشاره کرد که در خصوص این تقویم‌ها حساسیت‌های ویژه‌ای وجود دارد در غیر این صورت و با توجه به صحبت‌هایی که من با برخی از اعضاو فعالان این قومیت‌ها کردم، این احتمال وجود داشت که میزان تقویم‌های قومیتی چندین برابر میزان موجود باشد. برای مثال یکی از دانشجویان تبریزی ساکن تهران به من گفت که در تبریز تعداد بسیار زیادی تقویم مخصوص ترک‌ها منتشر می‌شود. همچنین یکی از فعالان ترک که خود نیز تقویمی منتشر کرده به من می‌گفت که:«در تقویم‌هایی که در بازار به صورت رسمی فروخته می‌شوند، به جز نام ترکی ماه‌ها و روزها چیزی نمی‌نویسند. در آذربایجان کنترل زیاد است. برخی که تقویم‌هایی منتشر کرده‌اند که در آن‌ها مناسبت‌های ترکی آمده به سرعت جمع‌آوری شده و بانیان‌شان هم دستگیر شده‌اند. در آذربایجان بیشتر در مورد بابک و ستارخان و پیشه‌وری حساسیت وجود دارد که نام و عکس‌شان در تقویم نیاید.»

نکته مهم دیگر در خصوص تقویم‌های قومیت‌ها این است که در این تقویم‌ها کمتر مناسبتی مرتبط با رویدادهای تاریخ ایران وجود دارند و اغلب مناسبت‌ها در مورد خود آن قومیت است حتی کشورهای همجوار نیز از مناسبت-های این تقویم‌ها سهمی دارند[1].

[1] برای نمونه به دو موردی که از یک تقویم ترکمنی و یک تقویم ترکی در صفحه بعد آمده است توجه کنید.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تصویر ۱ـ۴ صفحه‌ای از تقویم ترکمنی به نام «ارکین»



اردیبهشت اوکوز برجی ۱۳۸۲ ش		ربیع‌الاول ۱-نجی ۴ تیرکه‌شیک ۱۴۲۴ ق	May Maý 2003	
شنبه	۲۰	شهادت حضرت امام حسن عسکری «ع» (۲۶۰ق) تأسیس مسجد قباء نخستین مسجد تاریخ اسلام، توسط نبی اکرم «ص» (۱ق)	۸	[illegible]
یکشنبه	۲۱	انتشار اولین شماره فصلنامه مختومقلی فراغی (۱۳۷۹ش)	۹	11
دوشنبه	۲۲	نقل دیوان از زبان فارسی به ترکی-ترکمنی به فرمان محمد بگ از ترکمنهای آل قرامان قونیه (۱۲۷۷م)	۱۰	12
سه‌شنبه	۲۳	روز بزرگداشت مختومقلی فراغی، پدر ادبیات ترکمنی درترکمنستان و مناطق ترکمن‌نشین ایران	۱۱	13
چهارشنبه	۲۴	میلاد با سعادت رسول اکرم به روایت اهل سنت (۵۷۰م) و وفات وی (۱۱ق) و آغازهفته وحدت؛ وفات امام احمد بن حنبل از ائمه اربعه اهل سنت (۲۴۱ق)	۱۲	14
پنجشنبه	۲۵	ابتدای خلافت حضرت ابوبکر«رض» و آغاز عصر خلافت راشده (۱۱ق)؛ افتتاح آرامگاه فراغی در آق توقای (۱۳۷۸ش)، روز بزرگداشت فردوسی، روز جهانی خانواده.	۱۳	15
جمعه	۲۶	وفات امام مالک بن انس «رض» از ائمه اربعه اهل سنت و بنیانگذار فقه مالکی (۱۷۹ق). اشغال فلسطین توسط صهیونیسم جهانی (۱۹۴۸م).	۱۴	16

ال الی بیلر، شریعت دیلی.

اردیبهشت اوکوز برجی ۱۳۸۲ ش		ربیع‌الاول ۱-نجی ۴ تیرکه‌شیک ۱۴۲۴ ق	May Maý 2003	
شنبه	۲۷	سقوط هواپیمای وزیر راه و شهادت نمایندگان استان گلستان در مجلس از جمله طیار، گل و هلاکو (۱۳۸۰ش)، روز جهانی مخابرات (ارتباطات).	۱۵	17
یکشنبه	۲۸	روز جهانی گنجینه و میراث فرهنگی روز بزرگداشت حکیم عمر خیام نیشابوری	۱۶	18
دوشنبه	۲۹	میلاد رسول اکرم«ص» به روایت تشیع (۵۷۰م) و ولادت امام جعفر صادق «ع» (۸۳ق)-تعطیل شکست قشون قاجار در جنگ مرو (۱۲۷۷ق).	۱۷	19
سه‌شنبه	۳۰	شهادت میرزا تقی خان امیر کبیر، وزیر اصلاح‌گر دورهٔ قاجار (۱۲۶۸ق)	۱۸	20
چهارشنبه	۳۱	روز جهانی توسعه فرهنگی	۱۹	21
پنجشنبه	۱	روز بهره‌وری	۲۰	22
جمعه	۲		۲۱	23

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بخشی از یک تقویم ترکی به نام «آذربایجان» که توسط یکی از فعالان و محققان تاریخ ترک تهیه و به صورت پرینت شده توزیع می‌گردد:

فروردین (آغلارگولر):

۱ فروردین– تولد موسی ماناروف (فضانورد) در باکو به سال ۱۳۳۰. تولد اسماعیل شیخلی (نویسنده) در روستای شیخلی بخش قازاق جمهوری آذربایجان به سال ۱۲۹۸. تولد غلامرضا صبری تبریزی (شاعر. ادیب) در تبریز به سال ۱۳۱۳.

۲ فروردین– تولد سلیمان رحیموف (نویسنده) در ۱۲۷۹. تولد علی آقا آقایف (هنرمند و بازیگر نقش مشهدی عباد) در باکو به سال ۱۲۹۲. تولد مهدی حسین (نویسنده) در بخش قازاق جمهوری آذربایجان به سال ۱۲۸۸. تولد زینال خلیل (شاعر) در گنجه به سال ۱۲۹۳. تولد قهرمان قهرمان زاده (داستان نویس) در روستای وردین قره داغ به سال ۱۲۹۲.

۳ فروردین– تولد کریم مشروطه چی (شاعر با تخلص سؤنمز) در تبریز به سال ۱۳۰۷.مرگ ایرج میرزا (شاعر قاجار متولد تبریز) در تهران به سال ۱۳۰۴. تولد جمشید هاشم پور (آریا) (بازیگر سینما) در اردبیل به سال ۱۳۲۳.

۸ فروردین– تولد صدقی روح الله (بازیگر تئاتر) در باکو به سال ۱۲۶۵. مرگ سلیمان ثانی (آخوندوف) (نویسنده) در باکو به سال ۱۳۱۸. تأسیس تئاتر دولتی آذربایجان توسط حکومت ملی در تبریز به سال ۱۳۲۵.

۱۰ فروردین– قتل عام آذربایجانیان به دست داشناکهای ارمنی در باکو و دیگر شهرهای آذربایجان در ۱۲۹۷ (فاجعۀ مارس). تولد عباسعلی عمید زنجانی (حقوقدان. استاد دانشگاه) در زنجان به سال ۱۳۱۶.

۱۶ فروردین– مرگ پروین اعتصامی (شاعر) در تهران به سال ۱۳۲۰. تولد آصف زینallی (آهنگساز) در شهر دربند جمهوری داغستان به سال ۱۲۸۸.

۱۸ فروردین– تأسیس رادیوی تبریز توسط حکومت ملی آذربایجان در سال ۱۳۲۵.

اردیبهشت (گولن):

۶ اردیبهشت– آغاز بکار رسمی رادیو تبریز توسط حکومت ملی آذربایجان در ۱۳۲۵. تولد میرجلال پاشایف (نویسنده) در اردبیل به سال ۱۲۸۷. مرگ میرعلی سیدوف (نویسنده. ادیب) در باکو به سال ۱۳۷۱.

۷ اردیبهشت– سقوط جمهوری دموکراتیک آذربایجان به دست بلشویکها در باکو به سال ۱۲۹۹.

دسترسی به این مدرک بر پایۀ آیین‌نامۀ ثبت و اشاعۀ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارۀ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایۀ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۵-۴-۱-۴ تحول زمانی میزان انتشار تقویم غیررسمی:

جداول ۹ـ۴ و ۱۰ـ ۴ نشان می‌دهند که میزان انتشار تقویم‌های غیررسمی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب نسبت به سال‌های پیش از آن افزایش یافته است. تقویم‌های غیررسمی پیش از انقلاب به دو دسته تقسیم می‌شدند؛ دسته اول تقویم‌هایی که جهت تبلیغات یک کالا یا یک تولیدکننده مشخص ارائه شده‌اند و دسته دوم تقویم‌هایی که توسط نهادهای مرتبط با قدرت سیاسی در جهت ارائه اطلاعاتی در خصوص فعالیت‌های آن در زمینه‌های مشخص منتشر شده‌اند. اما در سال‌های پس از انقلاب این رویه تحولی بنیانی یافت و گروه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، مذهبی، قومیتی و ... به این عرصه وارد شدند. از همان سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب انتشار تقویم توسط گروه‌های گوناگون سیاسی درگیر در انقلاب آغاز شد و به تدریج رشد و تنوع زیادی پیدا کرد. جدول-های ۹ـ۴ و ۱۰ـ۴ نشان می‌دهد که روند انتشار تقویم‌های غیررسمی با گذشت زمان صعودی بوده است و هر چه به زمان حال نزدیک‌تر می‌شویم میزان این تقویم‌ها افزایش یافته است.

بر اساس جدول ۱۰ ـ ۴ روند چاپ تقویم‌های غیررسمی در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب رشدی قابل توجه دارد و پس از مجددا کاهش می‌یابد و سپس از اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ مجددا روند صعودی به خود می‌گیرد. بدین ترتیب می‌توان یکی از عوامل افزایش انتشار این تقویم‌ها را فضای سیاسی کشور دانست که از یک‌سو بالا گرفتن التهاب و تنش در آن و از سوی دیگر ورود نیروهای سیاسی متنوع به آن موجب می‌شود این گروه‌ها در جهت هویت‌یابی در درون و ارائه اعتقادات و نظرات خود در خصوص شرایط سیاسی به افراد بیرون از گروه به انتشار تقویم روی بیاورند.

جدول ۹ـ۴ دسته‌بندی تقویم‌های غیررسمی بر اساس دوره‌های سیاسی

دوره زمانی	تعداد	درصد
قبل از انقلاب (دهه ۴۰ و ۵۰)	۲۵	٪۱۰
ابتدای انقلاب (۵۷-۵۹)	۶	٪۲
دوران جنگ (۶۰-۶۷)	۳۱	٪۱۲
دوران سازندگی (۶۸- ۷۶)	۱۹	٪۶
دوران اصلاحات (۷۷-۸۴)	۵۲	٪۱۹
دوران عدالت (۸۵-۹۲)	۵۶	٪۲۰

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دوران اعتدال (۹۳-۹۷)	۸۵	۳۱٪
میزان کل	۲۷۴	۱۰۰٪

جدول ۱۰ـ۴ دسته‌بندی سالیانه تقویم‌های غیررسمی

سال	تعداد	سیاسی و ایدئولوژیک	مذهبی	اجتماعی و فرهنگی	دفاع مقدس	قومیتی	اقلیت‌های مذهبی	اتباع
۱۳۹۷	۹	۳	۲	۴				
۱۳۹۶	۳۷	۱۴	۶	۹	۴	۳	۱	۱
۱۳۹۵	۱۷	۷	۵	۳	۱	۱		
۱۳۹۴	۱۶	۴	۲	۶	۳	۱		
۱۳۹۳	۶	۲		۱	۱	۱	۱	
۱۳۹۲	۳	۲		۱				
۱۳۹۱	۹	۴	۱	۳			۱	
۱۳۹۰	۹	۲	۳	۳			۱	
۱۳۸۹	۲		۱				۱	
۱۳۸۸	۹	۱	۲	۹		۲		
۱۳۸۷	۱۱	۲	۲	۷				
۱۳۸۶	۴	۲	۱	۱				
۱۳۸۵	۹	۲		۷				
۱۳۸۴	۶	۲	۱	۲				۱

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سال	تعداد	سیاسی و ایدئولوژیک	مذهبی	اجتماعی و فرهنگی	دفاع مقدس	قومیتی	اقلیت‌های مذهبی	اتباع
۱۳۸۳	۸	۲	۱	۴		۱		
۱۳۸۲	۱۳	۴		۶	۱	۲		
۱۳۸۱	۷		۳	۴				
۱۳۸۰	۸	۳		۲	۱	۱		۱
۱۳۷۹	۷	۳		۲	۲			
۱۳۷۸	۳	۱	۲					
۱۳۷۷	۱	۱						
۱۳۷۶	۱		۱					
۱۳۷۵	۱	۱						
۱۳۷۴	۰							
۱۳۷۳	۲		۱	۱				
۱۳۷۲	۲	۱		۱				
۱۳۷۱	۳	۲			۱			
۱۳۷۰	۰							
۱۳۶۹	۵	۴		۱				
۱۳۶۸	۳	۱				۲		
۱۳۶۷	۲	۱				۱		
۱۳۶۶	۳	۱		۱				۱
۱۳۶۵	۲	۲						

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سال	تعداد	سیاسی و ایدئولوژیک	مذهبی	اجتماعی و فرهنگی	دفاع مقدس	قومیتی	اقلیت‌های مذهبی	اتباع
۱۳۶۴	۶	۳	۱			۱		۱
۱۳۶۳	۲	۲						
۱۳۶۲	۶	۳	۱			۱	۱	
۱۳۶۱	۶	۶						
۱۳۶۰	۶	۵		۱				
۱۳۵۹	۵	۴					۱	
۱۳۵۸	۱	۱						
۱۳۵۷	۱			۱				
۱۳۵۶	۱	۱						
۱۳۵۵	۲	۱					۱	
۱۳۵۴	۳			۳				
۱۳۵۳	۱	۱						
۱۳۵۲	۲	۲						
۱۳۵۱	۰							
۱۳۵۰	۳	۱		۱				
۱۳۴۹	۰							
۱۳۴۸	۱	۱						
۱۳۴۷	۱			۱				
۱۳۴۶	۲	۱		۱				
۱۳۴۵	۰							

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سال	تعداد	سیاسی و ایدئولوژیک	مذهبی	اجتماعی و فرهنگی	دفاع مقدس	قومیتی	اقلیت‌های مذهبی	اتباع
۱۳۴۴	۱						۱	
۱۳۴۳	۲			۲				
۱۳۴۲	۱			۱				
۱۳۴۱	۱			۱				
۱۳۴۰	۱						۱	

۶-۴-۱-۴ تنوع گاه‌شماری (شمسی، قمری، میلادی و ...):

تنوع در تقویم‌های غیررسمی صرفا به گوناگونی گروه‌های منتشرکننده تقویم و اهداف آنها از انتشار تقویم محدود نمی‌شود بلکه این تقویم‌ها در نوع گاه‌شماری‌ای که مورد استفاده قرار می‌دهند نیز دچار تمایز هستند. قدمت تقویم و دانش نجوم در ایران و تنوع فرهنگی در این سرزمین به شکل‌گیری انواع گاه‌شماری انجامیده است که با وجود رسمیت یافتن گاه‌شماری هجری شمسی همچنان مورد استفاده هستند. قومیت‌های گوناگون در کنار پیروان مذاهبی مانند یهودیان، ارامنه، زرتشتیان و اهل تسنن جزو کسانی هستند که از تقویم‌هایی با گاه‌شماری‌های متفاوت از گاه‌شماری هجری شمسی استفاده می‌نمایند. همچنین استفاده از هجری قمری به جای گاه‌شماری شمسی یک گزینه مطرح جدی در میان علما و روحانیون (به ویژه طیف سنتی آنها) و افراد مذهبی است. موضوع جایگزینی تقویم قمری به جای تقویم شمسی در ایران سال‌هاست که در سطوح مختلف مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد و مهم‌ترین پیشنهاد دهنده و پیگیری‌کننده آن علمای قم هستند که معتقدند زمان قمری زمان مذهبی ماست و با ترجیح زمان شمسی به زمان قمری در واقع به نوعی زمان سکولار و عرفی را جایگزین زمان مذهبی کرده‌ایم و به همین علت برخی علما و مراجع پیشنهاد چنین تغییری را در تقویم مطرح کرده‌اند که تاکنون رأی نیاورده است. رقابت در حوزه کاهش تعطیلات عید نوروز و در عوض آن افزایش تعطیلات مذهبی که سال‌ها در مجلس شورای اسلامی مطرح بوده است، از جمله نشانه‌های وجود چنین مواجهاتی است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ۱۱ـ۴ تنوع گاه‌شماری‌ها در تقویم‌های غیررسمی

زمان	تعداد	درصد
شمسی	۲۴۳	٪ ۸۹
قمری	۱۱	٪ ۴
میلادی	۵	٪ ۲
شاهنشاهی	۱	٪ ۰
باستانی	۵	٪ ۲
سایر	۹	٪ ۳
جمع	۲۷۴	۱۰۰

۷-۴-۱-۴ استفاده از اختیارات[1] (سعد و نحس روزها) در تقویم:

در تقویم‌های قرون گذشته ایران احکام مربوط به سعد و نحس روزها (اختیارات) مهم‌ترین موضوعی بود که مطرح می‌شد و مردم جهت دانستن آن به تقویم رجوع می‌کردند. پیش از حکومت صفوی استخراج این احکام بر عهده منجمین بود و این احکام اموری مربوط به علم نجوم تلقی می‌شدند اما در دوران صفوی علما به انتقاد از این موضوع پرداختند و این احکام را اموری دینی معرفی کردند که باید توسط علما استخراج و مشخص شود. حضور این احکام که به آنها اختیارات گفته می‌شود در دهه‌های میانی ۱۳۰۰ به تدریج کمرنگ شد و جای خود را به ثبت مناسبت‌های مختلف داد. اما همان‌طور که در جدول ۱۲ـ۴ مشاهده می‌شود اقبال نسبت به این احکام از حدود دهه ۸۰ مجددا افزایش یافته به گونه‌ای در حال حاضر در برخی تقویم‌ها دیده می‌شود که این احکام ثبت می‌شوند. تقویم‌های مذهبی این موضوع را بر پایه تعالیم مذهبی مطرح می‌کنند و تقویم‌های غیرمذهبی بر پایه احکام نجومی.

[1] اصل کلمه اختیارات مربوط به علم نجوم است اما به تدریج این مسأله، در ارتباط با وقت خوب و بد در انجام کارهای روزانه مردم متصل شده و زمانی که جنبه شرعی به آن ضمیمه شد، دانش اختیارات را در مدل تازه پدید آورد. (جعفریان، ۱۳۹۶: ۳۸۵)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ۱۲ـ۴ آوردن اختیارات در تقویم

دوره زمانی	تعداد تقویم‌هایی که اختیارات (سعد و نحس روزها) را آورده‌اند
قبل از انقلاب (دهه ۴۰ و ۵۰)	ــــــــــــ
ابتدای انقلاب (۵۷-۵۹)	ــــــــــــ
دوران جنگ (۶۰-۶۷)	۱
دوران سازندگی (۶۸- ۷۶)	ــــــــــــ
دوران اصلاحات (۷۷-۸۴)	۲
دوران عدالت (۸۵-۹۲)	۳
دوران اعتدال (۹۳-۹۷)	۹

۸-۴-۱-۴ پرتکرارترین مناسبت‌ها در هر نوع تقویم کدامند؟

در این بخش به این موضوع خواهیم پرداخت که در هر دسته از تقویم‌های رسمی یا غیررسمی چه نوع مناسبت‌هایی بیش از دیگر مناسبت‌ها تکرار شده‌اند. بدین ترتیب می‌توان رویکرد تقویم ذکر شده نسبت به موضوعات مختلف را حدس زد.

ـ در تقویم‌های مربوط به دوران حکومت پهلوی تقریبا همه تقویم‌ها یا توسط نهادهای قدرت سیاسی و نزدیک به آن (مانند شهربانی و پلیس) منتشر شده‌اند یا تقویم‌هایی تبلیغاتی هستند (مانند تقویم جوراب استارلایت، جنرال استیل، کاباره قصر شیرین و ...). بدین ترتیب مناسبت‌ها یا صرفا محدود به مناسبت‌های مذهبی و تعطیلات و چند مناسبت اصلی سیاسی مانند جشن مشروطیت می‌شد و یا مواردی در مورد اعضا و فعالیت‌های خاندان پهلوی را نیز دربرمی‌گرفت (به ویژه در دهه ۵۰ که این موضوع بیشتر مدنظر قدرت سیاسی قرار گرفت و به تدریج تقویم تبدیل به تقویم شاهنشاهی شد که در آن مناسبت‌های مربوط به خاندان پهلوی بسیار پررنگ بود).

ـ همان‌طور که در جدول ۱۳ـ ۴ مشخص است، برخی از تقویم‌های غیررسمی نیز صرفا به ثبت مناسبت‌های مصوب پرداخته‌اند؛ با وجود آنکه داشتن مجوز را به ثبت مناسبت‌های مصوب توسط تقویم‌های غیررسمی منوط

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کرده بودم ولی برخی از تقویم‌های غیررسمی وجود دارند که به دلیل ماهیت‌شان و نوع مطالب و مناسبت‌هایی که در آنها آمده است امکان کسب مجوز را ندارند اما برای آنکه افرادی که از آنها استفاده می‌کنند بتوانند زیست روزمره‌شان را بر مبنای آنها تنظیم کنند، مناسبت‌های مصوب یا بخش زیادی از آنها را در تقویم آورده‌اند.

ـ در سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب، بیشتر مناسبت‌های اسلامی در تقویم رسمی یا تقویم‌های غیررسمی دارای مجوز ثبت می‌شد (برای مثال مناسبت‌هایی مانند غزوه بدر، خندق و موته، فتح مکه و شهادت حضرت حمزه) و مناسبت‌های شیعی حضور کمرنگ‌تری در این تقویم‌ها داشتند؛ این در حالیست که بسیاری از این مناسبت‌های اسلامی در سال‌های بعد از این تقویم‌ها حذف شده و مناسبت‌های شیعی جایگزین آنها شدند. مناسبت‌های شیعی اکنون حضور پررنگی در تقویم‌ها دارند و ساخت دائمی مناسبت‌های جدید تبدیل به موضوعی مورد بحث در این زمینه شده است.

ـ در تقویم‌های دارای مجوز انتشار در سال‌های پس از انقلاب، رویدادهای مرتبط با مبارزه با رژیم پهلوی و رویدادهای مرتبط با وقوع انقلاب و پس از آن، رویدادهای جنگ، اسامی شهدای انقلاب و جنگ، رویدادهای مذهبی اسلامی و شیعی، موارد مربوط به علما و مراجع و نیز رویدادهای مربوط به مبارزات کشورهای دیگر با قدرت‌های استعماری جهان بیشترین میزان مناسبت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و بدین ترتیب می‌توان الگوی مشخصی در مورد این نوع از تقویم‌ها ارائه داد که در جدول زیر تلاش شده است این الگو به صورت مشخص‌تر در مورد این تقویم‌ها و تقویم‌های دیگر نشان داده شود.

ـ در میان تقویم‌های غیررسمی بدون مجوز که در سال‌های پس از انقلاب منتشر می‌شوند، توزیعی تقریبا یکسان در مورد مناسبت‌های مربوط به زنان، کارگران، معلمان، دانشجویان، قومیت‌ها، اقلیت‌های مذهبی، مناسبت‌های باستانی، مناسبت‌های جهانی، مناسبت‌های مربوط به جبهه ملی ایران و مناسبت‌های فرهنگی اجتماعی ایران می‌توان مشاهده کرد. در واقع از این طریق درمی‌یابیم که تقویم‌های بدون مجوز در این سال‌ها در مورد چه موضوعاتی بوده‌اند یا بیشتر دغدغه چه مسائلی را داشته‌اند. ذکر این نکته اهمیت دارد که توجه به مناسبت‌های مربوط به محیط زیست، کودکان، زنان، کارگران، معلمان و نیز مناسبت‌های باستانی در سال‌های اخیر به صورت دائمی رو به افزایش بوده است و همچنین نوعی همگرایی میان آنها مشاهده می‌شود بدین معنا که در تقویمی که موضوع اصلیش زنان است مناسبت‌های مربوط به کارگران، کودکان، معلمان و محیط زیست نیز دیده می‌شود و در مورد دیگر موارد نیز همین گونه است. جدول ۱۴ـ۴ این موضوع را بهتر نشان می‌دهد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ۱۳ـ۴ نسبت انواع مناسبت در تقویم‌های مختلف

دوره زمانی	نوع تقویم	نوع مناسبت و تعداد آن
پیش از انقلاب	غیررسمی دارای مجوز	مناسبت‌های مصوب[۱] (۱۵)، مناسبت‌های اسلامی (۱)، مناسبت‌های شیعی (۱)، مناسبت‌های مربوط به زنان (۰)، مناسبت‌های مربوط به کارگران (۰)، مناسبت‌های مربوط به کودکان (۰)، مناسبت‌های مربوط به قومیت‌ها (۰)، رویدادهای مربوط به خاندان و فعالیت‌های رژیم پهلوی (۳)، رویدادهای مرتبط با مبارزه با رژیم پهلوی (۰)، مناسبت‌های مربوط به روحانیون و مراجع (۰)، مناسبت‌های مرتبط با مشروطه (۰)، مناسبت‌های مرتبط با دکتر مصدق و جبهه ملی ایران (۰)، مناسبت‌های جهانی (۰)، رویدادهای مربوط به کشورهای دیگر، به ویژه مبارزات بر علیه قدرت‌های استعمارگر و انقلاب‌ها (۰)، رویدادهای فرهنگی اجتماعی دیگر کشورها (۱)، مناسبت‌های اقلیت‌های مذهبی (۰)، مناسبت‌های باستانی و زرتشتی (۰)، بدون مناسبت (۶)
	غیررسمی بدون مجوز	مناسبت‌های مصوب (۰)، مناسبت‌های اسلامی (۰)، مناسبت‌های شیعی (۰)، مناسبت‌های مربوط به زنان (۰)، مناسبت‌های مربوط به کارگران (۰)، مناسبت‌های مربوط به کودکان (۰)، مناسبت‌های مربوط به قومیت‌ها (۰)، رویدادهای مربوط به خاندان و فعالیت‌های رژیم پهلوی (۰)، رویدادهای مرتبط با مبارزه با رژیم پهلوی (۰)، مناسبت‌های مربوط به روحانیون و مراجع (۰)، مناسبت‌های مرتبط با مشروطه (۰)، مناسبت‌های مرتبط با دکتر مصدق و جبهه ملی ایران (۰)، مناسبت‌های جهانی (۰)، رویدادهای مربوط به کشورهای دیگر، به ویژه مبارزات بر علیه قدرت‌های استعمارگر و انقلاب‌ها (۰)، رویدادهای فرهنگی اجتماعی دیگر کشورها (۰)، مناسبت‌های اقلیت‌های مذهبی (۰)، مناسبت‌های باستانی و زرتشتی (۰)، بدون مناسبت (۰)
پس از انقلاب	غیررسمی دارای مجوز	مناسبت‌های مصوب (۱۲۱)، مناسبت‌های اسلامی (۴۲)، مناسبت‌های شیعی (۳۱)، مناسبت‌های اهل تسنن (۰)، مناسبت‌های دفاع مقدس (۳۳)، مناسبت‌های مربوط به زنان (۰)، مناسبت‌های مربوط به کارگران (۰)، مناسبت‌های مربوط به کودکان (۰)، مناسبت‌های مربوط به معلمان (۰)، مناسبت‌های مربوط به دانشجویان و محصلان (۱)، مناسبت‌های مربوط به محیط زیست (۰)، مناسبت‌های مربوط به قومیت‌ها (۱)، رویدادهای مربوط به خاندان و فعالیت‌های رژیم پهلوی (۰)، رویدادهای مرتبط به مبارزه با رژیم پهلوی (۳۰)، رویدادهای مرتبط به مواجهه با جمهوری اسلامی (۰)، مناسبت‌های مربوط به روحانیون و مراجع (۲۷)، شهدای انقلاب (منطبق با روایت رسمی) (۲۹)، شهدای انقلاب (غیرمنطبق با روایت رسمی) (۰)، شهدای مربوط به دیگر رویدادها (۱۴)، مناسبت‌های مربوط به تأسیس نهادها و قوانین در ابتدای انقلاب (۲۴)، مناسبت‌های مربوط به رهبران ایران بعد از انقلاب (۱۱)، مناسبت‌های مرتبط با مشروطه (۱۱)،مناسبت‌های مرتبط با دکتر مصدق و جبهه ملی ایران (۱)، مناسبت‌های جهانی (۳)، رویدادهای مربوط به کشورهای دیگر (به ویژه مبارزات بر علیه قدرت‌های استعمارگر و انقلاب‌ها) (۱۹)، رویدادهای فرهنگی اجتماعی دیگر کشورها (۴)، رویدادهای فرهنگی و هنری ایران (۱۲)، مناسبت‌های اقلیت‌های مذهبی (۲)، مناسبت‌های باستانی و زرتشتی (۳)، مناسبت‌های اتباع (۰)، بدون مناسبت (۸)
	غیررسمی بدون مجوز	بخشی از مناسبت‌های مصوب (۵۰)، مناسبت‌های اسلامی (۱۱)، مناسبت‌های شیعی (۸)، مناسبت‌های اهل تسنن (۹)، مناسبت‌های دفاع مقدس (۲)، مناسبت‌های مربوط به زنان (۱۱)، مناسبت‌های مربوط به کارگران (۱۱)، مناسبت‌های مربوط به کودکان (۵)، مناسبت‌های مربوط به معلمان (۷)، مناسبت‌های مربوط به دانشجویان و محصلان (۷)، مناسبت‌های مربوط به محیط زیست (۵)،مناسبت‌های مربوط به قومیت‌ها (۱۵)، رویدادهای مربوط به خاندان و فعالیت‌های رژیم پهلوی (۱)، رویدادهای مرتبط به مبارزه با رژیم پهلوی (۸)، رویدادهای مرتبط به مواجهه با جمهوری اسلامی (۹)، مناسبت‌های مربوط به روحانیون و مراجع (۱)، شهدای انقلاب (منطبق با روایت رسمی) (۲)، شهدای انقلاب (غیرمنطبق با روایت رسمی) (۸)، شهدای مربوط به دیگر رویدادها (۳)، مناسبت‌های مربوط به تأسیس نهادها و قوانین در ابتدای انقلاب (۰)، مناسبت‌های مربوط به رهبران ایران بعد از انقلاب (۰)، مناسبت‌های مرتبط با مشروطه (۶)، مناسبت‌های مرتبط با دکتر مصدق و جبهه ملی ایران (۱۱)، مناسبت‌های جهانی (۱۰)، رویدادهای مربوط به کشورهای دیگر (به ویژه مبارزات بر علیه قدرت‌های استعمارگر و انقلاب‌ها) (۱۵)، رویدادهای فرهنگی اجتماعی دیگر کشورها (۷)، رویدادهای فرهنگی و هنری ایران (۹)، مناسبت‌های اقلیت‌های مذهبی (۶)، مناسبت‌های باستانی و زرتشتی (۷)، مناسبت‌های اتباع (۶)، بدون مناسبت (۱۳)

[۱] در خصوص سال‌های پیش از شکل‌گیری کمیسیون نام‌گذاری روزهای خاص در شورای فرهنگ عمومی که جایی برای ارائه مجوز رسمی برای ثبت مناسبت‌ها و مصوب کردن مناسبت‌ها وجود نداشت، منظور از مناسبت‌های مصوب مناسبت‌هایی است که در آن زمان به صورت معمول در تقویم‌های رسمی ثبت می‌شد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ۱۴ـ۴ مناسبت‌های مشترک در تقویم گروه‌های مختلف اجتماعی

ردیف	نوع تقویم	مناسبت‌های مشترک
۱	گروه‌های چپ (بیشتر در ابتدای انقلاب)	مناسبت‌های مربوط به کارگران؛ مناسبت‌های مربوط به معلمان؛ مناسبت‌های مربوط به دانشجویان و محصلان؛ مناسبت‌های مربوط به زنان (روز جهانی زن)؛ مناسبت‌های مربوط به مبارزه با رژیم پهلوی (تقویم‌های منتشر شده در ابتدای انقلاب)؛ مناسبت‌های مرتبط با دکتر مصدق و جبهه ملی ایران ؛ رویدادهای مرتبط با کشورهای دیگر (مبارزات با استعمارگران و مبارزات گروه‌های چپ)؛ رویدادهای مربوط به شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های چپ در ایران؛ مناسبت‌های مربوط به مبارزات گروه‌های قومی مانند کردها و ترک‌ها؛ رویدادهای مربوط به اندیشمندان چپ (مارکس، لنین، انگلس و ...)؛ روزهای جهانی
۲	گروه‌های مذهبی	مناسبت‌های اسلامی؛ مناسبت‌های شیعی؛ مناسبت‌های مربوط به جنگ ایران و عراق؛ رویدادهای مربوط به علما و مراجع
۳	گروه‌های ایدئولوژیک و سیاسی همسو با حکومت جمهوری اسلامی	مناسبت‌های اسلامی؛ مناسبت‌های شیعی؛ مناسبت‌های مربوط به جنگ ایران و عراق؛ رویدادهای مربوط به علما و مراجع؛ رویدادهای مربوط به انقلاب (مبارزه با رژیم پهلوی و گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی بعد از انقلاب)؛ شهدای انقلاب و جنگ و رویدادهای گوناگون پس از انقلاب؛ رویدادهای مربوط به تشکیل نهادها و قوانین بعد از انقلاب؛ مناسبت‌های مربوط به دیگر کشورها (مبارزه با کشورهایی مانند آمریکا، اسرائیل، انگلیس و دیگر قدرت‌های جهانی)
۴	گروه‌های سیاسی ناهمسو با حکومت جمهوری اسلامی	مناسبت‌های مربوط به کارگران؛ مناسبت‌های مربوط به زنان؛ مناسبت‌های مربوط به معلمان؛ مناسبت‌های مربوط به محیط زیست؛ مناسبت‌های مربوط به کودکان؛ مناسبت‌های جهانی؛ مناسبت‌های باستانی (در برخی موارد)؛ مناسبت‌های مربوط به دیگر کشورها؛ مناسبت‌های مرتبط به جبهه ملی ایران

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۵	گروه‌های قومیتی	مناسبت‌های مربوط به رویدادهای تاریخی مربوط به آن قومیت؛ مناسبت‌های مربوط به کشورهای همسو با آن قومیت (مانند ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان و ...)؛ مناسبت‌های مربوط به اهل تسنن (کردها، بلوچها و ترکمن‌ها)
۷	اقلیت‌های دینی	مناسبت‌های مربوط به آن دین؛ مناسبت‌های مربوط به کشورهای دیگر

۹-۴-۱-۴ دوره‌های خالی ـ دوره‌های پر:

تقویم‌های غیررسمی را می‌توان برمبنای دوره‌های زمانی‌ای که در آنها مطرح و برجسته شده‌اند از یکدیگر تفکیک نمود. برای مثال تقویم‌های مذهبی سنتی بیشترین تأکید را بر قرون اولیه ظهور اسلام دارند و کمتر بر دوران معاصر تأکید می‌کنند. در رویدادهای دوران معاصر نیز آنچه بیشتر در این تقویم‌ها تکرار شده است، توجه به رویداد جنگ ایران و عراق بوده است. دیگر رویدادهای پس از پیروزی انقلاب در این تقویم‌ها بازنمود چندانی نداشته است. در تقویم بسیاری از گروه‌های سیاسی ناهمسو با جمهوری اسلامی دوره پهلوی اول و رویدادهای مربوط به دولت مصدق جزو مواردی است که بازنمود برجسته‌ای دارد درحالی‌که در تقویم رسمی و تقویم‌های گروه‌های سیاسی و مذهبی همسو با قدرت سیاسی این دوران تقریبا مغفول و حذف شده است.

باستان‌گرایان دوره زمانی صدر اسلام را مغفول می‌گذارند و در عوض از دوره زمانی پیش از آن سخن می‌گویند که کمتر تقویمی به آن دوران ارجاع می‌دهد. برای قومیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی نیز زمانی‌هایی مهم و نشانه‌گذاری شده است که دیگر گروه‌ها درک چندانی از آن ندارند و ممکن است جزو دوران‌های زمانی خالی و بی‌معنا برای آنها به نظر برسد. می‌توان گفت هر گروه بر بخش‌هایی از تاریخ نور می‌اندازد و بقیه تاریخ برایش تاریک است و مانند آن است که حضور ندارد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ۱۵ـ۴ دوره‌های تاریخی برجسته در انواع تقویم‌های غیررسمی

ردیف	نوع تقویم	دوران‌های تاریخی برجسته نزد آن گروه
۱	گروه‌های چپ (بیشتر در ابتدای انقلاب)	دوران معاصر (حکومت پهلوی اول و دوم)
۲	گروه‌های مذهبی	قرون ابتدایی اسلام رژیم پهلوی دوم و سال‌های پس از انقلاب
۳	گروه‌های ایدئولوژیک و سیاسی همسو با حکومت جمهوری اسلامی	قرون ابتدایی اسلام رژیم پهلوی دوم و سال‌های پس از انقلاب
۴	گروه‌های سیاسی ناهمسو با حکومت جمهوری اسلامی	رژیم پهلوی اول و دوم دوره جنبش سبز و رویدادهای پس از آن
۵	گروه‌های قومیتی	رویدادهای آن قومیت در طول تاریخ
۷	اقلیت‌های دینی	رویدادهای ابتدای بروز و ظهور آن دین و نیز رویدادهای تاریخی در ارتباط با پیروان آن

۴-۱-۴-۱۰ نسبت با قدرت سیاسی:

جدول ۱۶ـ۴ زیر نشان می‌دهد که با گذشت زمان بر تعداد گروه‌های ناهمسو با قدرت سیاسی افزوده شده است یا دست کم تعداد بیشتری از این گروه‌ها مبادرت به انتشار تقویم می‌نمایند. در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب تعداد تقویم‌های ناهمسو قابل توجه بوده است که این ناشی از فضای سیاسی آن دوران و حضور گروه‌های سیاسی متعدد با رویکردهای متفاوت نسبت به قدرت سیاسی بوده است. سال‌های بعد به دلیل شرایط استقرار حکومت جدید و جنگ هشت ساله ایران و عراق و نیاز به همبستگی اجتماعی امکان بروز رویکردهای متفاوت در زمینه امور سیاسی،

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اجتماعی و فرهنگی را نمی‌داد. در دوره‌های بعد به تدریج هم تعداد تقویم‌های منتشر شده به صورت غیررسمی و هم تقویم‌های ناهمسو افزایش یافت.

بسیاری از تقویم‌هایی که در دسته خنثی قرار گرفته‌اند، قابل دسته‌بندی در بخش ناهمسو هستند زیرا با وجود آنکه به صورت مشخص با آوردن برخی رویدادهای تاریخی در قالب مناسبت‌ها روبروی روایت رسمی قدرت سیاسی از تاریخ نمی‌ایستند اما موضوع آنها، تصاویری که به کار برده‌اند، عدم انتشار هیچ یک از مناسبت‌های رسمی و مواردی از این دست می‌تواند آنها را جزو تقویم‌های ناهمسو قرار دهد و بدین ترتیب تعداد تقویم‌های ناهمسو به ویژه در دهه ۸۰ و ۹۰ افزایش خواهد یافت.

جدول ۱۶ـ۴ نسبت گروه‌های گوناگون با قدرت سیاسی

دوره زمانی	نسبت با قدرت سیاسی (پهلوی و جمهوری اسلامی)	تعداد
پیش از پیروزی انقلاب (دهه ۴۰ و ۵۰)	همسو	۲۲
	خنثی	۲
	ناهمسو	ــــــ
ابتدای انقلاب (۵۷-۵۹)	همسو	۰
	خنثی	۱
	ناهمسو	۴
دوران جنگ (۶۰-۶۷)	همسو	۱۵
	خنثی	۶
	ناهمسو	۶
دوران سازندگی	همسو	۱۲
	خنثی	۴

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

(۶۸-۷۶)	ناهمسو	۲
دوران اصلاحات	همسو	۱۸
(۷۷-۸۴)	خنثی	۲۶
	ناهمسو	۸
دوران عدالت	همسو	۱۶
(۸۵-۹۲)	خنثی	۳۵
	ناهمسو	۴
دوران اعتدال	همسو	۲۵
(۹۳-۹۷)	خنثی	۳۹
	ناهمسو	۲۱

۴-۱-۴-۱۱ تقویم‌های شخصیت محور/ رویداد محور:

در بسیاری از تقویم‌ها مشاهده می‌شود که تصویر و زندگینامه افراد بر صفحات مختلف تقویم نقش بسته است. برای مثال در «سررسید سینمای ایران» با تصاویر و زندگینامه بازیگران و دست اندرکاران سینمای ایران مواجه می‌شویم یا در تقویم «سالنامه موسیقی ایران» که عکس بزرگان موسیقی ایران از گذشته تا امروز مشاهده می‌شود. یکی از تقویم-های متعلق به فدائیان خلق، تصاویری را از چهره افراد عضو این گروه که در مبارزات کشته شده‌اند، منتشر کرده است. منظور از شخصیت محور بودن یک تقویم آن است که در آن بخش قابل توجهی از مناسبت‌ها، تصاویر و مطالب در خصوص شخصیت‌ها هستند درحالی‌که در تقویم‌های رویداد محور بیشتر رویدادهای مختلف تاریخی ثبت شده و مواردی که مرتبط به افراد است جای کمتری اشغال کرده است. البته وقتی از نسبت بیشتر مناسبت‌های شخصیت محور یک تقویم سخن می‌گوییم الزاما به معنای آن نیست که بیش از نیمی از مناسبت‌هایش در خصوص افراد است بلکه صرفا بر نسبت قابل توجه این مناسبت‌ها تأکید دارد.

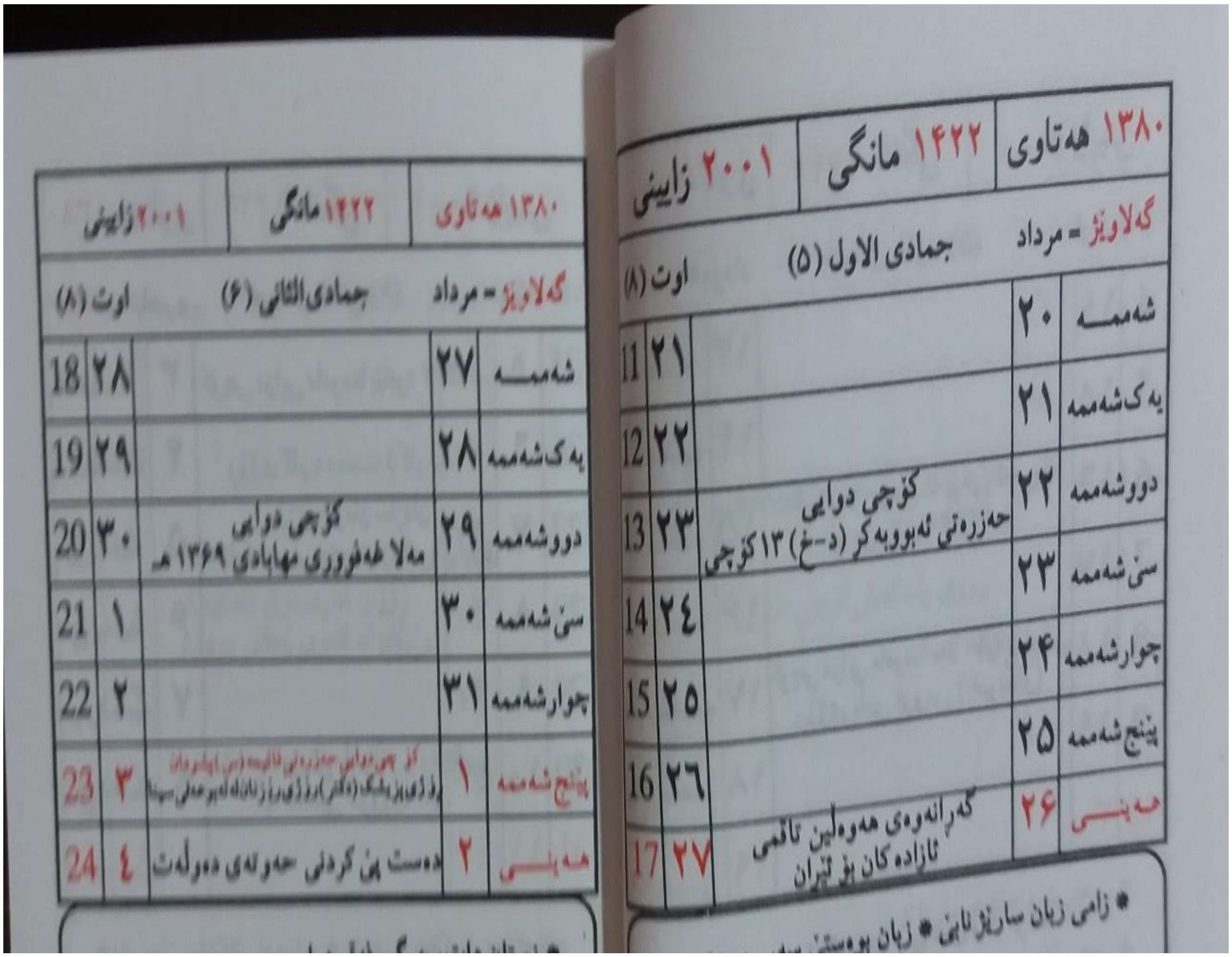
در صورتی که مناسبت‌های مذهبی را در نظر نگیریم، تقریبا در حدود ده درصد از مناسبت‌های تقویم رسمی به مناسبت‌هایی اختصاص یافته است که شخصیت محور هستند (یعنی در خصوص شهادت، ولادت یا بزرگداشت یک

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فرد خاص هستند) در حالی که در بسیاری از تقویم‌های غیررسمی این میزان بیشتر است و معمولاً به صورت معناداری با تقویم رسمی تفاوت دارد. در تقویم‌های مذهبی مشاهده می‌کنیم که بسیاری از مناسبت‌های تقویم به روحانیون و مراجع اختصاص یافته است (برای مثال تقویم گل نرگس، گل یاس، قدس، تقویم محض یار مهربان و ...). در تقویم-های دفاع مقدس با عکس و نام و وصیت‌نامه شهدا و تاریخ شهادت آنها مواجه می‌شویم و در تقویم‌های هنرمندان تصاویر هنرمندان، بیوگرافی آنها و تاریخ تولد و وفات و هر آنچه به آنها مرتبط است، می‌یابیم (برای مثال سالنامه موسیقی ایران، تقویم سینمایی، سررسید سینمای ایران). تقویم‌های زنان هم از این قاعده مستثنی نیستند و تصویر و نام و بیوگرافی زنان مهم و تأثیرگذار ایران و جهان را می‌توانیم در آنها ببینیم (مانند سالنمای زنان، زنان و فرهنگ، زنان و ...). همچنین در تقویم‌های قومیتی با این موضوع مواجهیم که تلاش شده است بر افراد مهم و نام‌آوری که متعلق به آن قومیت خاص هستند، نام برده و معرفی شوند (مانند تقویم آذربایجان، یاشماق، روژژمیری کوردستان).

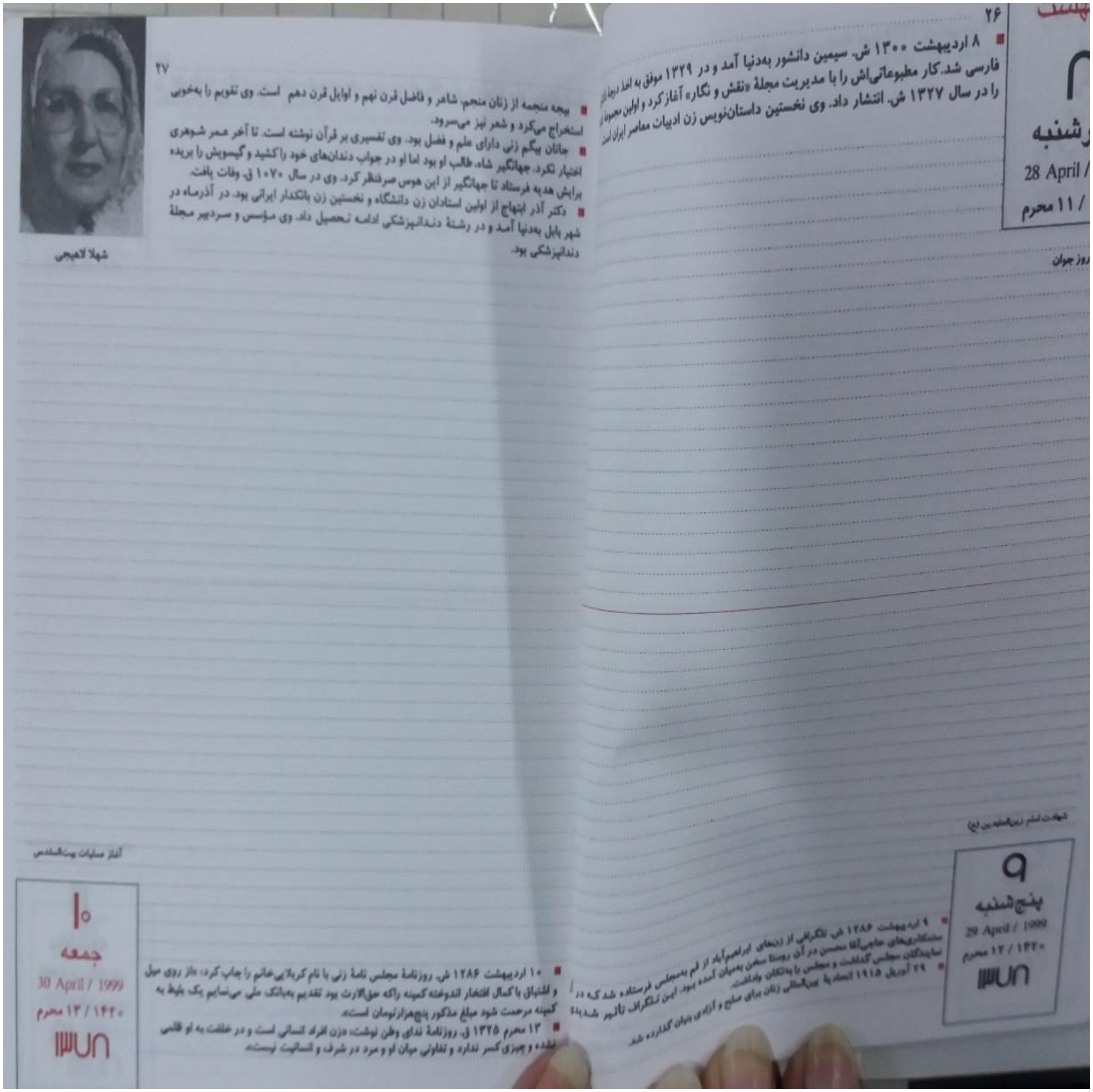
دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تصویر۲ـ ۴ نمونه‌هایی از تقویم‌های شخصیت محور (روژمیری کوردستان)



دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تصویر ۰۳ـ ۴ نمونه‌ای از تقویم شخصیت محور (سالنمای زنان)



۲۷

■ بیجه منجمه از زنان منجم، شاعر و فاضل قرن نهم و اوایل قرن دهم است. وی تقویم را به‌خوبی استخراج می‌کرد و شعر نیز می‌سرود.

■ جانان بیگم زنی دارای علم و فضل بود. وی تفسیری بر قرآن نوشته است. تا آخر عمر شوهری اختیار نکرد. جهانگیر شاه، طالب او بود اما او در جواب دندان‌های خود را کشید و گیسویش را بریده برایش هدیه فرستاد تا جهانگیر از این هوس صرف‌نظر کرد. وی در سال ۱۰۷۰ ق. وفات یافت.

■ دکتر آذر ابتهاج از اولین استادان زن دانشگاه و نخستین زن بانکدار ایرانی بود. در آذرماه در شهر بابل به‌دنیا آمد و در رشتهٔ دندانپزشکی ادامه تحصیل داد. وی مؤسس و سردبیر مجلهٔ دندانپزشکی بود.

شهلا لاهیجی

آغاز عملیات بیت‌المقدس

۱۰
جمعه
30 April / 1999
۱۳ / ۱۴۲۰ محرم
۱۳۷۸

■ ۱۰ اردیبهشت ۱۲۸۶ ش. روزنامهٔ مجلس نامهٔ زنی با نام کربلایی‌خانم را چاپ کرد: «از روی میل و اشتیاق با کمال افتخار اندوخته کهنه راکه حق‌الارث بود تقدیم به‌بانک ملی می‌نمایم یک بلیط به کهنه مرحمت شود مبلغ مذکور پنج‌هزار تومان است».

■ ۱۳ محرم ۱۳۲۵ ق. روزنامهٔ ندای وطن نوشت: «زن افراد انسانی است و در خلقت به او ظلمی نشده و چیزی کسر ندارد و تفاوتی میان او و مرد در شرف و انسانیت نیست».

۲۶

■ ۸ اردیبهشت ۱۳۰۰ ش. سیمین دانشور به‌دنیا آمد و در ۱۳۲۹ موفق به اخذ درجهٔ ... فارسی شد. کار مطبوعاتی‌اش را با مدیریت مجلهٔ «نقش و نگار» آغاز کرد و اولین مجموعهٔ ... را در سال ۱۳۲۷ ش. انتشار داد. وی نخستین داستان‌نویس زن ادبیات معاصر ایران است.

...شنبه
28 April / ...
۱۱ / ... محرم

روز جوان

شهادت امام زین‌العابدین (ع)

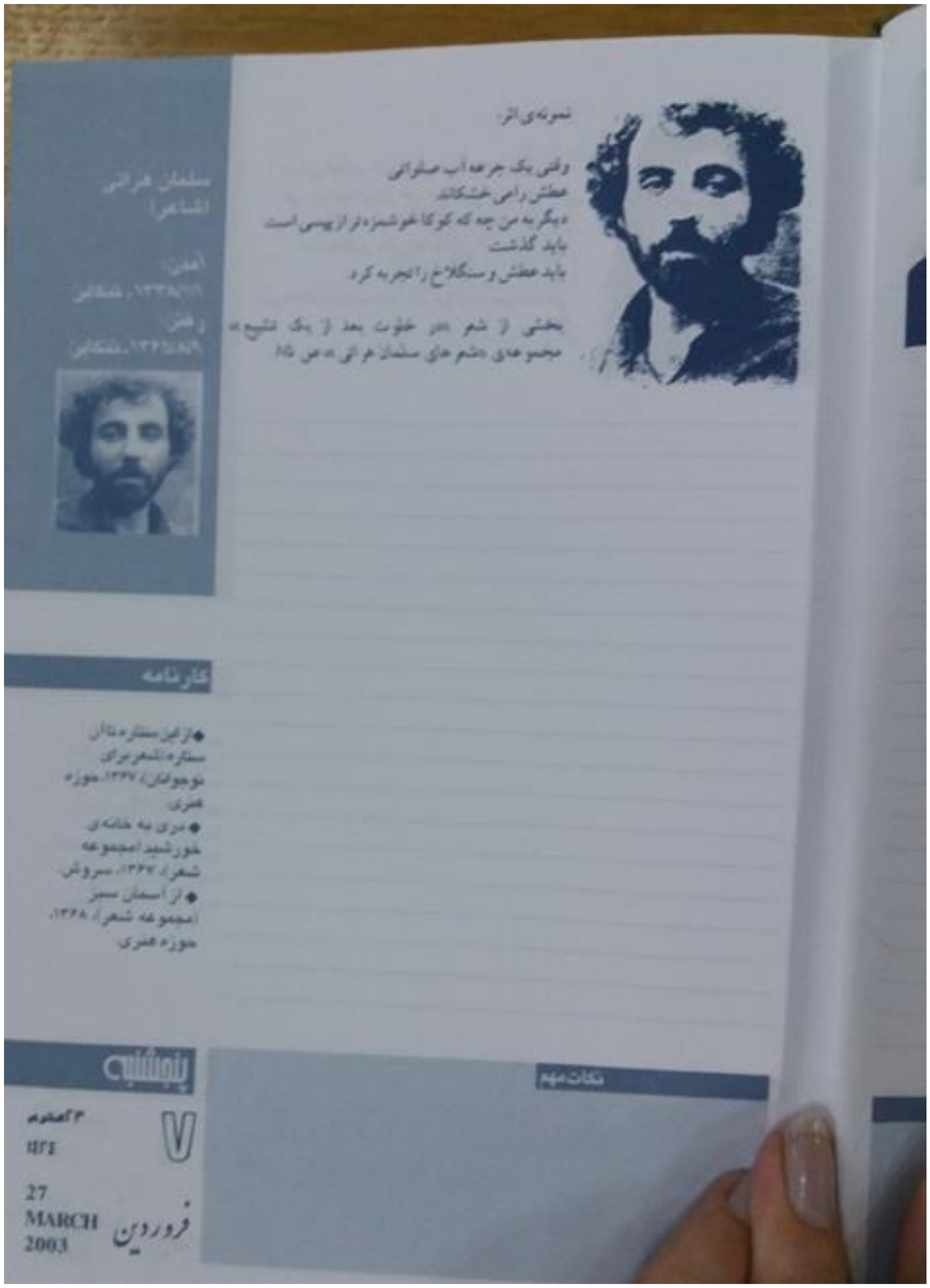
۹
پنج‌شنبه
29 April / 1999
۱۲ / ۱۴۲۰ محرم
۱۳۷۸

■ ۹ اردیبهشت ۱۲۸۶ ش. تلگرافی از زن‌های ابراهیم‌آباد از قم به‌مجلس فرستاده شد که در ... سنگکاری‌های حاجی‌آقا محسن در آن روستا سخن به‌میان آمده بود. این تلگراف تأثیر شدید ... نمایندگان مجلس گذاشت و مجلس را به‌تکان واداشت.

■ ۲۹ آوریل ۱۹۱۵ اتحادیهٔ بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی بنیان گذارده شد.

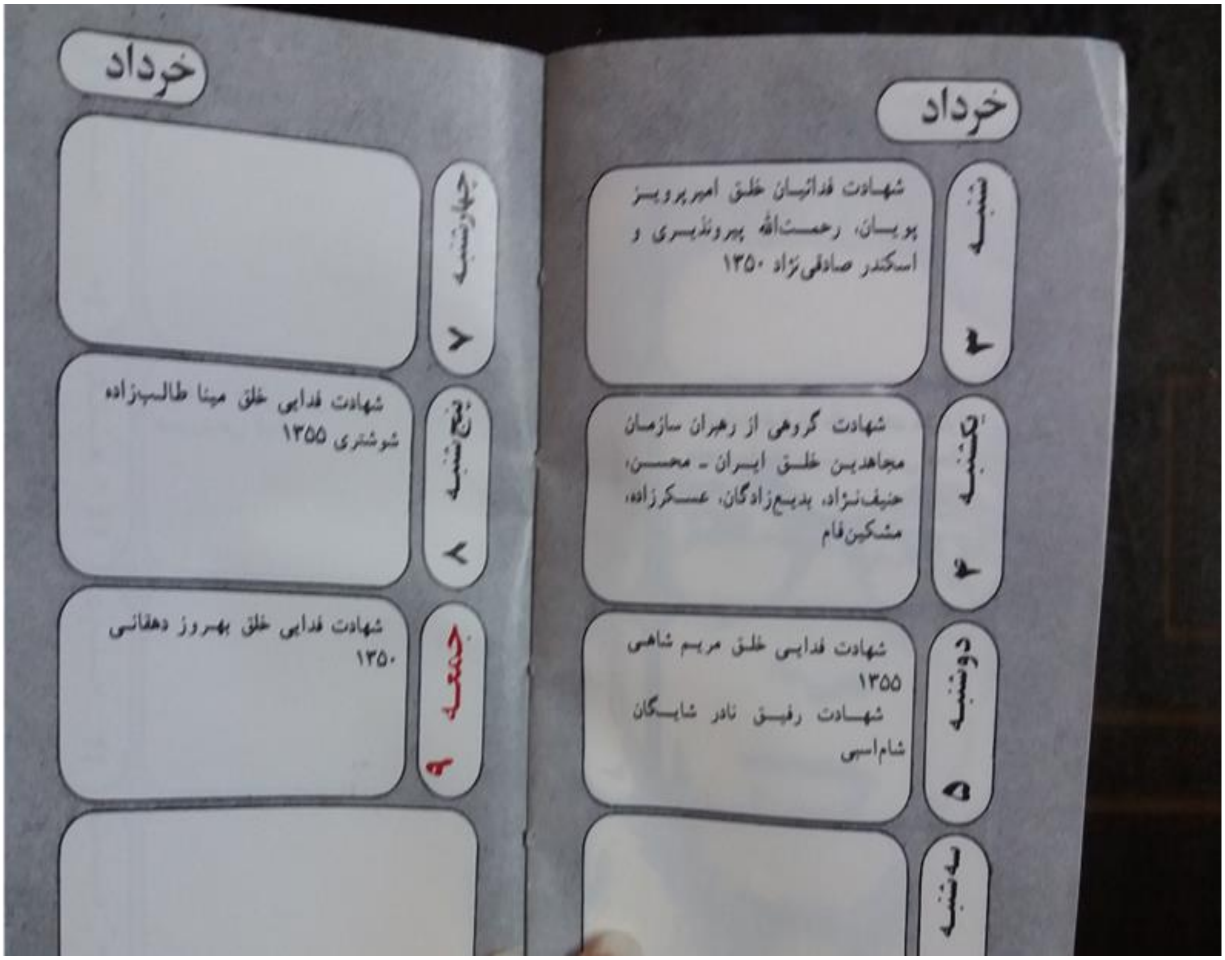
دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تصویر ۴ـ ۴ نمونه‌ای از تقویم‌های شخصیت محور (سالنامه شاعران)



دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تصویر ۵-۴ نمونه‌ای از تقویم شخصیت محور (تقویم فدائیان خلق)



۱۲-۴-۱-۴ موارد مناقشه آمیز:

برخی از مناسبت‌ها همچون محلی برای برخورد رویکردهای گوناگون عمل می‌کنند بدین معنا که در تقویم‌های گروه‌های مختلف ذکر شده و یک نقطه اشتراک ظاهری هستند اما در مورد آنها در میان گروه‌ها اختلاف وجود دارد. در میان این مناسبت‌های مناقشه‌آمیز برخی مربوط به گروه‌های اجتماعی و برخی دیگر مربوط به شخصیت‌ها هستند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱-۱۲-۴-۱-۴ روز معلم:

برای این مناسبت چندین رویداد تاریخی گوناگون ذکر شده است. در سال‌های قبل از انقلاب روز دوازدهم اردیبهشت به دلیل شهادت دکتر خانعلی در اعتراضات معلمان در سال ۱۳۴۰ روز معلم قلمداد می‌شد. پس از انقلاب شهادت مرتضی مطهری درست در همان روز ۱۲ اردیبهشت روایت دیگری به این روز افزود و البته دیگر در تقویم‌های رسمی نامی از دکتر خانعلی در روز معلم برده نشد. برای جمهوری اسلامی و افراد موافق با آن این امکان وجود دارد که این دو روایت را در یک راستا قرار دهند زیرا مرگ خانعلی نیز در راه مبارزه با حکومت پهلوی بود اما از سوی دیگر امکان خوانش دیگری نیز از این رویداد هست که با در مقابل خواست حکومت انقلابی قرار می‌گیرد زیرا وی در اعتراض معلمان نسبت به حقوق‌شان کشته شد و این همان موضوعی است که پس از انقلاب نیز قدرت سیاسی با آن دست و پنجه نرم کرده و معلمان بارها و بارها در چنین اعتراضاتی با قدرت سیاسی درگیر شده‌اند.

روایت دیگری که در سال‌های اخیر مطرح شده و برخی گروه‌ها و بخش‌هایی از جامعه آن را به عنوان روز معلم برگزیده‌اند، روز ۱۹ اردیبهشت است که روز اعدام فرزاد کمانگر معلم کرد است. کمانگر در سال ۱۳۸۹ همراه چهار نفر دیگر به جرم عضویت در پژاک و انجام عملیات تروریستی اعدام شد و اعدامش بازتاب بسیار گسترده‌ای در سطح ایران و جهان داشت. فعالین کرد مخالف قدرت سیاسی و بخش‌هایی از گروه‌های چپ به همراه برخی دیگر از اعضای جامعه با استناد به این رویداد روز ۱۹ اردیبهشت را روز معلم می‌دانند.

روایت دیگر روز جهانی معلم است که توسط یونسکو روز ۵ اکتبر مصادف با ۱۳ مهر بدین منظور معرفی شده است. این روز به ویژه در سال‌های اخیر که اعتراضات معلمان دامنه گسترده‌تری یافته است، اهمیت بیشتری پیدا کرده و در آن برخی معلمان به برگزاری مراسم یا تجمعات اعتراضی می‌پردازند.

۲-۱۲-۴-۱-۴ روز زن:

روز زن یکی از مناقشه‌برانگیزترین مناسبت‌ها پس از پیروزی انقلاب بوده است. حکومت پهلوی «روز ۲۵ آذر» را به عنوان روز مادر و روز زن انتخاب کرده بود. پس از پیروزی انقلاب روز «ولادت حضرت زهرا (۲۰ جمادی‌الثانی)» به عنوان روز زن و مادر نامیده شد. اما در همین دوران مواجهه‌ای میان بخش‌های از جمعیت زنان کشور با قدرت سیاسی در زمینه‌های مختلف شکل گرفت زیرا زنان در جمهوری اسلامی تبدیل به یکی از مسائل مهم و همیشگی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شدند. بدین ترتیب جنبش‌های زنان شکل گرفتند و حضوری جدی‌تر در عرصه عمومی پیدا کردند. «روز ۸ مارس» که روز جهانی زنان است، توسط این جنبش‌ها هر سال برگزار می‌شود. این روز که در بسیاری از کشورهای جهان رنگ و بوی سیاسی دارد و به عنوان روزی برای مطرح کردن حقوق زنان است، در ایران نیز کاملا سیاسی است و در برخی سال‌ها به مقابله قدرت سیاسی با زنانی که برای برگزاری این روز در خیابان یا دیگر مکان‌های عمومی جمع شده‌اند می‌انجامد. با افزایش میزان حساسیت قدرت سیاسی در خصوص برخی مسائل زنان مانند حجاب، در سال‌های اخیر اهمیت این روز افزایش یافته است. روز ولادت حضرت زهرا روزی است که هیچ‌گونه معنای سیاسی ندارد و در آن بیشتر مسأله ابراز عشق و علاقه نسبت به زن و مادر و جشن گرفتن این مناسبت مطرح است. روز زن در میان زرتشتیان جشنی به نام سپندارمذگان (اسفندگان) است که به عنوان روز زن و زمین شناخته می‌شود. بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که در حال حاضر روز زن توسط گروه‌های مختلف اجتماعی در زمان‌های متفاوتی برگزار می‌شود. با اینکه اغلب اعضای جامعه به دلیل ثبت ولادت حضرت فاطمه در تقویم رسمی به عنوان روز زن و تبلیغات وسیع رسانه‌های جمعی در خصوص آن، این روز را جشن می‌گیرند بخش‌هایی از جامعه که با سیاست‌های قدرت سیاسی در خصوص زنان و برخی مسائل دیگر مشکل دارند، نیز به برگزاری مراسم در روز ۸ مارس می‌پردازند. زرتشتیان و باستان‌گرایان روز اسفندگان و برخی سلطنت طلبان همچنان روز ۲۵ آذر را به عنوان روز زن جشن می‌گیرند. می‌توان برگزار کنندگان هر سه روز ۲۵ آذر، اسفندگان و ۸ مارس را در مقابل قدرت سیاسی دانست.

۳-۱۲-۴-۱-۴ روز ۲۲ بهمن

روز پیروزی انقلاب اسلامی یک نقطه عطف در تاریخ معاصر ایران است. در این روز رویدادی در تاریخ ایران به وقوع پیوست که پیوندها و گسستگی‌ها و شکاف‌های بسیاری را در همان زمان و پس از آن تا به امروز رقم زد. بدین ترتیب این روز تبدیل به یک محل نزاع و کشمکش میان گروه‌های مختلف اجتماعی شد. این درگیری‌ها را می‌توان در تقویم گروه‌های گوناگون به خوبی مشاهده کرد.

یکی از واکنش‌هایی که به ویژه در دهه اخیر در میان برخی از گروه‌هایی دیده می‌شود که دچار چالش با جمهوری اسلامی هستند، «سکوت» آنها در مقابل این روز و عدم درج مناسبت آن در تقویم‌شان است. از جمله می‌توان به تقویم‌هایی مانند برخی از تقویم‌های زنان یا تقویم‌های کارگری و نیز برخی تقویم‌های قومیتی که بدون مجوز منتشر می‌شوند، اشاره کرد. با توجه به اینکه حتی تقویم‌های غیررسمی‌ای که همه مناسبت‌های مصوب را منتشر نمی‌کنند،

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

روز ۲۲ بهمن را به عنوان روزی پیروزی انقلاب ثبت کرده‌اند، این سکوت می‌تواند نشانه بی‌تفاوتی این گروه‌ها در برابر چنین رویدادی یا عدم تعیین تکلیف با آن باشد و البته می‌تواند نشانی از مخالفت‌شان با چنین رویدادی و حاصل آن نیز باشد. «سقوط رژیم شاه و پیروزی انقلاب مردم»، دیگر عنوانی است که بر روی این مناسبت گذاشته شده است و توسط گروه‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که موافق انقلاب ایران هستند اما با محدود کردنش به یک گروه خاص مخالفند.

«سالگرد قیام مسلحانه خلق‌های قهرمان ایران» و «قیام شکوهمند خلق‌های ایران» عناوینی است که گروه‌های چپ مانند پیکار و زحمتکشان به این رویداد در همان سال‌های اولیه انقلاب داده بودند و در تقویم این گروه‌ها ثبت شده بود. تقویم نهضت ملی ایران این روز را «پایان سی و هفت روز دموکراسی و آغاز فتنه خمینی» نامیده است. در برخی از تقویم‌های باستان‌گرایانه این روز با عنوان «تازش دوم تازیان به ایران زمین» نام‌گذاری شده است که حاصل مخالفت این گروه‌ها با اسلام و حمله اعراب مسلمان به ایران است.

۴-۱۲-۴-۱-۴ دکتر علی شریعتی: درگذشت، هجرت یا شهادت

فوت دکتر شریعتی یکی از مرگ‌های مشکوکی است که در تاریخ معاصر ایران رخ داده است و بحث‌های بسیاری را از همان زمان تاکنون رقم زده است. مبارزات دکتر شریعتی با رژیم پهلوی و مرگ ناگهانی وی احتمال شهید شدن او را مطرح کرد. به ویژه دوستداران دکتر شریعتی از زمان فوت وی تا امروز او را به عنوان «شهید» خطاب می‌کنند. بررسی تقویم‌ها نشان می‌دهد که در اوایل پیروزی انقلاب اغلب تقویم‌ها اعم از تقویم‌های منتشر شده توسط گروه‌های چپ، گروه‌های مسلمان و حتی تقویم‌هایی که توسط قدرت سیاسی منتشر می‌شد، روز فوت او را به عنوان روز شهادتش قلمداد می‌کردند. اما به تدریج پس از گذشت مدتی از پیروزی انقلاب و مواجهه دوگانه جمهوری اسلامی با دکتر شریعتی (پذیرش و تبلیغ برخی از تعلیمات وی و مخالف با برخی دیگر از تعلیماتش)، عنوان شهادت جای خود را در تقویم رسمی به «درگذشت» داد. بسیاری از تقویم‌های غیررسمی که جهت‌گیری خاصی نسبت به وی نداشتند نیز همین عنوان را برای مناسبت فوت وی استفاده می‌کنند. در میان گروه‌هایی که نزدیکی بیشتری با رویکرد و اعتقادات دکتر شریعتی دارند یا خود را از شاگردان و علاقمندان او می‌دانند، دو عنوان «شهادت» و «هجرت» مورد استفاده قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد هجرت بدان دلیل به کار می‌رود تا ابهامی را که در مورد این رویداد وجود دارد، حفظ کند و هیچ یک از عناوین دیگر را مستقیما به کار نبرد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

به هر حال به نظر می‌رسد که به کار بردن هر یک از این عناوین در خصوص رویداد فوت دکتر شریعتی در جامعه امروز ایران می‌تواند جایگاه یک فرد یا گروه را در ارتباط با افکار و اعتقاداتی که شریعتی داشت و گروه‌هایی که در آن زمان و امروز این اعتقادات را نمایندگی کرده و می‌کنند نشان دهد و حتی ارتباطش را با فضای عمومی‌تر و وسیع‌تر سیاست جامعه ایران مشخص نماید و همین امر نیز موجب شده است همچنان این مناسبت یکی از مناسبت‌های مناقشه برانگیز تقویم امروز باشد.

۵-۱۲-۴-۱-۴ دکتر مصدق و آیت الله کاشانی

دوران نخست وزیری دکتر مصدق یکی از برهه‌های بسیار مهم و چالش برانگیز دوران معاصر ایران است. رویدادهای بسیار مهمی مانند کودتاها، ملی شدن صنعت نفت، چالش‌ها و درگیری‌های میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی و تأثیراتی که هر یک از این موارد بر تاریخ ایران پس از این دوران گذاشت، عامل اهمیت یافتن آن است. یکی از مهم‌ترین مواردی که در سال‌های پس از انقلاب در خصوص این دوران اهمیت یافت تناقضات و تضادهایی است که میان تاریخ رسمی و دیگر تاریخ‌ها در خصوص خوانش رویدادهای این دوران و نشاندن دکتر مصدق یا آیت‌الله کاشانی بر مسند حق و حقیقت وجود دارد. درحالی‌که تاریخ رسمی آیت‌الله کاشانی را بر حق می‌داند و مصدق را دچار انحرافات و اشتباهاتی معرفی می‌کند که در نهایت به سقوط دولتش و زندانی شدن وی انجامید، تاریخ‌های غیررسمی اغلب دکتر مصدق را به عنوان یکی از پاک‌ترین، شایسته‌ترین و ملی‌گراترین سیاستمداران ایران معرفی می‌کنند.

این دوران تاریخی در تقویم‌های رسمی و غیررسمی نیز بازنمود مشخصی دارد. در تقویم رسمی هیچ اثری از این دوران تاریخی جز رویداد «ملی شدن صنعت نفت» نیست. بسیاری از تقویم‌های غیررسمی همسو با قدرت سیاسی نیز اشاره چندانی به این دوران نمی‌کنند در حالی‌که بسیاری از گروه‌هایی که به دلایل و اشکال گوناگون با قدرت سیاسی دچار چالش هستند، به این دوران به صورت مبسوط می‌پردازند. برخی از تقویم‌ها نیز در قالب چند مناسبت خاص که همگی به دکتر مصدق و یارانش مربوط است (مانند روز تولد، وفات، زندانی شدن و تبعید و ... دکتر مصدق) به این رویداد پرداخته‌اند. بدین ترتیب پرداختن یا نپرداختن به این دوران تاریخی در تقویم را می‌توان یکی از نشانگرهای ارتباط میان یک گروه با قدرت سیاسی و با گروه‌های دیگر دانست.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲-۴- تأملی تحلیلی در خصوص تقویم‌ها

مطالعه‌ای که بر روی تقویم‌ها از جهات گوناگون انجام گرفت، ویژگی‌ها و مسائلی را در خصوص آنها آشکار نمود که در این بخش به گونه‌ای تحلیلی‌تر و عمیق‌تر به آنها خواهیم پرداخت. مقایسه ویژگی‌های ذکر شده در خصوص تقویم رسمی و تقویم‌های غیررسمی و نیز قیاس میان تقویم‌های غیررسمی موضوع را روشن می‌کند.

۴-۲-۱ شهدا، نقطه اشتراکی افتراق‌آمیز:

سخن گفتن از شهدا در تقویم رسمی و غیررسمی پس از انقلاب، جایگاه ویژه‌ای دارد. همان‌طور که هابزبام و رنجر در اثر خود «ابداع سنت» می‌گویند، «جنبش‌های انقلابی ابداع سنت را از طریق ارجاع به یک «گذشته مردم» ...به سنت‌های انقلاب ...و به قهرمانان و شهدای خودشان پشتیبانی می‌کنند.» (هابزبام و رنجر، ۲۰۰۰: ۱۳)در بسیاری از تقویم‌های دوران پس از انقلاب بخشی از مناسبت‌ها و یا تصاویر و مطالب تقویم به شهدا اختصاص دارد اما افراد یا گروه‌هایی که نام شهید را بر خود حمل می‌کنند در دوره‌های زمانی گوناگون متفاوت بوده‌اند. همچنین گروه‌های مختلف افراد متفاوتی را به عنوان شهید در تقویم خود ثبت کرده‌اند. در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب، نام شهدای انقلاب در تقویم‌ها وارد شد اما کسانی که در تقویم رسمی یا تقویم‌های گروه‌های همسو با قدرت سیاسی نام‌شان آمده بود با کسانی که در تقویم گروه مجاهدین خلق، گروه فدائیان خلق، زحمتکشان ایران، پیکار و دیگر گروه‌ها نام‌شان ثبت شده، متفاوت بوند. نام شهدای انقلاب در همان تقویم رسمی هم در سال‌های ابتدای انقلاب و چندین سال پس از آن دچار تغییراتی شد و بخشی از نام‌ها در تقویم رسمی سال‌های بعد حذف شدند (برای مثال کسانی مانند مجید شریف واقفی، مهدی و محمد امیرشاه کرمی از مهدویون، محمد کچوئی مدیر زندان اوین، ملاعلی جلالی‌زاده روحانی اهل تسنن و ...).

در دوران جنگ و پس از آن، شهدای انقلاب جای خود را تا حدی به شهدای جنگ دادند. البته در این میان باز هم روایت رسمی غلبه داشت و صرفا بخشی از نام‌ها انتخاب و مطرح شدند. در سال‌های اخیر نام شهدای مدافع حرم در کنار شهدای جنگ در برخی تقویم‌ها آمده است و برخی تقویم‌ها نیز صرفا برای معرفی شهدای مدافع حرم منتشر می‌شوند.

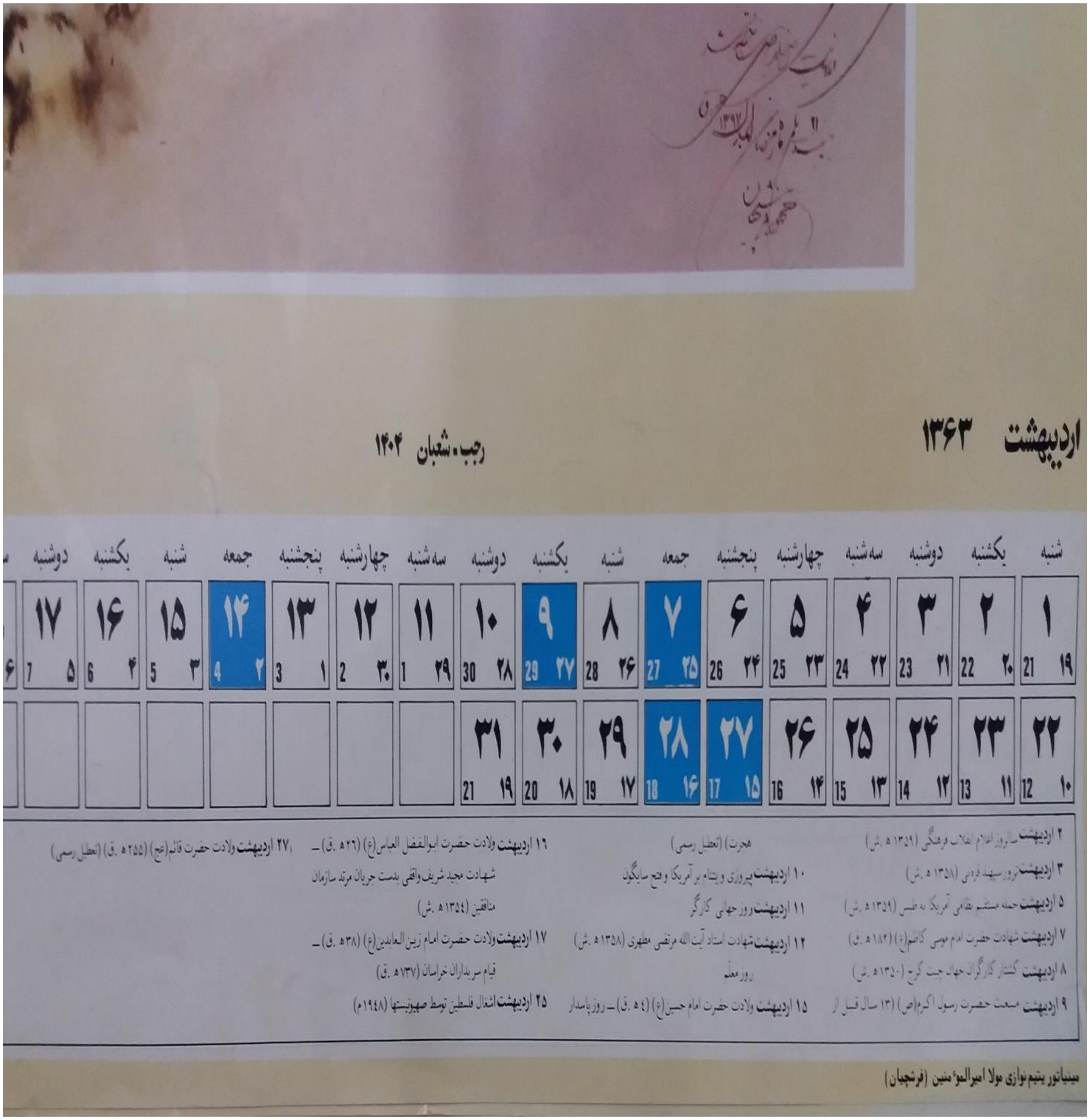
دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در تقویم قومیت‌ها، اقلیت‌های مذهبی، زنان، کارگران و گروه‌های سیاسی مختلف مانند ملی ـ مذهبی‌ها هم شهدا حضور دارند اما نام‌هایی دیگر در این تقویم‌ها خودنمایی می‌کند. نکته دیگر این است که برخی از این گروه‌ها از مفهوم «شهید» در مورد کسانی که در راه اهداف و آرمان‌های این گروه‌ها کشته شده‌اند سخن نمی‌گویند و به جای آن از «کشته شدن» استفاده می‌کنندکه می‌توان علت آن را در تصاحب عنوان «شهید» توسط گفتمان رسمی جست.

تفاوت و تقابل در اعطای عنوان «شهید» به کسانی که در دو سویه گفتمان رسمی و غیررسمی کشته شده‌اند، یکی از نقاط مهم تقابل خوانش رسمی و غیررسمی از گذشته و رویدادهای آن است. همچنین این رویارویی یک نقطه عطف مهم در ارائه تصویر یک گروه از گذشته خویش در جامعه ایران است. مفهوم «شهید» در گفتمان شیعی برترین جایگاه را دارد و تاریخ تشیع به نوعی بر اساس آن روایت می‌شود. به نظر می‌رسد این رویکرد تأثیر خود را در ارائه روایت تاریخ رسمی و نیز حافظه‌های غیررسمی گذاشته است و تبدیل به یک نقطه مهم در تقابل میان دو رویکرد شده است. در تقویم رسمی نام کسانی همچنان به عنوان شهید ذکر می‌شود که به عنوان شهدای انقلاب، جنگ، مدافع حرم و ... رویکردشان بیشترین قرابت را به رویکرد قدرت سیاسی در حال حاضر دارد و رویکردهایی که به هر دلیلی تفاوت‌هایی با این رویکرد دارند، به تدریج در سال‌های پس از انقلاب تا امروز حذف شده‌اند. تقویم‌های غیررسمی برخلاف تقویم رسمی در روایت خود از رویدادهای پیش از انقلاب، انقلاب، جنگ و پس از جنگ تا امروز معمولا نام کسانی را به عنوان شهید ذکر کرده‌اند که جایی در تقویم رسمی، رسانه‌های جمعی و یادبودها و مراسم گوناگون رسمی ندارند. همچنین کسانی که در سال‌های پس از انقلاب در مبارزه با جمهوری اسلامی به هر دلیلی کشته شده‌اند، تعداد زیادی از مناسبت‌های برخی ازتقویم‌های غیررسمی را تشکیل می‌دهند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تصویر ۶ـ ۴ شهدایی که در ابتدای انقلاب در تقویم بودند و بعد حذف شدند (تقویم حزب جمهوری اسلامی)



دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۴-۲-۲ شخصیت‌ها و رویدادهایی که حاشیه‌ای می شوند:

در سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب و پیش از تشکیل «کمیسیون نام‌گذاری روزهای خاص» در شورای فرهنگ عمومی، در کنار تقویم رسمی‌ای که منتشر می‌شد برخی از نهادهای رسمی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا استانداری‌ها تقویم‌هایی را منتشر می‌نمودند که نسبت به تقویم رسمی مفصل‌تر و دارای مناسبت‌های بیشتری بود. در واقع به نظر می‌رسد با انتشار این تقویم‌ها نهادهای مذکور خود را در قالب گروه‌هایی می‌دیدند که از این طریق امکان نشان دادن نظرات و رویکردهای‌شان را دارند. این به معنای عدم شکل‌گیری تمرکزگرایی و یکپارچگی تحمیلی در درون قدرت سیاسی در آن زمان است. البته نمی‌توان گفت این نهادها به صورت کاملا مستقل از بالادستی‌ها و مقام‌های حکومتی عمل می‌کردند و آنچه در تقویم‌های‌شان ثبت می‌کردند، با آنچه مدنظر جمهوری اسلامی بود تفاوت داشت بلکه صرفا نشانی از آزادی عمل بیشتر و تمرکزگرایی کمتر دارد.

همان‌طور که پیش‌تر در مورد تقویم‌هایی که توسط نهادهای رسمی در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب منتشر می‌شدند، گفته شد این تقویم‌ها با وجود اینکه نشان دهنده آزادی عمل بیشتر نهادهای رسمی در آن زمان بودند اما همچنان رویکرد جمهوری اسلامی را بازنمایی می‌کنند. تقویم‌های منتشر شده توسط چنین نهادهایی به نوعی نشان دهنده رویکرد نهادهای رسمی نسبت به رویدادهای مختلف تاریخی ایران و جهان و نیز شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار بودند. مراجعه به این تقویم‌ها از این جهت برای ما اهمیت دارد که تغییر رویکرد قدرت سیاسی را در این سال‌ها نسبت به رویدادها و اشخاص نشان می‌دهد. با شکل‌گیری کمیسیون نام‌گذاری و متحدالشکل شدن تقویم‌های رسمی این تقویم‌ها دیگر منتشر نشدند.

از جمله رویدادهای داخلی که به آنها در تقویم‌های منتشر شده توسط نهادهای رسمی ابتدای انقلاب، اشاره شده است اعتصابات و مبارزات کارگری (کشتار کارگران جهان چیت کرج) در دوران پیش از انقلاب و سرکوب آنها توسط رژیم پهلوی بود که در تقویم رسمی در حال حاضر اثری از آنها نیست. مناسبت‌های زیادی در ارتباط با استقلال کشورهایی مانند اندونزی، مالزی، پاکستان، کشورهای آفریقایی و ... در این تقویم آمده است. «تصویب اعلامیه حقوق بشر» و «اشغال کشور اسلامی افغانستان توسط ارتش متجاوز شوروی» هم از جمله مناسبت‌هایی است که توجه را به خود جلب می‌کند. برخی نام‌ها در چنین تقویم‌هایی وجود داشت که اکنون جایی در تقویم رسمی ندارند از جمله شریف واقفی، صمدیه لباف و لبافی‌نژاد (که از اعضای حزب مجاهدین خلق بودند اما دیگر با ایدئولوژی غالب

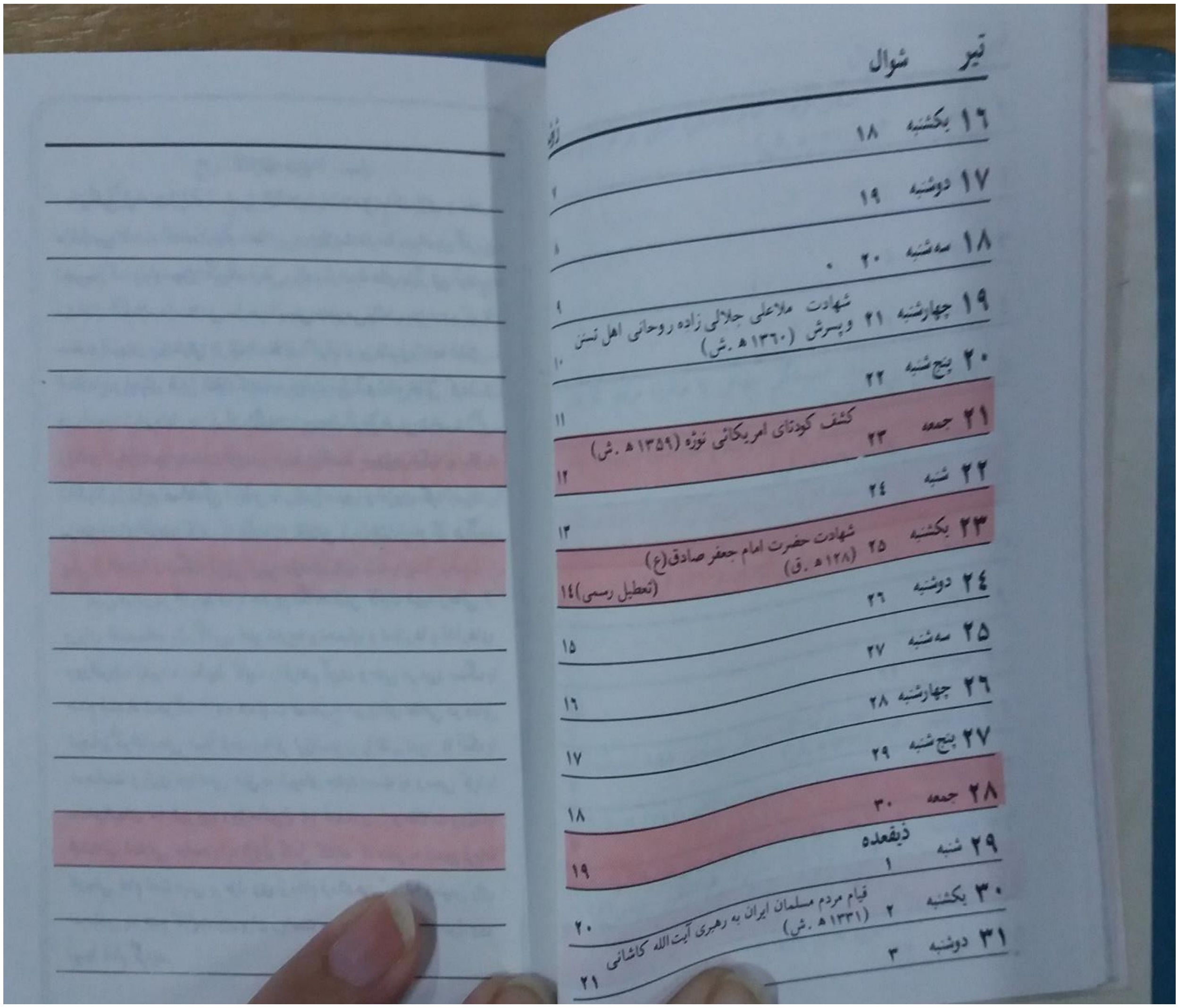
دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

گروه همدلی نداشتند و توسط اعضای گروه به قتل رسیدند یا اطلاعات‌شان به ساواک داده شد و اعدام شدند)، آیت‌الله موسوی اردبیلی (به عنوان اولین دادستان کل کشور)، برخی از روحانیون سنی مانند ملاعلی جلالی‌زاد (که همراه پسرش در سال ۱۳۶۰ کشته شدند) و کسانی مانند شیخ محمد خیابانی، کلنل محمدتقی خان پسیان و میرزا رضای کرمانی. البته تعداد نام‌هایی که در آن زمان در تقویم‌های مذکور بودند و امروز نیستند، بسیار بیش از این‌هاست. اگرچه عدم امکان ثبت تمامی این موارد در تقویم یک علت حذف این نام‌ها و رویدادها از آن است اما از سوی دیگر نشان‌دهنده آن است که کدام نام‌ها و رویدادها و در واقع کدام روایت از تاریخ برای جمهوری اسلامی مهم‌تر بوده است. روایت‌هایی که ذکر نشده‌اند یا به آن میزان اهمیت نداشته‌اند و یا خواست قدرت سیاسی حذف آنها و فراموشی‌شان بوده است.برخی از این رویدادها که دیگر جایی در روایت رسمی ندارند، اکنون در تقویم‌های غیررسمی ثبت می‌شوند. در واقع یک روایت در ابتدای انقلاب، تبدیل به چندین روایت در سال‌های بعد شده است که گاه حتی در تضاد با روایت رسمی قرار دارند. همان‌طور که در بخش نظری آمد، «حافظه‌ی جمعی توجه عموم را به مسایل مربوطه‌ی خاصی معطوف می‌سازد که در تقابل با مسایلی دیگر هستند؛ که این مسایل دیگر، اگرچه از همان میزان تاثیر برخوردارند، اما از نظر سیاسی، نامناسب تشخیص داده می‌شوند. در واقع، رویدادها و چهره‌های تاریخی‌ای که از نظر تاریخی بی‌اهمیت هستند، در اکثر موارد، بیشترین تهدید را برای نظمِ استقراریافته دارند.» (رایان، ۲۰۱۰: ۱۵۸)

علاوه بر مناسبت‌ها، تصاویر و مطالب نوشته شده در تقویم‌ها نیز همین کارکرد را دارند. برای مثال می‌توان به تصویر زیر اشاره کرد که یک تقویم دیواری متعلق به سال ۱۳۵۸ را نشان می‌دهد که در آن عکس آیت‌الله شریعتمداری در کنار امام خمینی و آیت‌الله طالقانی آمده است.

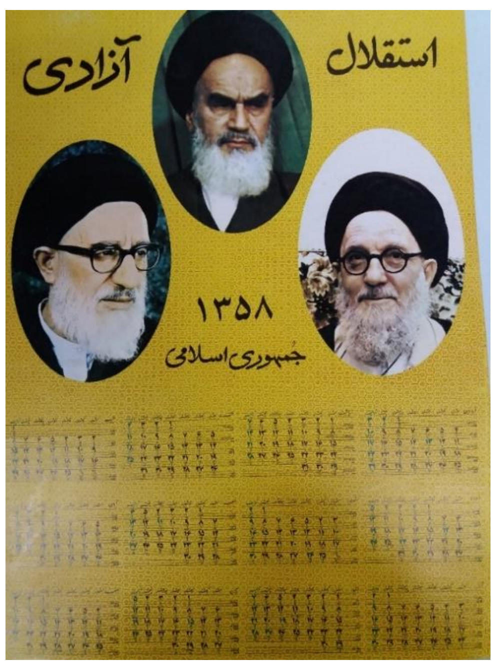
دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تصویر ۷ـ ۴ نمونه‌ای از تقویم‌های نهادهای رسمی در ابتدای انقلاب (تقویم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)



دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بررسی تقویم‌های غیررسمی منتشر شده در ابتدای انقلاب هم نشان می‌دهد که در آن زمان نوعی همخوانی میان روایت رسمی و بسیاری از دیگر روایت‌های غیررسمی وجود داشت که به تدریج در سال‌های بعد این رویه تغییر کرد و همخوانی و همراهی تبدیل به جدایی و در برخی موارد تقابل و تخاصم گردید. در تقویم‌های متعلق به گروه‌های چپ مانند جمعیت پیکار، سازمان مجاهدین خلق و حزب توده علاوه بر مناسبت‌هایی که در خصوص شهادت اعضای این گروه‌ها و نیز رویدادهای مرتبط به آنها آمده است، روایت قتل و شکنجه توسط رژیم پهلوی و رویدادهای مختلف منتهی به انقلاب در کنار مبارزه کشورهای گوناگون جهان با استعمار از جمله مواردی است که ثبت شده است. همچنین تأکید بر نام‌هایی مشترک مانند طالقانی، شریعتی، شیخ محمد خیابانی و کلنل محمدتقی خان پسیان.



دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۴-۲-۳ مجاز و غیرمجاز: شکاف یا بی‌تفاوتی

مواجهه گروه‌های اجتماعی گوناگون با گذشته مشترک جامعه‌ای که در آن می‌زیند، یکی ازراه‌هایی است که میزان همگرایی و همبستگی یا واگرایی موجود در درون یک جامعه را می‌توان با آن سنجید. اینکه تا چه میزان این گروه‌ها در خصوص رویدادهای گذشته تاریخی خود اشتراک و توافق دارند، می‌تواند عامل نزدیک و هم افق شدن آنها با یکدیگر و یا جدایی و گسست‌شان گردد. بررسی جداول بالا در خصوص ارتباط میان این گروه‌ها با یکدیگر و با قدرت سیاسی تا اندازه‌ای روشنگر است و شرایط موجود در جامعه امروز ایران را تا حدودی به ما نشان می‌دهد.

۴-۲-۳-۱ تقابل در نوع مناسبت‌ها:

در جدولی که نوع مناسبت‌های ثبت شده در تقویم‌های غیررسمی مجاز و بدون مجوز را ارائه کرده است، می‌بینیم که اشتراک کمی میان این گروه‌ها از نظر نوع مناسبت‌هایی که مدنظرشان است، وجود دارد؛ درحالی‌که گروه‌های مجاز بر رویدادهایی مانند مناسبت‌های مذهبی اسلامی و شیعی، جنگ ایران و عراق، رویدادهای مربوط به روحانیون و مراجع، انقلاب و رویدادهای قبل و پس از آن و ... تأکید دارند تقویم‌های بدون مجوز رویدادهای مربوط به اقلیت‌های مذهبی، قومیت‌ها، زنان، کودکان، کارگران، دانشجویان، مناسبت‌های جهانی، مناسبت‌های باستانی و مواردی از این قبیل را برجسته می‌کنند. دست کم وجود تفاوتی آشکار میان این گروه‌ها و رویکردشان نسبت به گذشته تاریخی مشترک بر این اساس قابل بازشناسی است و پرسش این است که این تفاوت آیا به گسست می‌انجامد یا نوعی تکثر خنثی را در جامعه نشان می‌دهد؟ در خصوص ارتباط با قدرت سیاسی می‌توان از گسست قطعی میان گروه‌هایی که بدون مجوز تقویم منتشر می‌کنند با قدرت سیاسی سخن گفت زیرا هر یک از دغدغه‌هایی مانند زنان، کودکان، کارگران، معلمان و حتی کودکان و محیط زیست در زیست سیاسی جامعه امروز تبدیل به تقابل‌های جدی قدرت سیاسی با گروه‌های مدنی و فعال اجتماعی شده‌اند و در واقع نوعی تقابل با بخش بزرگی از جامعه که شامل زنان، کودکان، کارگران، معلمان و ... می‌شوند را به وجود آورده است. در مورد ارتباط میان گروه‌های اجتماعی گوناگون (به ویژه گروه‌هایی که اینجا با تقسیم‌بندی مجاز و بدون مجوز مشخص شده‌اند) هم می‌توان نشانه‌هایی از گسست و شکاف را میان آنها مشاهده کرد. برای مثال گروه‌های مذهبی سنتی با رویکرد این گروه‌ها در خصوص زنان و کودکان دچار چالش هستند. همچنین عدم توجه گروه‌های بدون مجوز به مناسبت‌های مذهبی و توجه جدی گروه‌های مذهبی سنتی (که جزو گروه‌های مجاز هستند) به این مناسبت‌ها خود یک مواجهه جدی دیگر است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

گروه‌های مذهبی ایدئولوژیک و گروه‌های سیاسی همسو با قدرت سیاسی نیز با اغلب مناسبت‌هایی که مدنظر این گروه‌هاست مخالفت و تقابل اساسی دارند از جمله توجه به مناسبت‌های جهانی، باستانی، قومیتی، زنان، کارگران، معلمان، محیط زیست، دانشجویان و ... . حتی نسبت این گروه‌ها با گروه‌هایی همچون هنرمندان که به نظر می‌رسد دارای تقویم‌هایی خنثی هستند نیز نسبتی تقابلی و چالشی است. اگرچه در مناسبت‌های این گروه‌ها کمتر مناسبتی چالش برانگیز مشاهده می‌شود اما ارائه تصاویری از هنرمندان زن بدون حجاب یا با حجاب‌های غیرقابل قبول در میان این گروه‌ها، سخن گفتن از موسیقی و موسیقیدانان که یکی از نقاط تقابل قدرت سیاسی، روحانیت، گروه‌های مذهبی سنتی و برخی دیگر از گروه‌های همسو با قدرت سیاسی، با هنر در سال‌های پس از انقلاب بوده است، نشانه دیگری از چنین نسبتی است.

تقابل‌های ذکر شده را می‌توان به صورت مشخص‌تر در رویدادهایی دید که نقطه بروز مناقشات گوناگون هستند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تصویر ۸ـ۴ نمونه‌ای از یک تقویم مربوط به قدرت سیاسی و مناسبت‌های آن (تقویم منتشر شده توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

روزشمار سال ۱۳۹۲ هجری شمسی

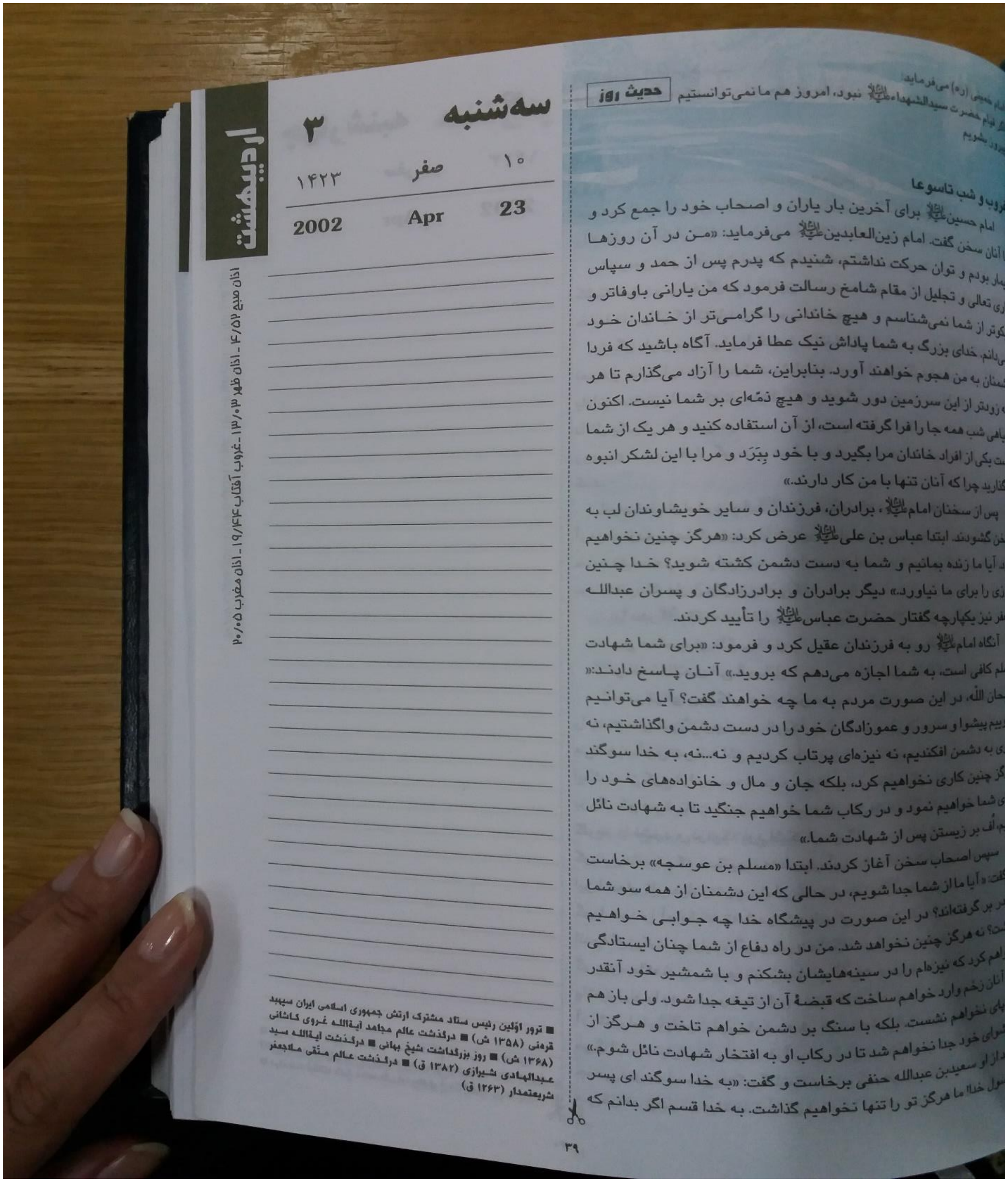
فروردین (حمل)

٦

ایام هفته	د.شمسی	د.قمری	میلادی	رویدادها
جمعه	۱ فروردین	۱۹ جمادی‌الاول	۲۱ مارس	آغاز سال ۱۳۹۱ هجری شمسی و عید نوروز – تعطیل – رحلت همسر گرامی امام خمینی(ره)(۱۳۸۸ه.ش) – روز بین‌المللی رفع تبعیض نژادی – روز بین‌المللی نوروز – روز جهانی شعر
شنبه	۲	۲۰	۲۲	عید نوروز – تعطیل – تهاجم ماموران رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه قم(۱۳۴۲ه.ش) عملیات فتح المبین(غرب دزفول و شوش)(۱۳۶۱ه.ش) – روز جهانی آب
یکشنبه	۳	۲۱	۲۳	عید نوروز – تعطیل – تأسیس حوزه علمیه(۱۳۰۱ه.ش) – ترور شیخ احمد یاسین مؤسس و رهبر جنبش حماس(۱۳۸۳ه.ش) – روز جهانی هواشناسی – جنگ جمل(۳۶ه.ق)
دوشنبه	۴	۲۲	۲۴	عید نوروز – تعطیل – روز جهانی بیماری سل
سه شنبه	۵	۲۳	۲۵	خروج ایران از پیمان سنتو(۱۳۵۸ه.ش)
چهارشنبه	۶	۲۴	۲۶	عملیات بیت المقدس ۴ (دوبند پخان)(۱۳۶۷ه.ش)
پنجشنبه	۷	۲۵	۲۷	
جمعه	۸	۲۶	۲۸	شکست منافقین در عملیات چلچراغ(فکه)(۱۳۶۷ه.ش)
شنبه	۹	۲۷	۲۹	وفات جناب عبدالمطلب(ع)(۸سال قبل از هجرت)
یکشنبه	۱۰	۲۸	۳۰	همه پرسی تغییر رژیم شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی(۱۳۵۸ه.ش) – رحلت آیت الله العظمی بروجردی(ره)(۱۳۴۰ه.ش)
دوشنبه	۱۱	۲۹	۳۱	وفات محمد بن عثمان عمری دومین نائب خاص امام زمان(عج)
سه شنبه	۱۲	۱ جمادی‌الثانی	۱ آوریل	روز جمهوری اسلامی ایران(۱۳۵۸ه.ش) – تعطیل
چهارشنبه	۱۳	۲	۲	روز طبیعت – تعطیل – قیام کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان(۱۳۰۰ه.ش)
پنجشنبه	۱۴	۳	۳	شهادت حضرت فاطمه زهرا(س)(۱۱ه.ق–بنا بر روایت ۹۵ روز پس از رحلت پیامبر(ص)) – تعطیل – روز جهانی آگاهی درباره بیماری اوتیسم
جمعه	۱۵	۴	۴	عملیات محور کرخه(دزفول)(۱۳۶۰ه.ش) – تاسیس تیپ ۱۰ سید الشهدا(ع) توسط سردار وزوایی(۱۳۶۱ه.ش) – درگذشت پروین اعتصامی(۱۳۲۰ه.ش) – روز بین المللی آگاهی از مین و کمک به اقدام علیه مین
شنبه	۱۶	۵	۵	قیام روحانی مبارز شیخ محمد خیابانی در آذربایجان(۱۲۹۹ه.ش)
یکشنبه	۱۷	۶	۶	آزادی حضرت امام(ره)از زندان رژیم طاغوت(۱۳۴۳ه.ش)
دوشنبه	۱۸	۷	۷	عملیات کربلای ۸ (شرق بصره)(۱۳۶۶ه.ش) – روز سلامتی(روز جهانی بهداشت)، هفته بهداشت مدارس
سه شنبه	۱۹	۸	۸	شهادت آیت الله محمد باقر صدر و خواهرایشان (بنت الهدی) توسط رژیم بعث عراق(۱۳۵۹ه.ش) – انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی(۱۳۶۷ه.ش) – ازدواج حضرت عبدالله و آمنه(ع)
چهارشنبه	۲۰	۹	۹	روز ملی فن آوری هسته ای – عملیات والفجر ۱ (شمال غرب فکه)(۱۳۶۲ه.ش) – کربلای ۹ (قصر شیرین)(۱۳۶۶ه.ش) قطع رابطه سیاسی ایران و آمریکا(۱۳۵۹ه.ش) – شهادت سید مرتضی آوینی(۱۳۷۲ه.ش) – روز هنر انقلاب اسلامی
پنجشنبه	۲۱	۱۰	۱۰	شهادت امیر سپهبد علی صیاد شیرازی(۱۳۷۸ه.ش)– تاسیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی(۱۳۵۸ه.ش) – انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی(۱۳۷۱ه.ش)–کشتار فلسطینیان دیریاسین(۱۳۲۷ه.ش)
جمعه	۲۲	۱۱	۱۱	کشف کودتای به اصطلاح براندازی حکومت اسلامی(۱۳۶۱ه.ش) – عملیات بیت المقدس ۵ (پنجوین)(۱۳۶۷ه.ش)
شنبه	۲۳	۱۲	۱۲	کشته شدن نادرشاه (۱۱۶۱ه.ق)
یکشنبه	۲۴	۱۳	۱۳	وفات حضرت ام البنین(س)(۶۴ه.ق)روز تکریم مادران و همسران شهدا – حادثه انفجار حسینیه سیدالشهدا(ع) کانون رهپویان وصال شیراز(۱۳۸۷ه.ش)
دوشنبه	۲۵	۱۴	۱۴	عملیات محور شوش(محور شوش)(۱۳۶۰ه.ش) – عملیات فتح ۵ (چوارتا سلووت)(۱۳۶۶ه.ش) – عملیات نصر ۱ (غرب بانه)(۱۳۶۶ه.ش) – بزرگداشت عطار نیشابوری
سه شنبه	۲۶	۱۵	۱۵	شهادت خالد اسلامبولی و یارانش به اتهام ترور محمد انور سادات(۱۳۶۱ه.ش) – انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی(۱۳۶۳ه.ش)– هلاکت هارون الرشید در طوس(۱۹۳ه.ق)
چهارشنبه	۲۷	۱۶	۱۶	شهادت سردار سرلشگر پاسدار رضا چراغی فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص)(۱۳۶۲ه.ش)
پنجشنبه	۲۸	۱۷	۱۷	
جمعه	۲۹	۱۸	۱۸	روز ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروی زمینی
شنبه	۳۰	۱۹	۱۹	عملیات کربلای ۱۰ (ماووت)(۱۳۶۶ه.ش)
یکشنبه	۳۱	۲۰	۲۰	ولادت حضرت فاطمه زهرا(س)(۸ه.ش قبل از هجرت یا سال پنجم بعثت)و روز زن – ولادت امام خمینی(ره)(۱۳۲۰ه.ش)

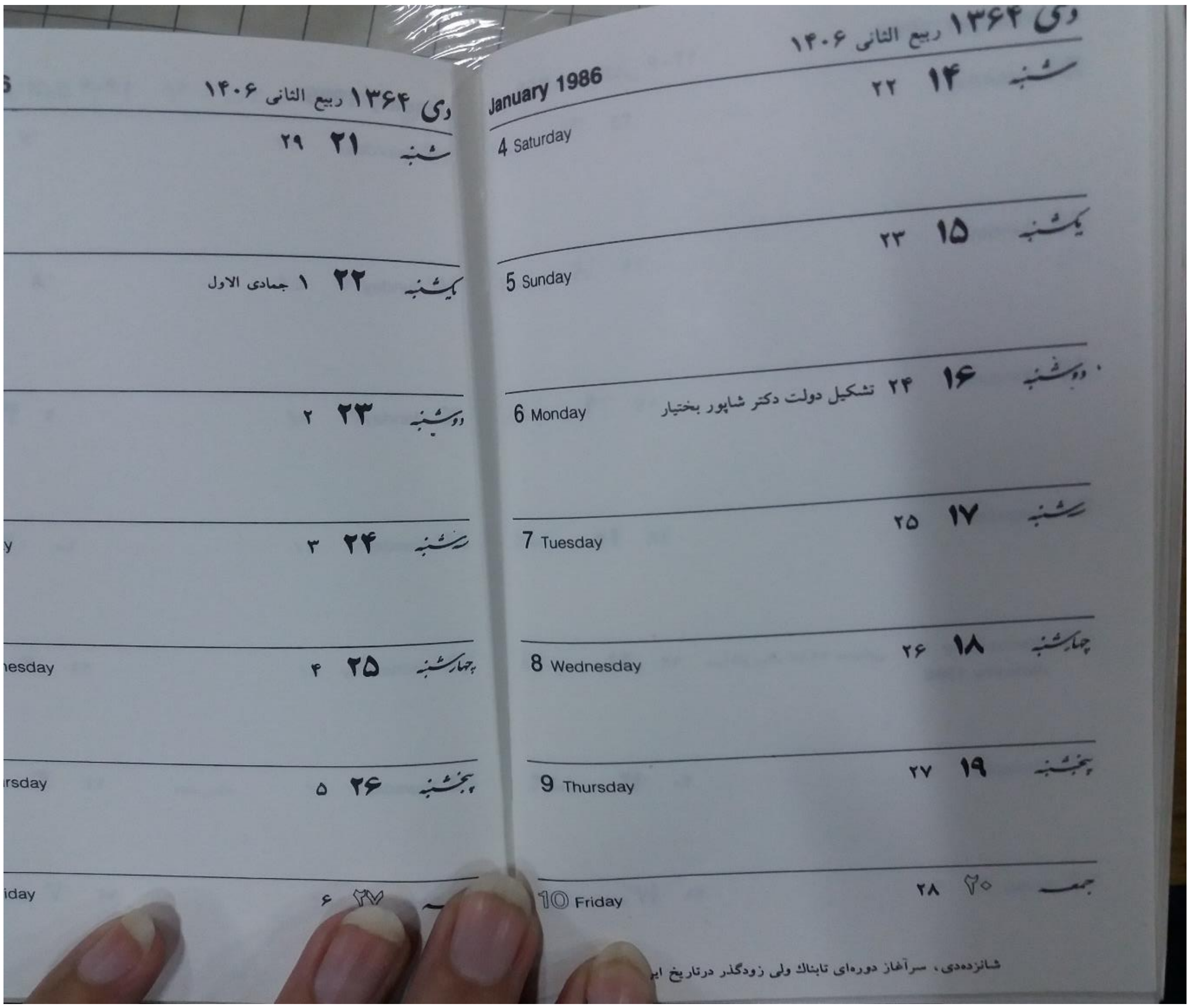
دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است. استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تصویر ۴-۹۰ نمونه‌ای از یک تقویم مذهبی (روزشمار عترت منتشر شده توسط موسسه خیریه باقیات صالحات)



دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تصویر ۱۰-۴ نمونه‌ای از یک تقویم ناهمسو با قدرت سیاسی (تقویم نهضت ملی ایران)



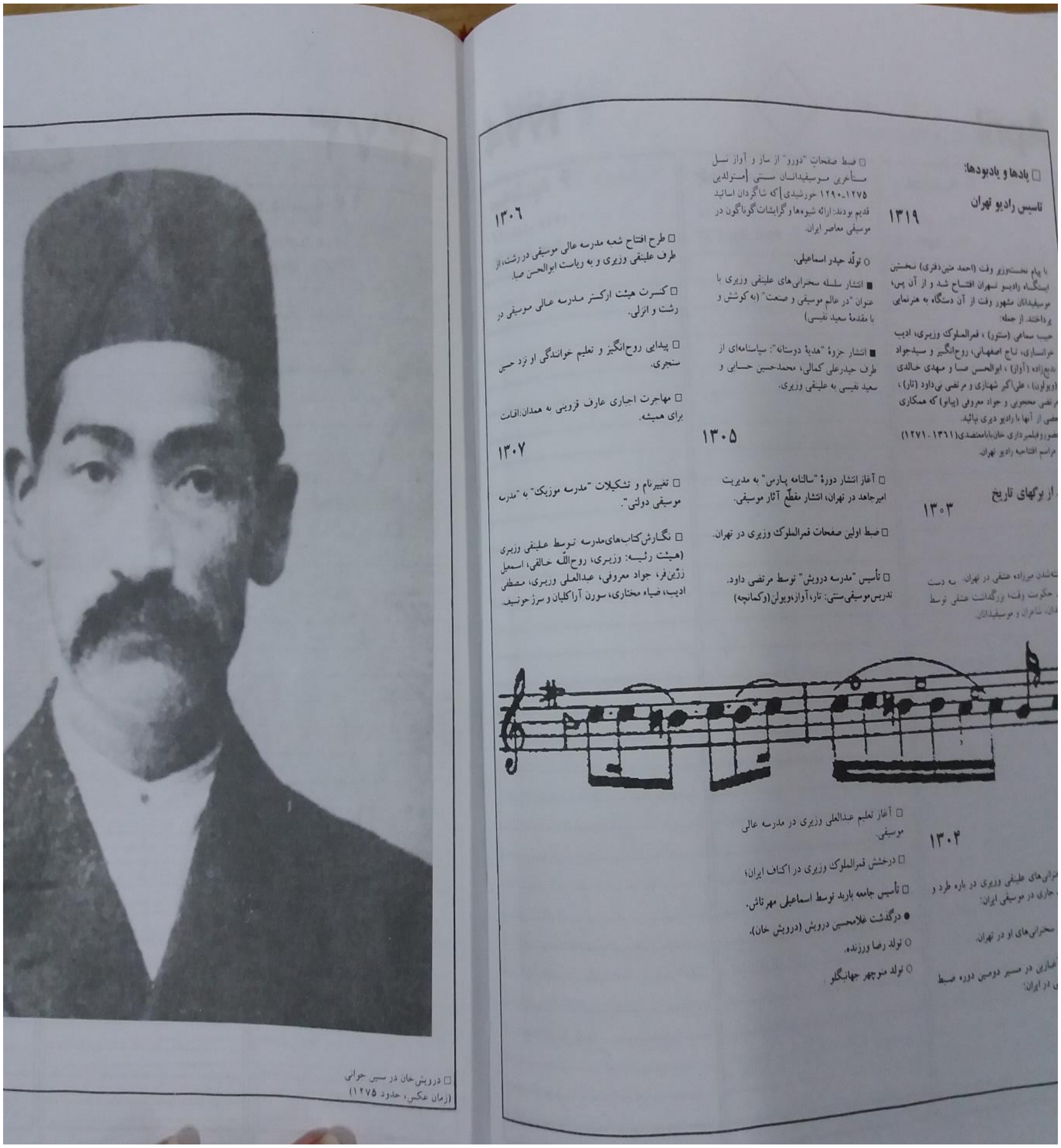
دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تصویر ۱۱-۴ نمونه‌ای از یک تقویم همسو با قدرت سیاسی (تقویم لشگر ۲۷ محمد رسول الله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)



دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تصویر ۱۲-۴ نمونه‌ای از یک تقویم مربوط به هنرمندان (سالنامه موسیقی)



□ یادها و یادبودها:

تاسیس رادیو تهران

۱۳۱۹

با پیام نخست‌وزیر وقت (احمد متین‌دفتری) نخستین ایستگاه رادیو تهران افتتاح شد و از آن پس، موسیقیدانان مشهور وقت از آن دستگاه به هنرنمایی پرداختند. از جمله:

حبیب سماعی (سنتور)، قمرالملوک وزیری، ادیب خوانساری، تاج اصفهانی، روح‌انگیز و سیدجواد بدیع‌زاده (آواز)، ابوالحسن صبا و مهدی خالدی (ویولون)، علی‌اکبر شهنازی و مرتضی نی‌داود (تار)، مرتضی محجوبی و جواد معروفی (پیانو) که همکاری برخی از آنها با رادیو دیری پائید.

تصویر و فیلمبرداری خان‌بابامعتضدی (۱۳۶۱-۱۲۷۱) مراسم افتتاحیه رادیو تهران.

□ ضبط صفحات "دورو" از ساز و آواز نسل متأخرین موسیقیدانان سنتی [متولدین ۱۲۹۰-۱۲۷۵ خورشیدی] که شاگردان اساتید قدیم بودند: ارائه شیوه‌ها و گرایشات گوناگون در موسیقی معاصر ایران.

○ تولّد حیدر اسماعیلی.

■ انتشار سلسله سخنرانی‌های علینقی وزیری با عنوان "در عالم موسیقی و صنعت" (به کوشش و با مقدمهٔ سعید نفیسی)

■ انتشار جزوهٔ "هدیهٔ دوستانه": سپاسنامه‌ای از طرف حیدرعلی کمالی، محمدحسین حسابی و سعید نفیسی به علینقی وزیری.

۱۳۰۶

□ طرح افتتاح شعبه مدرسه عالی موسیقی در رشت، از طرف علینقی وزیری و به ریاست ابوالحسن صبا.

□ کنسرت هیئت ارکستر مدرسه عالی موسیقی در رشت و انزلی.

□ پیدایی روح‌انگیز و تعلیم خوانندگی او نزد حسین سنجری.

□ مهاجرت اجباری عارف قزوینی به همدان. اقامت برای همیشه.

۱۳۰۷

□ تغییرنام و تشکیلات "مدرسه موزیک" به "مدرسه موسیقی دولتی".

□ نگارش کتاب‌های مدرسه توسط علینقی وزیری (هیئت رئیسه: وزیری، روح‌الله خالقی، اسمعیل زرّین‌فر، جواد معروفی، عبدالعلی وزیری، مصطفی ادیب، ضیاء مختاری، سورن آراکلیان و سرژ حونسیف.

۱۳۰۵

□ آغاز انتشار دورهٔ "سالنامه پارس" به مدیریت امیرجاهد در تهران، انتشار مقطّع آثار موسیقی.

□ ضبط اولین صفحات قمرالملوک وزیری در تهران.

□ تأسیس "مدرسه درویش" توسط مرتضی داود. تدریس موسیقی سنتی: تار، آواز، ویولن (وکمانچه)

از برگهای تاریخ

۱۳۰۳

۱۳۰۴

□ آغاز تعلیم عبدالعلی وزیری در مدرسه عالی موسیقی.

□ درخشش قمرالملوک وزیری در اکناف ایران؛

□ تأسیس جامعه باربد توسط اسماعیل مهرتاش.

● درگذشت غلامحسین درویش (درویش خان).

○ تولد رضا ورزنده.

○ تولد منوچهر جهانبگلو.

□ درویش‌خان در سنین جوانی (زمان عکس، حدود ۱۲۷۵)

۲-۳-۲-۴ مناقشات متمرکز در یک نقطه از زمان:

مناسبت‌های مناقشه آمیز نقاطی هستند که تقابل‌ها و شکاف‌های میان گروه‌های گوناگون درون جامعه را نشان می‌دهند. اینکه میان تقویم رسمی، تقویم غیررسمی مجاز و تقویم‌های غیررسمی بدون مجوز در خصوص این مناسبت‌ها

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اختلاف نظر اساسی وجود دارد به گونه‌ای که برگزاری و گرامیداشت آنها توسط یک گروه به اعتراض گروه‌های دیگر یا مواجهه‌های قهرآمیز قدرت سیاسی با آنها منجر می‌شود، را جز بروز اختلافات جدی به گونه‌ای دیگر نمی-توان تفسیر کرد. البته باید به این مسأله اذعان داشت که چند مورد ذکر شده مواردی هستند که در آنها اختلافات بسیار گسترده و فراگیر است و تقریبا اغلب گروه‌های درون جامعه را دربرمی‌گیرد و بسیاری از گروه‌ها در خصوص آنها موضع‌گیری مشخص دارند. درحالی‌که چنین مناقشاتی در خصوص یک مناسبت در میان گروه‌های گوناگون صرفا به همین موارد محدود نمی‌شود. برای مثال می‌توان به ثبت مناسبت‌های مانند جشن عمرکشان اشاره کرد که در برخی تقویم‌های سنتی وجود دارد و تقابلی جدی میان شیعیان و اهل تسنن ایجاد می‌کند. همچنین مناسبت‌هایی در خصوص ابوبکر، عمر، عثمان و دیگر افرادی که برای اهل تسنن مقدس هستند و در تقویم‌های‌شان به نیکی از آنها یاد شده است و به مناسبت وفات‌شان روزهای عزاداری د ر نظر گرفته‌اند ولی در برخی تقویم‌های شیعی با واژگان توهین‌آمیز این مناسبت‌ها آمده است و این زمانی پیچیده‌تر می‌شود که در نظر بگیریم در واقع شیعیان در اینجا با دو گروه دچار تقابل می‌شوند؛ هم با یک گروه مذهبی و هم با برخی گروه‌های قومیتی مانند برخی کردها، بلوچ‌ها و ترکمن‌ها که به صورت وسیعی مناسبت‌های اهل تسنن را در تقویم‌های‌شان آورده‌اند. «روز معمار» یکی دیگر از نمونه‌های تقابل‌های خردی است که در میان گروه‌ها در خصوص یک مناسبت می‌توان مشاهده کرد. این روز در ایران در دو تاریخ متفاوت برگزار می‌شود؛ درحالی‌که جامعه مهندسان مشاور «روز بزرگداشت شیخ بهایی» را به عنوان روز معمار در نظر می‌گیرند، گروه‌های غیررسمی‌تر معماران با برگزاری این روز مخالفند و «روز جهانی معمار» (که مصادف با نخستین دوشنبه ماه اکتبر و روز جهانی اسکان بشر است) را جشن می‌گیرند و این موضوع سال‌هاست که موجب درگیری‌های زیادی میان این گروه‌ها شده است[1]. در مجموع موضوع برگزاری یک مناسبت بر اساس روز جهانی آن یا مناسبت درون کشور، یکی از موضوعات حساس و پرچالش در سال‌های پس از انقلاب بوده است و در این زمینه می‌توان چالش میان گروه‌های گوناگون را مشاهده کرد.

۳ـ۳ـ۲ـ۴ خیره به کدام سو؟

لوی اشتراوس دوره‌های زمانی را به دو دسته تقسیم می‌کند؛ دوره‌های زمانی‌ای که یک جامعه تجربیات، رویدادها و مسائل مهم برای خود را در آن باتاب نمی‌دهد، دوره‌هایی خالی در تاریخ آن جامعه محسوب می‌شوند. در مقابل

[1] به نقل از یک پژوهشگر حوزه تاریخ معماری

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

این دوره‌ها ما با دوره‌های پر سر و کار داریم که توسط جامعه نام‌گذاری شده‌اند و نشانگر رویدادهای مهم برای آن هستند. «کمیت متفاوتی از تاریخ‌ها[1] که به دوره های زمانی دارای طول یکسان نسبت داده می‌شود، «فشار» تاریخ را نشان می‌دهد. «کرونولوژی‌های «داغ» وجود دارند که در مورد دوره هایی هستند که در نگاه تاریخ‌نگار در آنها رویدادهای متعددی به عنوان عناصر ممیزه آشکار می‌شوند؛ در دیگران بالعکس که برای او (اگرچه نه برای افرادی که از طریق آنها زندگی می‌کنند) رویدادهای کمی یا هیچ رویدادی در آنها رخ نداده است. لحظات داغ در تاریخ از طریق مطالعه تراکم‌های ممیزه در توزیع رویدادهایی که جامعه به آنها اهمیتی را نسبت می‌دهد، شناسایی می‌گردند.» (شوارتز، ۲۰۱۴: ۳۷۵) پیتریم سوروکین نیز در مقاله‌ای که همراه رابرت مرتون در مورد زمان اجتماعی نگاشته است، به این موضوع اشاره می‌کند: «هر دوره زمانی‌ای که عاری از هر نوع فعالیت اجتماعی مهمی باشد گذرانده می‌شود بدون اینکه هیچ عنوانی آن را مشخص و نشانه‌گذاری کند. در اینجا زمان تداوم ندارد یعنی هر جایی که یک دوره زمانی هیچ‌گونه اهمیت یا علاقمندی اجتماعی مشخصی را برنینگیزد، نوعی شکاف یا وقفه در زمان ایجاد می‌شود.» (سوروکین و مرتون، ۱۹۳۷: ۶۱۹) بر طبق این بحث در واقع دوره‌های زمانی خالی آن‌گونه هستند که انگار وجود ندارند و از تاریخ و زمان اجتماعی یک جامعه حذف شده‌اند. بدین ترتیب گویی زمان امری متداوم و پیوسته نیست بلکه مجموعه‌ای از دوره‌های گسسته و از هم جداست که همچون تکه‌های پازل کنار یکدیگر قرار دارند و برای هر گروه تکه‌هایی از این پازل وجود دارد و تکه‌هایی گم شده است.

قدرت سیاسی و هر کدام از گروه‌های اجتماعی با توجه به روایت خاصی که از تاریخ در نظر دارند، به بخش‌هایی از آن توجه دارند و آنها را بیش از بقیه برجسته می‌کنند درحالی‌که بخش‌هایی دیگر را مورد غفلت قرار می‌دهند. برای مثال برای گروه‌های مذهبی سنتی، باستان گرایان، قومیت‌ها، گروه‌های سیاسی همسو با قدرت سیاسی و گروه‌های سیاسی ناهمسو با قدرت سیاسی بخش‌هایی از تاریخ ایران اهمیت دارد که گرچه در برخی موارد با یکدیگر همپوشانی‌هایی دارد اما تمایزهای برجسته‌ای را نیز می‌توان میان آنها یافت. گروه‌هایی که هر یک به سویی متفاوت می‌نگرند و دوره‌های متفاوتی از تاریخ را به عنوان دوره‌های روشن و تاریک آن مدنظر دارند، به نظر می‌رسد در این زمینه دچار واگرایی هستند. این واگرایی در بسیاری موارد به تقابل انجامیده است. خوانش تاریخ معاصر ایران بدون توجه به دوران تاریخی مهم دولت دکتر مصدق و یا خوانش آن دوران بر اساس رویکردی متفاوت و بر حق دانستن

[1] dates

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آیت‌الله کاشانی آیا نمی‌تواند نشان از تفاوت‌هایی عمیقی میان این گروه‌ها داشته باشد؟ مواجهه میان کسانی که به دوران باستانی ایران و پیش از ورود اسلام به ایران نظر دارند، با کسانی که این دوره تاریخی را به صورت کامل حذف کرده و دوران اولیه ورود اسلام را برجسته می‌کنند نیز یک تضاد آشکار را می‌نمایاند. در دوران چهل ساله پس از پیروزی انقلاب ایران کسانی که صرفا بر رویدادهایی همچون انقلاب و جنگ پافشاری می‌کنند و همه این چهل سال را از دریچه این رویدادها تفسیر می‌کنند با کسانی که بر سال ۱۳۶۷ یا سال ۱۳۸۸تکیه می‌کنند و تاریخ این چهل سال را از این طریق بازنگری می‌کنند، چگونه ممکن است دچار چالش‌های جدی نشوند؟

۴-۲-۴ گسست و پیوست: زنان، کارگران، معلمان، دانشجویان، کودکان، محیط زیست و مناسبت‌های جهانی

ابتدای انقلاب یکی از دوران‌های مهم تحول تقویم غیررسمی در ایران است. در این دوران به یکباره با ظهور تقویم‌های غیررسمی بسیاری مواجه می‌شویم که توسط گروه‌های گوناگون موافق و مخالف انقلاب و قدرت سیاسی برآمده از آن منتشر شده‌اند. این تقویم‌ها در تلاطم رویدادهای شتاب‌ناک و هرج و مرج گونه آن دوران، به حفظ حافظه گروه‌ها و هویت‌شان می‌پرداختند و با توجه به اینکه بسیاری از این گروه‌ها عمر چندان طولانی‌ای نداشتند، وجود تقویم‌ها برای‌شان کارکردی حیاتی داشت. در تقویم این بسیاری از این گروه‌ها مشاهده می‌کنیم که انواع دغدغه‌های ملی، فروملی و جهانی در هم آمیخته است و اعتقادات گوناگون و اشخاصی که آنها را نمایندگی می‌کنند در کنار یکدیگر حضور دارند و چندان قابل تفکیک نیستند. این رویکرد حتی در تقویم‌هایی که برخی از نهادهای حکومتی منتشر کرده‌اند و فارغ از مناسبت‌های رسمی دیگر مناسبت‌های مدنظر خود را نیز در آن آورده‌اند، دیده می‌شود. برای مثال در این تقویم‌ها از شهدای مربوط به گروه‌های مختلف سیاسی مانند مجاهدین خلق نام برده می‌شود. اما در سال‌های بعد به تدریج دیده می‌شود که تعداد زیادی از نام‌ها و رویدادها از تقویم رسمی و تقویم‌های غیررسمی‌ای که توسط نهادهای حکومتی یا گروه‌های سیاسی خارج از حکومت منتشر شده، حذف شده‌اند.

تقریبا بعد از گذشت یک دهه از رویداد انقلاب، دیگر تقویم‌هایی با نام برخی از گروه‌های سیاسی ابتدای انقلاب منتشر نمی‌شد که نشان از حذف این گروه‌ها یا کمرنگ شدن‌شان داشت اما تقویم‌های دیگری جای آنها را گرفتند که دغدغه‌هایی همچون زنان، کارگران، دانشجویان، محیط زیست و مواردی از این دست داشتند. در تقویم‌های ابتدای انقلاب مسأله زنان و کارگران، دانشجویان و معلمان در کنار دیگر مسائل بسیار دیگر و رویدادهای دیگر

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

حضور داشتند اما در سال‌های بعد هر کدام خود تبدیل به یک دغدغه متمایز شدند. در واقع مانند آن است که یک گروه تبدیل به چندین و چند گروه جداگانه شد.

زنان، کارگران، دانشجویان، معلمان، کودکان و محیط زیست با اینکه هر کدام تبدیل به دغدغه‌های جداگانه‌ای شدند و گروه‌هایی گرد هر یک شکل گرفت اما نکته‌ای که در تقویم این گروه‌ها قابل توجه است، وجود نوعی پیوند میان آنهاست بدین معنا که در تقویم کارگران می‌بینیم که مناسبت‌های مربوط به زنان، معلمان، دانشجویان و حتی گاهی کودکان و محیط زیست نیز آمده است و همین روند را در تقویم زنان و دیگر تقویم‌ها می‌بینیم. حتی گاه تقویم‌های قومیتی نیز چنین رویکردی دارند و قابل اضافه شدن به این جمع هستند. برای مثال یک گروه از جمعیت پیروان اهل حق (یارسان) در کردستان جزو فعالان جدی محیط زیست هستند و تقویم آنها نیز نشان از همین رویکردشان دارد[1] این‌گونه به نظر می‌رسد که این گروه‌ها علی‌رغم تفاوت‌های‌شان با یکدیگر نوعی احساس نزدیکی و هدف مشترک دارند و به همین علت شکلی از حمایت از یکدیگر را در نگارش تقویم‌های‌شان نشان می‌دهند.

توجه به مناسبت‌های جهانی یکی از دیگر نقاط پیوند این گروه‌ها با یکدیگر است. همان‌طور که در جداول هم مشخص است، تقویم رسمی و تقویم‌غیررسمی مجاز بسیار کمتر از تقویم‌های بدون مجوز روزهای جهانی را مدنظر قرار می‌دهند. برخی از تقویم‌های بدون مجوز بیش از هر چیز به بازتاب مناسبت‌های جهانی در خصوص موضوع مدنظر خود می‌پردازند که این شاید ناشی از عدم وجود دغدغه در خصوص آن موضوع و بی‌توجهی نسبت به آن توسط قدرت سیاسی و حتی بخش‌های زیادی از جامعه است. برای مثال در خصوص محیط زیست یا کودکان تقریبا همه مناسبت‌های مطرح شده، مناسبت‌های جهانی هستند. در تقویم‌های زنان نیز تعداد زیادی از مناسبت‌های جهانی دیده می‌شود.

۴-۲-۵ حافظه‌های سرد ـ حافظه‌های داغ:

برخی از تقویم‌ها هر سال به همان صورت گذشته و با همان مناسبت‌ها و مطالب منتشر می‌شوند. این تقویم‌ها اغلب مربوط به موضوعات یا گروه‌هایی هستند که زمانی بروز کرده‌اند و امروز از اهمیت‌شان کاسته شده یا آرام گرفته‌اند و حضور جدی‌ای در عرصه زیست اجتماعی ندارند (مانند تقویم‌های مربوط به جنگ ایران و عراق یا تقویم‌های

[1] تقویمی به نام روژ ژمار ژینگه ژیانه که در صفحات بعد آمده است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

گروه‌های مذهبی سنتی که صرفا تعدادی از مناسبت‌های مذهبی ثابت را از گذشته تا به امروز آورده‌اند). اما در مقابل این تقویم‌ها با تقویم‌هایی مواجهیم که هر سال دچار تغییر می‌شوند. این تقویم‌ها به دلیل نوع موضوع خاص‌شان دائما در حال تغییر و تحولند. این تقویم‌ها با رویدادهای زیست اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه مرتبطند و از آن متأثر می‌شوند. بدین ترتیب دائم بر تعداد رویدادهای مربوط به آن موضوع خاص افزوده می‌شود و آن حافظه متورم‌تر می‌گردد. برای مثال گروه‌هایی مانند زنان، کارگران یا قومیت‌ها به دلیل رویدادهای بسیاری که بر اثر مواجهه آنها با قدرت سیاسی یا دیگر گروه‌های اجتماعی رخ می‌دهد، با این مسأله مواجه می‌شوند. هر سال مناسبت‌های جدیدی به تقویم این گروه‌ها اضافه می‌شود و حافظه آنها بیش از پیش متورم می‌شود.

یک حافظه همواره منفعل یا فعال نیست بلکه این‌گونه «می‌شود». متورم شدن دائمی تقویم یک گروه یکی از مهم‌ترین علل فعال شدن حافظه آن است. برای مثال گروه‌هایی مانند زنان، کارگران و معلمان هر روز تاریخ خود را از نو می‌نویسند و هر روز نام‌هایی جدید بر صفحات تقویم‌شان نقش می‌بندد. این‌گونه است که این حافظه‌ها لحظه‌ای آرام نمی‌گیرند.

یکی دیگر از علل فعال شدن حافظه یک گروه رابطه آن با دیگر گروه‌هاست. در واقع بر اساس رویدادهای جاری یک جامعه و ارتباط میان گروه‌های مختلف اجتماعی با قدرت سیاسی، رابطه حکومت با دیگر حکومت‌ها در سطح جهان، رابطه گروه‌های اجتماعی با دیگر کشورها در سطوح مختلف و دیگر روابط مهم در این زمینه، گاه برخی حافظه‌های منفعل و سرد شده مجددا فعال می‌شوند. برای مثال توجه به تاریخ باستانی ایران و دین زرتشتی پس از پیروزی انقلاب مدتی در وضعیت انفعال قرار داشت اما به تدریج و با شکل‌گیری مخالفت‌هایی در درون جامعه با رویکرد اسلامی و نیز با فعال شدن گروه‌های سلطنت طلب در خارج از ایران، به تدرج باستان‌گرایی از اواسط دهه ۸۰ مجددا فعال شد به گونه‌ای که در حال حاضر یکی از حافظه‌های فعال در درون جامعه است.

به نظر می‌رسد حافظه‌های سرد، حافظه‌هایی هستند که به تدریج استقرار یافته و نهادمند شده‌اند و از این‌رو آرام گرفته‌اند. چنین حافظه‌هایی می‌توانند به تدریج به «تاریخ رسمی» بپیوندند. به همین علت این حافظه‌ها اغلب حافظه-هایی بی‌تفاوت و خنثی نیستند بلکه در مقابل حافظه‌هایی که فعال هستند، قرار می‌گیرند و ممکن است در برخی موارد میان آنها نوعی تقابل شکل بگیرد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

یک نکته که از بررسی تقویم‌ها بدان دست می‌یابیم این است که گویی در دوران پس از انقلاب قدرت سیاسی خود را همچون یک گروه اجتماعی می‌داند که باید پابه پای این گروه‌ها پیش برود و خود را بخشی از یک حافظه فعال بینگارد که دائما نیازمند بازتولید و یادآوری است. این گونه قدرت سیاسی علاوه بر آنکه بخش‌هایی از گذشته را که رویدادهایش به فراموشی سپرده شده یا مسکوت و سرکوب شده است با روایت خود در تاریخ رسمی وارد می‌کند، به ایجاد حافظه‌هایی جدید از رویدادهایی که اخیرا ایجاد کرده یا برایش رخ داده است، می‌پردازد. برای مثال در سال‌های اخیر تقویم‌های بسیار توسط نهادهایی همچون سپاه و نهادهای نزدیک به قدرت سیاسی در خصوص شهدای مدافع حرم تولید شده است. تقویم‌هایی در مورد شهدای هسته‌ای یا رویدادهایی مانند رویداد تاسوکی[1] که تقویم تولید شده به ارائه دیدگاه‌های بخش‌های مختلف در قدرت سیاسی در مورد این رویداد پرداخته است، نشان می‌دهد که قدرت سیاسی صرفا به نگارش روایت خود از تاریخ بسنده نکرده و علی‌رغم اینکه نگارش تقویم رسمی نیز به صورت کامل تحت نظارت خودش قرار دارد، همچنان به برساخت حافظه‌هایی با رویکرد خود از رویدادها و تبلیغ آن در جامعه نیز نظر دارد. این شرایط قدرت سیاسی را از یک جهت دیگر نیز وارد جدال میان حافظه‌ها می‌کند و آن را صرفا در جایگاه تاریخ و تقویم رسمی در مقابل حافظه‌های غیررسمی قرار نمی‌دهد.

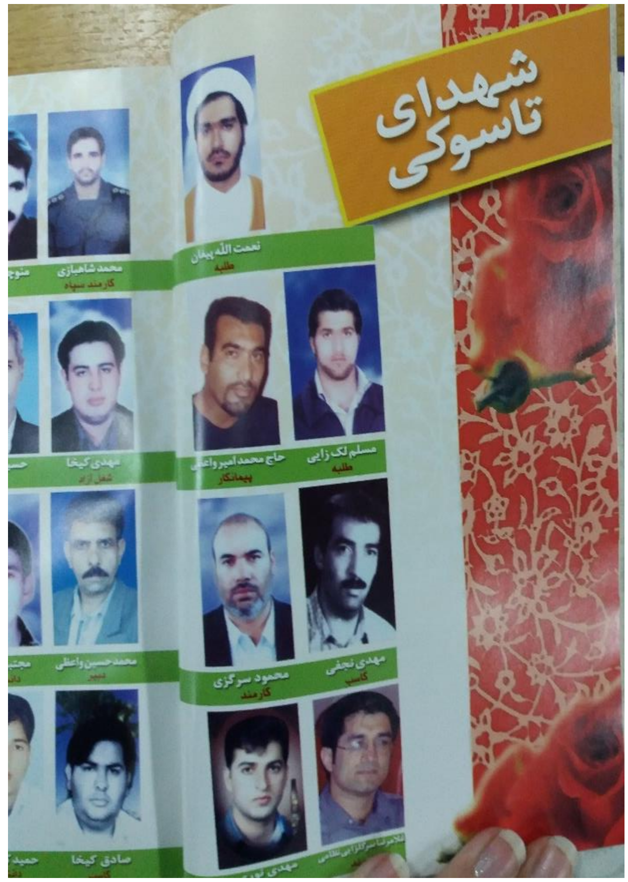
---

[1] کشتار تاسوکی توسط اعضای گروه تروریستی جندالله در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۸۴ در جاده زاهدان ـ زابل و در ده کیلومتری پاسگاه تاسوکی روی داد. اعضای جندالله با لباس مأموران نظامی و انتظامی با ایجاد ایستگاه ایست و بازرسی مردم محلی و مسوولان را از خودروهای‌شان پیاده کردند و تعدادی را در همان محل دست بسته به رگبار بستند و برخی دیگر را گروگان گرفتند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تصویر ۱۳ـ ۴ چند صفحه از تقویم شهدای تاسوکی





دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خواننده ارجمند در سالنامه حاضر، بازتاب این جنایت سبعانه را در نظرگاه مسؤولان، گروه‌ها و صاحب نظران مختلف مشاهده می‌کند. سالنامه امسال برخلاف سال گذشته، که به بسط حیات و معرفی شهدای این فاجعه پرداخت، سودای پرداختن به بازتاب‌های ماجرایی دارد که با شکافتن ابعاد و لایه‌های آن دل هر انسان آزاده‌ای به درد و رنج می‌آید.

از این رو سالنمای حاضر، بازتاب‌های فاجعه تاسوکی را در جملاتی کوتاه و با محتوا از همه صاحب نظران و گروه‌ها و اشخاص و صاحب منصبانی که متن گفته و نوشته آنها در دست‌رس ما بود پوشش می‌دهد. طبیعی است که برخی از نظرات ممکن است در زمانی توسط افراد ایراد شده باشد که دارای مقامی بوده‌اند که منصب ذکر شده در ذیل همه اسامی نشان‌گر جایگاه حقوقی فرد در زمان پس از حادثه را مورد نظر دارد که ممکن است تداوم داشته باشد یا خیر. تولیدکنندگان این سالنامه با توجه به این که در نظر دارند بازتاب کامل فاجعه تروریستی تاسوکی را در مجلدی مستقل آماده و به دست انتشار سپارند. از همه خوانندگان در این زمینه درخواست مساعدت می‌کنند.

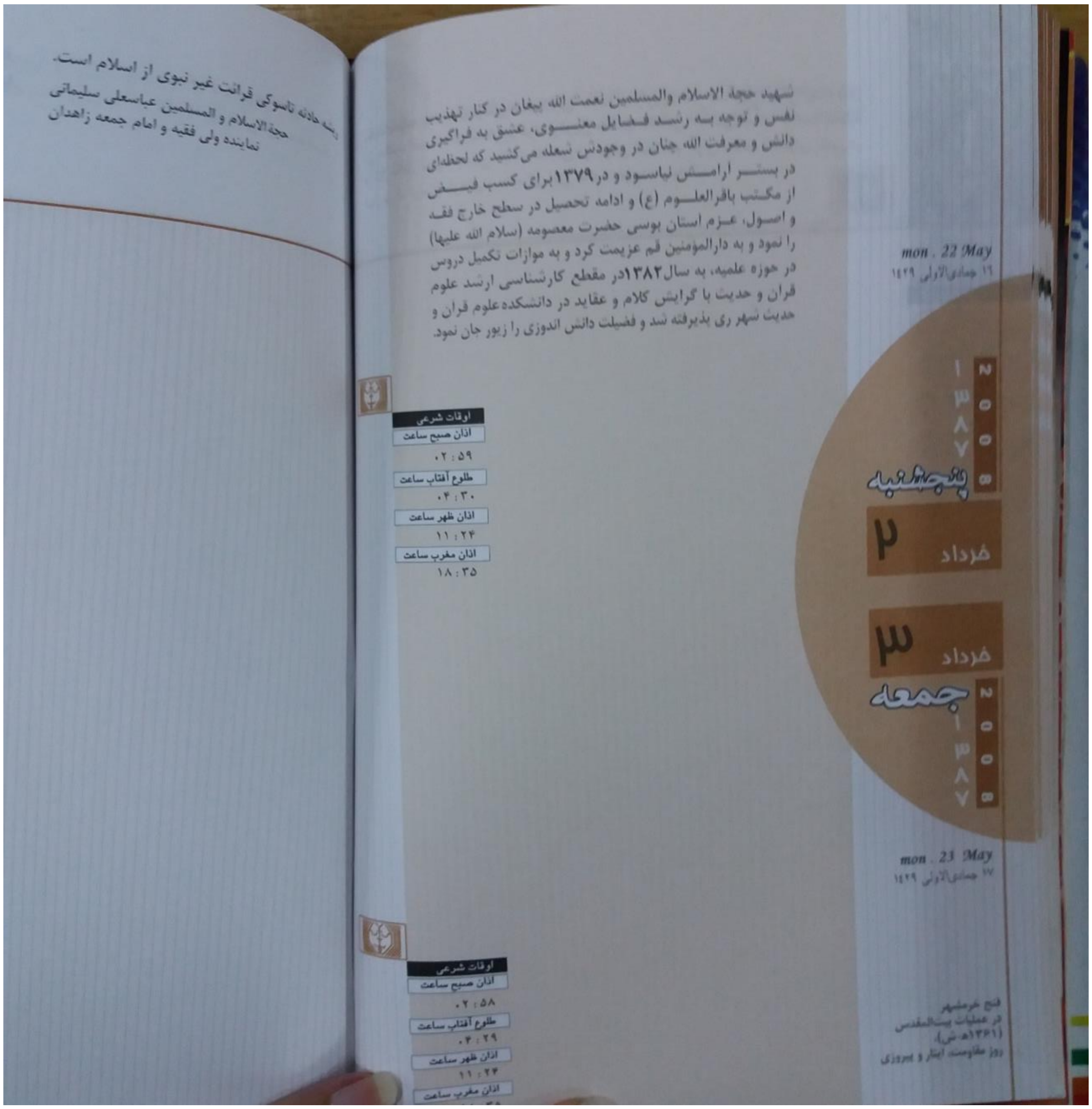
تلاش همه آنان که دستی در تهیه این دفتر داشته‌اند را ارج نهاده و بی‌آن که نامی از هیچ یک از این عزیزان آورده شود از همه آنان قدردانی و سپاس گزاری می‌شود. تدوین کنندگان این سالنامه نه جویای نام بوده و نه جویای نان که در اندیشه ارج‌گذاری نسبت به مقام شامخ شهدای به خاک و خون خفته دشت تاسوکی و ارزش نهادن به شهید و شهادت بوده‌اند. آنان با ارائه این سوغات آغازین سال، سودای وحدت و همدلی و انسجام امت اسلامی را در سر می‌پرورانند که اگر اندکی از این هدف حاصل شود مراد حاصل است.

تأکید بر این شهادت‌ها محملی است تا به تأمل در باب چرایی انجام چنین اقدامات سبعانه‌ای بیندیشیم و با تدابیر فرهنگی و سیاسی از بروز چنین فجایع دلخراشی جلوگیری کنیم و با وحدت و همدلی جامعه خویش را استوارتر سازیم و عوامل نفاق و تفرقه را با تمسک به اسلام ناب محمدی، صلی الله علیه و آله و سلم، به دور افکنیم و راه پیشرفت همه جانبه جامعه خویش را هموارتر سازیم.

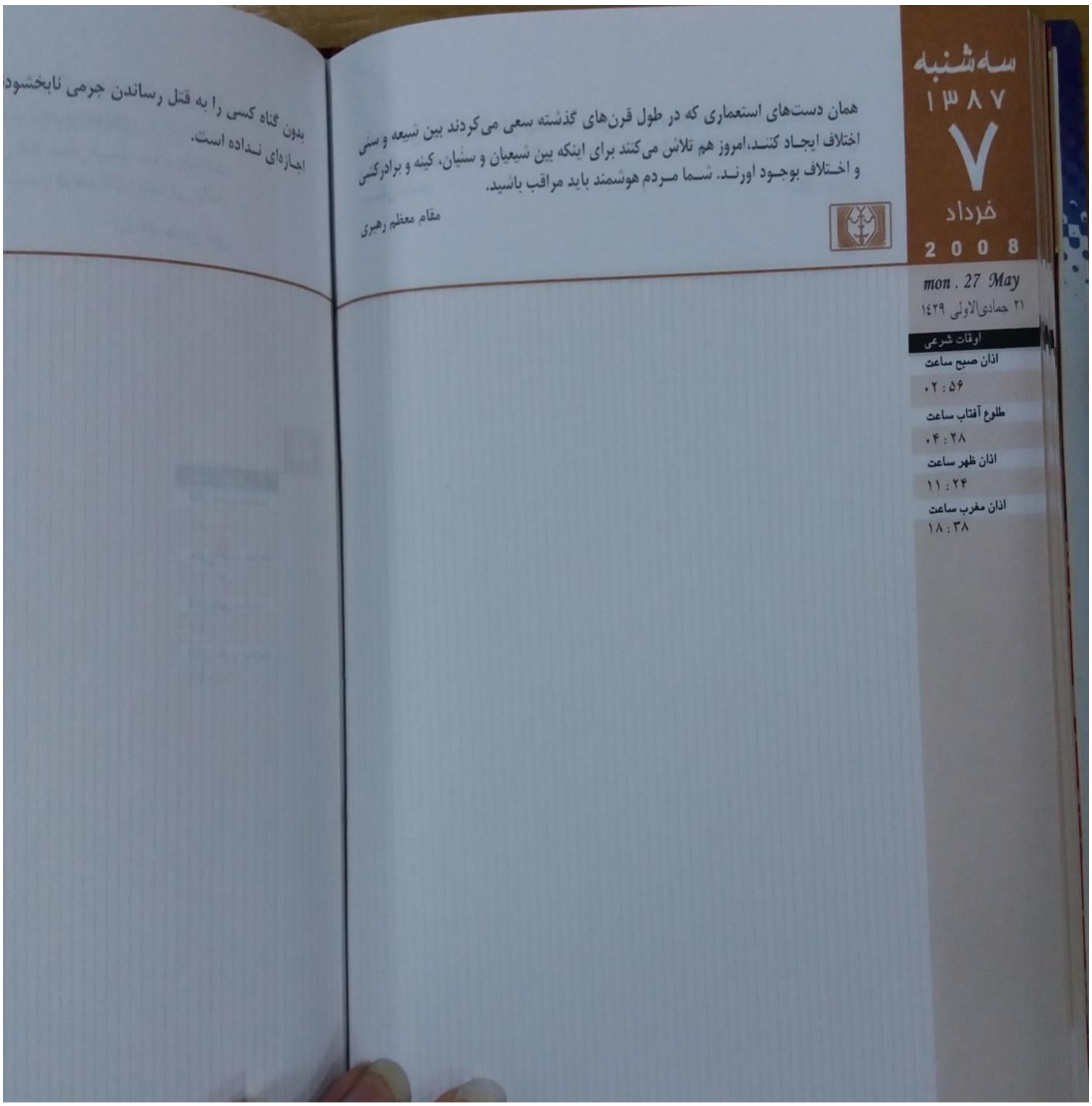
و از خدا است توفیق

رهروان راه شهدا

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.



دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.



دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در دوران پس از انقلاب تقویم‌هایی توسط گروه‌های اجتماعی به صورت مجاز یا ممنوع منتشر می‌شوند که هر یک به نوعی در جهت بروز هویت گروه خویش و رویکردهایش نسبت به مسائل مختلف ایران و جهان حرکت می‌کنند حال چه رویکرد آنها همسو با قدرت سیاسی باشد و چه ناهمسو و یا در شرایط حاضر رویکردی خنثی داشته باشند (چه بسا ممکن است بر اثر رویدادهای آینده این گروه‌ها نیز فعال شده و به یکی از دو سوی طیف گرایش پیدا کنند). یافته‌ها مشخص کردند که این تقویم‌ها در بسیاری موارد با تقویم رسمی و همچنین با یکدیگر تفاوت دارند و در موارد قابل توجهی دچار تعارض و تضاد هستند. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که وقتی تفسیری از گذشته که قدرت سیاسی سعی در استقرار آن دارد، متصلب است و اجازه بروز به هیچ یک از دیگر گروه‌های اجتماعی را نمی‌دهد، آن گروه‌ها به شیوه‌های مختلف تلاش می‌کنند که مقاومت کنند و روایت خود را از گذشته ارائه دهند. «حافظه جامعه حافظه‌ای ناساکت است که هرگز به طور کامل و نهایی مستقر نمی‌شود.» (دلیچ، ۲۰۰۴: ۶۷) نتیجه چنین وضعیتی، جز گسستگی و چند پاره شدن حافظه جمعی در آن جامعه نیست؛ چندپارگی‌ای که تکه‌های مختلف آن ارتباطی با یکدیگر ندارند یا در تضاد با هم هستند.«ممانعت از به اشتراک گذاری اجتماعی تمایزات میان خود و دیگری‌ها را برجسته می‌نماید و از خلال آن همبستگی میان گروه‌ها را تخریب می‌کند.» (بریستین، پائز و گونزالز، ۲۰۰۰: ۱۱۹) در صورتی که حافظه فراگیر به شیوه‌ای سرکوب‌گرانه عمل نمی‌کرد، با وجود آنکه حافظه‌های متعددی همچنان در جامعه وجود داشت، اما این حافظه‌ها با تفسیر رسمی از گذشته و با یکدیگر دچار تضاد و عدم ارتباط نمی‌شدند بلکه همگی در ذیل یک حافظه فراگیر و در ارتباط با آن قرار می‌گرفتند در حالی‌که یکدیگر را هم به رسمیت می‌شناختند و رابطه‌ای مسالمت آمیز با یکدیگر داشتند. می‌توان گفت حافظه‌های بدیل تلاش دارند سکوت‌ها را تبدیل به صدا کنند و این در حالیست که تاریخ‌های رسمی، وحدت و استمرار یک پیکره سیاسی را با تحمیل یک تفسیر خاص از گذشته مشترک، ایجاد و حفظ می‌نمایند. حافظه‌های بدیل در مقابل وحدت و استمرار ذکر شده می‌ایستند و آن را ویران می‌کنند.(مدینا، ۲۰۱۱)

از آن‌جایی‌که «حافظه، مجرای اصلی‌ای است که هویت‌ها با آن ساخته می‌شوند» (اولیک و روبینز،: ۱۳۳).» (فن اک، ۲۰۱۱: ۲۰۳)چندپارگی و گسست حافظه‌ها در درون جامعه نتیجه‌ای جز گسست هویتی ندارد که خود در رابطه‌ای متقابل می‌تواند با کوبیدن بر طبل «هویت‌گرایی» بر شکاف‌های میان حافظه‌ها روز به روز بیفزاید.این وضعیت نتیجه‌ای جز عدم ارتباط میان بخش‌های مختلف جامعه با قدرت سیاسی یا تضاد و تعارض میان آنها با قدرت سیاسی نخواهد

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

داشت و همچنین ارتباط میان آنها را نیز قطع خواهد کرد. در اینجا می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا اصلا می‌توان یک «چندصداییِ متعادل و متقارن (یعنی یک فرهنگ حافظه‌ی واقعا ناهمگن، یک چندفرهنگیِ حافظه)» (مولدن، ۲۰۱۶: ۱۳۱) داشت و وضعیت در جامعه به گونه‌ای سازمان یابد که حضور حافظه‌های متکثر در کنار یکدیگر به عدم ارتباط میان آنها و شکاف اجتماعی نینجامد؟ پاسخ را می‌توان در مقایسه‌ای میان تقویم‌های غیررسمی در ایران با کشورهایی همچون فرانسه یافت. در بخش اول پژوهش به این موضوع اشاره شد که در فرانسه تعداد اندکی تقویم توسط گروه‌های اجتماعی منتشر می‌شود؛ آن مواردی نیز که منتشر می‌شود توسط گروه‌های با سابقه طولانی فعالیت در فضای سیاسی جامعه فرانسه است که در واقع این گروه‌ها به هیچ عنوان فعالیت و حضورشان در فضای عمومی ممنوع و غیرمجاز نیست. مسأله همین «غیرمجاز» خوانده شدن برخی گروه‌ها و حضور و فعالیت‌شان در فضای عمومی است. این ممنوعیت و غیرمجاز بودن ناشی از همان مواجهه تاریخ رسمی با حافظه‌های غیررسمی است و این وضعیت همان‌طور که گفته شد به هویت‌گرایی می‌انجامد. این هویت‌گرایی در نهایت به گسست‌ها و شکاف‌ها دامن زده است زیرا هویت‌ها در مقابله با هویت رسمی و نیز با برخی هویت‌های دیگر ناهمسو با خود قرار گرفته‌اند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل پنجم: نتیجه‌گیری

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ارتباط میان تاریخ رسمی و حافظه جمعی گروه‌های درون جامعه و هویت برساخته هر یک از آنها از خلال تقویم‌های رسمی و غیررسمی در ۵۰ سال اخیر، موضوعی است که پژوهش حاضر تلاش کرد به آن بپردازد و برخی ابعاد آن را روشن کند. هویت‌های فراگیر ملی و دینی در جامعه ایران و ارتباط آنها با هویت‌های خردتر درون جامعه را از طرق گوناگون می‌توان مورد بررسی قرار داد که مطالعه حافظه‌های غیررسمی و تاریخ رسمی و ارتباط آنها از طریق بررسی تقویم‌ها، شیوه مدنظر در پژوهش حاضر است. تقویم‌ها امروزه در بسیاری از جوامع بیش از هر چیز ابزاری برای برنامه‌ریزی زمانی و ایجاد هماهنگی و انسجام اجتماعی است. اما این تنها کارکرد تقویم نیست بلکه تقویم در دست قدرت‌ها، نقش هویت‌بخشی نیز بر عهده می‌گیرد. مناسبت‌های تقویم برسازنده روایتی از گذشته جامعه هستند و وقتی تقویم مدنظر تقویم رسمی باشد، روایتی که قدرت سیاسی مسلط خواهان آن است و در ادبیات علمی «تاریخ» نام دارد، در تقویم ثبت می‌شود. در صورتی که روایت تاریخی راه را بر دیگر روایت‌ها از گذشته سد کند و امکانی برای بیان آنها ندهد، آن روایت‌ها به بدیل آن تاریخ تبدیل خواهند شد. تاریخ بدیل یا روایت بدیل از گذشته را «حافظه بدیل» می‌نامند. گروه‌های اجتماعی‌ای که کمتر صدای‌شان در جامعه به گوش می‌رسد، تلاش می‌کنند تا از طریق برساخت روایت خود از گذشته و بیان آن از یک سو میان اعضای خود نوعی احساس همبستگی و انسجام گروهی ایجاد کنند و از سوی دیگر در میان دیگران و در برابر هویت مسلط اعلام وجود نمایند.

حافظه‌های بدیل به خودی خود ایجاد نمی‌شوند بلکه همواره باید حافظه‌ای مسلط وجود داشته باشد تا در برخورد با آن حافظه بدیل شکل گیرد. «حافظه بدیل یا حافظه «غیررسمی» روایتی چندپاره و انعطاف‌پذیر است که در گفتگویی مستمر با حافظه‌ی جمعی نهادینه‌ی غالب بسط می‌یابد. با این حال، و با عنایت به واقعیت وجود حافظه بدیل، این دیالوگ روایت باز[۱] و محلی با روایت رسمی، همواره اقتدار روایت‌های رسمی را به چالش می‌کشد و بازنمایی جهان‌شمول و یکدستی که روایت رسمی می‌سازد را کم‌رنگ جلوه می‌دهد (لیوتار[۲]، ۱۹۷۷؛ شینهاو[۳]، ۲۰۰۲؛ وِرچ[۴]، ۲۰۰۲). در واقع، پس از آن‌که روایت رسمی به چالش کشیده شد، به احتمال زیاد، خیلی سریع و به طور همزمان، «تحت محاصره‌ی» حافظه‌های بدیل متعددی چون تاریخ‌های قومی و فمینیستی قرار می‌گیرد که هر یک بر حذف،

[۱] unclosed narrative
[۲] Lyotard
[۳] Shenhav
[۴] Wertsch

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تبعیض و سایر کاربست‌های ناخوشایند تاکید می‌ورزد (گوتیرز[1]، ۱۹۹۴؛ شوارتز، ۱۹۹۶). ...حافظه بدیل، روایتی است که با ارجاع انتقادی و ستیزه‌جویانه به نهادهای رسمی (ارگان‌ها، سیاست‌ها و کنش‌های دولت) یا به خود تاریخ رسمی (متون درسی، اطلاعیه‌ها،...)، حول روایت رسمی تکامل و تغییر می‌یابد. هر روایت اگر از جانب عاملان یا گروه‌های محروم یا طردشده از نهادهای رسمی یا روایت رسمی مورد تاکید قرار گیرد، می‌توان آن را یک روایت بدیل دانست. این امر بویژه زمانی باید به کار رود که هدف از تاکید مذکور، بخشیدن صدایی به گروه‌های مورد اشاره، یا گشودن افق‌هایی تازه برای کنشگری این گروه‌ها باشد.» (گولدبرک، پورات و شوارتز، ۲۰۰۶: ۳۲۲ و ۳۲۳) انتشار تقویم یکی از راه‌های دست‌یابی این گروه‌ها به این خواسته است. به همین دلیل در این پژوهش به سراغ بررسی تقویم‌هایی رفتم که توسط گروه‌های مختلف اجتماعی در ۵۰ سال گذشته منتشر شده و می‌شوند.

منجمان همواره جایگاه ویژه‌ای در زیست جامعه و در دربار داشته‌اند. سخن گفتن از اسرار آسمان‌ها موجب شده بود که مردم و حاکمان فکر کنند آنها در مورد چیزهایی آگاهی دارند که می‌تواند به تصمیم‌گیری و بهبود زیست افراد کمک کند. بدین ترتیب این افراد به نوعی وارد حیطه تصمیم‌گیری در خصوص فعالیت‌های آتی برای حاکمان و مردم شدند. این افراد به صورت موروثی این دانش را از پدران خود می‌آموختند و مسوولیت استخراج تقویم‌ها بر عهده آنها گذاشته می‌شد. بدین ترتیب تا کمتر از ۵۰ سال پیش همچنان کار استخراج تقویم را این افراد انجام می‌دادند و در هر سال ممکن بود چندین تقویم که توسط منجمان گوناگون استخراج شده بود، به دست مردم برسد. جایگاه این افراد در حکومت به گونه‌ای بود که می‌بینیم گاه فرزندان آنها به مقام‌های بالا و مشاغل مهم در دربار پادشاهان دست یافته‌اند و در کنار فعالیت‌های مربوط به منجمی یا فارغ از آن، به کار دیگری هم اشتغال داشته‌اند. در دوران پهلوی همچنان استخراج تقویم بر عهده منجمان معتمد دربار است اما تفاوتی که در این دوران ایجاد می‌شود، شکل‌گیری چاپخانه‌هایی است که تقویم را به تعداد زیاد منتشر می‌کنند. تنها در سال‌های پس از انقلاب است که با نهادمند شدن استخراج تقویم و واگذاری آن به موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، «منجم» از عرصه ارتباطات اجتماعی حذف شد.

ورود صنعت چاپ به ایران در پایان حکومت قاجار و ابتدای حکومت پهلوی موجب شد به تدریج تقویم‌ها وارد زندگی روزمره اعضای جامعه شدند. در ابتدا در هر خانه‌ای یک تقویم یافت می‌شد و کم کم با گسترش انتشار و

[1] Guttierez

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

استفاده از تقویم‌ها، در کیف یا اتاق هر فرد یک تقویم برای اطلاع دقیق‌تر و برنامه‌ریزی وجود داشت. این تغییر، نوعی تحول تصور زمانی را نیز با خود به دنبال داشت. پیش‌تر اعضای جامعه درکی کلی‌تر از گذشت زمان داشتند و برای مثال می‌دانستند که چه زمانی روزهای عزاداری یا عید است تا بتوانند مراسم‌های شخصی خود مانند جشن عروسی را برنامه‌ریزی کنند اما تحولات ناشی از زندگی مدرن و ورود تقویم به زیست روزمره باعث شد افراد نیاز پیدا کنند به صورت روزانه از تقویم برای برنامه‌ریزی روزها و کارهای خود استفاده کنند.

از زمانی که تاریخ هجری شمسی به عنوان گاه‌شماری رسمی کشور تصویب شد، تداخل میان مناسبت‌های مربوط به گاه‌شماری قمری با گاه‌شماری شمسی و نیز گاه‌شماری میلادی موجب گردید که افراد بیش از پیش نیاز پیدا کنند برای دانستن روزهای تعطیل و غیرتعطیل و مناسبت‌های گوناگون به تقویم رجوع کنند تا بتوانند برای زندگی روزمره خود برنامه‌ریزی نمایند. پیش از سال‌های پایانی حکومت پهلوی تقویم بیشتر از نظر «نجومی» برای حکومت اهمیت داشت.

در دهه ۱۳۵۰ برای اولین بار حکومت به صورت جدی درگیر مناسبت‌هایی شد که در تقویم ثبت می‌شد. در این زمان بود که حکومت تلاش کرد از طریق مرتبط کردن تقویم با یک رویداد تاریخی (تاج‌گذاری کوروش هخامنشی) که خود را در امتداد آن می‌دید، تقویم جدیدی به وجود آورد و از این طریق تاریخ را به گونه‌ای روایت کند که خود نیز بخشی از آن و در امتداد آن قلمداد شود. همچنین در تقویم شاهنشاهی، بسیاری از مناسبت‌ها که پیش‌تر در تقویم سابقه نداشت، وارد شد. عدم توجه حکومت به تقویم پیش از این، موجب شده بود که اعضای جامعه و گروه‌های مختلف اجتماعی نیز چندان به فکر انتشار تقویم‌هایی مختص خود نباشند و معدود تقویم‌های منتشر شده در این دوران توسط نهادهایی غیر از نهادهای حکومتی هم بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت.

انقلاب ایران مانند اغلب انقلاب‌ها و رویدادهای تحول ساز، در همان ابتدای امر به سراغ تقویم رفت. تغییر نوع گاه-شماری تقویم (مانند انقلاب فرانسه) در ابتدا مدنظر حکومت انقلابی نبود زیرا مبدأ تقویم یک مبدأ اسلامی بود و با رویکرد حکومت جدید همخوانی داشت. البته در سال‌های بعد به تدریج برخی حوزویان و بخش‌هایی در درون قدرت سیاسی خواهان تغییر تقویم از هجری شمسی به هجری قمری شدند تا تاریخ غیر اسلامی به کلی از تقویم ایران پاک شود. مسأله اصلی برای جمهوری اسلامی در ابتدای انقلاب حذف کلیه مناسبت‌های مربوط به رژیم شاهنشاهی و وارد

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کردن مناسبت‌هایی به تقویم بود که «تاریخ انقلاب» را از خلال رویدادهای مربوط به مبارزات منجر به پیروزی آن (صرفا از خلال مبارزاتی که آیت‌الله خمینی انجام داد و او در مرکز آنها قرار داشت)، ایثارگری‌ها برای به ثمر نشستنش و تلاش‌های پس از انقلاب برای استقرارش بازنمایی کند. همچنین دیگر مسأله مدنظر حکومت انقلابی احیای دغدغه-های اسلامی (بیشتر در ابتدای انقلاب) و شیعی آن (به ویژه پس از گذشت چندین سال از پیروزی انقلاب) در تقویم بود.

در سال‌های پس از انقلاب، سیاست‌گذاری تقویم به دلیل توجه خاص حکومت نسبت به آن پیچیدگی‌های زیادی پیدا کرد. نظارت کامل بر تقویم، متمرکز کردن استخراج و سیاست‌گذاری آن را می‌طلبید و به همین دلیل برای اولین بار، نهادها جایگزین افراد شدند. موسسه ژئوفیزیک مسوول استخراج نجومی تقویم و «کمیسیون نام‌گذاری ایام خاص» در شورای فرهنگی عمومی، مسوول تصمیم‌گیری در خصوص مناسبت‌های ثبت شده در تقویم و نظارت بر انتشار آنها شد. مهم‌ترین بخش پیچیدگی ذکر شده همین مسأله تصمیم‌گیری در خصوص این موضوع بود که چه مناسبت-هایی هر سال از تقویم حذف شود و کدام مناسبت‌ها بیاید. اینکه چه کسانی حق تصمیم‌گیری دارند، چه گروه‌ها یا نهادهایی اجازه دارند درخواست ثبت مناسبتی را بدهند، بر اساس چه قواعدی باید در خصوص پیشنهادات تصمیم گرفت و مواردی از این قبیل.

بدین ترتیب چند سال بعد از پیروزی انقلاب، بسیاری از نام‌ها و رویدادهایی که در ابتدای انقلاب در تقویم حضور داشتند، از آن حذف شدند. تحول در رویکرد قدرت سیاسی نسبت به تاریخ انقلاب و گروه‌های مختلف اجتماعی درگیر در آن موجب شد که روایتی از انقلاب ارائه شود که در آن هیچ یک از دیگر گروه‌های حاضر، نام برده نشوند. همچنین در سال‌های بعد تقویم صرفا معطوف به ارائه روایت مدنظر قدرت سیاسی از رویدادهای گذشته و حال جامعه شد. در آیین‌نامه کمیسیون نام‌گذاری روزها در تقویم، این امکان به گروه‌های مختلف داده شده که بتوانند مناسبت‌های مدنظرشان را به عنوان پیشنهاد مطرح کنند. در همین جا بخش زیادی از گروه‌های اجتماعی از میدان بازی به بیرون رانده می‌شوند و امکانی برای مشارکت در تقویم رسمی پیدا نمی‌کنند زیرا ممکن است مناسبت‌هایی را مدنظر داشته باشند که قدرت سیاسی مخالف ثبت‌شان باشد؛ از سوی دیگر معمولا پیشنهاداتی مورد پذیرش شورا قرار می‌گیرد که از سوی نهاد یا سازمانی مشروع مطرح شود و معطوف به یک بخش خاص از جامعه (که جزئی از ساختار قدرت نیستند) نباشد. در آیین‌نامه آمده است که باید پیشنهادات مطرح شده تقویت کننده هویت ایرانی و اسلامی باشد و نیز

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

باید بخش زیادی از اعضای جامعه را دربرگیرد. خواست بازتولید دو هویت فراگیر ملی و دینی حاکم بر جامعه ایران، خود عامل حذف هر روایت کوچک‌تر، حاشیه‌ای‌تر و معطوف‌تر به یک هویت خاص می‌شود و این در حالیست که قدرت سیاسی روایت خود را بدون در نظر گرفتن این موضوع که مناسبت‌های ثبت شده آیا برای بخش زیادی از اعضای جامعه ارزشمند هست یا خیر، در تقویم می‌آورد. همچنین قدرت سیاسی در بسیاری موارد توجهی به تقویت هویت ملی یا اسلامی نمی‌کند و مناسبت‌هایی که در تقویم می‌آورد، خود عامل ایجاد تنش و مواجهه با برخی گروه-های اجتماعی است. برای مثال ثبت روز ۹ دی به عنوان «روز بصیرت و میثاق امت با ولایت» نه تنها عامل ایجاد وحدت و همبستگی در جامعه نیست بلکه بخش‌هایی از جامعه را در مقابل همدیگر و نیز در تضاد با قدرت سیاسی قرار می‌دهد. همچنین می‌توان از افزایش دائمی مناسبت‌های شیعی در تقویم سخن گفت در حالی‌که دیگر مذاهب و ادیان به صورت کامل در تقویم رسمی ایران غایب هستند (درحالی‌که برای مثال در کشور عراق اعلام شد که از امسال یعنی سال ۲۰۱۹ میلادی روز کریسمس تعطیل رسمی خواهد بود[۱]).

می‌توان نتایج این پژوهش را در مورد تحولات تقویم رسمی و غیررسمی ایران در ۵۰ سال اخیر به صورت زیر خلاصه کرد:

ـ مهم‌ترین کارکردهای تقویم در جوامع گوناگون برنامه‌ریزی از یک سو و هویت‌بخشی و ایجاد انسجام اجتماعی از سوی دیگر است. تقویم‌ها از خلال مشخص کردن زمان‌های کاری، زمان‌های تعطیلی، تعیین زمان‌های برگزاری مناسک گوناگون و گرد هم آمدن اعضای جامعه به برنامه‌ریزی زیست اجتماعی و ایجاد هماهنگی میان اعضای جامعه کمک می‌کنند. همچنین تقویم با احیای حافظه جمعی موجب هویت بخشی و حفظ انسجام اجتماعی می‌شود؛ اما همه اعضای جامعه باید در تقویم خود و مناسبت‌ها و نقاط عطف تاریخ خود را بیابند. وقتی تقویم‌ها وجه انحصاری، سیاست‌گذارانه و طرد کننده/ حذف کننده می‌یابند، یا به عبارت دیگر زمانی که این تقویم‌ها تاریخ دیگری را حذف می‌کنند، دیگر نمی‌توانند کارکرد انسجام بخشی داشته باشند و هم‌گرایی ایجاد کنند بلکه بالعکس باعث گسست و واگرایی می‌شوند. تقویم رسمی روز به روز بیشتر به سمت بازتاب گرایش‌های قدرت سیاسی و حذف دیگر گروه‌های اجتماعی از تقویم پیش رفته است. روند تقویم رسمی در ۵۰ ساله اخیر و به ویژه دوران پس از انقلاب، گرایش به

[۱] http://boursepress.ir/news/۱۱۲۶۹۳/%D۸%B۹%D۸%B۱%D۸%A۷%D۹%۸۲-%DA%A۹%D۸%B۱%DB%۸C%D۸%B۳%D۹%۸۵%D۸%B۳-%D۸%B۱%D۸%A۷-%D۸%AA

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سمت نظارت، هویت‌گرایی، انحصارطلبی و سیاست‌گذاری بوده است و می‌توان با ذکر شواهد زیر این روند را اثبات کرد:

۱ـ توجه ویژه به مناسبت‌های شیعی و افزایش مناسبت‌های مذهبی ـ شیعی: در بخش یافته‌ها آمد که مناسبت‌های مذهبی جزئی از مناسبت‌های پر تغییر در سال‌های پس از انقلاب بوده‌اند. همچنین همان‌طور که در جدول شماره ۷ دیده می‌شود، بخش زیادی از تقویم‌های غیررسمی در این سال‌ها تقویم‌های مذهبی هستند. از سوی دیگر در سال‌های پس از پیروزی انقلاب افزایش قابل توجه مناسبت‌های مذهبی (به ویژه مناسبت‌های شیعی) موضوعی است که توجه بسیاری از حوزویان، دانشگاهیان و سیاستمداران را به خود معطوف کرده است. «مناسبت سازی» در حوزه دین و به ویژه تشیع، به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است به گونه‌ای که در سال‌های اخیر تبدیل به موضوع مناقشات و بحث‌های زیادی در میان خود حوزویان شده است؛ گروه‌هایی از آنها خواستار افزایش مناسبت‌های شیعی هستند و خود سعی در ساختن مناسبت‌های جدید دارند و گروهی دیگر موضعی مخالف نسبت به این کار دارند و آن را به ضرر دین و دینداران می‌دانند. مناسبت‌های مذهبی مسأله‌ای بسیار مهم در تقویم است و به بحث‌های بسیاری دامن زده است. بخش‌های از حوزویان معتقدند که باید میزان مناسبت‌های مذهبی افزایش پیدا کند و بدین ترتیب سعی در ساختن مناسبت‌های جدید دارند. اما تأکید بیش از حد بر مناسبت‌های شیعی خود به نوعی به حاشیه راندن دیگر ادیان و مذاهب است.

۲ـ حذف یا نیاوردن برخی مقاطع مهم تاریخی در تقویم رسمی: جدول ۱۵ نشان می‌دهد که بخش زیادی از تاریخ ایران در تقویم رسمی مسکوت مانده است. برای مثال دوران پهلوی اول که با دوران نخست وزیری دکتر مصدق پیوند دارد، در تقویم رسمی در سال‌های پس از انقلاب حذف شده است. در خصوص دوران پس از انقلاب نیز برخی دوره‌ها از جمله رویدادهای اواخر دهه ۶۰ یا اواخر دهه ۸۰ که برای برخی گروه‌ها نقاط عطف دوران پس از انقلاب هستند، به طور کامل مسکوت گذاشته شده‌اند. تاریخ انقلاب به شیوه‌ای خاص روایت می‌شود و بسیاری از رویدادهای مربوط به دیگر گروه‌های درگیر انقلاب مانند حزب توده، مجاهدین خلق، نهضت آزادی و ... از تقویم حذف شدند.

۳ـ تشکیل کمیسیونی جهت سیاست‌گذاری ثبت مناسبت‌ها در تقویم در دوران پس از انقلاب، مبتنی بر سیاست همگون‌سازی‌ای بود که بسیاری از روایت‌های تاریخی را حذف می‌کرد تا روایتی یک‌دست از تاریخ ایران ارائه دهد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ـ در سال‌های پایانی حکومت پهلوی دوم، قدرت سیاسی تلاش کرد تقویم را تغییر دهد و مناسبت‌هایی را در آن ثبت کند که روایت موردنظرش را از حکومت پادشاهی در ایران خلق کند و از خلال آن به حکومت خویش مشروعیت ببخشد. همین روند در خصوص سیاست‌گذاری تقویم و ارائه روایتی خاص از گذشته، در دوران پس از انقلاب نیز ادامه یافت. گرایش به ساخت روایت هژمونیک و حذف روایت‌های خردتر در هر دو حکومت پهلوی دوم و جمهوری اسلامی گرایش غالب نسبت به تقویم رسمی بوده است.

ـ رویکرد انحصاری و سیاست‌گذارانه نسبت به تقویم رسمی به مناقشات هویتی در درون جامعه دامن زد زیرا دیگر گروه‌های موجود، تاریخ خود را در تقویم نمی‌یافتند. بدین ترتیب در واکنش به این رویکرد قدرت سیاسی نسبت به تقویم، جامعه ایران با انفجار تقویم‌های غیررسمی به ویژه در سال‌های پس از انقلاب مواجه شد. سرکوب گروه‌های مختلف یا نادیده گرفتن آنها در تقویم رسمی موجب می‌شود، این گروه‌ها تلاش کنند تا روایت خود را از گذشته بسازند. بدین ترتیب از خلال انتشار تقویم آنها به احیای حافظه اعضای گروه و ساخت و بازتولید هویت جمعی خویش پرداختند. شهدای انقلاب، جنگ و رویدادهای گوناگون که در تقویم رسمی غایب بودند در کنار نام کسانی که توسط قدرت سیاسی در سال‌های پس از انقلاب در رویدادهای گوناگون حذف شدند، به این تقویم‌ها راه یافتند. بخش‌هایی از تاریخ ایران که در تقویم رسمی نیستند (مانند دوران نخست وزیری دکتر مصدق و رویدادهای مرتبط با آن دوران) در این تقویم‌ها وارد شدند. رویدادهایی که در دوران پس از انقلاب در مبارزات میان گروه‌های گوناگون و قدرت سیاسی رخ داده است یا مناسبت‌های جهانی‌ای که با سیاست‌گذاری‌های خاصی از تقویم رسمی حذف شده‌اند، در تقویم‌هایی که گروه‌های گوناگون منتشر می‌کنند، بازنمود دارند. زنان، کارگران، دانشجویان، گروه‌های حامی محیط زیست، گروه‌های حامی کودکان، قومیت‌ها، اقلیت‌های مذهبی، گروه‌های مذهبی غیرسیاسی، گروه‌های سیاسی و ایدئولوژیک و دیگر گروه‌ها (که در فصل یافته‌ها مفصل به آنها پرداختم) تقویم‌هایی منتشر می‌کنند که یا از نظر شورای فرهنگ عمومی ممنوع است (زیرا همه مناسبت‌های مصوب شورا را ثبت نکرده است) یا برای آنکه امکان انتشار و توزیع عمومی داشته باشد، مجوز شورا را کسب می‌کند اما آنچه مدنظر خودشان هست را نیز در تقویم می‌آورند. عوامل شکل‌گیری تقویم‌های غیررسمی از این قرار است:

۱ـ تکثری حول مفهوم «شهید»: شهید زیارتگاهی است که جمعی را حول محور خود گرد هم می‌آورد. از این جهت مهم است که چه کسی را شهید بنامند. شهید نمادی از ارزش‌های یک جمع است. این امر موجب شده است این مفهوم

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تبدیل به یکی از محورهای مناقشات به ویژه در دوران پس از انقلاب گردد. بسیاری از کسانی که در ابتدای انقلاب جزو شهدای انقلاب تلقی می‌شدند، به تدریج در سال‌های بعد، از جرگه شهدا خارج شدند. همین مسأله موجب شد، گروه‌های متعدد پیرامون کسانی که به عنوان شهید معرفی می‌کردند، شکل بگیرند. در ارتباط میان قدرت سیاسی و گروه‌های اجتماعی جایگاه شهید تعیین کننده رویکرد هر گروه نسبت به قدرت سیاسی و ارزش‌های مدنظر آن است. این‌گونه می‌توان از پیوست‌ها و گسست‌هایی سخن گفت که در میان گروه‌های مختلف اجتماعی با قدرت سیاسی و با دیگر گروه‌های اجتماعی حول اشخاصی که شهید قلمداد می‌شوند، شکل می‌گیرند.

۲ـ حاشیه‌ای کردن برخی رویدادها و شخصیت‌ها: به حاشیه راندن بسیاری از شخصیت‌ها و رویدادها، به ویژه آنهایی که زمانی در تقویم رسمی حضور داشتند، به معنای حذف گروه‌هایی است که گذشته‌شان پیوند عمیقی با این افراد و رویدادها دارند. هر چه با گذشت زمان تعداد بیشتری از رویدادها و اشخاص از تقویم رسمی حذف می‌شوند، بر تعداد تقویم‌های غیررسمی افزوده می‌شود. در واقع حافظه‌های خاموش از خلال این فرایند برمی‌خیزند و گروه‌های بیشتری حول این حافظه‌ها شکل می‌گیرند تا برای خود هویتی مستقل بسازند.

۳ـ تفکیک و تکثر گروه‌ها: حذف، سرکوب یا مسکوت گذاشتن حافظه‌های برخی بخش‌های جامعه موجب شده است که آنها برای اعلام وجود و اعاده هویت خود، به انتشار تقویم روی آورند. بدین ترتیب تفکیک شدن گروه‌های مختلف از یکدیگر و تکثر یافتن آنها حاصل روند ذکر شده است. این روند متکثر شدن از آن‌جایی که بسیاری از این گروه‌ها در مقابل حکومت و گروه‌های همسو با آن قرار می‌گیرند، به ایجاد گسست‌هایی می‌انجامد. اما نکته قابل توجه پیوند خوردن برخی از این گروه‌ها با یکدیگر در مقابل قدرت سیاسی و گروه‌های همسو با آن است. برای مثال زنان، کارگران، معلمان، طرفداران محیط زیست و گروه‌هایی از این قبیل مناسبت‌های مربوط به یکدیگر را تا جای ممکن در تقویم‌های‌شان می‌آورند. به نظر می‌رسد این گروه‌ها با وجود تمامی تفاوت‌های‌شان به دلیل اشتراکی که در جایگاه‌شان نسبت به قدرت سیاسی دارند، به یکدیگر پیوسته‌اند و دغدغه‌هایی مشابه یافته‌اند.

۴ـ حافظه‌های داغ، حافظه‌هایی ممنوع: تاریخ بخشی از گذشته است که دیگر تحرک ندارد و منجمد شده است. از این رو به نگارش درمی‌آید و در کتاب‌ها جا خوش می‌کند. آن حافظه‌هایی که سرد می‌شوند و تغییر و تحولی ندارند، به تدریج پا به عرصه تاریخ می‌گذارند. حافظه‌های داغ متعلق به گروه‌هایی است که در میانه میدان رویدادهای سیاسی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و اجتماعی ایستاده‌اند و هر دم با حادثه‌ای مواجه می‌شوند که مناسبتی به تقویم‌شان می‌افزاید. قرار گرفتن حافظه فعال این گروه‌ها در برابر تاریخ نشان از مقابله آنها در برابر قدرت سیاسی است. چنین حافظه‌هایی معمولاً جزو حافظه‌های ممنوع و همیشه خواهان فرصتی برای بروز خود هستند. بدین ترتیب هر چه بیشتر نادیده گرفته شده یا سرکوب شوند، شکاف میان آنها با گروه‌های قدرتمند جامعه بیشتر می‌شود.

ـ حافظه‌های پراکنده، نامنسجم و گسسته ایجاد شده به وسیله تقویم‌های غیررسمی می‌تواند به نوعی شکاف و گسست هویتی در جامعه بینجامد. وقتی قدرت به همه عرصه‌های زیست اجتماعی وارد می‌شود و آنها را با سیاست‌گذاری‌های خود تحت نظارت قرار می‌دهد؛ زمانی که قدرت فضایی برای بروز رویکردهای متفاوت باقی نمی‌گذارد و با هر تفاوتی برخورد می‌کند و می‌خواهد همه را زیر چتر هویت همگون ابداعی خود جمع نماید؛ وقتی هر تفاوت و تمایزی به چشم یک تهدید نگریسته می‌شود و نه کثرتی که می‌تواند در عین حال در درون وحدت بزید، آنچه رخ می‌دهد، شکل‌گیری مقاومت از سوی کسانی است که به حاشیه رانده شده و حذف شده‌اند. حافظه‌ها زمانی سربرمی‌آورند که فراموشی بر علیه آنها وارد عرصه شود. هویت‌گرایی حاصل سرکوب هویت‌هاست. بدین ترتیب حافظه‌های گوناگونی که در قالب تقویم‌ها خود را نشان می‌دهند، اعلام وجود می‌کنند. تکثری از حافظه‌ها و هویت‌ها که در درون هویت‌های فراگیر و در کنار یکدیگر آرام نمی‌گیرند بلکه در تقابل با هویت فراگیر و در برابر یکدیگر قد علم می‌کنند. تقویم‌ها به عرصه نزاع میان حافظه‌های گوناگون با تاریخ برساخته قدرت سیاسی و با دیگر حافظه‌های موجود در جامعه بدل می‌شوند.

ـ یافته‌های پژوهش می‌توانند ویژگی گسست حافظه‌های درون جامعه ایران را تا حدودی مشخص کنند. تضاد ملی ـ مذهبی، ملی ـ جهانی، باستان‌گرایانه ـ مذهبی، ملی ـ قومی، مذهبی ـ مذهبی، ملی ـ ملی و مذهبی ـ جهانی از جمله مهم‌ترین گسست‌هایی هستند که از بررسی تقویم‌های رسمی و غیررسمی موجود در جامعه می‌توان به وجود آنها پی برد.

مطالعه ارتباط میان حافظه‌های غیررسمی، تاریخ و هویت‌های موجود در جامعه ایران در این پژوهش مبتنی بر بررسی تقویم‌ها بود اما می‌توان در پژوهشی مکمل به سراغ کسانی رفت که از این تقویم‌ها استفاده می‌کنند (و اغلب‌شان اعضای گروه‌های اجتماعی‌ای هستند که این تقویم‌ها را منتشر می‌کنند یا با اعضای این گروه‌ها ارتباط دارند). پرسش

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

از دلیل استفاده از چنین تقویم‌هایی می‌تواند نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر را تأیید یا رد کند و یا آن را مورد جرح و تعدیل قرار دهد. به عنوان پژوهشگری که چندین سال است تقویم ایران را موضوع پژوهش خود قرار داده‌ام، می‌توانم این فرضیه را مطرح کنم که برای اغلب کاربران، چنین تقویم‌هایی ویژگی‌ای نمادین دارد. در جامعه‌ای که قدرت سیاسی در همه حیطه‌ها نفوذ و نظارت دارد و تلاش می‌کند همه عرصه‌ها را سیاست‌گذاری کند، عدم امکان بیان مستقیم و آزادانه عقاید و خواست‌ها، جامعه را به سوی نمادسازی و استفاده از نمادها سوق می‌دهد زیرا نمادها بیان بی‌صدای ناگفتنی‌ها هستند. در چنین جامعه‌ای هر چیزی می‌تواند تبدیل به نماد شود. چنین تقویم‌هایی را نیز می‌توان دارای جایگاهی نمادین دانست؛ آیا می‌توان خرید تقویم العبد (تقویم منتشر شده توسط مرکز تنظیم و نشر آثار آیت‌الله بهجت)، تقویم شلمچه، تقویم‌های محیط زیستی، تقویم‌های کارگری یا تقویم‌های زنان را امری تصادفی دانست یا آن را صرفا در جهت استفاده از این تقویم‌ها مانند دیگر تقویم‌ها برای برنامه‌ریزی زندگی روزمره دانست؟ به نظر می‌رسد که اغلب افرادی که چنین تقویم‌هایی را خریداری می‌کنند یا آن را به طریقی به دست می‌آورند، خود را جزئی از این گروه‌ها یا نزدیک به آنها و رویکردشان را در جهت رویکرد آنها می‌دانند و می‌خواهند از خلال این تقویم‌ها چنین رویکردی را بروز دهند.

نتایج پژوهش حاضر صرفا یک فرضیه را در خصوص افزایش گسست‌های هویتی در جامعه ایران مطرح می‌کند و امکان ارائه نظرات قطعی در این خصوص را ندارد زیرا فقط به تعداد محدودی از تقویم‌های غیررسمی دسترسی داشته است در حالی که این احتمال وجود دارد که تعداد تقویم‌های غیررسمی منتشر شده توسط گروه‌های مختلف اجتماعی در ایران بسیار بیش از این باشد. دست یافتن به بسیاری از تقویم‌های غیررسمی نیازمند برقراری ارتباط با گروه‌های خاص (از جمله گروه‌های صنفی، مذهبی، سیاسی و ...) است که با توجه به نوع ارتباط قدرت سیاسی با این گروه‌ها و شرایط موجود، جلب اعتماد هر یک از این گروه‌ها و مرتبط شدن با آنها به وقت بسیار زیاد و ارتباط مستمر نیاز دارد. در این پژوهش تلاش‌های بسیاری صورت گرفت تا چنین ارتباطاتی برقرار شود و تقویم‌های بیشتری در دسترس قرار گیرد و تا حدی نیز نتیجه‌بخش بود اما به نظر می‌رسد همچنان تقویم‌های دیگری نیز هستند که توسط گروه‌های غیررسمی منتشر می‌شوند.بدین ترتیب پژوهش‌های آتی می‌توانند به یافتن و بررسی تعداد بیشتری از تقویم‌های غیررسمی بپردازند و نتایج پژوهش حاضر را در مقایسه با آنها تأیید یا جرح و تعدیل کنند. همچنین پرداختن به موضوع ارتباط میان تاریخ و حافظه‌های بدیل در جامعه ایران از خلال مطالعات میدانی دیگر نیز می‌تواند از چارچوب مفهومی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

این پژوهش استفاده نماید و نتایج خود را در خصوص وجود یا عدم وجود شکاف هویتی در جامعه ایران از آن طریق مورد سنجش قرار دهد.

همان‌طور که گفته شد این پژوهش با محدودیت‌های بسیاری برای انجام کار میدانی مواجه بود. عدم وجود آرشیوی از تقویم‌های غیررسمی و نیاز به گردآوری آنها از طریق کتاب‌فروشی‌ها و دستفروش‌ها، دادن پیام در فضای مجازی، مراجعه به کتابخانه‌هایی مانند کتابخانه دانشگاه تهران و کتابخانه ملی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، رجوع به افراد مطلع در ارتباط با کتابخانه‌ها و آرشیوهای موجود و مواردی از این قبیل کار را با دشواری‌هایی در این مرحله مواجه نمود.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی:

ـ احمدی حمید (ویراستار)، *ایران: هویت، ملیت، قومیت*، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، **۱۳۸۶**، چاپ دوم.

ـ اشرف احمد، *هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی*، ترجمه و تدوین: حمید احمدی، تهران: نشر نی، **۱۳۹۵**، چاپ اول.

ـ اندرسن بندیکت، *جماعت‌های تصوری*، محمد محمدی، تهران: رخ‌داد نو، **۱۳۹۳**، چاپ اول.

ـ برک پیتر، *انقلاب تاریخنگاری فرانسه (مکتب آنال ۸۹-۱۹۲۹)*، کامران عاروان، تهران: نشر تاریخ ایران، **۱۳۸۹**، چاپ اول.

ـ برگسون هانری، *زمان و اراده آزاد (تحقیق در باب معطیات بی‌واسطه خودآگاهی)*، احمد سعادت‌نژاد، تهران: امیرکبیر، **۱۳۵۴**، چاپ اول.

ـ جعفریان رسول، *مقالات و رسالات تاریخی (بیست و سه مقاله و رساله تاریخی)*، تهران: نشر علم، **۱۳۹۶**، چاپ اول.

ـ جنکینز ریچارد، *هویت اجتماعی*، نازنین میرزابیگی، تهران: انتشارات آگاه، **۱۳۹۶**، چاپ اول.

ـ سروش عبدالکریم، *رازدانی و روشنفکری و دین‌داری*، تهران: صراط، **۱۳۷۷**، چاپ سوم.

ـ شایگان داریوش، *افسون‌زدگی جدید (هویت چهل تکه و تفکر سیار)*، فاطمه ولیانی، تهران: فرزان روز، **۱۳۹۳**، چاپ هشتم.

ـ شریعتی علی، *بازشناسی هویت ایرانی ـ اسلامی*، انتشارات الهام و بنیاد دکتر علی شریعتی، **۱۳۸۸**، چاپ نهم.

ـ فلیک اووه، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، هادی جلیلی، تهران: نشر نی، **۱۳۹۰**، چاپ سوم.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ـ گل محمدی احمد، *جهانی شدن، فرهنگ و هویت*، تهران: نشر نی، ۱۳۹۶، چاپ هشتم.

ـ محمدپور احمد، *ضد روش (مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی)*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲، چاپ دوم.

ـ موسی‌پور ابراهیم، *تاریخ اجتماعی: رویکردی نوین به مطالعات تاریخی*، تاریخ و تمدن اسلامی، ۱۳۸۶، سال سوم، شماره ششم، صص ۱۴۱–۱۵۵.

منابع انگلیسی:

- Abdullah Anzar, “Social History, Small People History: Annal School of Thought History”, *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, Vol. ۵, No. ۷ (۲۰۱۵), pp. ۲۲-۲۶.
- Aymard Maurice, “History and Memory: Construction, Deconstruction, Reconstruction”, Sage: *Diogenes* (۲۰۰۴), pp. ۷-۱۶.
- Baskarada Sasa, “Qualitative Case Study Guid*eline”*, *The Qualitative Report*, Vol. ۱۹ (۲۰۱۴), pp. ۱-۱۸.
- Beristain Carlos Marin, Dario Paez & Jose Liz Gonzalez,”Rituals, Social Sharing, Silence, Emotions and Collective Memory Claims in the case of the Guatemalan genocide”, *Psicothema*, Vol. ۱۲ (۲۰۰۰), pp. ۱۱۷-۱۳۰ .
- BhaBha Homi K. (Ed.), *Nation and Narration*, Routledge, ۲۰۰۰ .
- David Lea, *Impression Management of a Contested Past: Serbia’s Evolving National Calendar*, Memory Studies, Vol. ۷ (۲۰۱۴), pp. ۴۷۲-۴۸۳.
- Delich Francisco, *The Social Construction and of Memory and Forgetting*, Diogenes, Vol. ۵۱, Issue ۱ (۲۰۰۴), pp. ۶۵-۷۵.
- Fridman Orli, *Alternative Calendars and Memory Work in Serbia: Anti-War Activism after Milosevic*, Memory studies, Vol. ۸ (۲۰۱۵), pp. ۲۱۲-۲۲۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

- Gabel Ines, *Historical Memory and Collective Identity: West Bank Settlers Reconstruct the Past*, Media, Culture and Society, Vol. ۳۵, No. ۲ (۲۰۱۳), pp. ۲۵۰-۲۵۹.
- Gensburger Sarah, *Halbwachs' Studies in Collective Memory: A Founding Text for Contemporary 'Memory Studies'?*, Journal of Classical Sociology, Vol. ۱۶, No. ۴ (۲۰۱۶), pp. ۳۹۶-۴۱۳.
- Goldberg Tsafrir, Dan Porat & Baruch B. Schwarz, *"Here Started the Rift We See Today: Student and Textbook Narratives between Formal and Countermemory"*, Narrative Inquiry, Vol. ۱۶, No. ۲ (۲۰۰۶), pp. ۳۱۹-۳۴۷.
- Guglielmucci Ana & Luciana Scarrafuni Ribeiro, *Site of Memory and Site of Forgetting: The Repurposing of the Punta Carretas Prison*, Margot Olavarria (trans.), Latin American Perspectives, Vol. ۲۰, No. ۳۰ (۲۰۱۵), pp. ۱-۱۴.
- Halbwachs Maurice, *On Collective Memory*, trans. Lewis Coser, Chicago: the University of Chicago press, ۱۹۹۲.
- Halbwachs Maurice, *The Collective Memory*, Harper Colophon Books, ۱۹۸۰ .
- Hedley Clark Steve, *Introduction: Paul Ricoeur: Memory, Identity, Ethics*, Theory, Culture and Society, Vol. ۲۷, No. ۵ (۲۰۱۰), pp. ۳-۱۷.
- Hobsbawm Eric & Terence Ranger (ed.), *The Invention of Tradition*, Canbridge University Press, ۲۰۰۰ .
- Legg Stephen, *Contesting and Surviving Memory: Space, Nation and Nostalgia*, Environment and planning, Vol. ۲۳ (۲۰۰۵), pp. ۴۸۱-۵۰۴.
- Medina Jose, *Toward a Foucaultian Epistemology of Resistance: Counter-Memory, Epistemic Friction and Guerrilla Pluralism*, Foucault Studies, No. ۱۲ (۲۰۱۱), pp. ۹-۳۵.
- Megill Allan, *History, Memory, Identity*, History of the Human Sciences, Vol. ۱۱, No. ۳ (۱۹۹۸), pp. ۳۷-۶۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

- Misztal Barbara A., *Durkheim on Collective Memory*, Journal of Classical Sociology, Vol. ۳, No. ۲ (۲۰۰۳), pp. ۱۲۳- ۱۴۳.
- Misztal Barbara A., *The Sacralization of Memory*, European Journal of Social Theory, Vol. ۷, No. ۱ (۲۰۰۴), pp. ۶۷-۸۴.
- Misztal Barbara A., *Theories of Social Remembering*, Open University Press, ۲۰۰۳.
- Molden Berthold, *Resistant Pasts versus Mnemonic Hegemony: On the Power Relations of Collective memory*, Memory Studies, Vol. ۹, No. ۲ (۲۰۱۶), pp. ۱۲۵-۱۴۲.
- Nora Pierre, *Between Memory and History: Les Lieux de Memoire*, Representations, No. ۲۶, Special Issue: Memory and Counter- Memory, (۱۹۸۹), pp. ۷-۲۴.
- Olick, Jeffrey K. & Joyce Robbins, *Social Memory Studies: From "Collective Memory" to Historical Sociology of Mnemonic Practices*, Annual Review of Sociology, Vol. ۲۴ (۱۹۹۸), pp. ۱۰۵-۱۴۰ .
- Pool Ross, *Memory, History and the Claims of the Past, Memory Studies*, Vol. ۱, No. ۲ (۲۰۰۸), pp. ۱۴۹- ۱۶۶.
- Rae Heather, *State Identities and the Homogenisation of Peoples*, Cambridge university press, ۲۰۰۲.
- Russell Nicolas, *Collective Memory before and after Halbwachs, The French Review*, Vol. ۷۹, No. ۴, (۲۰۰۶), pp. ۷۹۲-۸۰۴.
- Ryan Lorraine, Memory, Power and Resistance: The Anatomy of a Tripartite Relationship, memory Studies, Vol. ۴, No. ۲ (۲۰۱۰), pp. ۱۵۴- ۱۶۹.
- Schwartz Barry, *The Social Context of Commemoration: A Study in Collective Memory*, Social Forces, Vol. ۶۱, No. ۲ (۱۹۸۲), pp. ۳۷۴-۴۰۲.
- Smith Anthony D., *National Identity*, Penguin Books, ۱۹۹۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

- Sorokin Pitirim A. & Robert K. Merton, Social Time: A Methodological and Functional Analysis, American Journal of Sociology, Vol. ۴۲, No. ۵ (۱۹۳۷).
- Tallentire Jenea, *Strategies of Memory: History, Social Memory and the Community*, Social History, Vol. ۳۴, No. ۶۷ (۲۰۰۱), pp. ۱۹۷-۲۱۲.
- Thomas Gary, *A Typology for the Case Study in Social Science Following a Review of Definition, Discourse and Structure*, Qualitative Inquiry, Vol. ۱۷, No. ۶ (۲۰۱۱), pp. ۵۱۱-۵۲۱.
- Van Assche Kristof, Patrick Devlieger, Petruta teampau & Gert Verschraegen, *Forgetting and Remembering in the Margins: Constructing Past and Future in the Romanian Danube Delta*, Memory Studies, Vol. ۲, No. ۲ (۲۰۰۹), pp. ۲۱۱-۲۳۴.
- Van Eck Ernest, *Social Memory and Identity: Luke: ۱۹: ۱۲b-۲۴ and ۲۷*, Biblical Theology Bulletin, Vol. ۴۱, No. ۴ (۲۰۱۱), pp. ۲۰۱- ۲۱۲.
- Yin Robert K., Case Study Research: Design and Methods, Sage, ۲۰۰۹.
- Zerubavel,Eviatar. (۱۹۸۱) *Hidden Rhythms:Schedules and Calendars in Social Life*. Chicago:University of Chicago Press.
- ZerubavelEviatar, *Easter and Passover: On Calendars and Group Identity*, American Sociological Review, Vol. ۴۷, No. ۲ (۱۹۸۲), pp. ۲۸۴-۲۸۹.
- ZerubavelEviatar, *The French Republican Calendar: A Case Study in the Sociology of Time*, American Sociological Review, Vol. ۴۲, No. ۶ (۱۹۷۷), pp. ۸۶۸-۸۷۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه/ رساله دانشجو

ـ سروش‌فر زهره، سوسن باستانی و مرضیه موسوی (۱۴۰۰)، حافظه و هویت (مطالعه تقویم‌های غیررسمی در دوران پس از انقلاب)، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، (۶۴) ۱۷، ۳۹-۶۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

- **کارنامک به زبان فارسی**

زهره سروش‌فر دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه الزهرا درگرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران در سال ۱۳۹۷ است. او در سال ۱۳۸۶ مدرک مقطع کارشناسی خود را از دانشگاه الزهرا در رشته علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری و مدرک مقطع کارشناسی ارشد خود را در سال ۱۳۹۰ از دانشگاه تهران در رشته جامعه‌شناسی دریافت کرد. زمینه‌های پژوهشی وی عبارتند از : جامعه‌شناسی دین، حافظه جمعی، جامعه‌شناسی زمان

- **کارنامک به زبان انگلیسی**

Zohre Soroushfar has obtained her Phd degree in the field of Sociology and the sub-discipline of Iran social issues from Alzahra University in the year ۱۳۹۷ Former to that, she obtained her BA degree in the field of Social Sciences and the sub-discipline of Research from Alzahra University in the year ۱۳۸٦, and her MA degree in the field of Sociology and the sub-discipline of Sociology, from Tehran University in the year ۱۳۹۰. Her research interests include: Sociology of Religion, Collective Memory,Sociology of Time

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

Abstract:

The present study examines the relationship between the three concepts of memory, history and identity through a review of the formal and informal calendars of the last ۵۰ years in Iran. Formal calendars are calendars that are published with the permission of the government and reflect only occasions for political power. Informal calendars, which themselves have two types, allowed and not allowed, are calendars published by various social groups that include occasions other than formal occasion.

Political power has always paid special attention to the calendar. For example, kings chose the type of calendar that governs the calendar of each historical period, and they commented on issues such as leaps and astronomical issues of the calendar. But the question of who is responsible for extracting and publishing the calendar began gradually during the Qajar period, resulting in what became known as the "formal calendar." This trend became much more prominent in the years after the Islamic Revolution, and separate institutions were identified to extract the astronomical calendar and determine its occasions. The formal calendar has no place for the publication of occasions considered by other social groups, especially those that have been rejected and marginalized by political power for any reason. These groups are also excluded from the calendar and therefore seek a place to record their collective memory in the form of occasions. Hence, informal calendars are formed. Of course, it should be noted that not all informal calendars belong to such groups, but some of these calendars are allowed for publication, and only some groups want other occasions in addition to the formal calendar occasions.

Informal calendars are a place to record "collective memory" and tell different social groups about their history and past and that of society. In contrast, the formal calendar tells the story of political power from history. In fact, "history" is recorded in the formal calendar and "alternative memories" are recorded in the informal calendars. Formal history removes and suppresses the narrative of many groups. History and collective memory both play a role in defining the identity of a group or society, meaning that such narratives are used to construct a particular identity that is intended by political power or different groups. The theoretical issues raised

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

in the second chapter discuss history, identity, and collective memory, as well as alternative memory. In this regard, various theories such as the theory of Maurice Halbwachs, Eric Hobsbawm, Michael Foucault and other thinkers have been used.

This research has studied the formal calendar and more than ۲۷۰ informal calendars collected by the researcher with a qualitative approach and using the case study method. The findings of the study indicate the removal of occasions related to some groups such as women, students, teachers, workers, children, etc. from the formal calendar. The findings also show that some historical periods such as the first Pahlavi era and Dr. Mossadegh era have been removed from the formal calendar. In fact, there are significant differences between the formal calendar and some informal calendars in terms of the type of occasion in question, the historical periods emphasized, and the approach to a common occasion.

The results show that the monopolistic and policy-making approach to the formal calendar has fueled identity conflicts within the community because other existing groups did not find their history in the calendar. Thus, in response to this approach of political power to the calendar, Iranian society faced an explosion of informal calendars, especially in the post-revolutionary years. These calendars show the gaps between different social groups with political power and the gaps between the social groups themselves.

Keywords: Collective Memory, History, Identity,Informal Calendar, Formal Calendar

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

Alzahra University

Faculty of Social and Economic Sciences

Department of Siology

A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for

the Degree of Ph.D. in Sociology

Title

Memory, History and Identity:

The Study of Formal and Informal Calendars of the Last ٥٠ Years in Iran

By

Zohre Soroushfar

Supervisor(s)

Dr. Sousan Bastani

Dr. Marzie Mousavi

Advisor(s)

Dr. Sara Shariati

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

Esfand ۱۳۹۷

Alzahra University

Faculty of Social and Economic Sciences

Department of Siology

A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for

the Degree of Ph.D. in Sociology

Title

Memory, History and Identity:

The Study of Formal and Informal Calendars of the Last ۵۰ Years in Iran

By

Zohre Soroushfar

Supervisor(s)

Dr. Sousan Bastani

Dr. Marzie Mousavi

Advisor(s)

Dr. Sara Shariati

دسترسی به این مدرک بر پایۀ آیین‌نامۀ ثبت و اشاعۀ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارۀ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایۀ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

Esfand ۱۳۹۷

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.